

صنعت معدن تجارت

ویژه نامه نوروز ۱۴۰۳

بهار قرآن و بهار طبیعت مبارک



شرکت سرمایه گذاری
مسکن شمال غرب
(تهامی عام)



سفرکارت علی بابا

یک هدیه سازمانی خاطره انگیز برای نوروز ۱۴۰۳ ویژه هدیه به:
همکاران سازمان • شرکای تجاری • مشتریان وفادار


alibaba

ثبت درخواست و اطلاعات بیشتر:

تلفن ۰۲۱-۴۳۹۰۰۲۲۴

ایمیل safarcard@alibaba.ir

www.alibaba.ir/safarcard





شماره ملی: ۱۰۳۲۰۴۵۳۸۸۸
شماره ثبت: ۳۹۵۵۰۱

شرکت مهندسی توسعه آب آسیا

شرکت مهندسی توسعه آب آسیا کارخانه آب شیرین کن بندر عباس را جهت شیرین سازی آب خلیج فارس با ظرفیت یک میلیون مترمکعب در شبانه روز برای مصارف صنایع و آب شرب استان های هرمزگان، کرمان و یزد راه اندازی نموده است که در حال حاضر فاز اول آن به بهره برداری رسیده است و تا پایان سال ۱۴۰۲ مازول دوم شیرین سازی نیز به بهره برداری می رسد. سرمایه ثبت شده شرکت تا کنون بالغ بر ۳۲،۴۰۰ میلیارد ریال می باشد.

آدرس: ملاصدرا، شیراز جنوبی، گرمسار غربی، بهار اول، بهار دوم، پلاک ۲۸

تلفن: ۸۸۲۱۶۹۹۰ فکس: ۸۸۲۱۶۹۷۵

www.asiawaterco.com





سازمان مسابقات



نیرو موتور بزرگ ترین تولیدکننده
موتور سیکلت در ایران



مهندس حیدر نیا: با سرمایه گذاری در خلاقیت و نوآوری، شاهد شکوفایی صنعت پتروشیمی خواهیم بود

مدیرعامل
شرکت پتروشیمی
شیراز، با اشاره
به طراحی و اختراع
دستگاه اندازه گیری
سرعت ماشین های دوار و
دستگاه جرعه زنی و جایگزینی
آن با دستگاه لرزش سنچس و
فرکانس متر در این شرکت، به نقش
بی بدیل جوانان در تحقق اهداف شرکت
متبوع و تبدیل شدن آن به قطب خلاقیت و
نوآوری در صنعت پتروشیمی کشور اشاره کرد.

مهندس احمدرضا حیدر نیا ضمن تبریک به دو
جوان نخبه ای که تسلیم تحریم نشدند و دستگاه
اندازه گیری سرعت ماشین های دوار و دستگاه جرعه
زنی را در این شرکت طراحی کردند، گفت: این شرکت با
اتکا به خلاقیت و نوآوری جوانان خود، در خط مقدم جبهه
پیشرفت و توسعه صنعت پتروشیمی کشور قرار گرفته
است. وی با تشریح برنامه های شرکت پتروشیمی شیراز
در سال جدید، گفت: ما با تمرکز بر بومی سازی دانش فنی،
افزایش راندمان تولید و توسعه صادرات، گام های بلندی
در مسیر تحقق اهداف خود برداشته و سهم بسزایی در
رونق اقتصادی کشور ایفا خواهیم کرد.

مدیرعامل شرکت پتروشیمی شیراز همچنین با تأکید
بر ضرورت حمایت از جوانان نخبه و نوآور، خاطرنشان کرد:
با سرمایه گذاری در حوزه خلاقیت و نوآوری و فراهم کردن
زمینه های بروز استعداد های جوانان، شاهد شکوفایی و بالندگی
صنعت پتروشیمی کشور خواهیم بود.

مهندس حیدر نیا با ابراز امیدواری به آینده ای روشن برای صنعت
پتروشیمی ایران، از جوانان این صنعت خواست تا با عزم و اراده راسخ، در
مسیر تحقق اهداف شرکت گام برداشته و پتروشیمی شیراز را به عنوان قطب
خلاقیت و نوآوری در منطقه تبدیل کنند. بنا بر این گزارش، طی سالیهای اخیر فرسوده شدن
برخی تجهیزات، پتروشیمی شیراز را در آستانه کاهش تولید قرار داده بود اما با فراهم شدن بستر حضور
پژوهشگران و مهندسان جوان ورق برگشت و همه تجهیزات مورد نیاز به همت توسط جوانان استان فارسی
طراحی و بومی سازی شدند.

اکنون دو جوان نخبه استان فارس موفق به طراحی و اختراع دستگاه اندازه گیری سرعت ماشین های دوار و دستگاه
جرعه زنی و جایگزینی آن با دستگاه لرزش سنچس و فرکانس متر شرکت پتروشیمی شیراز شدند.
آقایان شورانگیز و خرم، دو جوان نخبه و فارغ التحصیل رشته الکترونیک که از دانشگاه شیراز و مرودشت جذب صنعت
شده اند، در پی فرسودگی دستگاه لرزش سنچس و فرکانس متر شرکت پتروشیمی شیراز دست به کار شدند چون آن دستگاه
دیگر نه قابل تعمیر بود و نه در بازار وجود داشت.

شورانگیز، جوان نخبه ای که از دانشگاه شیراز و در رشته الکترونیک فارغ التحصیل شده و عضو یک شرکت دانش بنیان است، در
تشریح جزئیات کارکرد این دستگاه بیان کرد: تنها کشورهای خاصی این دستگاه را تولید می کنند و به دلیل کاربردی بودن آن در صنایع
هوایی، جزو قطعات تحریمی محسوب می شود.

وی با تصریح بر این موضوع که این دستگاه وارداتی را نه می شد بومی سازی و نه از خارج تأمین کرد، گفت: اگر فکری به حال این قطعه
نمی شد، روند تولید در پتروشیمی شیراز با مشکل مواجه می شد.

شورانگیز خاطرنشان کرد: از آنجا که در شرایط عادی همیشه باید پیش بینی آینده را کرد، تصمیم گرفتیم با توجه به تجربه تعمیراتی که از سایت
می آید، دستگاه را خودمان بسازیم. وی ادامه داد: این دستگاه در جهت تعمیر سیستم لوب های لرزش، به ما کمک می کند.
این مخترع جوان با بیان اینکه نمونه قبلی این دستگاه مکانیکی بوده و ما در طراحی بخش مکانیکی را کامل حذف و بخش دیجیتال و طراحی و ساخت
را در خود مجتمع پتروشیمی شیراز انجام دادیم، عنوان کرد: این دستگاه در سال ۱۴۰۰ به نام پتروشیمی شیراز ثبت شد.

خرم، دیگر نخبه مخترع دستگاه فوق هم گفت: طراحی را خودمان انجام دادیم و موفق به ساخت هم دستگاه اندازه گیری سرعت ماشین های دوار
و هم دستگاه جرعه زنی شدیم.

به گزارش پتروشیمی شیراز، قرار است اختراعات این جوانان نخبه به تولید انبوه و در دیگر پتروشیمی های کشور استفاده شود.





بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین تولیدکننده قطعات خودرویی کشور



تهران، کیلومتر ۱۱ جاده مخصوص کرج/کدپستی: ۱۳۹۹۸۱۳۴۱/تلفن: ۰۲۱ ۴۴ ۹۰ ۸۱ ۴۱ - ۷

یزدباف

یزدباف بزرگترین کارخانجات نساجی در خاورمیانه



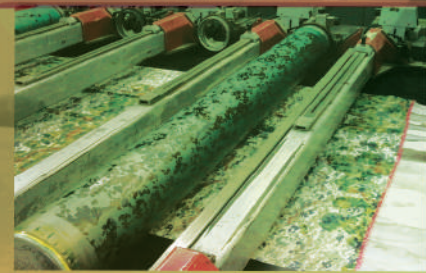
ریسندگی :

قابلیت تولید سالانه ۱۱۰۰۰ تن انواع نخ های پنبه ای .
پنبه شانه شده . الیاف مصنوعی و مخلوط آنها و
همچنین تولید سالانه ۱۵۰۰ تن نخ دولا تاب



بافندگی :

تولید سالانه حدود ۶۰ میلیون متر مربع پارچه
ملحفه ای . پیراهنی . شلوا ری . مانتویی . چادر
مشکی و بتوی سبک در دو سیستم پروژکتایل و
راپیر با عرض های ۲۲۰ . ۳۲۰ و ۳۶۰ سانتی متر



رنگرزی چاپ و تکمیل :

رنگرزی مداوم تا عرض ۲۰۰ سانتی متر سالیانه به
مقدار ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ متر مربع . رنگرزی نخ و الیاف
سالیانه حدود ۴۰۰ تن چاپ انواع پارچه های پنبه
ای الیاف مصنوعی و مخلوط آنها به روش روتاری و
تخت سالیانه به مقدار ۲۹/۰۰۰/۰۰۰ متر مربع



دوخت و دوز :

محصولات این شرکت برای مصرف کنندگان
نهایی نیز تولید می شود که عبارتند از مجموعه
های منسوجات خانگی و پوشاک مردانه زنانه و
کودکان که در فروشگاه های یزدباف در سراسر
کشور به مشتریان عرضه می شود

کارخانه : یزد بلوار جمهوری اسلام بلوار یزدباف تلفن : ۰۳۵-۳۵۲۵۰۰۱۳

دفتر تهران : خیابان انقلاب - چهارراه کالج - پلاک ۷۲۳ تلفن : ۰۲۱-۶۶۴۶۳۳۹۵

www.yazdbaf.com

[@yazdbafshop](https://www.instagram.com/yazdbafshop)



سال نو مبارک ۱۴۰۳



شرکت صنایع فولاد کردستان



کردستان شایسته توسعه



بهار قرآن
و سال نو مبارک باد

شرکت صنایع فولاد کردستان

مجری احداث دو طرح پیشران ملی در صنعت فولاد
جهت تکمیل زنجیره ارزش فولاد استان کردستان

✓ پروژه احداث کارخانه فولادسازی و نورد ورق گرم فولادی
(به روش CSP)

با ظرفیت ۱ میلیون تن در سال در شهرستان قروه

✓ پروژه احداث مگا مدول آهن اسفنجی

با ظرفیت ۱/۶ میلیون تن در سال در شهرستان بیجار

www.k-sico.com



افق گروپ

فروشگاه‌های زنجیره‌ای

هر چه آرزوی تو این گرفت چراغ آفتاب

هر روزتان نوروز

نوروزتان پیروز



لیدر صنعت خرده فروشی کشور

متعلق به بخش خصوصی

HORAND

طراحی، ساخت و نصب تجهیزات سالن های کنفرانس و جلسات
میکروفن کنفرانس تجهیزات صوت عمومی و حرفه ای،
سیستم تصویر برداری و نورپردازی



ایمیل: INFO@HORAND.COM موبایل: ۰۹۱۲۳۱۹۰۷۴۵ اینستاگرام: HORANDAUDIO

تلگرام: HORAND_CO تلفن تماس: ۰۹۱۲۱۵۷۷۹۲۸ (۰۲۱) ۶۶۷۰۹۲۳۱

تهران - خیابان انقلاب - خیابان لاله زار نو - ساختمان شماره ۳ البرز - طبقه سوم - واحد ۱۷

کد پستی: ۱۱۴۵۶۵۶۱۹۱ www.HORAND.com تهران - صندوق پستی: ۳۶۸۶ - ۱۱۳۶۵

ساخت ایران - صنایع الکترونیک افشار (هوراند)

سازمان

نوروز نوید سلامت



گهر زمین

نبض تپنده تولید و توسعه

شرکت معدنی و صنعتی گهر زمین
Beharzan Mining and Industrial Company
روابط عمومی و امور بین الملل





✓ فعالیت در حوزه های معدنی، صنایع معدنی و محصولات
پایین دستی مس

✓ طراحی و اجرای پروژه های معدنی (اکتشاف، استخراج
و فرآوری) و صنایع معدنی

✓ ایجاد اکوسیستم فناورانه و دانش بنیان

✓ حضور در بازار سرمایه (نماد سرچشمه)

SCICO

سال نو مبارک

www.scico.ir

شرکت سرمایه گذاری مس سرچشمه



سهامی عام

شرکت گسترش صنایع و معادن ماهان

MAHAN INDUSTRIES AND MINES DEVELOPMENT (Public joint Stock) CO.



هدینگ ماهان پیشرو در صنعت فولاد و معدن



www.Macmid.com

«روابط عمومی هدینگ گسترش صنایع و معادن ماهان»

نوروز ۱۴۰۳، همراه با شکفتن بهار آرزوهایتان مبارک باد

MULTI



www.multicafe.co

MULTICAFÉ **MultiMate** MULTICOCO

GMEX

شرکت اکتشاف معادن و صنایع غدیر



GHADIR MINES EXPLORATION & INDUSTRIES Co.

مهمترین پروژه های داخلی

معدن چاه غیب
پهنه معدنی جنگسر

معدن طلای خونیک
ذخیره معدنی فسفات کوه لار

معدن مس
معدن گزستان
معدن سرب و روی

WWW.gmining.ir
info@gmining.ir

فهرست

- ۱۵ مدیریت شکر گزاری در خانه تکانی دل
- ۲۰ شادی تابعی از متغیرهاست
- ۲۱ بازاریابی و فروش تبلیغات: دو عامل کلیدی برای موفقیت کسب و کار
- ۲۲ تاریک‌ترین فاتحان دعوای مکرر
- ۳۰ بلای جان تولید
- ۳۲ حمایت دستوری راه به جایی نمی‌برد
- ۳۴ همسایه هم‌فرهنگ، بازار پرسود
- ۳۶ هدف‌گذاری شیرین اما نشدنی!
- ۳۸ مهار تورم در هفتادخوان
- ۴۰ کولبری؛ درد نان و زخم جان
- ۴۲ رگ حیات تجارت قطع می‌شود؟
- ۴۴ دروازه‌ای برای ورود به بازار یک میلیارد نفری
- ۴۶ خزان تجارت زیر سایه تعدد قوانین
- ۴۸ جنگ خاموش گریب‌دورها
- ۵۰ استقبال یا اجبار!
- ۵۴ بازی دوسر برد برای تولید
- ۵۶ رکود در کمین اقتصاد
- ۵۸ سهم زنان در مشاغل صنعتی
- ۶۰ صنعت نمایشی
- ۶۲ ایستاده در غبار
- ۶۴ تمایل به تکرار
- ۶۶ جادوی ارتباط
- ۶۸ چالش ساختاری
- ۷۰ زیر سایه نفت
- ۷۲ ضعف در سایه غفلت ۱۰۰ ساله

ارتباط با ما

تلفن: ۸۲۱۹۰ فکس: ۸۸۷۱۳۷۳۰
 تلفن مرکزی آگهی‌ها: ۳-۸۸۷۲۲۷۳۲
 نشانی: تهران، خیابان قائم‌مقام، کوچه آزادگان
 شماره ۲۶
 کد پستی: ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
 آگهی: ads.smtnews@gmail.com

نماینده استان‌ها
 اصفهان: بهروز راعی
 البرز: اکبر حسینی
 خوزستان: بهزاد ساسان‌پور
 کرمان: بر دنیا امیر تیموری

شناسنامه

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی صناعت معدن تجارت
 مدیر مسئول: ناصر بزرگمهر
 قائم‌مقام مدیر عامل: مهرداد بیات
 مدیر بازرگانی: مجید مدنی
 دبیر ویژه‌نامه: شهریار خادمی
 مدیر فروش: فاطمه احمد پور
 طراح جلد: محمدحسین بزرگ‌ری
 عکس: مهدی گاوهای - آیدا فریدی
 صفحه آرا: سامان شرف‌الدین
 همکاران: مینا معراجی، نیما بیات، امیرحسین حبیبی،
 وحید بهرامی، فریبا کربلایی، شهناز صفایی،
 شروین اشیدری، کیمیا ملکی، احمد جوکار
 ناظر چاپ: بیژن بهادری



روزانه تجارت معدن مناصحت



مدیریت شکر گزاری در خانه تکانی دل

ما، معمولاً ارزش سلامتی تن خود و همراهان و بستگان مان را قدر نمی دانیم و برای سلامتی خویش، ارزش مالی و معنوی تعیین نمی کنیم. یاد بگیریم که غر نزنیم، ناشکری نکنیم، مسایل و مشکلات را با همفکری حل کنیم، همه چیز را به خداوند نسپاریم، خداوند عقل و دانش و دست و پا و سلامتی را داده است و حتماً به مصلحت خویش کمک هم می کند، اما فرار نیست که به جای ما کار کند و پول باران مان نماید. از من و شما حرکت را می طلبد و از او برکت را باید آرزو کرد.



ناصر بزگر گمهر - مدیر مسئول

به نام او که هر چه بخواهد همان می شود

دوستی دارم که توانایی مادی زیادی ندارد، یک آدم معمولی در جامعه است، اما در طول سالها رفاقت، یادم نمی آید که از وضع مالی خودش گله کرده باشد، همه عمر کار کرده و از خداوند شاکر بوده و همان لقمه محدود را با گشاده دستی با خانواده و دوستانش خورده است، او می گوید، خیلی ها خیال می کنند که من همه چی دارم و خیلی خوش هستم، اما نمی دانند که من هم خیلی چیزها ندارم و آرزوی آن ها را هم دارم، اما همیشه شاکر آن چیزهایی هستم که دارم و تلاش می کنم که دنبال مقایسه و حسودی نباشم، واسه همین با آرامش زندگی می کنم.

چشم ما در پی خوبان جهان خواهد بود

تا جهان باقی و آیین محبت باقی است

در دنیای مجازی یک بار خواندم که شخصی نوشته بود، این جملات را با دقت بخوانید و در ذهن تان تصور کنید:

یک فلج قطع نخاعی را که از خواب بیدار شده و منتظر است تا یک نفر دیگر بیدار شود و سرش منت بگذارد و ببردش دستشویی و حمام و کارهای دیگرش را انجام بدهد.

می دانید آرزوی این فلج قطع نخاعی چی هست؟ او فقط آرزو می کند که بتواند یکبار دیگر راه برود و کارهایش را خودش انجام بدهد، یک بار دیگر دستشویی برود و آفتابه را خودش در دست بگیرد، به همین تلخی.

و می لیسید با حسرت نگاهش ساق پاها را

و طی می کرد عمری

کوره راه عمر با یک پا

و طی شد سالها در آرزوی پای مصنوعی

و شد روزی که پای دیگرش را داده بود از دست

و گاهی هر چه دارد می دهد از دست یک انسان

و حتی آرزوی پای چوبی را

یک نابینا وقتی از خواب بیدار می شود، روشنایی را نمی بیند، خورشید را نمی بیند، صبح را نمی بیند.

می دانید آرزوی یک نابینا چی هست؟ فقط یک بار، فقط یک روز بتواند نزدیکان و عزیزانش و آسمان و ستاره و ماه و پلنگ و تخم مرغ و پنیر و کره و گل را با چشمانش ببیند.

یک بیمار سرطانی دلش می خواهد خوب بشود و بدون شیمی درمانی و قرص و شربت و مسکن های قوی زندگی کند و درد نکشد.

یک کر و لال آرزویش این است که بتواند با زبانش حرف بزند و با گوش هایش بشنود.

یک بیمار تنفسی دلش می خواهد که امروز را بتواند بدون کپسول اکسیژن نفس بکشد.

الآن مشکل من و شما خواننده صبور این یادداشت چیست؟

هر کدام از ما، چقدر با همه وجود، از همه نعمت هایی که خداوند به ما داده است استفاده می کنیم و

شکرگزار شرایطی که داریم، هستیم؟

گاهی به روزی فکر کنیم که شاید همین نعمت ها را از دست بدهیم، پس شکرگزاری کنیم و از آنچه داریم، حداکثر استفاده را ببریم.

تو و من خیلی خیلی خوشبختیم و نمی دانیم، من و همه کسانی که یک بیماری سخت را از سرگذرانده ایم و یا درگیر آن هستیم، بیشتر از کسانی که به بیماری دچار نشده، قدر سلامتی خود و دیگران را می دانیم.

می گویند یک فیلم بوده است که وقتی شروع به نمایش می شود، فقط سقف را نشان می داده و تماشاگران بعد از چند دقیقه خسته و هتراض و هیاهو کنان شروع به ترک سالن سینما می کنند و بعد از ۱۰ دقیقه بر پرده سینما، این جمله نوشته می شود: این ده دقیقه از زندگی و تصویری است که یک نفر قطع نخاعی روی بستری که خوابیده است می بیند و بعد در برین یک بیمار را در تخت نشان می دهد و فیلم به پایان می رسد. ما گاهی قادر به تحمل دیدن ۱۰ دقیقه از زندگی سخت یک جانباز یا مصدوم در بستر بیماری نیستیم، ولی قادر به غرور و پرخاش کردن همیشگی نسبت به آنچه که داریم و یا نداریم، هستیم.

طبیعت در حال عوض شدن است، رویش بهار را حس می کنیم، صدای جیک جیک گنجشک ها بیشتر شده است، سال جدید فرا رسیده است، خانه تکانی دل، خانه، کاشانه، دفتر کار را باید آغاز کرد، هر سال گفته و نوشته ام که پایان سال باید در دفتر روزنگار خاطره ها بنویسیم که چه چیزی از سال قبل مانده و چه کارهایی باید در سال جدید انجام دهیم.

بی شک کنار همه کارهای اداری و نظافت فیزیکی میز کارمان، باید شکر گزار باشیم که چشم مان به تقویم ۱۴۰۳ هم خورده است و به شکر اندرش مزید ندمت که نفس های ما همچنان ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات. یادمان باشد که در لیست کارهایی که باید انجام دهیم چند موضوع فراموش نماند، کارهای مردمی که در دستان مانده است، حق الناس است، اگر کاری از دست مان بر می آمده و به هر دلیلی انجام ندادیم تا فرصت باقی است بی درد و منت انجام دهیم که خداوند شاهد و ناظر توانمندی بر ماست.

یادمان باشد که در لیست کارهایی که باید انجام دهیم، دور ریختن کینه و دشمنی از دیگری است، شستن افکار منفی و تقویت حس مثبت بودن در خودمان با پاک کردن و یا به قول جوانترها (دلیت) کردن غم ها و درگیری های گذشته و چیدن عشق در هفت سین نوروزی و سبز کردن مهر و به رایگان بخشیدن محبت به دیگری است تا او نیز یاد بگیرد که عشق ورزی کند و

ه پربان گونه زندگی نماید و از کسوت غرور و زیاده خواهی و منیت شیطان گونه راست و مدیریت و من من کنان زندگی خارج شود.

برانداز بیخی که خار آورد
درختی پپرور که بار آورد

پایان سال فرصت دیدار با کسانی است که غم بیماری دارند، غم از دست دادن عزیز و یا غم عزیزی را در بند دارند، غم ننداری دارند، غم نیازمندی دارند، غم دارند، آبرو دارند، غرور دارند.

من هم مثل شما ناراحتم که در کشوری تا این اندازه ثروتمند، فقر و نداری داریم، اما باید همه تلاش مان را بکنیم.

طریقت به جز خدمت خلق نیست

به تسبیح و سجاده و دلق نیست

خانه تکانی فکر و اندیشه و دلتان را در روزهای بهاری انجام دهید.



حمایت از تمامی صنایع اشتغال آفرین

بتوانند گلوگاه های کشور را رفع کنند؛ برای دستیابی به این هدف باید جهاد و تلاش کنیم. هم چنین باید بکوشیم مردم در هیچ زمینه ای بن بست نداشته باشند، هیچ بهانه ای در این زمینه قابل قبول نیست و باید به هر طریقی گلوگاه ها را برطرف کنیم. لذا از تمام صنایعی که ثروت آفرین و اشتغال آفرین هستند، حمایت می کنیم، میزان نیروی کار باید متناسب و با حداکثر بهره وری باشد، در غیر این صورت به جای ثروت سازی، ثروت سوزی اتفاق می افتد.

زیرا مسیر اصلی در صنعت نوآوری است، از ایده تا تجاری سازی محصول شروع و در نهایت منجر به صادرات و فروش می شود.

شرکت های دانش بنیان باید خود را به شرکت های بزرگ وصل کنند. باید به سمت علمی و کاربردی حرکت کنیم. متأسفانه بیشترین تحقیقات را در کشورمان شرکت های دولتی دارند، در حالی که در کشورهای دیگر این موضوع برعکس است. شرکت های بزرگ قادر به تحقیق و توسعه هستند. شرکت های بزرگ باید شرکت های مرتبط کوچک را تحت حمایت خود قرار دهند.

زیاد کردن شرکت های دانش بنیان خطاست، همچنین نباید شرکت های بزرگ اقدام به تولید انبوه کنند، بلکه باید به سمت کالاهایی حرکت کرد که ارزش افزوده برای کشور داشته باشند.

ما به دنبال این هستیم تا دولت را از تصدی گری خارج کنیم، باید قیمت گذاری دستوری را حذف کنیم و اجازه دهیم شرکت های دانش بنیان خارجی وارد شوند تا سهم رقابت افزایش یابد.

برای بین المللی شدن باید ارتباطات را برقرار کرد و شبکه ای از ارتباطات و اطلاعات را در دنیا به وجود آورد. در همین راستا، پیوند خوردن با شرکت های بزرگ دنیا به نفع شرکت های داخلی است.

باید از روابط خود به صورت فرصت طلبانه استفاده کنیم و حتی از روابط کشورها برای ایجاد نمایندگی و راه اندازی تولید بهره ببریم. در همین راستا از شرکت هایی که در سایر کشورها اقدام به تولید کنند در وزارت صنعت، معدن و تجارت حمایت خواهیم کرد.

با بانک مرکزی و وزارت اقتصاد مذاکراتی داشته ایم و در جهت کاهش موانع ناشی از رفع تعهد ارزی تمام تلاش خود را خواهیم کرد و از تمام صاحبان صنایع حمایت می کنیم.

دولت و رییس جمهوری حامی شرکت های دانش بنیان هستند هر کدام از شما شرکت ها که بدون رانت کالایی صادر کرده اید، صاحب ارز حاصل از صادرات هستید. در افزایش زمان بازگشت ارز مذاکراتی انجام داده ایم و به موفقیت هایی رسیده ایم و در کنار شرکت هایی که به مشکلاتی برخورد کرده اند، هستیم. با صندوق توسعه ملی جهت اختصاص وام ارزی به طرح های صادرات محور مذاکراتی داریم و به دنبال آن هستیم تا وام با قیمت پایین تری به دست صنایع برسد. همچنین باید در بخش معدن به سمت اکتشاف پیش رویم، باید کشور را شناخته و پایش کنیم، با تمام قوا از افرادی که در این زمینه فعالیت می کنند نیز حمایت می کنیم.

همچنین از تمامی صنایعی که در زنجیره ارزش، حداکثر ارزش را به وجود می آورند، نیز حمایت خواهیم کرد. در زمینه تجارت، در جاهایی که مزیت رقابتی وجود ندارد، اولویت نخست ما تامین نیاز داخل است. به عنوان مثال اگر دچار کمبود آب هستیم، برنج کشت و تولید نکنیم و در عوض، به سمت تولید گندم برویم که کالایی استراتژیک تر است.

هم چنین در زمینه کالاهایی که در آن مزیت رقابتی وجود دارد باید به سمت صادرات برویم. باید بیان کرد تحولاتی در راه است، محور همه این تحولات، دانش بنیان شدن صنایع است. بنابراین باید بر روی ظرفیت نیروی انسانی و حداکثرسازی آن متمرکز شویم.

وزارت صمت از مواضع خود کوتاه نمی آید و با تمام قوا در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری و تأکیدات مکرر دولت سیزدهم، از تولید کالای داخلی باکیفیت و کمیت متناسب که تمام شاخص ها را رعایت کرده حمایت می کند و اولویت نخست ما این است.

دنیا در همه صنایع در حال تحول است و این تحولات به سرعت رخ می دهد. خودروی برقی نتیجه تحول امروز است و ممکن است فردا خودروی پیشرفته تری باشد، زیرا بشر با استفاده از فناوری، به سرعت در حال تحول و توسعه است، ما باید با این تحولات همراه شویم.

در صنعت خودرو، اولین و مهم ترین عاملی که این تحولات را رقم می زند، افزایش میزان رضایت ذی نفعان است، مهم ترین ذی نفع خودروسازان، مشتری است. اگر مشتری به هر دلیلی راضی نبود، باید رضایت او را جلب کرد. جلب رضایت مشتری موجب جلب رضایت خداوند می شود؛ باید دید مردم از کالاهایی که



عباس علی آبادی
وزیر صنعت، معدن و تجارت

ما تولید می کنیم راضی هستند؟

در همین راستا نخستین تحولی که از شما خودروسازان انتظار می رود، رشد میزان ایمنی خودرو است، زیرا در تصادفات با سرعت معقول نباید به سر نشینان آسیبی وارد شود. لذا باید خودروها به شبکه ای متصل باشند که آن ها را هدایت کند. این موضوع بر کیفیت خودرو نیز اثرگذار خواهد بود.

خودروهای تولید شده توسط خودروسازان باید ترازوی از هوشمندی را داشته باشند، هم چنین خودرو باید اشتراکی بوده و قابلیت این را داشته باشد که هر فردی بتواند با آن رانندگی کند. همچنین خودرو باید ارتقا پذیر نیز باشد، باید پلتفرم خودرو به قدری از زیرساخت مطلوبی برخوردار باشد که به راحتی بتوان آن را ارتقا داد و در آینده قادر به تولید نسخه برقی یا حتی هیدروژنی آن باشید. قیمت خودرو باید مناسب بوده و متناسب با خودرو باشد و به اصطلاح بیارزد.

امروزه یکی از راه های بهبود اقتصاد حمل و نقل کشور برقی سازی است، از نظر اقتصادی، میزان مصرف برق در این خودروها به صرفه است. هم چنین خودروی برقی لنت، روغن، فیلتر هوا و... مصرف نمی کند و می توان به جای آن، به سمت تولید لوازم مورد نیاز محصولات برقی رفت و از پتانسیل کشور برای توسعه استفاده کرد. همچنین تولید خودروی برقی موجب کاهش آلودگی و در نتیجه سلامت شهروندان می شود، آلودگی هوا با خود بیماری به همراه می آورد؛ امروزه هزینه های هنگفتی بابت بیماری مردم پرداخت می شود. استفاده از خودروی برقی در دنیا تجربه شده است، هیچ خودروساز خوبی در دنیا پیدا نمی کنید که خودروی برقی نداشته باشد.

در همین زمینه وزارت صمت در حال دنبال کردن نقشه راهی در این راستا است. اکنون در وزارت صمت، اولویت به صنایعی داده شده است که





۱۴۰۳، سال ورود نیروگاه‌های صنایع بر مدار تولید



علی اکبر محرابیان
وزیر نیرو

مختلف کشور اعم از پیمانکاران بخش خصوصی، خیرین آبرسانی (که برای نخستین بار مجمع خیرین آبرسان در کشور به ثبت رسید و هم‌اکنون این مجمع در بیش از ۱۸ استان ثبت شده است) و نیز نهادهای ویژه ظرفیت سپاه پاسداران طی قرارداد با قرارگاه امام حسین (ع) عملیات اجرایی آبرسانی به بیش از ۷۲۰۰ روستای کشور آغاز و بیش از ۴۵ درصد پیشرفت حاصل شده است بهره‌مند شدیم. امروز بیش از ۸۰۰۰ مگاوات محقق و با شبکه سنکرون شده است. البته با توجه به ناترازی‌هایی که با آن روبه‌رو بودیم، هدف‌گذاری‌ها در این زمینه از ۱۰ هزار مگاوات عبور کرده است و امیدواریم تا پایان دولت سیزدهم با عدد قابل توجهی در این زمینه به هدف‌گذاری برسیم. در توسعه «نیروگاه‌های

صنایع» و «نیروگاه‌های تجدید پذیر» هر یک به میزان ۱۰ هزار مگاوات ضرورت داشت تا اقدامات زیربنایی و قانونی را فراهم کنیم و در کنار ایجاد مشارکت همه صنایع، حمایت دولت و مجلس را نیز شاهد باشیم. این ضرورت ایجاد کرد طی همکاری دولت و مجلس قوانینی مصوب شود که خوشبختانه این مهم صورت گرفت و امروز شاهد آغاز عملیات اجرایی احداث ۶۴۰۰ مگاوات نیروگاه توسط صنایع کشور هستیم. تا امروز ۴ واحد نیروگاهی صنایع شامل ۲ واحد نیروگاه در سمنان، یک واحد نیروگاه کلاس F فولاد مبارکه و یک واحد نیروگاه آلومینیوم المهدی به بهره‌برداری رسیده و حدود ۹۰۰ مگاوات با شبکه سنکرون شده است. برنامه‌ریزی شده تا پیش از تابستان ۱۴۰۳ عدد قابل توجهی از نیروگاه‌های صنایع وارد مدار تولید شوند.

در ابتدا، ساخت نیروگاه توسط صنایع یک امر شنبه‌داری معرفی می‌شد و این گمانه‌زنی وجود داشت که ممکن است ساخت نیروگاه توسط صنایع اقتصادی نباشد اما در یک مدل قانونی و کاملاً اقتصادی و توجیه فنی و مالی توسط صنایع، مشاهده شد که شروع و ساخت این نیروگاه‌ها امری کاملاً اقتصادی است. امروزه اطمینان داریم در صنایعی که اقدام به ساخت نیروگاه و بهره‌برداری می‌کنند، سود تولید برق چه بسا از سود تولید دیگر محصولات آنان بیشتر باشد و این رویکرد با تولید هزاران مگاوات نیروگاه توسط صنایع کشور همراه می‌شود. در بخش رفع ناترازی برق، برنامه ما همان برنامه‌های است که ارائه کرده بودیم و با اقداماتی که انجام شده و انجام می‌شود، ناترازی برق کم اثر شده و رفع می‌شود. در دولت‌های هفتم و هشتم ۶۰ درصد به ظرفیت تولید برق کشور، در دولت‌های نهم و دهم ۶۸ درصد و در دولت‌های یازدهم و دوازدهم ۲۳ درصد افزوده شده که در خصوص کاهش محسوس این رقم در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، یک طرح تحقیق و تفحص فنی، توسط مجلس شورای اسلامی آغاز شده است.

در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، کشور ما از کشوری ۱۰۰ درصد وابسته به کشوری خودکفا تبدیل شده و مجموعه خدمات نه تنها نیازهای داخل را مرتفع می‌کند بلکه بسیاری از کشورهای منطقه متکی به خدمات فنی و مهندسی ما شده‌اند. در حوزه مهندسی شرکت‌های داریم که خدمات قابل توجهی ارائه می‌دهد و بیش از ۵۰ کشور جهان خریدار این محصولات هستند. ضمن اینکه بلندترین سد جهان با ارتفاع ۳۳۰ متر و نیروگاهی به ظرفیت ۳ هزار و ۶۰۰ مگاوات که بیش از ۱۴ میلیارد متر مکعب ظرفیت مخازن دارد که اجرای این سد توسط شرکت‌های ایرانی در حال اجرا است. متأسفانه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم عقب ماندگی‌هایی داشتیم که منجر به ناترازی آب و برق شد. لذا ما در این دولت دو اقدام هدف‌گذاری کردیم یکی برای رفع ناترازی موجود و دیگری تأمین نیاز و تقاضای جدید و با توجه به رشد اقتصاد و مصرف ضرورت نیاز بود که به هر دو بپردازیم. برنامه‌های در دستور کار ما دو ویژگی داشت یکی برنامه‌های سازهای و عملیاتی بوده که زمانمندی داشت و ضرورت داشت که سریع‌تر آغاز شوند. دیگر اقدامات غیرسازهای بوده که به مدیریت مصرف و بهینه‌سازی مربوط بوده است.

گفتنی است سرمایه‌گذاری ۱،۲۲۴ میلیارد تومان بالغ بر ۳۰ میلیارد یورو پروژه در حوزه برق و آب در حال انجام است، اکنون ۴۰۰ میلیارد تومان به بهره‌برداری رسیده و ۸۲۴ هزار میلیارد تومان پروژه‌هایی است که تا پایان دولت به بهره‌برداری می‌رسد. ۸۲۴ هزار میلیارد تومان پروژه‌هایی است که باید تا پایان دولت به بهره‌برداری برسانیم که عمده اینها ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. مجموع سرمایه‌گذاری در بخش برق ۷۵۷ همت بوده البته بدون در نظر گرفتن نیروگاه‌های تجدید پذیر، در بخش آب و فاضلاب ۱۰۵ هزار میلیارد تومان پروژه هدف‌گذاری شده و در بخش آب ۳۶۲ هزار میلیارد تومان پروژه هدف‌گذاری کردیم و مجموعاً ۱،۲۲۴ هزار میلیارد تومان بالغ بر ۳۰ میلیارد یورو پروژه هدف‌گذاری شد. این پروژه‌ها بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان به بهره‌برداری رسیده است، بخش تولید و افزایش ظرفیت برق سه عدد ۱۰ هزار مگاوات را وعده دادیم که اقداماتی در این باره انجام شد. ضمن اینکه باید به طرح‌های «آبرسانی و تصفیه‌خانه‌ها برای تأمین آب شرب و بهداشتی در بخش شهری» اشاره کرد، بر اساس هدف‌گذاری‌های صورت گرفته ۷۰۰ میلیون مترمکعب در سال پروژه آبرسانی و تصفیه‌خانه آب شرب و بهداشتی پیش‌بینی شد. امروز عملکرد وزارت نیرو از این عدد فراتر رفته است به طوری که اکنون ۱۱۴۴ میلیون مترمکعب در سال در قالب پیشبرد ۵۶ طرح آبرسانی به بهره‌برداری رسیده است؛ به عبارت دیگر بیش از ۱۶۳ درصد عملکرد این بخش از برنامه تحقق یافته است و امیدواریم این عدد در پایان دولت سیزدهم از ۲ میلیارد مترمکعب در سال نیز فراتر رود. همچنین «سدسازی و سامانه‌های انتقال آب» نیز در حال پیشروی است بر این اساس برای ۳۰ سد با حجم مخزن ۵،۴ میلیارد مترمکعب برنامه‌ریزی شده بود و تا امروز ۲۱ سد با حجم مخزن ۳،۹ میلیارد مترمکعب در حال آگیری و افتتاح است، به بیان دیگر بیش از ۷۰ درصد برنامه چهارساله تا امروز محقق شده است. در بخش توسعه «شبکه‌های آبیاری و زهکشی» در خصوص ۱۲۵ هزار هکتار برنامه‌ریزی صورت گرفت و عددی که تا امروز به طور کامل محقق شده ۱۸ هزار و ۴۰۰ هکتار است که نشان از پیشرفت ۲۱ درصدی این برنامه را دارد؛ در این بخش طرح‌های شبکه‌های آبیاری و زهکشی را هدف‌گذاری کرده‌ایم و با تزریق اعتبار ویژه به این بخش، بی‌تردید ۱۲۵ هزار هکتار در پایان دولت سیزدهم محقق خواهد شد. در موضوع «تصفیه‌خانه‌های فاضلاب» توسعه به میزان ۱۲۰۰ هزار مترمکعب در شبانه‌روز را هدف‌گذاری کردیم و تا امروز ۲۸ طرح و پروژه با ظرفیت ۶۴۷ هزار مترمکعب به مرحله افتتاح و بهره‌برداری رسیده است، یعنی ۶۱ درصد برنامه محقق شده است. همچنین «تعین حریم و بستر رودخانه‌ها» موضوع مهم دیگر برنامه وزارت نیرو در سال ۱۴۰۳ است که ۲۰ هزار کیلومتر در این زمینه برنامه‌ریزی شده بود که بالغ بر ۱۹ هزار کیلومتر تعیین حد بستر و حریم با ۹۵ درصد تحقق برنامه، صورت گرفته است. در بخش «لایروبی رودخانه و آزادسازی تصرفات غیرقانونی» ۲۳۰۰ کیلومتر لایروبی و ۵۷۱۴ کیلومتر (۱۴۳ درصد) آزادسازی تصرفات غیرقانونی اقدام شده است. به دلیل وسعت طرح آبرسانی روستایی و تعدد و میزان پراکندگی روستاها، پیش‌بینی برنامه‌ریزی ویژه ضرورت دارد. بر این اساس از ظرفیت‌های



شاهیت اقتصاد دولت سیزدهم

موجب نارضایتی مردم است.

لذا تلاش داریم با برنامه های کلان و آماده سازی زیرساخت ها، قدرت خرید سبب معیشتی را افزایش داده و از نارضایتی ها بکاهیم. نارضایتی طبقه متوسط و ضعیف جامعه از کاهش قدرت خرید، مسئله جدی برای دولت است، پایین بودن قدرت خرید به این معنی است که تورم بالای ۴۰ درصد به مدت ۶ سال طبقه متوسط و ضعیف جامعه در دسترسی به سبد مصرفی گذشته خود را دچار مشکل کرده و در این میان این طبقات دچار کاهش درآمد واقعی شده اند.

لذا حل این مسئله نقطه امیدبخشی برای اقتصاد کشور است؛ به طور ساده با افزایش قیمت ها، درآمد جامعه نیز بایستی افزایش یابد تا قدرت خرید بالا رود اما در اصل در سطح خرد خانواده ها اتفاق جدی تری باید رخ دهد تا قدرت خرید رشد کند که آن هم راه اندازی کسب و کار و نیز، کسب درآمد است. در خصوص جمعیت بالای بیکاران در سنین جوانی نیز باید بیان کرد که این موضوع یک مسئله جدی است هرچند این موضوع در استان های مختلف کشور تک رقمی و بسیار کاهش یافته اما در حال حاضر نرخ اشتغال افراد فاقد مهارت و تحصیلات عالی، بیشتر از فارغ التحصیلان و دانشجویان و متخصصان است.

در سطح خرد و سطح کلان دو عامل داخلی و خارجی باعث ایجاد گره های بزرگ در کسب و کارها و افت درآمدها است، دولت پس از موج کرونا، برگرداندن رونق به کسب و کارها را در دستور کار خود قرار داد به شکلی که مرادوات با کشورهای هم پیمان در اولویت قرار گرفت. یعنی دولت در دو بخش سیاست خارجی و مناسبات اقتصادی، رفع گره های بزرگ را در برنامه خود قرار داد. در اصل دولت با اولویت قرار دادن برنامه های کلان، سعی در حل مشکلات و آماده سازی زیرساخت های مورد نیاز برای رونق کسب و کار دارد و به دنبال حل درازمدت و همیشگی مشکلات بوده است. پس از حل موارد یاد شده، رضایت مندی جامعه افزایش می یابد و قدرت خرید در اولویت قرار خواهد گرفت.

مسئله رکود اقتصادی کشور از شرایط بحرانی عبور کرده و کاهش مستمر نرخ بیکاری و افزایش نرخ اشتغال، نشان از این اتفاق است.

همچنین بی اثر کردن تحریم ها و کاهش تورم جزء برنامه های اساسی دولت است، ما چندین سال است که در حال رفع دلایل اصلی تورم یعنی خلق تسهیلات و خلق پول هستیم. در اصل باید بی انضباطی پولی و مالی و سیلاب نقدینگی مهار شود تا بتوانیم نرخ تورم را کاهش داده و این امر برای مردم قابل لمس شود. در حال حاضر، مسیر، مسیر درستی است اما وضع تورمی کشور مطلوب دولت و مردم نیست و کاهش تورم، اولویت ستاد اقتصادی دولت است.

در همین زمینه سیاست های انقباض پولی و رویکرد کنترل نقدینگی را برای کاهش نرخ تورم در سال آینده نیز دنبال خواهیم کرد.

شاهیت اقتصاد دولت سیزدهم، پایان دادن به رکود تورمی سال های قبل است که کاری دشوارست و به یکی دو سال ختم نمی شود و معتقدیم برای رسیدن به اهداف توسعه ای باید ابتدا از چالش رکود تورمی انتهای دهه ۹۰ خارج شویم.

برای تحقق چشم انداز رشد ۱۴ درصدی دو سال گذشته و همزمانی تاثیرات آن بر بازار کار و کاهش بیکاری در کشور نیازمند یکسری برنامه های مدون هستیم که خوشبختانه این اقدامات بخش مهمی از مسئله رکود در کشور را علاج کرده و قطعاً می توانیم با موفقیت از این حوزه عبور کرده و به چرخه جدیدی از پیشرفت و رشد اقتصادی در کشور وارد شویم. خوشبختانه علی رغم وجود تحریم های ظالمانه، ظرفیت شرکای اقتصادی کشورمان کمک کرده از رکود دهه ۹۰ عبور کنیم و تلاش داریم با توسعه همکاری ها، برون رفت از وضعیت موجود را به بهترین نحو رقم بزنیم.

موضوع رشد و اشتغال، برون داد یک سیستم اقتصادی است با این حال اگر بهره وری را جدی بگیریم، به ثبات اقتصادی خواهیم رسید و در همین راستا کمتر به اثرات کوتاه مدت توجه شده و تلاش داریم با افزایش نرخ سرمایه گذاری که در انتهای دهه ۹۰ به سطح پایینی نزول کرده بود، اهداف بلندمدت پیشرفت کشور را دنبال کنیم. در بخش سیاست های بانکی برای طرح های پشوران که اجزای بیشتری را حرکت می دهند باید برای سال ۱۴۰۳ تدبیر خاصی بیندیشیم و بر آن اصرار داریم و در حوزه سایر ابزارهای تامین مالی نیز باید ظرفیت های را ارتقا بخشیم.

از سال ۱۳۹۹ تا تابستان ۱۴۰۲ رشد اقتصادی مثبت بوده که براساس پیش بینی ها در حوزه صنعت، کشاورزی و در مجموع اقتصاد تا پایان امسال روند مثبتی در رشد اقتصادی خواهیم داشت.

امسال نیز مانند سال گذشته رشد اقتصادی مثبتی را تجربه خواهیم کرد و بر این اساس در ۱۶ فصل رشد تولید اقتصادی خواهیم داشت. با مرور شاخص های اقتصاد کلان در ۲ سال گذشته مشخص می شود که دشواری های داخلی و خارجی را در ۶ سال اخیر پشت سر گذاشته ایم البته دشواری های خارجی بخش مهمی است که هنوز پابرجاست، ما با سیاست های رئیس جمهور که در حوزه توسعه روابط و اقتصاد با کشورهای همسایه شکل گرفته، گشایش های اقتصادی را شاهد هستیم.

اینکون از دام رکود و رشد اقتصادی پایین خارج شده ایم، اما برای اینکه تولید ملی و درآمد سرانه ارتقا یابد راه بسیاری در پیش داریم. تلاش ها و سیاست هایی که در ۲ سال اخیر انجام شده باعث رشد تولید و خروج از رکود در سرمایه گذاری داخلی و خارج شده که قابل قیاس با سال های گذشته نیست. در درگاه ملی مجوزها تسهیل را ایجاد کرده ایم در گذشته قهر نظام اداری با تولیدکنندگان و صادرکنندگان وجود داشت که این موضوع رفع شده و با تمرکز بر تسهیل به دنبال رونق تولید هستیم.

در ابتدای سال ۱۴۰۲ مصوبه ای در هیات وزیران داشتیم که باید به صورت شفاف مقررات در درگاه ملی به تولیدکنندگان و صادرکنندگان اعلام شود، بنابراین بخش نامه های گمرکی ۵۰ درصد کاهش یافت و برای سال ۱۴۰۳ نیز این وضعیت ادامه خواهد داشت. ما نیازمند همفکری بین بخش دولتی با بخش صنعتی و شرکت های برتر هستیم، با این کار به کیفیت رشد اقتصادی دست می یابیم و کالاهای تولیدی قابلیت رقابت پذیری در عرصه بین المللی را می یابد.

در وزارت اقتصاد تلاش کرده ایم تامین مالی بانکی را با کنترل نقدینگی فراهم کنیم و ابزارهای متفاوتی را برای شرکت های خوش نام و معتبر در دستور کار قرار دهیم. در سال ۱۴۰۲ متوسط رشد واقعی بخش صنعتی حدود ۴ تا ۵ درصد در نوسان بود اما میزان فروش شرکت های بزرگ حدود ۱۸ درصد رشد کرده است. ورود شرکت های دانش بنیان در فهرست ۱۰۰ شرکت برتر نیز موضوع نوید بخشی است.

نکته حائز اهمیت برای شرکت های تامین مالی و تامین انرژی است، بنابراین در مورد این دو موضوع نیازمند تدابیری هستیم. در سال ۱۴۰۲، ۲۸ درصد تامین مالی جدید از طریق بازار سرمایه انجام شد و برنامه ۱۴۰۳ تحقق تامین مالی ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی از طریق بورس است. در سال ۱۴۰۲ قیمت اقلام روزانه جامعه و در کل سفره معیشتی مردم ثابت ماند اما قدرت خرید کاهش یافته که این



سید احسان خاندوزی
وزیر امور اقتصادی و دارایی





وزارت نفت، راوی پروژه‌های نیمه تمام



جواد اوجی
وزیر نفت

برطرف می‌شود.

ارزش این ۵۰ پروژه ۴۸ میلیارد دلار است، یکی از این پروژه‌ها، توسعه فاز ۱۱ میدان مشترک پارس جنوبی بود که ۲۰ سال با قراردادهای مختلف با شرکت‌هایی مانند توتال، شل، سی‌ان‌پی‌سی و پتروناس معطل مانده بود. فاز ۱۱ پارس جنوبی یکی از مرزی‌ترین فازها با ضخامت بالای لایه گازی بود، با توجه به مشترک بودن میدان پارس جنوبی، با برداشت نکردن گاز از سمت ایران، قطر تولید بیشتری داشت. در این دولت با کارشناسی و جابه‌جا کردن سکوی فاز ۱۲ به موقعیت فاز ۱۱، پروژه حدود ۳ سال زودتر با حضور رئیس‌جمهوری به بهره‌برداری رسید و اکنون روزانه ۱۵ میلیون متر مکعب از این فاز برداشت می‌شود که با حفاری چاه‌های بیشتر و تکمیل این فاز برداشت گاز به ۵۰ میلیون متر مکعب در روز می‌رسد.

ظرفیت پالایش گاز کشور نیز ۶۰ میلیون متر مکعب در روز افزایش یافته است، در جمع‌آوری گازهای همراه چه در پالایشگاه و چه در میدان‌های نفتی و گازی، اقدام‌های مهمی انجام شده است. در مجموع ۴۰ میلیون متر مکعب گاز غنی در مشعل‌ها می‌سوزد، سوزاندن این گازها افزون بر آلودگی محیط زیست، سرمایه ملی را هدر می‌دهد. لذا برای جمع‌آوری همه گازهای مشعل برنامه‌ریزی شده است، اکنون روزانه ۱۱.۵ میلیون متر مکعب از این گازها جمع شده و تا پایان امسال این عدد به ۱۴.۵ میلیون متر مکعب در روز می‌رسد و تا پایان ۱۴۰۴ همه گازها را جمع می‌کنیم که خوراک پتروشیمی‌ها می‌شوند و با جلوگیری از خام‌فروشی، درآمد ارزی نیز برای کشور ایجاد خواهد کرد.

در بحث میدان‌های مشترک هم باید گفت که هیچ میدان مشترک بلا تکلیفی نداریم و یا در حال توسعه یا افزایش تولید هستند. در دولت سیزدهم از میدان‌های مشترک نفتی رشد ۴۸ هزار بشکه‌ای و در میدان‌های مشترک گازی ۵۴ میلیون متر مکعب در روز رخ داد و تولید گاز کشور از ۶۵۰ میلیون متر مکعب به ۷۰۴ میلیون متر مکعب در روز رسیده است.

ظرفیت پالایش نفت کشور نیز از ۲.۱ میلیون بشکه در ابتدای دولت سیزدهم به روزانه ۲ میلیون و ۳۷۰ هزار بشکه رسیده است، در این بخش رشدی ۱۳ درصدی را شاهد هستیم. لازم به ذکر است با ساخت پالایشگاه به تأکید رهبر معظم انقلاب مبنی بر جلوگیری از خام‌فروشی عمل می‌شود، با این حال در دولت پیشین اعتقادی به پالایشگاه‌سازی وجود نداشت و این در حالی است که با توسعه پالایشگاه‌ها و تولید فرآورده‌های نفتی، افزون بر دور زدن تحریم‌ها، ارزش افزوده بالاتری نصیب کشور می‌شود.

صنعت نفت و گاز کشور، پیش از انقلاب به طور کامل وابسته بود و همه کارهای آن در دست کارشناسان خارجی قرار داشت و آنها هر چه اراده می‌کردند، تولید و صادر می‌شد. در واقع صنعت نفت پیش از انقلاب تنها به تولید و صادرات خلاصه شده بود. پیش از انقلاب اسلامی تنها یک پتروشیمی در کشور وجود داشت، توسعه گازرسانی نیز انجام نشده بود و فقط پالایشگاه گاز بیدبلند به‌عنوان تنها پالایشگاه گاز کشور با ظرفیت تولید ۲۲ میلیون متر مکعب در روز فعالیت می‌کرد. با وجود برخی ادعاها اما تولید نفت ایران پیش از انقلاب هیچ‌گاه ۷ میلیون بشکه در روز نبود، با وجود میدان‌های نفتی پرفشار، تولید به عدد ۵.۵ میلیون بشکه در روز نیز نمی‌رسید.

امروزه به همت متخصصان این صنعت شاهد تولید بیش از یک میلیارد متر مکعب گاز در ۲۳ پالایشگاه گازی هستیم، اکنون ۱۰ پالایشگاه نفتی و بیش از ۷۰ مجتمع پتروشیمی در کشور فعالیت می‌کنند و پارسال ۱۴ میلیارد دلار از محل صادرات محصولات پتروشیمی در سامانه نیما عرضه شد.

اکنون تولید نفت کشور ۳ میلیون و ۴۵۰ هزار بشکه در روز است، این در حالی است که هیچ مستشار خارجی در صنعت نفت ایران حضور ندارد و در این صنعت چه در بخش بالادست توسعه میدان‌های نفت و گاز و چه در پایین‌دست آن در ساخت پالایشگاه و پتروشیمی به خودکفایی رسیده‌ایم. تنها در عسلویه در تولید گاز و ساخت مجتمع‌های پتروشیمی، تاکنون بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری انجام شده و این منطقه به قطب انرژی کشور تبدیل شده است و بیش از ۷۰ درصد گاز کشور از این میدان مشترک تأمین می‌شود. اکنون سقف تولید گاز ایران از قطر بیشتر است و عمده بخش گاز در بخش صنعت، نیروگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی تبدیل به ارزش افزوده می‌شود. امروزه یکی از مراکز مهم در فناوری‌های سطح بالا در کشور، مجتمع‌های پتروشیمی هستند، همه گریدها و محصولات پتروشیمی امروز در ۷۰ مجتمع کشور تولید می‌شود و از ۹۵ کاتالیست مورد نیاز در صنعت پتروشیمی و پالایش ایران، ۹۲ کاتالیست در کشور تولید می‌شود. افزون بر خودکفایی در صنعت نفت، صدور خدمات فنی و مهندسی نیز از کشور انجام می‌شود و تنها در یک پالایشگاه در ونزوئلا با ورود متخصصان ایرانی بازسازی و نوسازی آغاز شد. هیچ کجای دنیا تحریم‌ها مانند تحریم‌های ایران نیست، با وجود همین تحریم‌ها صنعت نفت ایران به خودکفایی رسیده است. با ورود متخصصان ایرانی در حوزه‌های مختلف امروز ظرفیت اسمی تولید تنها در یک پالایشگاه که ۱۴۰ هزار بشکه بود و با رفتن آمریکایی‌ها به ۵ هزار بشکه کاهش یافت، به ۱۱۰ هزار بشکه رسیده است که برای این اقدام بیش از ۳ میلیون قطعه به همت ایران ساخته و ارسال شده است. در زمان آغاز به کار دولت سیزدهم در شهریور سال ۱۴۰۰، تولید نفت ۲.۲ میلیون بشکه در روز و صادرات هم ۴۰۰ هزار بشکه بود، در آستانه زمستان آن سال، چالش ۲۵۰ تا ۲۷۰ میلیون ناترازی گاز داشتیم و سطح ذخایر سوخت مایع نیز ۲۵ درصد کمتر بود بنابراین هم ناترازی انرژی داشتیم و هم صادرات پایین بود.

در سال ۱۳۹۹ مجموع فروش نفت و گاز ایران ۷ میلیارد دلار بود اما در ۱۰ ماه امسال، ۳۰ میلیارد دلار فروش نفت، گاز و میعانات گازی انجام شده است و از همین رو در تأمین منابع ارزی کشور مشکلی وجود ندارد و همه نیازهای ارزی در تأمین کالاهای اساسی، صنعت و ... با ارزآوری صنعت نفت همراه است. با اقدام‌های انجام‌شده در دولت سیزدهم، در زمستان سال ۱۴۰۱ با وجود آنکه بیش از ۲۰ استان کشور دمای زیر صفر را تجربه کردند، به جز شهرستان تربت جام، در هیچ نقطه‌ای از کشور قطعی گاز اتفاق نیفتاد و با تقویت خطوط شبکه در شرکت ملی گاز ایران در زمستان امسال هم با وجود پایداری سرما در کشور، هیچ کجا قطعی گاز نداشتیم. در آغاز این دولت به سراغ پروژه‌های نیمه‌تمام رفیقیم که تکمیل برخی از آنها ۱۴ سال طول کشیده بود و تنها ۵۰ درصد پیشرفت داشت. در سال ۱۴۰۰ توانستیم ۱۷ پروژه را به بهره‌برداری برسانیم، در سال ۱۴۰۱ نیز ۴۷ پروژه و امسال ۶۷ پروژه افتتاح شد و در مجموع ۱۳۲ پروژه به‌منظور رشد تولید نفت، گاز، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی به ارزش ۲۸ میلیارد دلار به بهره‌برداری رسیدند. در همین راستا ۵۰ پروژه تازه و مهم نفتی همسو با رشد تولید در دولت سیزدهم داشته‌ایم با اجرای این طرح‌ها، افزون بر ارزش افزوده و اشتغالزایی، درآمدهای ارزی نیز ایجاد خواهد شد و مشکل ناترازی انرژی



شادی تابعی از متغیرهاست

باید بپذیریم یکی از نیازهای بشر امروزی ایجاد فرصتهایی برای شادی و نشاط است؛ چراکه در دنیای امروز به دلیل شیوه زندگی فشارهای روانی مردم هم افزایش پیدا کرده است، لذا بیش از هر زمانی نیاز به شادی احساس می‌شود. در گذشته نیاکان ما به خوبی برای ارتقای سلامت روان به مناسبت‌های مختلف جشن می‌گرفتند تا شادی را به خود و دیگران هدیه کنند؛ چراکه به قول حکیم فردوسی خوب می‌دانستند که:

«چو شادی بکاهد، بکاهد روان / خرد گردد اندر میان، ناتوان»

جامعه ای می‌تواند شاد باشد که همه ارکان آن جامعه سالم و هماهنگ باشد.

تنش‌های سیاسی و اقتصاد ناسالم قادر است جامعه را به سوی افسردگی و تالم سوق دهد.

در مقابل، آرامش و امنیت اجتماعی متغیری است از استقرار اقتصاد سالم به دور از تورم، گرانی، اختلاس و کمبودهای دیگر.

جامعه ای که بیکاری در آن اندک باشد و درآمدهای آن جامعه با هزینه‌هایش همسو و مردم آن جامعه از حداقل تفریح و زندگی سالم برخوردار باشند آن جامعه نسبتاً شاد است.

سالی که گذشت سال پر فرازو نشیبی بود.

اقتصاد رونق نداشت.

ارز سیر صعودی داشت.

ارزش پول ملی به شدیدترین وجهی تنزل یافت. قیمت‌ها سیر صعودی داشت و همه و همه اینها فشار سنگینی بر زندگی مردم وارد آورد.

لذا نمی‌توان انکار کرد که جامعه ما جامعه شادی نیست این موضوع را می‌توان در رفتار و گفتار مردم در کوچه و بازار و شهر دید. کارشناسان علوم اجتماعی هم با مهر تایید گذاشتن بر این امر راهکارهایی هم برای ایجاد شادی و نشاط در جامعه ارائه کرده اند. اما آیا واقعا می‌توان شادی و نشاط را به جامعه تزریق کرد؟

آیا نشاط فقط از طریق ایجاد برنامه های شاد حاصل می‌شود؟

با یک نگاه گذرا به وضعیت عمومی جامعه می‌توان در یافت زندگی مردم پر است از استرس و نگرانی‌ها و فشارهای اقتصادی و کمبود اشتغال و سختی‌هایی که هر کدام از ما را به نوعی گرفتار کرده است و لزوم داشتن فضایی شاد و با نشاط در جامعه حس می‌شود.

به عبارت بهتر جامعه از کمبود شادی و نشاط در رنج است.

بر اساس آمارهایی که این روزها منتشر می‌شود، طبقات اجتماعی فرو ریخته‌اند؛ در چنین وضعیتی اقتصادی‌ای، امروز نیز ما در سطح جامعه و حتی در برنامه‌های تلویزیونی مدام با اخبار جنگ، ناگواری‌ها و فجایع و مزاحمت‌ها، انواع آسیب‌های اجتماعی در سطح شهر، تجردگرایی، بی‌انگیزگی جوانان و... مواجه هستیم که روان مردم را از رزده کرده است.

در این شرایط، نبود برنامه‌های فرهنگی و نبود شادی و نشاط در سطح جامعه نیز به آسیب جدی درخور توجهی تبدیل شده است و فقیر و غنی هم نمی‌شناسد؛ چراکه همان‌طور که ژان پل سارتر در مکتب اصالت وجود گفته: «او وجود دارد، چنانچه من وجود دارم، درد او را احساس می‌کنم، بدون اینکه با شادی خود اشتباه بگیرم». از این‌رو می‌بینیم که شادی و نشاط، یک پدیده کامل است که از تمام پدیده‌های اجتماعی تأثیر می‌گیرد و بر تمام پدیده‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد؛ یعنی جامعه‌ای که در آن شادی و نشاط کم‌رنگ است تمام روابط و تعاملات اجتماعی و تمام نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قضائی و... را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

برای رهایی از این وضعیت ملال آور عزم دیگری باید کرد. اما به طور کلی می‌توان گفت در شرایط عادی نه لزوماً ایده‌آل، هر تغییر مثبتی می‌تواند به ایجاد شادی در جامعه کمک کند. هر تغییری که در زندگی بتواند موجب رشد و شکوفایی شود. تغییر در شغل، تغییر در محل زندگی، تغییر در درآمد، تغییر در فصول سال می‌تواند حال انسان را خوب کند و چنانچه فراگیر شود شادی در جامعه جاری خواهد شد. رونق تولید، رونق صادرات، ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی و... از مواردی است که می‌تواند به تغییر حال جامعه منجر گردد. اما باتمام این رنجها مردم این سرزمین همواره سعی کرده‌اند با غلبه بر مشکلات، زندگی خود را رونق بخشند و برای مدت اندکی هم که شده به هر دلیلی مسرت و شادی را به زندگی خود تزریق نمایند.

یکی از این دلایل نوروژ است. فرا رسیدن بهار و تغییر سال امیدهایی را در قلب انسان‌ها به وجود می‌آورد.

نوروژ از دیر باز برای ما ایرانیان پیام آور شادی است و آمدن روزهای شاد و درخشان است.

به عبارت بهتر، ما زمان را با ساختاری خطی درک می‌کنیم؛ گذشته، حال، آینده اما به موازات این ادراک، ساختار دیگری نیز در جریان است، چرخه بزرگ که در گردش خود همه چیز را به جای نخست باز می‌گرداند: بهار، تابستان، پاییز، زمستان و دوباره بهار.

در آن نگاه خطی به زمان، هر چه که از دستش دادیم برای همیشه گذشته و از کف رفته است، بازگشتی در کار نیست، مجال و فرصتی نیز. اما در این شکل دایره‌وار زمان همه چیز تکرار می‌شود: فرصت‌ها، تهدیدها، از دست دادن‌ها و به دست آوردن‌ها.

نوروژ محل تلاقی آن ادراک خطی با این ساختار دایره‌ای است، هم‌آغوشی فانی بودن و جاودانگی.

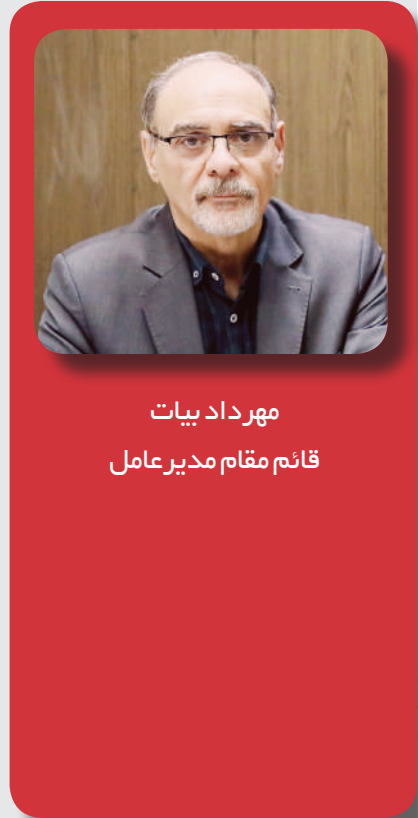
نوروژ نشان‌مان می‌دهد؛ که سالی گذشته است. پس زمان در آن گویی خطی است اما در مقابل در نوروژ همه چیز از نو آغاز می‌شود، درختان پژمرده از نو سبز می‌شوند، قلب‌های مریده دوباره نرم می‌شوند و جهان تجدید حیاتی سبز را تجربه می‌کند، ساختار دایره‌ای.

نوروژ نوعی نوازش است برای انسان، شکلی از ملاحظت ایزدان سرنوشت، روایتی از مواجهه با اندوه از دست‌دادن‌ها و امید در راستای داشتن فرصتی دوباره برای تجربه به دست آوردن‌ها. بدانیم یا نه چنین روزی در ذات خویش مبارک است اگر که ما با یاس خویش بی‌برکتش نکنیم.

لذا در آستانه سال نو برای سربلندی و تغییر احوال یکایک مردم سرفراز این سرزمین دست باری به‌سوی ایزد یکتا دراز می‌کنیم و این دعای زیبای حلول سال نو را درست می‌خوانیم.

« يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَ الْأَحْوَالِ حَوِّلْ خَالَئَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ »

نوروژ مبارک



مهرداد بیات

قائم مقام مدیر عامل





بازاریابی و فروش تبلیغات: دو عامل کلیدی برای موفقیت کسب و کار



مجید مدنی
مدیر بازرگانی

هر کسب و کاری برای رشد و پیشرفت نیاز به مشتریان دارد. اما چگونه می‌توان مشتریان را جذب و نگه داشت؟ پاسخ این سوال در دو کلمه خلاصه می‌شود: بازاریابی و فروش تبلیغات. این دو مفهوم مرتبط اما متفاوت هستند که در ادامه به تفاوت و ارتباط آنها با هم می‌پردازیم.

بازاریابی چیست؟

بازاریابی فرایند جذب و حفظ مشتریان برای محصولات یا خدمات شرکت است. بازاریابی شامل تحقیق درباره نیازها و خواسته‌های مشتریان، توسعه محصولات یا خدمات مناسب برای آنها، قیمت‌گذاری منصفانه و رقابتی، توزیع و دسترسی به بازار و ایجاد ارتباط و اعتماد با مشتریان است. بازاریابی به شرکت کمک می‌کند تا بازار هدف خود را شناسایی کند، مزیت رقابتی خود را ارائه دهد و ارزش خود را به مشتریان نشان دهد.

فروش تبلیغات چیست؟

فروش تبلیغات روش‌های ارتباطی است که برای ترویج و فروش محصولات یا خدمات به مشتریان استفاده می‌شود. فروش تبلیغات شامل تبلیغات رسانه‌ای، تبلیغات غیررسانه‌ای، فروش شخصی، فروش تلفنی، فروش اینترنتی، فروش مستقیم، فروش انبوه و فروش توزیعی است. فروش تبلیغات به شرکت کمک می‌کند تا محصولات یا خدمات خود را به مشتریان آگاه کند، مشتریان را متقاعد کند و معاملات را انجام دهد.

تفاوت و ارتباط بازاریابی و فروش تبلیغات

بازاریابی و فروش تبلیغات دو جنبه مختلف از یک فرایند هستند. بازاریابی بر روی نیازهای مشتریان تمرکز دارد و فروش تبلیغات بر روی محصولات یا خدمات شرکت. بازاریابی برای بلندمدت و فروش تبلیغات برای کوتاه‌مدت طراحی می‌شوند. بازاریابی برای ایجاد تقاضا و فروش تبلیغات برای ارضای تقاضا عمل می‌کنند. اما این دو جدا از هم نیستند. بازاریابی و فروش تبلیغات باید با هم هماهنگ باشند تا به اهداف کسب و کار برسند. بازاریابی باید فروش تبلیغات را راهنمایی کند که چه چیزی، به چه کسی، چگونه و با چه قیمتی بفروشد. فروش تبلیغات باید بازاریابی را از نظرات و واکنش‌های مشتریان آگاه کند. بازاریابی و فروش تبلیغات باید با هم ارتباط داشته باشند تا مشتریان را راضی و وفادار نگه دارند. بنابراین، بازاریابی و فروش تبلیغات دو عامل کلیدی برای موفقیت کسب و کار هستند که باید به صورت یکپارچه و متوازن اجرا شوند. این دو بخش باید با هم همکاری کنند تا مشتریان را جذب، متقاعد، فروش و نگهداری کنند.





تاریک‌ترین فاتحان دعوای مکرر

را از دست می‌دهیم و آدمی بدون حق انتخاب، تنها سایه‌ای از انسان است. سایه‌ها در اطراف ما راه می‌روند، کار می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، به جدال می‌پردازند و پیروز می‌شوند. ما دوستی، رابطه، خویشاوندی و حتی عشق را بدل به جدل و دعوا می‌کنیم و بر فاتح شدن اصرار می‌ورزیم به این امید که کمی نور توجه و گرمای تأیید نصیب‌مان شود.

این میان عمدتاً بهای برنده شدن نادیده گرفته می‌شود. ما با قلب آدم‌های عزیز اطراف‌مان همان می‌کنیم که سراب صنعتی شدن با طبیعت و محیط‌زیست‌مان کرد. در هوس پیشرفت، زمین را به ویرانی و زمان را به بی‌برکتی آلودیم، بعد گویی همین را به دنیای روابط بسط دادیم.

برای بعضی از ما هر رابطه انسانی در نهایت شبیه طبیعت باید تن به تسخیر بدهد و طی دعوای مکرر بر پیروزی مان صحنه بگذارد. این میان دلی که می‌شکند، دستی که می‌لرزد، حقی که پایمال می‌شود و خونی که زمین را رنگین می‌کند؛ چندان اهمیتی ندارند یا لاقلاً برابر فشار برنده شدن اولویت نمی‌یابند.

حضرت حافظ قرن‌ها پیشتر سروده که: «گفتگو آیین درویشی نبود/ ورنه با تو ماجراها داشتیم»

نگاه به شعر او که می‌کنم آن آیین درویشی بیش از هر چیز به چشم می‌آید. زمانه‌ای بوده که آدم‌ها آیینی داشتند، پیروز شدن الویت نبود، رعایت معنا داشت، شاعر روزگار حافظ بود و اجتناب از ماجرا؛ پهلوان زمانه هم پوریای ولی بود و پرهیزش از پیروز شدن به بهای شکستن دل یک مادر. ما اما زندگی را به دعوا و مبارزه‌ای مداوم بدل کرده و در میانه این جدل، باختن و کناره‌جستن را بخت‌برگشتگی و کفران فرض می‌کنیم.

نه حرمت مادر، نه احترام میهن، نه عزت معشوق و نه اعتبار پدر، هیچ‌یک جلودارمان نیست. ما تاریک‌ترین فاتحان دعوای مکرر و فرساینده‌ایم.

آدمی از مرگ به عشق پناه می‌برد، از ملال به شوق. برابر آن قطعیت مهیب مرگ، تنها مسیر ممکن، پرشور زیستن است. زندگی را عاشقانه خواستن، به جنگ حسرت رفتن و البته بارها و بارها خطا کردن و تاوان دادن.

پس عجیب نیست که گاهی واقع‌گرایی، اصرار افراطی بر منطق، وسواس زخم نزن و زخم نخوردن؛ رمق زندگی را از ما بگیرند. ما برنده شدن را به بهای ملال به‌دست می‌آوریم و احساسات‌گریزی، سرکوب عواطف و دوری از اشتیاق، به راه‌کارهایی برای در امان ماندن تبدیل می‌شوند.

دور ماندن از تجربه سرکش عواطفی که رنگ به زندگی می‌آورند و آسایش کاذب ما را به چالش می‌کشند، نه تنها فضیلت نیست بلکه پشت کردن است به اصل و اساس زندگی، به وسیع و عمیق شدن، به برکت یافتن. این میان البته که از عقل‌گریزی حرف نمی‌زنم، به شورش علیه حذف تخیل و شور اشاره می‌کنم، به بازگشت به ریشه‌های خودجوش حیات در جان یکایک ما که تمام شاعران جهان بشارتش می‌دادند.

آن اواخر مستند تماشایی «بزم رزم»، حسین علیزاده رو به دوربین می‌گوید: «من در وطنم مبارزه نمی‌کنم علیه وطنم، من در وطنم مبارزه می‌کنم برای وطنم».

هر بار که از دست خودم و روزگار، از دست این دعوای مکرر و پر ملال، خسته‌خاطر و سنگین‌جان می‌شوم، پناه می‌برم به همین چند کلمه، می‌گذارم صدای ساز علیزاده کلمات گران‌قدرش را همراهی کند، چشم‌هایم را می‌بندم تا شاید در دمی کوتاه، گلوله را فراموش کنم، دعوا را فراموش کنم، برنده شدن به بهای شکست دیگری را فراموش کنم و به جایش به یاد بسپارم پیروز شدن‌هایی هستند در این دنیا که قد آدمی را کوتاه می‌کنند، جانش را تباه و بودنش را بی‌برکت.

بعد با خودم فکر می‌کنم کاش هیچ‌وقت از یاد نبرم که گاهی بردن همان باختن است یا حتی بدتر از باختن.

دائمه کم‌دی الهی را این‌طور آغاز می‌کند: در میانه زندگی ناگهان خویش را در جنگلی تاریک یافتم.

تعبیر دانته را می‌توان به زندگی بسیاری از ما بسط داد؛ زمان‌هایی هست که آدمی به ناگه خویش را دستخوش چیزی قدرتمندتر از توانش می‌یابد، پس ناگهان در مه ناچاری فرو رفته و در جنگلی تاریک بی آن که بخواهد گم می‌شود. از اوقاتی شبیه گرفتار شدن در عشقی نافرجام یا از سر گذراندن بلایی طبیعی مانند زلزله یا تحمل یک بیماری مهلک جسمی حرف می‌زنم.

در زمانه‌ای که همه چیز با برنده شدن معنا می‌یابد و این برندگان هستند که قلمرو ارزشمندی را تعریف می‌کنند، نوشتن درباره فضیلت شکست، شکلی از

خرق عادت است اما من می‌خواهم به همین بپردازم، به جدال‌هایی که در آنها باید شکست خورد زیرا بهای پیروزی چنان سنگین است که تاب تحملش برای آدمی که همچنان انسان مانده دشوار خواهد بود.

این فقط تاریخ نیست که توسط فاتحان نوشته می‌شود، قواعد قیمتی شدن زندگی هم به وسیله پیروزمندانی مقرر شده‌اند که شکست را به مثابه بزرگترین شرم و آغاز انقراض تصویر کرده‌اند.

اگر می‌خواهی این یک مجال عمر، بالارزش باقی بماند در رقابت‌هایی به دقت انتخاب شده شرکت کن و به هر روش ممکن برنده باش؛ بازنده‌ها زود فراموش می‌شوند و فراموشی همانا نابودی است. کدام ماست که بخواهد نابود شود؟ کیست که نخواهد نامش تا ابد بر سر زبان‌ها جاودان باقی بماند؟

در روزگاری این‌چنین پیروزی‌مدار، هم غریزه بقا و هم الگوهای جمعی بیرونی، اجباری را پدید می‌آورند که در نتیجه آن ما وادار به دعوا و مجبور به فاتح بودیم. غریزه، بار هزاران سال تکامل را بر دوش ما می‌گذارد و تجاربی را خاطر نشان می‌سازد که در آن ضعفا حذف شده و قدرتمندان باقی می‌مانند تا روایت کنند و مرزهای فضیلت و ردیلت را مشخص سازند.

الگوهای جمعی زمانه ما نیز ارتباطی مستقیم میان پذیرفته شدن و ارزشمند بودن با برنده شدن و فاتح بودن برقرار می‌سازند. آدم‌ها در چهارچوب این الگوها نه به خاطر اخلاقیات عمیق انسانی، مهربانی یا شوخ‌طبعی، بلکه به علت بالانشینی در هرم موفقیت ارج و قرب می‌یابند.

باید برنده شوی، همیشه در اوج باشی، به هر قیمت، به هر شکل. زیر فشار غریزه درونی و الگوی های بیرونی ما نیز حق انتخاب خود



شهریار خادمی
دبیر ویژه‌نامه





رویایی از جنس یازده ستاره



نیماییات
روزنامه‌نگار

رویا و از دیگری کابوس وارد ذهن انسان می‌شود. فرشته متوکل بر خواب‌ها از دو ابزار رویا و کابوس بهره می‌جوید تا به ذهن هوشیار آدمی یادآوری کند کی و کجا در مسیر درست قرار دارد و چطور و چگونه از راه صحیح مختص به خود خارج شده است. هراس و رنج تحمل کابوس، آینه‌ای برابر انسان می‌گذارد تا او ناکجای ویران ناشی از انتخاب‌های نادرستش را ببیند و پیش از فرورفتن در باتلاق نارضایتی و بی‌معنایی، راهی برای بازگشت و به یاد آوردن خویشتن خویش بجوید و بیابد. دو مرد هم‌بند یوسف در زندان نماد دو دروازه خواب‌ها هستند، یکی رویایی رهایی بخش دیده است و دیگری کابوسی تلخ که پایان زندگی‌اش را به او یادآور

می‌شود. شاید بتوانیم فرض کنیم آن دو مرد، وجوه متفاوت جان پیامبر در بند هستند، نمادهای انتخاب‌های متفاوت در بزنگاه‌های مهم زندگی که هدایت یا گمراهی را پدید می‌آورند.

این میان آن کس که جانش به خرد درک خواب‌ها متبرک شده باشد، توان تشخیص راه را از بی‌راه دارد. مردی مانند یوسف که از ابتدا دل در گروی رویایی شخصی خویش داشت، رویایی با ماه و خورشید و یازده ستاره می‌گویند اسطوره، رویایی جمعی است و رویا، اسطوره‌ای شخصی. نیاکان نخستین ما از طریق درک اساطیر جایگاه خویش در جهان را یافته و به بودن خود معنا می‌بخشیدند.

به واسطه روایت اسطوره مشخص می‌شد که قهرمان کیست و باید چه بکند، مرز میان مقدس و نامقدس کجاست، نقش هر کدام از اعضای گروه در رستگاری و نجات جمعی چیست و... اسطوره به بودن جمعی مردمان جهتی آشکار و شفاف می‌بخشید. برای انسان مدرن در جهانی به شدت اسطوره‌زدایی شده، خواب‌ها و رویاها همان کارکرد اساطیر کهن را دارند.

هر یک از ما به برکت درک و تفسیر خواب‌های خویش، اسطوره شخصی خود را پیدا می‌کنیم، روایتی از زیستن و بودن که این مجال گرمی میان تولد و مرگ را پر ارزش و خواستنی می‌سازد، به واسطه درک این اسطوره شخصی می‌دانیم برای چه می‌جنگیم، درک می‌کنیم که معنای رنج کشیدن مان چیست و پی می‌بریم که رو به کدام سو داریم. یوسف را به یاد می‌آورم وقتی از پی روزگاری سخت، عزتی دو چندان یافت و کنعان بنه‌کن به ملاقات او شتافت تا عزیزش را از نو بر صدر بنشاند. پدر، مادر و یازده برادر بر او سجده بردند، بر او که هرگز از یاد نبرد که رویایی داشته است.

سال‌ها پیش‌تر از آن که فروید، یونگ، فروم و سایر روان‌شناسان از فضیلت تحلیل رویا برای ما سخن‌ها بگویند، همه چیز با یک خواب شروع شده بود. پسر کوچک شبی در خواب دید که خورشید و ماه و یازده ستاره به او سجده می‌کنند، رویای خویش را با پدر در میان گذاشت، فرمان شنید که سکوت کند، شوق سخن گفتن از خواب بر توصیه پدر چربید و بهای این نافرمانی، این تن دادن به رویا را آن محبوب‌ترین پسر پیامبرکنعانیان با سرگردانی سالیان پرداخت.

ذهن هوشیار آدمی، شبیه خورشید است و ناخودآگاهی او به سان دریا. هر بار در هنگام غروب، خورشید به تدریج در آغوش دریا فرو می‌رود و سپیده‌دم از نو متولد می‌شود.

ما این نزول و صعود را می‌بینیم اما درباره آن چه که در عمق آب بر این آفتاب مغروق می‌گذرد، چیز چندانی نمی‌دانیم یا در واقع نمی‌خواهیم که بدانیم. تجربه بی‌خویشتنی به هنگام رویا دیدن، توهم کنترل ما بر زندگی را به باد می‌سپرد. ما نمی‌توانیم زمینه رویاهای خود را انتخاب کنیم، ما هیچ تسلطی بر جریان اتفاقات خواب نداریم، ما آن‌جا نه انسانی در مرکز جهان که صرفاً یکی از چندین و چند بازیگر تئاتر رویاهاییم.

از همین رو شاید ترجیح می‌دهیم که به خواب‌دیدن مانند زنده‌ای چسبیده به بیداری نگاه کنیم، حقانیتش را زیر سوال ببریم و اهمیتش را منکر شویم. یوسف اما با رویایش این‌گونه رفتار نکرد. فرزند یعقوب رویایی که دیده بود را اصیل پنداشت و سفر زندگی او، ماجرای حیرت‌انگیز احسن‌القصص، از همین جا شکل گرفت.

کارل گوستاو یونگ، رویاها را از جنس طبیعت برمی‌شمرد و اعتقاد داشت خواب‌ها همان هستند که نشان می‌دهند.

در واقع بخش ناگفته جمله یونگ شاید این باشد که رویاها هر یک از ما را همان‌گونه که طبیعت‌مان هست تصویر می‌کنند، تصویری فارغ از خوشامد جهان و جامعه اطراف که آدمی را وامی‌دارند به بهای امنیت یافتن، اشتیاق خویش را بارها و بارها به مسلخ ببرد. برای جهان رویاها اما امنیت ما، مقبولیت و محبوب ماندن مان اهمیت ندارد. رویاها مسیری را به انسان پیشنهاد می‌کنند که او فارغ از رنج و لذت بنا است که بیماید، مسیری که به زندگی ما معنا می‌بخشد، راه رستگاری و رهایی. یوسف می‌توانست به توصیه مشفقانه یعقوب گوش فرا دهد و از خیال خام روایت خواب خویش تا همیشه درگذرد. جایی از داستان زندگی، هر یک از ما میان نصیحت عقل و خروش رویاگون خواب مردد می‌شویم و باید دست به انتخابی دشوار بزنیم. شوق کودکانه یوسف سفری را برای او ممکن ساخت که مصلحت‌اندیشی پدر از آن منعش می‌کرد، سفری سرشار از رنج و گنج.

در یکی از کتاب‌های حکمت مصر آمده است: خدایان رویا را آفریدند تا راهی برای انسان بکشایند، چرا که انسان خویش نمی‌تواند آینده را ببیند. کاویدن خواب‌های روزمره، شوق ساختن آینده را در جان ما شعله‌ور می‌سازد، آینده‌ای نه بر مبنای بایدهای دیگران که بر اساس اصیل‌ترین خواسته‌های جان آدمی و در این مسیر درد کشیدن و رنج بردن اجتناب ناپذیر است.

بارها از خود پرسیده‌ام یوسف در عمق چاه برادران یا به کنج انزوای زندان مصر، در آن لحظات فرساینده اندوه و تنهایی، چگونه امید به فردا را در خود حفظ کرد تا طاقت آوردن ممکن شود؟ در کنار ایمان همیشگی او، شاید پاسخ این پرسش احترام و توجه به جهان غنی خواب‌ها باشد.

رویاها در روان ما کارکردی جبرانی دارند، در آرمیدگی خواب شبانه، دشواری‌های بیداری روزانه جبران می‌شوند. آن کهن‌خرد عمق جان انسان از رویاها استفاده می‌کند تا تعادل را به روان او برگرداند. افراط‌ها با تفریط و کاستی‌ها با افزونی جبران می‌شوند. رویا و کابوس به تناوب جای یکدیگر را می‌گیرند تا تعادل طلایی روان آدمی همواره پایدار و برقرار باقی بماند.

در اساطیر یونانی، ایزدی به نام مورفئوس مسئول شکل دادن به خواب‌های آدمیان است. او بر باغستان خواب نظارت می‌کند، باغی با دو دروازه که از یکی



اصلاح روش تصمیم‌گیری در دنیای مدرن

برای ماندگاری در دنیای مدرن باید قواعد بازی را رعایت کنید. قواعدی که از جنس دیگری است و برای دستیابی به آن باید روش تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را تغییر داد.

در دنیای مدرن «شناسایی و بکارگیری استراتژی‌های مناسب و انعطاف‌پذیری در مدیریت کسب‌وکار» همان شاه‌کلیدی است که می‌تواند بقای کسب‌وکارها در دوره رکود را تضمین کند. برای اتخاذ این استراتژی‌ها، نیاز به ابزارهایی مانند تحلیل بازار، آگاهی نسبت تغییرات اقتصادی جهان و پیش‌بینی آینده براساس شاخص‌های اقتصادی در جهان داریم؛ بنابراین، ماندگاری در دوران رکود غیرممکن نیست؛ به شرط اینکه بتوانید با بکارگیری استراتژی بقا از رقبا متمایز شوید. چنانچه در سال‌های اخیر نیز با وجود رکود و بحران اقتصادی، بسیاری از کسب‌وکارها ادامه حیات داده‌اند.

«سرسرایی را تصور کن که تو به تنهایی در آن راه می‌روی. پیش از رسیدن به آخر خط باید تصمیمی گرفته شود. مهندسان سازمان در کار کردن روی یک فناوری جدید به شدت کوشیده‌اند. اما حالا مبلغ ریسک به حدی افزایش یافته است که دیگر تنها سرمایه در معرض خطر نیست و خانواده و حتی فرزندان نیز همه با هم در مخاطره می‌افتند. رقیب شما - شرکتی به مراتب جاقفاده‌تر - مبلغ پیشنه‌های را افزایش داده و قول فناوری‌ای را می‌دهد که مهندسان شرکت شما را بار دیگر به پشت میزهای نقشه‌کشی می‌کشاند. در این حالت دو گزینه پیش رو داری: در گزینه اول باید تصمیم‌گیری که پروژه را بپذیری و در بهترین حالت، اگر بی‌درنگ شرکت شما را ورشکست نکند در دو دهه آینده هزینه‌های خود را جبران خواهد کرد و در گزینه دوم انصراف می‌دهی که در نهایت، تصمیمی درست و بی‌عیب گرفته‌ای، تصمیمی که در محاسبات مالی به خوبی قابل دفاع است.»

این سناریو در اصل همان قواعد بازی دنیای مدرن است که با توجه به شرایط ویژه ایران از حساسیت بیشتری نیز برخوردار است. برای برد در این بازی باید باور کنیم برای بقا، راهی جز تبدیل تغییرات به فرصت نداریم و برای این مهم نیز نیازمند «تفکر استراتژیک» برای ایجاد مزیت رقابتی هستیم.

وقت آن رسیده که باور کنیم؛ «ریسک» مقوله‌ای آشنا برای دنیای کسب‌وکار است که در اقتصاد جهان به یک مفهوم کلیدی تبدیل شده و شناسایی، ارزیابی و مدیریت آن منجر به کاهش پیامدهای نامطلوب و بهبود تصمیم‌گیری‌ها می‌شود. ریسک‌ها عواملی خطرناکند که می‌توانند روند یک پروژه یا کسب‌وکار را مختل کرده و در صورت عدم مدیریت صحیح، موجب شکست پروژه شوند. با این تعبیر برای «مدیریت ریسک» در گام نخست نیاز به شناسایی و ارزیابی ریسک‌ها داریم و در گام بعد در صورت اعمال الگوهای درست مدیریت می‌توان به بقای کسب‌وکار امیدوار بود.



فاطمه احمدپور
مدیر فروش

خبرنگاری که شوخی‌شوخی جدی شد



فاطمه امیر احمدی
روزنامه‌نگار

راه که افتادم قرار بود با فردی در حوزه پژوهش گفت‌وگو کنم. روز اول حرفه‌ایم بود؛ یک روز گرم تابستانی در سال ۱۳۷۹. هیجان‌زده از فضایی ناشناخته، طی طریق می‌کردم.

سرگرم مرور و واگویی آنچه آموخته بودم، از خود پرسش می‌کردم. چه بپرسم؟ چطور شروع کنم؟ به خودم گوشزد می‌کردم، فراموش نکن اولین گام برای یک گفت‌وگو مفید، جلب اعتماد مصاحبه‌شونده است.

تصور کنید در چنین موقعیتی، سر از دفتر یک پزشک هم‌نام با فرد مورد نظر در بیاورید. یعنی چه تصویری از فردی داشت که روز اول حرفه‌اش را این‌گونه رقم زده بود. دبیر حوزه تحقیق و پژوهش باشگاه خبرنگاران جوان، شماره یک پزشک هم‌نام با کارشناس موردنظر را داده بود و در روز اول کاری، خلاصه آبدیده شدم!

حلقه به حلقه جلو آمدم؛ از تحقیق و پژوهش به حوزه اندیشه، از اندیشه به صنعت و از صنعت به اقتصاد تا «روزگارم را نقاشی کنم».

کوتاه و بلند نوشتیم، واژه‌ها را با وسواس کنار هم می‌چینیم تا برای امروز و فردا اخبار را منتشر کنیم. نیمه دوم دهه ۹۰ جرات کردم و در روز خبرنگار، اعلام کردم «من یک فرشته‌ام». همچنین در نوشتاری دیگر گفتم، نوک قلم خبرنگار بنا بر اقتضا حرفه‌ای، تیز است.

هر صاحب‌صندلی باید بداند مسئولیتی پذیرفته که صاحب‌رسانه در کنارشان نظر مشورتی ارائه می‌دهد؛ اگر چه شوخی و خنده با دیدن خبرنگار مزاح می‌کنند «باز قراره کجا رو خراب کنید؟» پاسخ پر حجب و حیای ما را می‌شنوند که «خبرنگار خرابی‌ها را گزارش می‌دهد!» دل‌گنده‌ایم. به دنبال بهاری ماندگار برای جامعه، گوشه به گوشه سرک می‌کشیم و کاستی‌ها را گوشزد می‌کنیم.

نوروز به کام‌تان

همچنان «می‌نویسم تا روزگار را نقاشی کنم»



درخت سبز خضر



مینا معراجی
روزنامه‌نگار

«وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا»

همه چیز از جستجوی آغاز می‌شود که ما درباره‌اش چیز چندانی نمی‌دانیم. کوششی رازآلود که طی آن مردی خردمند می‌کوشد به محل تلاقی دو دریا برسد و این چنان برای او مهم و حیاتی است که حاضر باشد سال‌های سال به سرگردانی و جستجو ادامه دهد.

در مسیر، مرد و همراهش ماهی خوراک خویش را از کف می‌دهند، در واقع ماهی به طریزی شگفت‌انگیز شبیه داستانی سورئالیستی به دریا بازمی‌گردد و مرد می‌فهمد همان‌جا وعده‌گاه اوست با راز مقدسش؛ محل دیدار با استادی که دیدگاهش را به زندگی دگرگون می‌کند.

این روایت می‌توانست شبیه یکی از صدها داستان مبتنی بر پیرنگ جستجوی پیر دانا باشد اگر که نمی‌دانستیم چونینده حضرت موسای کلیم‌الله است، پیر بنا به تفاسیر بسیار خضر فرخ‌بی و راوی حضرت حق در آیات مبارک سوره کهف. مابقی داستان را احتمالاً شنیده‌اید: حضرت موسی از خضر می‌خواهد که اجازه دهد تا همپایش شود بلکه از او بیاموزد و پیر پاسخ می‌دهد تو هم پای من صبر نتوانی کرد.

عهد می‌بندند بر صبوری، نپرسیدن و پیروی. سه بار موسی پیمان می‌شکند تا سرانجام خضر او را از خدمت خویش مرخص می‌کند اما قبل از آن، حکمت وقایع پیش‌آمده را شرح می‌دهد و چشم‌اندازی را مقابل مرد نبی می‌گستراند که از آن آگاه نبود.

نمی‌شود داستان را بخوانی و از خودت نپرسی موسی چرا این همه برای یافتن محل تلاقی دو دریا اصرار داشت؟ چه چیز را می‌جست که یافتنش این همه ضروری بود؟ داستان‌هایی شبیه این لایه‌های متعدد و پرشماری دارند که هر یک سطحی مشخص از نیاز معنوی آدمی را برآورده می‌سازند. گذشته از همه آموزه‌های دینی، اخلاقی و عرفانی این داستان، ماجرای موسی و خضر شاید داستان تجربه زیسته بسیاری از ما باشد، تجربه ما وقتی به لبه دانسته‌های خویش می‌رسیم پس نیاز به نو شدن داریم.

رسیدن به لبه یعنی مواجه شدن با نوعی سردرگمی؛ یعنی رسیدن به جایی که دیگر دانسته‌های گذشته پاسخگوی نیازهای آینده نیستند. وقتی نظام باورهای فردی، شیوه تحلیل کردن مسائلیش، نحوه نام‌گذاری روی وقایع و عواطفی که تجربه می‌کند ناکارآمد می‌شوند، زندگی آدمی از نفس میافتد و ملال جای رونق و شوق را در روح انسان می‌گیرد.

همین جاست که بدانیم یا نه رسیده‌ایم به لبه، به جایی که دیگر پیش‌رفتن ممکن نیست زیرا مجموعه باورها و نگرش‌های فعلی این امکان را از ما سلب می‌کند.

دوست داشته باشیم یا نه زندگی چیزی به نام درجا زدن ندارد، تاوان پیش‌رفتن، فرو رفتن است. در چنین موقعیتی بسیاری از افراد به گلابه از روزگار پناه می‌برند و در انتظار نجات‌دهنده‌ای می‌مانند که به آنها بگوید چه کنند اما معدودی از آدمیان روی زمین، کفش آهنین به پا و عزم پولادین در دل، در تمنای نگرشی نو و باوری جدید، به نیت تولدی دوباره به جستجو برمی‌خیزند و به سراغ محل تلاقی دو دریا می‌روند جایی که دریایی از تجربه و آگاهی گذشته با دریایی از تخیل و شعور آینده به هم می‌رسند و رستاخیزی باشکوه را ممکن می‌سازند، رستاخیزی که نیاز به صبوری و پیروی از ذات بالنده زندگی دارد.

در میان تمام داستان‌های حضرت موسی در قرآن، قصه ملاقاتش با خضر را دوست‌تر می‌دارم. ماجرای مردی که می‌داند به رغم تمام کرامت گذشته و شکوه حال، برای با برکت زیستن در آینده باید بگذارد الوهیت او را لمس کند و زندگی بر او بتابد.

زندگی اما برابر عقل جز‌اندیش ما گاه مجنون می‌نماید پس چیزهایی از آدمی طلب می‌کند که تمام باورهای پیشین او را به چالش می‌کشند و دانشش را نقض می‌کنند؛ مانند داستان موسی و خضر که دانسته‌های پیشینی پیامبر برابر خرد خدایی خضر ناکارآمد و ناتوانند.

زندگی گاهی از ما می‌خواهد تن به عشقی دهیم که آن‌سوی مرزهای منطق ماست، شغلی را رها کنیم که امنیتی جعلی برای‌مان پدید آورده، مانند آن برگزینیم وقتی همه از رفتن حرف می‌زنند و صبر کنیم وقتی که تعجیل سکه رایج روزگار است.

ما نخست برابر این نشانه‌ها و خواسته‌ها که از عمیق‌ترین جایگاه روح‌مان به سمت ما جاری می‌شود ناباور و مردد هستیم.

نظام تفکر گذشته اجازه نمی‌دهد تحلیل درست و دقیقی برابر این رویدادهای تازه داشته باشیم پس آنها را رد می‌کنیم و لاجرم با کشته شدن شوق به زندگی در روان‌مان تاوان می‌پردازیم اما اگر برابر زندگی و امواج متفاوتش گشوده باشیم، درختی از قلب‌مان سر برمی‌آورد که میوه و سایه‌اش برکت بودن ماست؛ درختی نورانی شبیه همان که موسای نبی در طور سینا به هنگام نخستین ملاقاتش با انوار حضرت حق، شعله‌ور در آتش ملاقات کرد. این درخت سبز خضر است، پاداش جستجوی به وسعت یک عمر و نمادی برای تولد دوباره نور در جان انسانی که از سوختن نمی‌هراسد.



از تمثيل رنگ‌ها تا تصوير ذهن‌ها

ممکن است برانگیزش و انرژی افراد تأثیر بگذارند. برخی رنگ‌ها می‌توانند انرژی و شور و شوق را افزایش دهند، درحالی‌که رنگ‌های دیگر ممکن است احساس خستگی و کاهش انگیزه را به همراه داشته باشند. برخی رنگ‌ها، به‌ویژه رنگ‌های زرد و طلایی، ممکن است اعتمادبه‌نفس و خودباوری را افزایش دهند. نتیجه‌گیری بسته به فرد و شرایط ممکن است متفاوت باشد. برای هر فرد، ممکن است رنگ‌ها تأثیرات متفاوتی داشته باشند و درک و تجربه شخصی از رنگ‌ها می‌تواند متفاوت باشد.

در بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، سفیدی به‌عنوان نمادی از معصومیت، صلح، دوستی و خلوص در نظر گرفته می‌شود. این رنگ قدرت تأثیرگذاری زیادی دارد و می‌تواند نمادی از آرامش و آرامش در جامعه باشد. اما لازم به ذکر است که این تفسیرها می‌تواند در فرهنگ‌ها و تمدن‌ها متفاوت باشند و نظر شما درباره رنگ سفید بر اساس تجربه و ذائقه شخصی خودتان است.

رنگ سیاه در واقع یک رنگ خاص و منحصر به فرد است و نماد زیبایی و ارزش دارد. این صحبت‌ها درباره احساسات و تصورات مردم درباره رنگ سیاه است. البته این تصورات ممکن است متفاوت باشد و به تجربه و فرهنگ هر فرد بستگی داشته باشد.

در بعضی فرهنگ‌ها، رنگ سیاه ممکن است باغم و تاریکی مرتبط شود. اما در فرهنگ‌های دیگر، سیاه به‌عنوان نماد قدرت، شیک‌پوشی، اصالت و شخصیت قوی تلقی می‌شود. به‌عنوان مثال، بسیاری از افراد در جوامع مدرن از رنگ سیاه در لباس‌ها و طراحی‌های داخلی استفاده می‌کنند و آن را باسلیقه و شیک بودن مرتبط می‌دانند.

همچنین، سیاه به‌عنوان رنگی که همه نور را جذب می‌کند، می‌تواند نمادی از عمق و رازآلودی باشد. از این رو، در برخی موارد ممکن است به‌عنوان نمادی از افسردگی و غم‌انگیز برداشت شود. اما این تفسیرها تا حدی شخصی و متغیر هستند و نمی‌توان به‌طور قطعی بگوییم که رنگ سیاه همیشه نماد غم و افسردگی است.

هر فرد می‌تواند نظر و تفسیر متفاوتی درباره رنگ سیاه داشته باشد. این تفسیرات بسته به تجربه‌ها، فرهنگ، ذائقه شخصی و همچنین متن و مفهومی که بارنگ سیاه در ارتباط قرار می‌دهند، شکل می‌گیرند. یعنی برداشت از رنگ سیاه می‌تواند در موارد مختلف و در زمینه‌های متنوعی متفاوت باشد.

به‌عنوان مثال، برخی افراد ممکن است سیاه را با راحتی و آرامش مرتبط کنند. برای آن‌ها، رنگ سیاه می‌تواند نمادی از تعادل سکون در زندگی باشد. در عین حال، برخی افراد ممکن است رنگ سیاه را با ترس و تاریکی مرتبط کنند و آن را نمادی از ناامیدی و غم ببینند.

همچنین، در برخی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، رنگ سیاه ممکن است به‌عنوان نمادی از عزاداری و انکار استفاده شود. در مراسم عزاداری یا مراسم خاصی، استفاده از رنگ سیاه به‌عنوان نمادی از افسردگی و انکار می‌تواند رایج باشد.

بنابراین، در نهایت، تفسیر و نظرات درباره رنگ سیاه بستگی به زمینه و مفهوم موردبحث، فرهنگ، تجربه و دیدگاه هر فرد خاص دارد.

بسیاری از حیوانات و موجودات خدا قدرت درک رنگ را ندارند و شاید فقط بتوانند دورنگ (مونوکروم) را تشخیص دهند مانند سگ یا مار. در دهه‌های پنجاه و شصت، بسیاری از تلویزیون‌های قدیمی تنها تصاویر سیاه‌وسفید را نشان می‌دادند و حتی بسیاری از فیلم‌ها نیز به‌صورت سیاه‌وسفید ضبط می‌شدند. احتمالاً دلیل آن این بود که تمرکز روی عناصر ضروری تر بود و از اصل مسئله حمایت می‌کرد. به‌واقع، اگر ما قدرت دیدن این همه رنگ را نداشته‌ایم، دنیا برای ما چه معنایی داشت؟ همه چیز خسته‌کننده و یکنواخت می‌شد و احتمالاً افراد خودکشی می‌کردند و خود را رها می‌کردند. شاید هم افراد باهوش تری داشتیم که دغدغه‌های مد و فشن و استفاده از مواد شیمیایی برای ایجاد رنگ‌های مصنوعی را نداشتند و محیط‌زیست بهتری داشتیم. ممکن است در آن صورت، اختلافات سلیقه و تبعیض نژادی وجود نداشت و همگان به یک‌رنگ و شکل بوده باشند.

دنیای رنگارنگ از جمله معجزه‌های زیبای طبیعت و هنر است که زندگی را پرنور و شگفت‌انگیز می‌کند. این تنوع و زیبایی رنگ‌ها باعث ایجاد تجربه‌های سرشار از زندگی و لذت برای ما می‌شود

دیدن رنگ‌ها تأثیر قابل توجهی بر روحیه و رفتار انسان‌ها دارد. رنگ‌ها به‌عنوان پدیده‌ای حسی و تجربه‌ای شدید، توانایی تحریک احساسات و تغییر مزاج را دارند.

رنگ قرمز به‌عنوان رنگی فعال و پرانرژی شناخته می‌شود. این رنگ معمولاً با احساساتی مانند عشق، شور و هیجان مرتبط است. ممکن است تحریک‌کننده و پرشورکننده باشد و در برخی افراد احساس استرس و تنش را افزایش دهد.

رنگ آبی به‌عنوان رنگی آرامش‌بخش و مهارتی معروف است. این رنگ قادر است به کسب آرامش، اعتمادبه‌نفس و تمرکز کمک کند. به همین دلیل، اتاق‌های بیمارستان و محیط‌هایی که نیاز به آرامش و تمرکز دارند، اغلب با رنگ آبی تزئین می‌شوند.

رنگ سبز به‌عنوان نمادی از طبیعت و زندگی شناخته می‌شود. این رنگ احساس آرامش، تعادل و تجدید نشاط را به افراد منتقل می‌کند. اغلب در محیط‌هایی که استراحت و آرامش موردنیاز است از رنگ سبز استفاده می‌شود.

رنگ زرد به‌عنوان رنگ شادی و خوشبختی شناخته می‌شود. این رنگ قادر است احساسات خوشحالی، انرژی و امید را به ما منتقل کند. همچنین ممکن است در بهبود خلاقیت و تمرکز کمک کند.

رنگ بنفش به‌عنوان رنگی مرموز و ارتباطی با خلاقیت و ذهنیت شناخته می‌شود. این رنگ معمولاً با احساساتی مانند شوق، عمق و الهام مرتبط است. رنگ سفید به‌عنوان نمادی از پاکی و صفا معروف است. این رنگ ممکن است احساس صفا، آرامش و تمیزی را به ما منتقل کند. همچنین، در فرهنگ‌های مختلف، رنگ سفید به‌عنوان نماد صلح و بی‌گناهی شناخته می‌شود.

البته باید بدانیم این تأثیرات رنگ‌ها بر روحیه و رفتار افراد ممکن است نسبی و متغیر باشد. عوامل فردی، فرهنگی و محیطی نیز می‌توانند بر تأثیر رنگ‌ها تأثیرگذار باشند. همچنین، تجربه‌ها و ذهنیت فرد نیز می‌توانند نقشی در تفسیر رنگ‌ها و واکنش به آنها داشته باشند. افراد ممکن است به رنگ‌ها با تفاوت‌های فردی واکنش نشان دهند.

به‌طور کلی، رنگ‌ها می‌توانند تأثیراتی در زمینه‌های مختلف داشته باشند، رنگ‌ها می‌توانند احساسات مثبت یا منفی را تحریک کنند. به‌عنوان مثال، رنگ‌های روشن و شاد ممکن است خوشحالی و انرژی را افزایش دهند، درحالی‌که رنگ‌های تیره و تاریک ممکن است احساسات اضطراب یا ناراحتی را تشدید کنند. برخی رنگ‌ها می‌توانند تمرکز و توجه را بهبود بخشند، درحالی‌که رنگ‌های دیگر ممکن است تمرکز را از بین ببرند یا پرت کنند. برای مثال، رنگ آبی و سبز معمولاً به تمرکز کمک می‌کنند درحالی‌که رنگ‌های شاد و پرنور ممکن است توجه را پرت کنند. رنگ‌ها



شبنم درخشان
روزنامه‌نگار





در ستایش آهستگی



محمدحسین برزگری
فیلمساز

عصر یک روز زمستانی در موزه هنرهای معاصر مشغول تماشای آثار علی اکبر صادقی بودم. تعداد نقاشی‌ها زیاد و زیبایی‌شان ستودنی بود.

برای اینکه هیچ تابلویی را از دست ندهم به سرعت از یک اثر به سراغ دیگری می‌رفتم. به آخرین کار که رسیدم ناگهان فهمیدم عملی که انجام داده‌ام بیشتر شبیه سرسری نگریستن بوده و نه تماشا کردن؛ زیرا تماشا در بطن خویش تمنای آهستگی دارد، نیاز به مستقر شدن، آرام گرفتن و حضور قلب. نگرانی بابت اینکه نکند کاری نادیده بماند، تعجیلی نامبارک را باعث شد که در نتیجه‌اش چشمم پر بود و دلم خالی.

بعد با خودم فکر کردم آیا این کاری نیست که من تقریباً با تمام زندگیم انجام داده و در نتیجه روزگارم را تبدیل کرده‌ام به روزهای بیهوده دویدن و شب‌های خستگی؟ به اطرافم که دقت کردم دیدم گویی همه در حال عجله هستند و زندگی شبیه فیلمی است که به اشتباه روی دور تند تنظیم شده باشد. چنان همه چیز در چنبره شتاب گرفتار آمده است که مجال نیست تا از خود بپرسی معنای این همه دویدن چیست؟

لوک فری، فیلسوف فرانسوی می‌نویسد: «انسان مدرن پیوسته یا دارد کاری را انجام می‌دهد و یا برای آن برنامه می‌ریزد؛ زیرا اگر لحظه‌ای از این فعالیت مداوم دست بردارد کشف خواهد کرد که بسیاری از این امور در واقع برایش بی‌معنا و ناخواسته هستند». به گمانم او حق دارد، ما مشغله و شتاب را بدل به سپری برابر فقدان معنا در زندگی کرده‌ایم.

ذات زندگی مدرن مدام الگوهای پیش‌ساخته‌ای را به آدمی تحمیل می‌کند؛ الگوهایی درباره کار، تحصیل، رابطه و خوشی. نیاز به تطبیق خویش با این قالب‌ها باعث می‌شود ما همه در یک نبرد برای موفق شدن و به دست آوردن درگیر شویم بی آنکه از خود بپرسیم آیا برای حس نیک‌بختی به این همه نیاز داریم یا آن‌چه که به دست آورده‌ایم در خلوت به زیستن‌مان معنا می‌بخشد؟

ذات مصرف‌گرای جوامع سرمایه‌سالار ما را به ظریف‌ترین شکلی چنان با انتخاب‌های گوناگون به طور مداوم بمباران می‌کند که ناخودآگاه درگیر نوعی از مسابقه سرعت شده‌ایم؛ حالا فقط وسعت است که اهمیت دارد و عمق یافتن خیالی بیهوده است.

ما برابر هیچ چیز آن قدر مکث نمی‌کنیم که جزئی از ما شود؛ زیرا این تامل باعث خواهد شد تا گزینه‌های دیگر را از دست بدهیم. ذات سریع زندگی معاصر باعث می‌شود چیزی در خاطر ما چنان ریشه ندواند که دل‌کنند از آن دشوار باشد.

زندگی پرشتاب آدمی را برای فراموش کردن است که تربیت می‌کند زیرا بدون این فراموشی امکان تحمل بار بی‌معنایی برای بسیاری از ما ممکن نیست. بام تا شام به دنبال چیزی می‌دویم که نمی‌دانیم چیست و به چه کاری می‌آید و بعد فرسوده و خسته سر بر بالین می‌گذاریم تا صبح‌دم برای آن نو دویدن مهیا باشیم. پوچی چنین موقعیتی فقط با همان اعتیاد به مصرف، غرق کردن خویش در الکل، دفن کردن خود با مخدر، پر خوری‌های دیوانه‌وار و معاشرت‌های خالی از شوق، قابل تحمل است.

همین جاست که شتاب‌زدگی ما را با فراموشی مسموم می‌کند و به خوابی ناخوش فرو می‌برد تا بیگانگی ویران‌گر روزگار خویش را تاب آوریم.

آهستگی اما بیداری است، پادزهری برابر این چرخه نفس‌گیر. آهستگی به خاطر سپردن است، به یاد داشتن و تقابل با فراموشی برساخته‌زمانه پرشتاب. آهستگی تسلیم نشدن برابر قواعد بیرونی است، مجال تامل به خویش دادن و صبوری کردن با جهان. آهستگی درنگ کردن برابر امر زیبا است بدون دلهره از دست دادن شکلی متفاوت از زیبایی در جایی دیگر، غنی ساختن ذرات زمان در وقت اکتون. آهستگی به رسمیت شناختن زیبایی است.

برای جاری شدن حکمت آهستگی در رگان روزگار، بیش از هر چیز نیاز به دانایی و توانایی است. آگاه شدن به اینکه چه چیزی در بازار مکاره پر هیاهوی زندگی واقعا برای ما ارزشمند است و چه چیزهایی پیرایه‌هایی قابل چشم‌پوشی و قدرت کافی برای تمرکز روی آنچه که در حقیقت ارزش و معنا دارد. دنیای بیرونی و محیط اطراف هرگز از فشار روی ما برای تحمیل الگوهای پیشینی دست بر نمی‌دارد؛ به همین دلیل ما برای رسیدن به فضیلت آهستگی درگیر یک نبرد دائمی هستیم.

پیروزی در این مبارزه باعث با معنا شدن زندگی است و شکست در آن حاصلی جز بیگانگی و بیهودگی ندارد. فقط به یمن حضور توأمان دانایی و توانایی است که می‌توانیم به وسوسه‌های ناخواسته وسعت و فراوانی پشت کنیم و رو به سمت آهستگی بگردانیم جایی که صمیمیت، عمق و معنا در انتظار ماست. به گمانم سرانجام جاری شدن آهستگی در زندگی آدمی باید چیزی شبیه تجربه فاوست باشد آنجا که گفت: درنگ کن، بایست، تو بس زیبایی.



حال ناخوش بازار مسکن

بازار مسکن طی چند سال اخیر با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بود که صرفاً به ضرر مصرف‌کنندگان تمام شد. افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها و پشت‌گوش انداختن بانک‌ها در پرداخت تسهیلات مسکن نه تنها خرید خانه را برای اکثر شهروندان به رویا تبدیل کرد، بلکه رهن و اجاره یک واحد حداقلی را برای کم‌درآمدها به یک چالش بزرگ مبدل ساخت.

در این شرایط سیاست‌گذاری‌ها دولت هم جوابگوی این حجم از نابسامانی در بازار مسکن نشد و میانگین هر متر خانه در کلان‌شهر تهران را از مرز متری ۸۰ میلیون تومان هم گذراند. اگرچه وعده ساخت سالی ۱ میلیون واحد مسکونی هم در مسیر خوبی قرار دارد و بسیاری از مشکلات حل شده، اما هنوز واحدی تحویل مردم نشده است.

فعل و انفعالات بازار مسکن شامل تغییرات قیمت، تغییرات تقاضا و عرضه، تغییرات سیاست‌های دولتی، تغییرات قوانین مربوط به مسکن و عوامل دیگر شد. در طول این دوره، بازار مسکن تحت تاثیر تغییرات اقتصادی، سیاسی زیادی قرار گرفت که گاهی مثبت و اکثراً منفی بود.

در دوره‌هایی که اقتصاد ایران رو به رشد بود، بازار مسکن نیز رونقی خوبی را تجربه کرد. در این زمان‌ها توسعه پروژه‌های ساخت و ساز نیز افزایش پیدا می‌کرد.

در سال‌های اخیر، قیمت مسکن در برخی مناطق شهرهای بزرگ ایران مانند تهران، اصفهان و مشهد به صورت چشمگیری افزایش یافته است.

این افزایش قیمت به علت افزایش تقاضا، کاهش تعداد واحدهای موجود، افزایش هزینه‌های ساخت و ساز و تغییرات سیاست‌های دولتی است. این موضوع باعث گردیده که مردم دسترسی کمتری به مسکن مناسب داشته باشند و با مشکلات مسکن مواجه شوند.

با این حال، در دوره‌هایی که اقتصاد با رکود مواجه بوده است، بازار مسکن نیز تحت تاثیر عوامل منفی قرار گرفت. این موضوع که افزایش تعداد واحدهای خالی، کاهش فعالیت ساخت و ساز و کاهش تقاضا را رقم زد، غبار سردی بر پیکره معاملات مسکن داشید و این بازار را به خواب زمستانی طولانی برده است که معلوم نیست چه زمانی از این وضعیت رها می‌شود.

البته حل مشکلات بازار مسکن در ایران مختص ساخت و ساز نیست و از زوایای مختلفی باید احیا شو. یکی از این جنبه‌ها که در سال‌های اخیر مشکلات زیادی را برای مردم به وجود آورده، بحث «شهرسازی» است که متأسفانه مغفول مانده و در شهرک‌های اقماری بیشتر جلوه می‌کند.

با افزایش جمعیت شهرنشین، شهرهای بزرگ در ایران دچار مشکلات فراوان و شهرهای جدید برای جذب سرریز جمعیتی احداث شدند.

شهرهای جدید برای کاستن از مشکلات جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی کلانشهری مانند تهران در حوزه نفوذ این شهر احداث شده‌اند، اما این شهرها هم در عمل نتوانسته‌اند از مشکلات کلانشهرها با توجه به اهدافشان بکاهند و اهداف از پیش تعیین‌شده، عملی نشده‌اند.

شهرسازی، معماری، ایمنی، رفاه، اصول فنی و... مواردی نیستند که برای احداث یک شهر جدید نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت باشیم.

اصول شهرسازی مجموعه‌ای از اصول و مبانی است که برای طراحی و توسعه شهرها و مناطق شهری به کار می‌رود. این اصول به‌منظور ایجاد شهرهای پایدار، زیبا، قابل‌استفاده و به‌رودر تدوین شده‌اند. این اصول برای ایجاد ارتباط‌های موثر بین فعالیت‌ها، کاهش ترافیک و افزایش کیفیت زندگی شهروندان بسیار مهم هستند و باید رعایت شوند.

اگر برای بررسی مشکلات موجود ریزتر شویم، به مواردی فراتر از سیستم شهرسازی و کیفیت ساخت پایین شهرک‌های اقماری پی می‌بریم، به‌طوری‌که مشکلات تامین آب، برق و گاز نیز گاهی چالش‌آفرین می‌شوند و زندگی را برای ساکنان شهرهای اطراف تهران سخت می‌کنند. اینکه دائم از ساخت‌وساز جدید آن‌هم بدون در نظر گرفتن اصول شهرسازی صحبت شود، شرایط را برای کلانشهری مثل تهران بدتر می‌کند.

امید است تا مسئولان برای حل مشکلات موجود، برنامه‌ریزی‌های جامع‌تری انجام دهند تا بتوانند مشکلات بازار مسکن را برطرف سازند و روح تازه‌ای در جسم بی‌جان این بازار حیاتی دمیده شود.

به‌طور مشخص، ساخت شهرک‌های جدید شاید بتواند مشکلات بخش مسکن را تا حدودی حل کند، اما چالش‌های جدی‌تری را به وجود می‌آورد که شاید حل‌وفصلش به همین راحتی‌ها هم نباشد. شهرهای اطراف تهران، نیاز مبرم به توجه و سرمایه‌گذاری‌های کلانی در بخش رفاه، آموزش، حمل‌ونقل، فضای سبز، امنیت، درمان، اشتغال‌زایی و به‌طور کلی شهرسازی اصولی دارند که باید در اولویت قرار بگیرند.



محمد انوشه‌ئی

روزنامه‌نگار





نسل آخرین ها

شاید باورش برایمان کمی سخت باشد اما واقعیت دارد و تلخ است. نسل ما دقیقا آخرین نسلی هست که دنیای بدون اینترنت را زندگی کرده و دنیای بدون تلفن همراه را تجربه کرده اگر به کودکان خود بگوییم ما بدون داشتن تلفن همراه زندگی می کردیم و فرار هایمان را می گذاشتیم، باور نخواهند کرد. اکنون بدون تلفن همراه اصلا از خانه بیرون نمی رویم ما آخرین نسلی هستیم که خیلی از آدرس ها، خیلی از شماره تلفن ها را حفظ کردیم. حالا دیگر آدرس ها را به نقشه های آنلاین می سپارند و کسی زیاد شماره تلفن حفظ نیست. اما اینها چیزهای ساده ماجراست و بیشتر جنبه نوستالژیک و خاطره بازی ماجراست. موضوع ناراحت کننده این داستان این است که با مرور خبرها متوجه می شویم شاید ما آخرین نسلی باشیم که اینگونه آب را مصرف می کند این گونه حمام می رود. در آینده نه چندان دور شکل مصرف آب فرق خواهد کرد و شاید حتی به خاطر آن جنگ به پا شود. بحران جهانی آب را ببینید نسل بعد تعریفش از مصرف آب فرق خواهد کرد. اصلا شکل مصرف انرژی ها متفاوت خواهد بود. چیزی دیگری که دارد تغییر می کند شکل آموزش است؛ شاید ما آخرین نسلی باشیم که آنقدر از عمر خود را صرف یادگیری های مختلف می کند که شاید در طول زندگی خیلی از آنها به کارمان نیاید. آنطور که در اخبار آمده با پیشرفت هوش مصنوعی و نصب چیپها در مغز انسان شکل آموزش و یادگیری فرق خواهد کرد. شاید ما آخرین نسلی باشیم که جنگل های شمال ایران و دریاچه خزر و خیلی از منابع طبیعی را اینگونه می بینیم و تجربه می کنیم. در نسل آینده شاید بعضی از مناظر طبیعی حتی نباشند و آنها را در عکسها باید دید. در آینده شکل خرید و حجم خریدها متفاوت خواهد شد خیلی از کارها به صورت آنلاین و بدون حضور انجام می شود. ما آخرین نسلی هستیم که از سوخت های فسیلی استفاده می کند و صف های نفت را به یاد دارد ما آخرین نسلی هستیم که ماشین های بنزینی سوار می شویم. سکه ها را یادتان هست. باید بگوییم ما آخرین نسلی هستیم که پول هایی مانند سکه و اسکناس را همراه داشتیم و حتی شکل کیف های پول هم تغییر می کند. شکل بانکها متفاوت خواهد شد. تغییرها دارند به سرعت اتفاق می افتند چه در آب و هوا و اقلیم، چه در سبک زندگی، نسل های بعدی شاید تا چند دهه بعد به این شکل تغییر را حس نکنند.

آینده گان در باره نسل ما چه خواهند گفت؟ چه این تغییرات را بپذیریم چه نپذیریم اتفاق می افتد بعضی از آنها خوبند و پیشرفت بشر هستند اما بعضی از آنها فاجعه به حساب می آیند حاصل اعمال کاری نسل ماست مثل نابودی بعضی چیزها شاید متوجه نباشیم اما گاهی تصمیماتی که می گیریم متوجه نیستیم چه دومی را به راه خواهند انداخت که تا نسلها بعد از ما ادامه دار می شود و اصلا سبک زندگی ها را عوض می کند و گاهی زندگی های را نابود کند. پس ما به عنوان نسل آخر شاید لازم باشد چیزهای را برای آیندگان بگذاریم.



مهدی کاوای
عکاس



بلای جان تولید

صنایع در کشور ما مانند بسیاری از کشورهای دیگر جهان برای تامین مالی وابسته به بانکها هستند و اغلب از تسهیلات بانکی برای تامین سرمایه در گردش خود استفاده می‌کنند؛ از این رو هرگونه تغییری در سازکار سیستم بانکی بر تولید و صنعت کشور تاثیر زیادی می‌گذارد. این در حالی است که نظام بانکی ما همواره در معرض تصمیمات و برنامه‌های ناگهانی است که گاهی این ضعف با این عنوان که تصمیمی موقتی در دست اجراست، نادیده گرفته می‌شود.



محمود نجفی سهی



مهدی عبدالهی نجات

تولیدی است که موفق به دریافت تسهیلات از بانکها شود. اگر هم تسهیلاتی داده می‌شود به حدی نرخ سود بانکی آن بالاست که خود به چالش دیگری برای تولیدکننده تبدیل می‌شود. آنچه در واحدهای تولید به عینه شاهد آن هستیم کمبود سرمایه در گردش است که دست تولیدکننده را بسته و به ناچار به جای تمرکز بر تولید به دنبال رفع دغدغه‌های مالی روزانه است که در نهایت او را خسته می‌کند.

عبدالهی نجات در پایان تاکید کرد: در حال حاضر بانک تنها ابزار تامین مالی تولید است و با توجه به سختی دریافت تسهیلات از این منبع، بازنگری در نظام بانکی و روابط متقابل بخش صنعت ضرورت دارد. انتظار این بود که تصمیمات دولت درباره بهره بانکی به نفع تولید باشد که متأسفانه خلاف این موضوع رخ داد و در نهایت متضرر واقعی تولید خواهد بود. با این وجود، انتظار داریم دولت به این مهم توجه کرده و واحدهای تولیدی را در تامین سرمایه در گردش یاری دهد.

تولید نادیده گرفته می‌شود

محمود نجفی سهی، فعال و کارشناس حوزه صنعت نیز درباره تامین مالی تولید به صمت گفت: همان‌طور که می‌دانید صنایع بار اصلی اقتصاد را بر دوش می‌کشند و رشد آنها، توسعه اقتصادی را برای کشور به ارمغان می‌آورد. از این رو هر قدر در مسیر فعالیت صنعت و به عبارتی تولید کشور، موانع و مشکلات سر بر بیاورند، ما را از توسعه اقتصادی دور خواهند کرد و حتی به جایی خواهیم رسید که حداقل رشد اقتصادی هم متوقف می‌شود. اگر چالش‌ها و معضلات در مسیر حرکت تولید و صنعت، رشد صنعتی را متوقف کنند، مشکلات اقتصادی مضاعف می‌شود و مسائل پیچیده‌ای را به وجود می‌آورد و منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیری در سطح کلان خواهند شد.

نجفی سهی اظهار کرد: در ایران بخش زیادی از مشکلات صنعت مربوط به اقتصاد بیمار است که اغلب مولفه‌های آن دائم در نوسان بوده و ثبات ندارند. همین امر برنامه‌ریزی بلندمدت را ناممکن و تولیدکنندگان را دچار سردرگمی می‌کند. این چالش‌های دائمی، قدرت تولید را کاهش داده و کمبود نقدینگی و بدهی‌های بانکی منجر به سقوط واحدهای صنعتی می‌شوند؛ همان‌طور که در حال حاضر شاهد آن هستیم. بنا بر آمارهای منتشر شده، از ۲۱۵ مشکلات شناسایی شده برای صنعت، حدود ۵۰ مشکل مربوط به نظام بانکی کشور می‌شود. حالا هم افزایش نرخ بهره از همین تصمیمات ناگهانی است که بلای جان تولید شده است. هر روز یک برنامه و تصمیم اجرا می‌شود که ضرر و زیان‌هایی برای تولید

افزایش ناگهانی نرخ بهره بانکی از جمله این تصمیمات موقتی و ناگهانی است. هفته گذشته بانک مرکزی دستورالعمل انتشار گواهی خاص با نرخ سود علی‌الحساب بانکی ۳۰ درصد سالانه را با هدف تامین سرمایه در گردش واحدهای تولید به شبکه بانکی ابلاغ کرد. به اعتقاد کارشناسان به ظاهر این طرح برای تامین مالی پروژه‌هاست، اما به نظر می‌رسد هدف اصلی آن، جذب نقدینگی در دست مردم و جلوگیری از رشد نرخ ارز باشد. در هر صورت، بخش زیادی از پیامدهای این تصمیم برای تولید و صنعت کشور خواهد بود؛ از این رو صمت در این گزارش در گفت‌وگو با فعالان حوزه صنعت به بررسی پیامدهای افزایش نرخ بهره بانکی برای تولید پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

تولید روزهای دشواری پیش رو دارد

مهدی عبدالهی نجات، فعال و کارشناس حوزه صنعت با اشاره به اینکه افزایش نرخ بهره بانکی در شرایط کنونی به ضرر تولید خواهد بود درباره پیامدهای این گونه تصمیمات به صمت اظهار کرد: در شرایط کنونی که تولید با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو است، افزایش نرخ بهره بانکی قطعاً تاثیرات منفی بر تولید دارد. با افزایش بهره بانکی مردم نقدینگی که در اختیار دارند را به جای تولید در بانک‌ها سپرده می‌کنند و کاهش سرمایه‌گذاری در تولید نخستین اتفاقی است که رخ خواهد داد.

افزایش نرخ بهره بانکی همچنین باعث کاهش تقاضا برای وام و تامین سرمایه در گردش تولید می‌شود، که در نهایت به توقف فعالیت‌های تولیدی یا کاهش ظرفیت‌ها در این بخش منجر خواهد شد. این امر خلاف هدف اولیه از اجرای آن، در بلندمدت حتی بر میزان نقدینگی‌های سرگردان می‌افزاید و منجر به دردهای جدیدی می‌شود.

عبدالهی نجات با اشاره به اینکه افزایش هزینه‌های تولید از پیامدهای دیگر افزایش نرخ بهره بانکی در شرایط کنونی است، گفت: افزایش بهره بانکی باعث افزایش هزینه‌های اعتباری برای واحدهای تولیدی و کسب‌وکارها می‌شود که افزایش هزینه‌های تولید را به دنبال دارد و در نتیجه آن تیراژ تولید کاهش می‌یابد. در شرایطی که وضعیت تامین مالی صنایع سخت است، افزایش بهره بانکی حتی باعث کاهش توان رقابتی شرکت‌ها و صنایع می‌شود، زیرا هزینه‌های تولید آنها افزایش و در مقابل، قدرت خرید مصرف‌کنندگان کاهش می‌یابد.

وی ادامه داد: در حال حاضر که مدت‌هاست با مشکل تامین نیروی انسانی ماهر روبه‌رو شده‌ایم، قطعاً افزایش بهره بانکی روی این بخش مهم تولید هم تاثیر می‌گذارد. با کاهش نقدینگی و سرمایه در گردش، تولیدکننده‌ها به ناچار به دلیل صرف هزینه‌های بالاتر برای تولید و افزایش نرخ تمام‌شده، فعالیت‌های تولیدی خود را کاهش می‌دهند که به معنای کاهش درآمد و در نتیجه ناتوانی در تامین نیروهای بالایی نیز درخواست می‌کنند. البته در به‌واسطه بالا رفتن هزینه‌های زندگی، دستمزدهای بالایی نیز درخواست می‌کنند. البته در مقابل تعدیل نیرو هم می‌تواند از آثار جانبی این رویکرد اشتباه باشد.

عبدالهی نجات با اشاره به اینکه تولید همیشه مغلوب تصمیمات ناگهانی تصمیم‌گیران است، اظهار کرد: افزایش بهره بانکی منجر به کاهش تولید خواهد شد و نقش زیادی در نحوه ادامه یافتن فعالیت اقتصادی دارد. تولید در چند سال گذشته از واحدهای کوچک تا بزرگ، علاوه بر تامین مالی در بخش‌های دیگر نیز چالش‌های ریزودرشت زیادی داشته و با اجرای این تصمیم به نظر می‌رسد تولید در سال آینده روزهای سخت‌تری را سپری خواهد کرد.

فعال حوزه صنعت افزود: نگاه صنایع، چه کوچک و چه بزرگ برای تامین مالی به منابع بانکی است که هم به نفع صنعت است، هم بانک و هم سپرده‌گذار، البته در شرایطی که همه به‌طور مساوی دیده شوند. در حال حاضر کمتر واحد



کارشناس حوزه صنعت درباره روند بانکها در اعطای منابع مالی به تولید گفت: برای اعطای تسهیلات به تولید روند کار این گونه است که قانون از سوی بانک مرکزی به نظام بانکی ابلاغ می‌شود، اما در ادامه عنوان می‌شود بانکها در اجرای آن مختار هستند. هر طرحی که بانکها در انجام آن مقاومت می‌کنند، در واقع با همراهی بانک مرکزی است. این تناقض و برخورد سلیقه‌ای اجرای بسیاری از قوانین را با مشکل مواجه کرده است. بانکها زیر بار بسیاری از مصوبات نمی‌روند و نهادهای اجرایی که همه دولتی هستند و بانکها هم شامل آنها می‌شوند با توجه به شرایطی که بر اقتصاد کشور حاکم است با صنعت و تولید همراهی ندارند. در این شرایط در نهایت تولید آسیب می‌بیند و نمی‌تواند روی پای خود بایستد. نجفی سهری با تاکید بر اینکه تولید در سایر بخش‌ها مانند مالیات، بیمه و... هم گرفتاری‌های زیادی دارد در پایان اظهار کرد: در حال حاضر تولیدی داریم با بی‌نهایت مانع که سر راه آن قرار گرفته و هر روز هم بیشتر می‌شود، و جالب‌تر از همه اینکه انتظار داریم با بالاترین کیفیت در مسیر رشد و توسعه اقتصادی کشور حرکت کند. افزایش نرخ بهره بانکی نیز از همین نوع موانع است که حتی اگر موقتی هم اجرایی شود در نهایت تأثیرات ماندگاری خواهد داشت و سودی برای صنعت به دنبال ندارد. در این شرایط تولیدی که از منابع مالی گرفته تا سوخت با چالش روبه‌رو است و هر روز نیز بر معضلات آن افزوده می‌شود، راه به جایی نخواهد برد.

سخت پابانی

بنا بر این گزارش، صنعت ما بانک‌محور و به شدت متأثر از تصمیمات نظام بانکی است. در زنجیره اقتصاد تمام بخش‌ها از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و تأثیر می‌گیرند در این میان بخش تولید به دلیل نقش پررنگی که در اقتصاد دارد به طبع تأثیرات بیشتری از تغییر و تحولات در سایر مولفه‌های اقتصادی می‌گیرد. با اینکه متولیان امر به این موضوع واقف هستند که کوچک‌ترین تصمیمی در هر یک از مولفه‌های اقتصادی به صورت افزایشی بر سایر بخش‌ها تأثیر دارد، باز هم با عناوین گوناگون گاه کارشناسی نشده و گاه به بهانه موقتی بودن، تصمیماتی می‌گیرند که پیامدهای منفی آنها بیش از نتایج مثبت‌شان است. افزایش نرخ بهره بانکی یکی از همین موارد است. کارشناسان معتقدند این تصمیم هر چند موقتی، گره کور دیگری بر مشکلات تولید می‌افزاید، راه سخت تولید را سخت‌تر می‌کند، و منجر به شرایط بد اقتصادی بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی می‌شود. واقعیت این است که این چرخه معیوب بسیاری از این بنگاه‌ها را دچار چالش‌های مالی و کمبود نقدینگی می‌کند.

به دنبال دارند و در نهایت هم صحبت از حمایت از تولید است. وی ادامه داد: اقتصاد ایران بانک‌محور است و به طبع منابع مالی صنعت هم باید از سوی بانکها تأمین شود، اما در نهایت آنچه شاهد آن هستیم کمترین میزان همکاری بین بانک و صنعت است. بانکها به دلایل گوناگون و از جمله بازگشت سریع تر تسهیلاتی که ارائه می‌کنند، ترجیح می‌دهند منابع مالی خود را در اختیار بخش‌های تجاری و بازرگانی قرار دهند، چراکه رسیدن تولید به سوددهی و بازگشت سرمایه در این بخش، زمانبر و پر از چالش و شدن و نشدن است که باعث شده بانکها تجارت را به تولید ترجیح دهند. نجفی سهری با اشاره به اینکه در حال حاضر درصد تسهیلات اختصاص پیدا کرده به تولید بسیار پایین است، گفت: اگرچه براساس قانون باید ۶۰ درصد اعتبارات بانکی به بخش تولید تخصیص داده شود، اما بررسی‌های آماری در پایان هر سال، حاکی از آن است که بانکها از آنچه به صراحت در قانون هم آمده، تمکین نمی‌کنند. از سویی هم همان سهم اندک به‌طور کامل به واحدهای تولیدی و صنعتی تخصیص داده نمی‌شود. بانکها به بهانه‌های گوناگون به وظیفه خود در قبال کمک به تأمین مالی تولید عمل نمی‌کنند و تولیدکننده که در کنار کمبود نقدینگی با مشکلات بی‌شمار دیگری نیز روبه‌رو است را بدون حمایت مالی نادیده می‌گیرند. در حالی که تولیدکننده باید مواد اولیه مورد نیازش را نقد خریداری کند، اما در مقابل ناچار است محصول نهایی را نسیه بفروشد تا بتواند در شرایط سخت کنونی ادامه حیات دهد.

تناقضات و برخورد های سلیقه‌ای

نجفی سهری با اشاره به اینکه تولید در شعار همیشه در صدر خبرهاست، افزود: اگرچه نهادهای گوناگون برای رفع مشکل نقدینگی تولید برنامه‌هایی را عنوان می‌کنند، اما در نهایت شاهد اجرایی شدن اغلب آنها نیستیم. در این میان، اگر هم شورای پول و اعتبار تمهیداتی برای حمایت از واحدهای تولیدی در نظر می‌گیرد، اما بانکها از انجام آنها هم خودداری می‌کنند. در حوزه نظام بانکی وقتی قانونی مصوب می‌شود در آن عنوان نمی‌شود مربوط به بانک خصوصی است یا دولتی یا حتی موسسات اقتصادی یا اینکه این قوانین مربوط به بانک و برای همه لازم‌الاجراست؛ اینکه مصوبه مربوط به تمهیداتی برای حمایت از واحدهای تولیدی است یا به تصویب سران قوا رسیده یا مصوبه هیات دولت است، تفاوتی نمی‌کند.

در هر صورت جنبه قانونی دارد و کسی نمی‌تواند مانع انجام آن شود و باید از آن تمکین کرد. البته ممکن است در این باره بانکها درخواست وثیقه بیشتری داشته باشند.



بررسی صمت از ساز کار حمایت از مصرف کننده در کشور نشان داد

حمایت دستوری راه به جایی نمی برد

نظام حمایت از مصرف کننده در ایران به دلایلی مانند نقض قوانین و مقررات، نقص در نظارت و کنترل دولتی، کمبود آگاهی مصرف کنندگان، عدم اعتماد به تولیدکنندگان و همچنین وضعیت اقتصادی و... به شدت ضعیف است. متأسفانه این روند به جایی رسیده که وقتی صحبت از حمایت از مصرف کننده به میان می آید با نوعی از بی اعتمادی و تصویری مبهم از رویکرد آن روبه رو می شویم. این در حالی است که در کشورمان سال هاست سازمانی عریض و طویل به نام سازمان حمایت از مصرف کننده و تولیدکننده صرفاً در این راستا شکل گرفته و فعالیت می کند. سازمانی که در نام آن هم یک تناقض عجیب نهفته است و باید در یک رویکرد یکپارچه با رفتاری دوگانه، هم از مصرف کننده حمایت کند و هم از تولیدکننده. صمت به بهانه روز حمایت از مصرف کننده در گفت و گو با کارشناسان به بررسی کم و کیف این مولفه مهم پرداخته که در ادامه می خوانید.

حمایت از مصرف کننده، ساز کار حرفه ای ندارد

به راستی در کشور ما مصرف کننده در قانون حمایت از مصرف کننده کجا قرار دارد؟ چرا مصرف کننده به شدت به وضعیت خدمات پس از فروش، تکلیف ارائه قطعات، حتی صحت و سلامت کالایی که خریداری کرده و... که بخشی از حقوق اوست، بی اعتماد است؟ فرشید شکر خدایی، نایب رئیس انجمن مدیریت کیفیت ایران در پاسخ به این پرسش به صمت اظهار کرد: در قانون حمایت از مصرف کننده، گرفتن خسارت و واریز آن به خزانه، تنها ابزاری است که دولت برای حمایت از مصرف کننده در اختیار دارد، این نهایت حمایت دولت از مصرف کننده است. در قانون مدنی کشور که ۱۰۰ سال پیش تدوین شده هم این گونه آمده که اگر فردی به فرد دیگر ضرر و زیان وارد کند باید جبران خسارت کند و این تنها بخشی از قانون است که به حقوق مصرف کننده پرداخته است. مفاد قانون حمایت از مصرف کننده کمکی به جبران خسارت مصرف کننده نمی کند و اصولاً کار آبی در این بخش ندارد. دیگر اینکه، تجمیع خسارتها که در مسیر انجمن های حمایت از مصرف کننده در قانون پیش بینی شده، در کشور ما ساز کار حرفه ای ندارد. انجمن های حمایت از مصرف کننده توسط وزارت صمت در استان های گوناگون کشور تشکیل شده، در حالی که این وزارتخانه محور حمایت از تولید است، نه مصرف کننده. در این موضوع با خلأ قانونی روبه رو هستیم. در کشور مصرف کننده، بی پناه است و قانون حمایت از مصرف کننده بیشتر تعزیرگونه است تا حمایت محور.

شکر خدایی با اشاره به تصویب اصلاحات قانون ارتقای نظام استاندارد در مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفت: این قانون یک مکمل دارد و انجمن مدیریت کیفیت ایران به عنوان طراح، همزمان متن قانونی آن را هم آماده کرده که در دوره های اخیر مجلس، مورد بی توجهی قرار گرفته است. کسانی که این موضوع را پیگیری می کردند در حال حاضر در مجلس حضور ندارند و نمایندگان مجلس هم اهمیت چندانی برای کیفیت و حمایت از مصرف کننده قائل نیستند. انتظار این است که کارمند دولت پیگیر این موضوعات باشد، اما همان طور که می دانید با این مجوزها و بگیر و ببندها چیزی نصیب مصرف کننده نمی شود. به اعتقاد من، افزایش اختیارات سازمان های دولتی در نظارت بر بنگاه های تولیدی، نوعی فساد اداری است.

قیمت گذاری دستوری، قاتل رفاه در ایران

این کارشناس حوزه صنعت درباره عدم رضایت مصرف کننده ایرانی از ضمانتنامه و خدمات پس از فروش محصول داخلی گفت: زمانی می توانیم به مفاهیمی مانند رضایت و حق انتخاب و به عبارتی رضایت مصرف کننده بپردازیم که تعداد عرضه کنندگان بیشتر از مصرف کنندگان و فضا رقابتی باشد. تولیدکننده محدود به دنبال تولید حداکثری است، نه کیفیت و رضایت مشتری، وقتی برای خودرو، متقاضی در صف خرید کالا قرار دارد، یعنی حق انتخابی نیست و در این شرایط که حق انتخابی وجود ندارد، ویژگی های متفاوت بین عرضه کنندگان که می تواند رسیدگی به شکایات، تعویض بدون سوال محصول و... باشد، دیگر جایگاهی ندارد. در اینجا به مکانیسم های افشاح و ضدمردمی قیمت گذاری هم لازم است اشاره کنم. در واقع قیمت گذاری، قاتل رضایت جامعه است. قیمت گذاری هیچ گاه منجر به رفاه مردم نخواهد شد و فقط یک توجیه برای کسانی است که حقوق بگیر هستند یا می خواهند در فضای اجتماعی رُست حمایت گرایانه به خود بگیرند و به نوعی کلاه سر مردم بگذارند. به نظر من، خواسته یا ناخواسته، تمامی آنهایی که درباره قیمت گذاری کالاهایی مانند گوشت، شیر و مرغ و مانند آنها در ۵۰ سال گذشته در کشور صحبت



فرشید شکر خدایی



احسان فدایی

کرده اند، دروغ گفته اند و سر مردم کلاه گذاشته اند که همچنان هم ادامه دارد وی ادامه داد: دولت باید تنظیم گر باشد و به نوعی عوامل بازار را تنظیم کند. تعیین کننده قیمت، بازار است و اگر هم افرادی اصرار بر دخالت در بازار دارند بهتر است میزان عرضه محصولات را از طریق واردات و مکانیسم های تسهیل شبکه توزیع، افزایش دهند. هر مکانیسمی غیر از تقویت عرضه منجر به بهم ریختن بازار و به ضرر مصرف کننده می شود. نایب رئیس انجمن مدیریت کیفیت ایران درباره مسیر درست حمایت از مصرف کننده با اشاره به اینکه باید مکانیسم های نظارت از سمت دولت برداشته شود، گفت: باید مصرف کننده در اولویت باشد و از طریق مکانیسم های حوزه بیمه مسئولیت محصول یا بیمه مسئولیت خدمات، خسارتها را مدیریت کند. در زمان تصادف، افسر راهنمایی و رانندگی که گواهینامه راننده را داده، نیازی نیست برای بررسی اقدام کند. در این مورد، مقصر مشخص و بعد از آن، جبران خسارتی توسط بیمه انجام می شود و هیچ کسی حق ندارد حتی با وجود داشتن مجوز رانندگی در خیابان، بدون بیمه مسئولیت در شهر تردد کند. در حال حاضر این گونه است که اگر واحد صنعتی، خسارتی به فرد یا افرادی می زند، کارمند وزارت صمت باید به موضوع ورود و دخالت کند. مانند اینکه افسری که به راننده مجوز رانندگی داده در زمان تصادف جوابگو باشد، چرا این گونه نیست؟ چون ما در قانون راهنمایی و رانندگی موضوعی داریم به نام «مقررات فنی» که در آن، تمام قواعد تردد در خیابان در آن ثبت شده است. شکر خدایی افزود: در قانون بهبود نظام استاندارد هم بحث مقررات فنی دیده شد و قرار بود ظرف یک سال تمام نهادهای اجرایی، مقررات فنی حوزه خودشان را مصوب کنند، اما متأسفانه این کار انجام نشد، چرا که ذی نفعانی دارد و فساد سیستماتیک نهادهای دولتی مانع از تدوین مقررات فنی می شود. درست مانند مقررات فنی ساختمان؛ یعنی تمام آن چیزی که برای ساخت و ساز در کشور لازم است را در قالب یک مجموعه مستند، چاپ، منتشر و به روز کنید. واقعیت این است که نهادهای دولتی علاقه ای به شفاف سازی ندارند. کارمندان دولت دوست دارند همه چیز مبهم و نامشخص نباشد تا تفسیر به رأی کنند. متأسفانه در کشور مقررات فنی بسیاری از کالاها و خدمات مشخص نیست. البته مقررات نوشته شده، اما ابهام دارد و نهادهای گوناگون در این زمینه با هم یکپارچه نیستند. متولیان امر هم علاقه مند به رفع



این تعارضات و تناقضها نیستند؛ چراکه هر کسی به دنبال منافع خودش است. شفافیت آیین‌نامه‌ها و مقررات فنی، کمک می‌کند مصرف‌کننده و تولیدکننده وظایف خودشان را بدانند و از آنچه باید انجام دهند آگاه باشند. در کشور ما همه به غیر از مصرف‌کننده از این عدم شفافیت سود می‌برند و کسی هم درباره ترک فعل نهادهای اجرایی در تدوین مقررات فنی جوابگو نیست. قانون‌گذار و حتی قوه قضاییه هم توجهی به این موضوع ندارند. بدون مقررات فنی نمی‌توان به ساماندهی پرداخت و بیمه تعریف کرد. پس نخست باید مقررات فنی نهادهای اجرایی نوشته و در شورای اقتصاد تصویب شود تا مبنایی برای شناسایی خطا و میزان آن باشد، پس نیازمند بسترهای قانونی هستیم. در پیش‌نویس جدید قانون حمایت از مصرف‌کننده نیز به این موضوع توجه و در نشست‌های متعدد انجمن با سازمان حمایت همه‌چیز آماده شده، اما فساد سیستماتیک و مخالفان شفافیت، علاقه‌ای به اجرایی شدن آن ندارند و به نوعی مانع انجام این کار هستند. شرک‌خدایی درباره نقش دولت و تولیدکننده در جریان حمایت از مصرف‌کننده نیز اظهار کرد: دولت موظف به تنظیم مقررات فنی و الزام برای استفاده از بیمه‌های محصول به‌جای صدور مجوز است. تولیدکنندگان هم باید ریسک‌ها و خطاهای خودشان را کاهش دهند تا شرکت‌های بیمه با نرخ بهتری محصولات آنها را بیمه کنند. این مکانیسم کنترلی که در صورت بروز خطا، شرکت‌های بیمه نرخ بیمه را بالا می‌برند، منجر به کنترل شرایط خواهد شد. از سوی دیگر، دولت هم نباید اجازه دهد کسی که مسئولیت عدم رعایت مقررات فنی را می‌پذیرد و محصول بی کیفیت وارد بازار می‌کند، بدون بیمه مسئولیت یا ضمانت بانکی فعالیت کند.

■ سازمانی برای حمایت از دولت!

شرک‌خدایی در ادامه با اشاره به مسئولیت سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ادامه داد: سازمان حمایت در نام‌گذاری هم دچار تعارض است، اما جدا از این موضوع، به نظر من در نظام اداری کشور این سازمان یک سازمان زائد به‌شمار می‌رود. این سازمان کارایی چندانی ندارد و در حال حاضر در مسیر رضایت مصرف‌کننده و تولیدکننده نیست و بیشتر به دنبال کسب رضایت دولت است تا بتواند خسارت‌هایی از خرده‌فروشان و عمده‌فروشان دریافت و به نوعی منابع درآمدی از این طریق برای دولت ایجاد کند. به‌طور مشهود و در عمل بیشتر رفتارهای عوام‌فریبانه و پوپولیستی دارد و به دنبال جبران خسارت مصرف‌کنندگان (مردم) نیست. به جد معتقدم، این سازمان باید منحل شود، چراکه نبود آن خیر بیشتری دارد و حضور آن مانع از انجام بسیاری از اصلاحات می‌شود. نایب رئیس انجمن مدیریت کیفیت ایران در پایان تاکید کرد: در این زمینه باید قانون حمایت از مصرف‌کننده را اصلاح کنیم و ریل‌گذاری جدیدی انجام دهیم. ضمن اینکه کمک کنیم مفهوم جبران خسارت به مصرف‌کننده شکل حرفه‌ای به خود بگیرد. ارتقای جایگاه و نقش بیمه‌های مسئولیت در این راستا مهم است. در نهایت اینکه به نظر من، مانع اصلی بهبود نظام حمایت از مصرف‌کننده در کشور به‌ذی‌نفعان در نهادهای دولتی برمی‌گردد که علاقه‌مند به عدم شفافیت، تفسیرپذیری و ابهام در قوانین هستند که با پوشش حمایت از مصرف‌کننده به نوعی حقوق مصرف‌کننده را تضییع می‌کنند.

■ ضرورت اصلاح ریشه‌ای نظام حمایت از مصرف‌کننده

در ادامه احسان فدایی، کارشناس حوزه صنعت نیز درباره سازکار قانون حمایت از مصرف‌کنندگان در کشور به صمت گفت: به اعتقاد من در این زمینه در کشور قانون، سازکار و سازمان و نهاد متولی، کم نداریم؛ یعنی مشکل ما در نبود قوانین و سازکارهای مربوط به حمایت از مصرف‌کنندگان نیست. در بسیاری از موارد مشکل یا به متناسب نبودن قوانین با شرایط برمی‌گردد یا مهم‌تر از آن، قوانین مربوطه ضمانت اجرایی ندارند. در موضوع حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان سازمانی بزرگ با نیروهای فراوان با عنوان



■ حمایت واقعی باشد، نه گلخانه‌ای

فدایی با اشاره به اینکه فعالیت در فضای رقابتی و آزاد منجر به بهبود روند حمایت از مصرف‌کننده می‌شود، ادامه داد: دلیل عمده نارضایتی مشتریان و افت کیفیت محصولات به سیاست‌گذاری‌های غلط بالادستی، تاکید بر آمارسازی و کمی‌گرایی و حمایت‌های گلخانه‌ای از تولید بر می‌گردد. کارشناسان حوزه صنعت در پایان تاکید کرد: راه درست حمایت از مصرف‌کننده باید اصولی و از سرچشمه شروع شود. هیچ تولیدکننده‌ای که سرمایه‌گذاری کرده و منطقی در بازار فعالیت دارد، به دنبال از دست دادن سهم خود از بازار و عرضه محصول بی کیفیت نیست. ضمن اینکه تجربه نشان داده، فضای پلیسی و امنیتی هم برای حمایت از مصرف‌کننده، پاسخگو نیست. حمایت دستوری راه به‌جایی نمی‌برد، چون راه‌های دور زدن قانون بسیار زیاد است. بهترین راه‌حل برای رسیدن به حمایت واقعی از مصرف‌کننده این است که فضای رقابتی سالم و شفاف ایجاد شود تا تولیدکننده خود را ملزم به ارائه محصول با کیفیت بداند تا خدمات پس از فروش را هم بتواند بهتر ارائه کند.

■ سخن پایانی

به اعتقاد کارشناسان حمایت از تولید در کشورمان به‌طور ساختاری نیازمند اصلاحات اساسی است و تا مسیر حرکت اصلاح نشود نارضایتی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان روزبه‌روز بیشتر خواهد شد و این سیکل معیوب ادامه خواهد داشت.



صمت کم و کیف تجارت ایران و افغانستان را بررسی کرد

همسایه هم فرهنگ، بازار پرسود

دولت سیزدهم بارها بر لزوم توسعه تجارت با همسایگان تاکید کرده و خواستار برقراری دیپلماسی اقتصادی مناسب برای افزایش مبادلات با ۱۵ کشور هم‌مرز با ایران شده. زیرا در تجارت با کشورهای همسایه ایران مشکلات انتقال پول کالاهای کمتر است. علاوه بر این به دلیل تشابه فرهنگ و تاریخ با همسایگان، کالاهای ایرانی به سهولت در بازار این کشورها پذیرفته می‌شوند و نیاز کمتری به تبلیغات دارند که همین امر موجب صرفه‌جویی در هزینه تجارت خواهد شد. به عقیده کارشناسان بازار کشورهای همسایه نه تنها می‌توانند خلایای تجاری کشور را پر کنند، بلکه امکان دسترسی به مقاصد دورتر را نیز فراهم می‌کنند. براساس گزارش وزارت اقتصاد، مجموع مبادلات بازرگانی کشور با ۱۵ کشور همسایه در سال گذشته ۹۶۷۶۷ تن به ارزش ۵۸ هزار و ۸۴۳ میلیون دلار بوده که سهم ۶۱ درصدی از وزن و ۵۲ درصدی از ارزش تجارت خارجی را داشته و به لحاظ ارزشی نسبت به سال ۱۴۰۰ رشد ۱۴.۵ درصدی برخوردار بوده است. در این گزارش به بررسی میزان تجارت با افغانستان که یکی از کشورهای همسایه در غرب کشور است پرداخته‌ایم. در حالی که اخیراً افغانستان خواستار تجارت ۱۰ میلیارد دلاری با ایران شد باید دید ایران می‌تواند چقدر روی تجارت با این کشور حساب باز کند؟

تلاش برای افزایش تجارت ایران با افغانستان

ایران با ۵۴۴۰ کیلومتر مرز زمینی، بیست‌وهفتمین کشور جهان از نظر طول مرزهای زمینی است. این حدود ۵۵۰۰ کیلومتر مرز سهم مشترک با ۷ کشور دیگر است. ارمنستان با ایران دارای مرز ۲۵ کیلومتری، جمهوری آذربایجان با احتساب نخجوان دارای مرز ۴۳۲ کیلومتری و ترکیه دارای مرز ۴۹۹ کیلومتری است. در شرق اما مرزهای کمی طولانی‌تر است و مرز شمالی ۹۹۲ کیلومتری با ترکمنستان داریم. طول مرز ما با افغانستان ۹۳۶ کیلومتر، با پاکستان ۹۰۹ کیلومتر و رکورددار مرزهای ایران، همسایه غربی عراق است که ۱۴۵۸ کیلومتر مرز دارد. به‌تازگی محمداصداق قنادزاده، معاون ارتقای کسب‌وکارهای بین‌المللی سازمان توسعه تجارت ایران از رشد ۲۰ درصدی تجارت ایران و افغانستان در سال جاری خبر داده و گفته است: برای اجرای پروژه‌های مشترک برای بازاری و توسعه افغانستان آماده هستیم. ایران شریک تجاری افغانستان است و طی سال‌های متعددی نیز در همین جایگاه قرار داشتیم و سال ۱۴۰۱ نیز میزان تجارت دو کشور بیش از ۹۷۰ میلیون دلار بوده است. البته از ۹۷۰ میلیون دلار تجارت، ۹۵۰ میلیون دلار صادرات ایران و ۲۰ میلیون دلار واردات بوده که با مذاکرات بیشتر و افزایش تولیدات افغانستان این روند به سمت تعادل پیش خواهد رفت. همچنین خان‌جان الکوزی، معاون اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری طالبان تلاش دارد حجم تجاری میان ایران و افغانستان به مرز ۸ میلیارد دلار برسد.

صادرات به افغانستان

براساس آمارهای منتشرشده از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران، سایر روغن‌های سبک و فرآورده‌ها جز بنزین در رتبه نخست کالاهای صادرشده به این کشور قرار دارند و سهم بیش از ۱۲.۹۹ درصدی را در فهرست کالاهای صادراتی به این کشور به خود اختصاص داده‌اند. روغن و سایر محصولات که از تقطیر قطران‌های زغال سنگ در درجه حرارت زیاد به دست می‌آیند، در رتبه دوم محصولات صادراتی به افغانستان جای دارند که تاجران این کشور برای خرید آن بیش از ۷۸ میلیون دلار هزینه کرده‌اند.

واردات از افغانستان

همچنین براساس آمارهای منتشرشده از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران، واردات ایران از افغانستان با جهش نسبی مواجه شده است. سرب تصفیه شده به صورت کارنشده نخستین کالا در فهرست کالاهای وارداتی از افغانستان است که برای ایران بیش از ۵ میلیون دلار خرج برداشته و ۱۷.۴۳ درصد واردات افغانستان به کشورمان را شامل می‌شود. گروه سایر با ارزشی بالغ بر ۳.۳ میلیون دلار و سهم ۱۱.۵۵ درصدی دومین رتبه را به خود اختصاص می‌دهد. این محصول در گروه محصولات نباتی در جداول تعرفه‌های گمرکی و در کنار محصولات مانند دانه آفتابگردان، حتی خرد شده قرار دارد. سایر نباتات و اجزای آنها مورد مصرف در عطرسازی و داروسازی غیرمذکور در جای دیگر، دانه کنجد به استثنای بذر آن، ماش سبز، لوبیا چیتی، فلفل خردننده و... دیگر کالاهای خریداری‌شده تجار ایرانی از همتایان

افغانستانی در سال گذشته هستند.

سهم کشورها از صادرات به افغانستان

عمده تجارت افغانستان با همسایگان بوده که در این میان، پاکستان شریک تجاری اصلی آن است. پاکستان به همراه هند حدود ۷۵ درصد صادرات افغانستان را دریافت می‌کنند و پس از آن امارات متحده عربی، چین و ترکیه قرار دارند. همچنین، ایران تامین‌کننده اصلی کالا در افغانستان است و پس از آن چین، پاکستان و قزاقستان قرار دارند. براساس گزارش بانک دولتی پاکستان، اسلام‌آباد در سال ۲۰۲۲ به تجارت دو جانبه ۱.۵۱۳ میلیارد دلاری دست یافته است. داده‌های وزارت بازرگانی هند نشان می‌دهد تجارت با افغانستان در سال گذشته به ۴۵ میلیون دلار رسید. براساس گزارش بانک جهانی، سهم تجارت خارجی افغانستان در سال ۲۰۱۸ به ۴۹.۲ درصد از تولید ناخالص داخلی رسید که در سال ۲۰۱۹ به ۴۵.۶ درصد کاهش یافت. البته پس از قدرت‌گیری طالبان در سال ۲۰۲۱ سقوط بیشتر در این شاخص مشاهده شد. افغانستان به‌طور سنتی اقلامی با ارزش افزوده پایین مانند میوه‌های خشک، فرش، پنبه، غلات و نوشیدنی‌های غیرالکلی صادر می‌کند و عمده اقلام وارداتی آن نیز شامل گندم، زغال‌سنگ، نساجی و فرآورده‌های نفتی است. باتوجه به آمار یادشده و صادرات ۹۵۰ میلیون دلاری ایران در مقایسه با سایر کشورها حفظ این بازار می‌تواند ارزآوری خوبی برای کشور داشته باشد. اما سوال این است که برای حفظ این بازار باتوجه به مزیت‌های مکانی و مالی چه اقداماتی صورت گرفته است؟ آیا می‌توان به افزایش حجم مبادلات امیدوار بود؟

نمی‌توان به حضور پایدار در این بازار امیدوار بود

مجیدرضا حریری، عضو اتاق بازرگانی ایران درباره تجارت ایران با افغانستان در گفت‌وگو با صمت گفت: در تمام دنیا شرکای تجاری در ابتدا همسایگان هستند. حال ما با کشوری مانند افغانستان علاوه بر همسایگی، فرهنگ مشترک نیز داریم که این خود یک مزیت است. از سوی دیگر تعداد زیادی افغانستانی در ایران ساکن هستند که این افراد فرهنگ مصرفی بسیار نزدیک به ایران دارند؛ در نتیجه برای طرح برند ایرانی در افغانستان موانع و مشکلات خاصی نداریم. وی با اشاره به جایگاه خوب ایران در بازار افغانستان اظهار کرد: بیش از ۴۰ درصد مجموع واردات افغانستان از ایران است. بی‌شک بازار افغانستان اکنون سر جای خودش هست و باتوجه به اتفاقات ممکن است تغییراتی در آن رخ دهد، اما نمی‌توان به پایداری حضور ایران در این بازار امیدوار بود. یعنی اگر افغانستان در بلندمدت به آرامش برسد، رقبای دیگر در بازارهای جهانی به این بازار می‌آیند و افغانستان تبدیل به بازاری می‌شود که باید در آن به رقابت بپردازیم. این در حالی است که متاسفانه کشور ما بارها ثابت کرده که در رقابت از نظر کیفیت و نرخ همیشه برنده نیست.

مزیت‌های افغانستان

عضو اتاق بازرگانی ایران با اشاره به مزیت‌های افغانستان برای تجارت بیان کرد:



یکی از مزیت‌های بازار افغانستان فروش کالاهای مصرفی به این بازار است. ما باید فروشگاه‌ها و بازارهای خودمان را در این کشور داشته باشیم؛ این در حالی است که اکنون تجار افغانی برای خرید به کشور ما می‌آیند و کالا را می‌برند و ایران پایگاه صادراتی ندارد. لازم است ما هم مانند ترکیه پایگاه‌های ثابت و مراکز تجاری و سوپرمارکت خود را در افغانستان داشته باشیم.

■ شناخت کالای ایرانی رمز صادرات موفق به افغانستان

مسعود دانشمند، کارشناس تجاری درباره تجارت ایران با افغانستان به صمت گفت: حضور و رفت‌وآمد تعداد زیاد افغانستانی در کشور موجب می‌شود نسبت به کالاهای ایرانی شناخت کافی داشته باشند و حتی می‌توانند معرف خوبی برای کالاهای ایرانی در بازار افغانستان باشند که این یک سرمایه برای حفظ بازار افغانستان است. در این فضا با شناخت کافی از اجناس ایرانی، ما چه تلاشی برای دستیابی به سهم بیشتر در بازار این کشور داشتیم؟ در کل ایران بازار برخی از کشورها را به دلیل عدم کیفیت محصول و نرخ از دست داده و اگر هرچه زودتر چاره‌اندیشی نکند، بازار افغانستان را نیز از دست خواهد داد. وی در بیان راهکاری برای بهبود تجارت بین افغانستان و ایران اظهار کرد: بهترین روش این است که از چند تاجر بزرگ افغانستانی به‌دور از مسائل سیاسی از طرف اتاق بازرگانی مشترک ایران و افغانستان دعوت و با حمایت مرکز توسعه صادرات، خط اعتباری برای آنها در نظر گرفته شود. با این اقدام شاهد افزایش تجارت با کشور افغانستان خواهیم بود.

■ رشد صادرات، عامل رشد تولید

دانشمند با اشاره به ارزش صادرات ایران به افغانستان بیان کرد: در صورتی که صادرات نداشته باشیم چرخ تولید در بسیاری از بخش‌ها از کار می‌افتد. از سوی دیگر کاهش تولید با صدمات بسیاری چون بیکاری، کاهش قدرت خرید و... همراه است. در نتیجه به دلیل مزیت‌های صادرات و کمک به اقتصاد باید اهمیت بسیاری برای صادرات هرچند اندک قائل شد.

■ هیچ استفاده‌ای نداریم

این کارشناس تجاری با اشاره به استفاده از مزیت‌های ارتباطی ایران و افغانستان اظهار کرد: تقریباً هیچ استفاده مفیدی از هم‌مرزی و نزدیکی به افغانستان در مرادوات تجاری نمی‌کنیم. برای اثبات این جمله کافی است حجم صادرات ترکیه به افغانستان را با صادرات ایران به این کشور مقایسه کنید.

■ سخن پایانی

باتوجه به مزیت‌های زیادی که در تجارت با افغانستان وجود دارد، باید برای حفظ و افزایش سهم در این بازار تلاش کرد. در این زمینه با توجه به نظرات کارشناسی احداث فروشگاه‌های ایرانی و فروش محصولات، یکی از راهکارهای موثر است. در عین حال به عقیده برخی از کارشناسان رعایت نشدن استانداردهای جهانی در صادرات کالا به بازار افغانستان در نهایت منجر به افت کیفیت در تولید و باخت در رقابت با سایر کشورها خواهد شد. در مجموع باتوجه به استقبال مقامات این کشور برای افزایش روابط تجاری و سهم بالای واردات ایران به افغانستان می‌توان روی ارزآوری حاصل از تجارت با این کشور حساب کرد. البته باتوجه به روند نزولی قیمت دلار افغانستان باید دید روند تجارت در نیمه دوم سال به چه صورتی پیش می‌رود!



صمت زیرویم تجارت ایران و ترکیه را بررسی کرد

هدف گذاری شیرین اما نشدنی!

ترکیه بازاری است ۸۵ میلیون نفری که طی ۱۰ سال گذشته همواره جزو ۵ کشور نخست مبادی وارداتی ایران بوده است. همچنین این کشور پلی بین اروپا، آسیا و خاورمیانه است که آن را به قطبی حیاتی برای تجارت و حمل و نقل تبدیل می‌کند؛ در نتیجه توسعه روابط تجاری با ترکیه می‌تواند دسترسی به بازارهای متنوع را ممکن و تجارت بین مناطق مختلف را تسهیل کند. با توجه به اطلاعات به دست آمده پس از آنکه در سال ۲۰۱۲ تجارت ایران و ترکیه به ۲۲ میلیارد دلار رسید، دو کشور برای تجارت ۳۰ میلیارد دلاری هدف گذاری کردند، اما شرایط خوب پیش نفت و تجارت ایران و ترکیه رو به زوال رفت؛ به گونه‌ای که صادرات ایران به ترکیه در سال ۱۴۰۱ به ۷ میلیارد و ۴۵۰ میلیون دلار و واردات ایران از ترکیه نیز به ۶ میلیارد دلار رسید. همچنین سهم ایران از ۴ درصد مجموع ارزش واردات این کشور در سال ۲۰۱۳ به حدود ۰.۹ درصد در سال ۲۰۲۲ کاهش یافته است.

نگاهی به تجارت ترکیه

به طور کلی در سال ۲۰۲۲، میزان تجارت ترکیه بالغ بر ۶۱۸ میلیارد دلار بوده که ۴۱ درصد آن (معادل ۲۵۴ میلیارد دلار) را صادرات و مابقی آن معادل ۳۶۴ میلیارد دلار را واردات تشکیل داده است. تراز تجاری این کشور نیز طی سال مذکور منفی ۱۱۰ میلیارد دلار بوده است. روند صادرات ترکیه طی دهه اخیر نشان می‌دهد این کشور با وجود مواجهه با بحران کووید -۱۹، توانسته سطح صادرات خود را حفظ کند و پس از آن حتی با سرعت بیشتری افزایش دهد که این اتفاق نه تنها طی این بحران، بلکه طی دو دهه گذشته نیز صادق بوده و ترکیه تحت تاثیر بحران‌های اقتصادی قرار نگرفته و از این طریق توانسته همچنان انگیزه جست‌وجو برای بازارهای جدید، بهبود قدرت رقابتی و در نتیجه گسترش صادرات را برای این کشور فراهم کند. طی دهه گذشته تراز تجاری ترکیه همواره منفی بوده و در سال ۲۰۲۲ به منفی‌ترین حالت خود رسیده است. آلمان و آمریکا شرکای اصلی تجارت ترکیه در هر دو سمت صادرات و واردات محسوب می‌شوند. ارزش تجارت ترکیه با این دو کشور در سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۷۷ میلیارد دلار بوده که ۱۲.۵ درصد از کل ارزش تجارت این کشور را تشکیل می‌دهد.

صادرات ایران به ترکیه

ترکیه همواره از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران بوده، اما در سال‌های اخیر تجارت با این کشور روند نزولی را در پیش گرفته است. پس از آنکه کل تجارت ایران با ترکیه در سال ۲۰۱۲ به حدود ۲۲ میلیارد دلار رسید، دو کشور تصمیم گرفتند هدف‌گذاری سالانه تجارت متقابل را تا حدود ۳۰ میلیارد دلار افزایش دهند، اما تجارت دو کشور از آن زمان تاکنون نه تنها افزایش نیافته، بلکه به طور کلی روند کاهشی را در پیش گرفته و در سال ۲۰۲۰ به پایین‌ترین میزان خود طی دهه اخیر رسیده است.

مطابق آمار منتشرشده از مسووی گمرک ترکیه، عمده گروه کالایی صادراتی ایران به ترکیه ذیل فصول ۷۶ «آلومینیوم و مصنوعات آلومینیوم»، ۷۴ «مس و مصنوعات مس» و ۳۹ «مواد پلاستیکی و اشیای ساخته‌شده از این مواد» قرار می‌گیرد که به تنهایی ۶۰ درصد ارزش صادرات ایران به این کشور را در سال ۲۰۲۲ تشکیل می‌دهد.

نکته قابل توجه درباره گروه کالاهای صادراتی ایران به ترکیه سهم حدود ۲.۳ درصدی ایران از صادرات «سوختهای معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آنها» به ترکیه بوده است. این اتفاق در حالی رخ داده که تنها طی حدود ۱۰ سال سهم ایران در بازار ترکیه در این گروه کالایی از ۸۸ درصد در سال ۲۰۱۱ به این رقم در سال ۲۰۲۲ رسیده که نشان‌دهنده از دست دادن بازار ترکیه در این گروه کالایی است.

نگاهی به آمار تجارت ایران و ترکیه

سال ۱۴۰۱: صادرات ایران به ترکیه ۷ میلیارد و ۴۵۰ میلیون دلار بوده و واردات از این کشور نیز به حدود ۶ میلیارد دلار رسید.

سال ۱۴۰۰: ترکیه سومین مقصد صادراتی ایران بوده که با سهم ۱۲.۵۶ درصدی از کل صادرات کشور ارزش صادرات ایران به ترکیه در این سال ۶ میلیارد و ۸۵ میلیون دلار بوده است. درباره واردات نیز ترکیه سومین واردکننده کالا به ایران بوده که با ۵ میلیارد و ۲۹۵ میلیون دلار واردات به ایران ۹.۹۹ درصد سهم بازار واردات ایران را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین در مجموع در سال ۱۴۰۰ ارزش تجارت خارجی ایران و ترکیه ۱۱

میلیارد و ۳۸۰ میلیون دلار بوده است.

سال ۱۳۹۹: کل تجارت ایران و ترکیه ۱۱ میلیون و ۱۷۸ هزار تن به ارزش ۶ میلیارد و ۸۵۶ میلیون دلار بوده که سهم صادرات ۶ میلیون و ۳۶۱ هزار تن به ارزش ۲ میلیارد و ۵۱۲ میلیون دلار و سهم واردات ۴ میلیون و ۸۱۷ هزار تن به ارزش ۴ میلیارد و ۳۴۴ میلیون دلار بوده است. سال ۱۳۹۸: در سال ۹۸ حدود ۵ میلیون و ۷۰۳ هزار تن کالا به ارزش ۵ میلیارد و ۲۷۰ میلیون دلار از ترکیه به کشورمان وارد شده بود.

سهم ۰.۲ درصدی ایران از واردات ۳۰۰ میلیارد دلاری

مهرداد سعادت‌دهقان، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و ترکیه در تشریح وضعیت تجارت ایران و ترکیه به صمت گفت: براساس آخرین آمار اعلام‌شده حجم تجارت ۲ کشور حدود ۱۳.۷ میلیارد دلار است، این در حالی است که با توجه به ظرفیت‌های دو کشور ظرفیت صادرات بیش از ۱۵ میلیارد دلار برای ایران و واردات ۱۵ میلیارد دلار از ترکیه وجود دارد. در کل حجم تجارت ۳۰ میلیارد دلاری که سال‌ها بر آن تاکید شده، دور از دسترس نیست، اما اکنون شاهد کاهش مراودات دو کشور هستیم و رشد ۵۰ درصدی اعلام شده در آمارهای صادراتی حاکی از بهبود وضعیت تجاری نیست و این رشد تنها به دلیل افزایش قیمت‌ها است. تجارت ایران با ترکیه نیز مانند تجارت ایران با دیگر طرف‌های تجاری به گونه‌ای است که ایران بیشتر مواد اولیه صادر و محصول نهایی وارد می‌کند؛ در نتیجه می‌توان گفت در تجارت ایران و ترکیه، ترک‌ها عملکرد بهتری داشته‌اند.

وی با اشاره به تدارکات سفر رئیس‌جمهوری به ترکیه بیان کرد: چالش‌های بزرگی در مسیر تجارت ایران و ترکیه وجود ندارد و بی‌شک همین مشکلات هم با دیدار رؤسای جمهوری دو کشور برطرف خواهد شد. امیدواریم توافقنامه‌ها و اقدامات مختلف، جهشی در روند تجارت با ترکیه ایجاد کنند و شاهد حرکت لاک‌پشت‌وار در روند تجارت دو کشور باشیم.

سهم اندک ایران از بازار ترکیه

سعادت‌دهقان با اشاره به آمار تجارت ترکیه اظهار کرد: براساس آمارهای موجود، ترکیه سالانه ۳۰۰ میلیارد دلار واردات و ۲۳۵ میلیارد دلار صادرات دارد که در نتیجه آن حجم تجارت ترکیه به ۵۲۵ میلیارد دلار می‌رسد. با این حال سهم ایران در صادرات به ترکیه بسیار اندک است و در نیمه نخست امسال تنها ۲.۵ میلیارد دلار به این کشور صادرات داشته‌ایم. در واقع سهم ایران از واردات ۳۰۰ میلیارد دلاری ترکیه ۰.۲ است و سهم چشمگیری وجود ندارد. البته این به معنای ارتباط نداشتن با ترکیه نیست، بلکه با وجود اشتراکات فراوان انتظارات برآورده نمی‌شود.

وی درباره مراودات بانکی با کشور ترکیه، گفت: مراودات بانکی با این کشور مشابه سایر کشورهاست؛ محدودیت‌هایی در زمینه تبادل ارز بین دو کشور به‌طور رسمی و از طرق بانکی وجود دارد، اما تجار ما از سایر روش‌ها برای مبادله ارز خود استفاده می‌کنند تا بتوانند از دیوار موانع و محدودیت‌هایی که به دلیل تحریم‌های بانکی فراروی تجارت خارجی کشور ما قرار دارد، عبور کنند.

تجارت ترجیحی متفی شد

رئیس اتاق مشترک ایران و ترکیه با اشاره به تجارت ترجیحی ایران با ترکیه گفت: ایران توانست در ۱۲۸ قلم کالا از ترکیه معافیت گمرکی دریافت کند و در مقابل ایران نیز برای



این پرسش مطرح می‌شود که آیا ایران توانسته در ترکیه برندسازی داشته باشد؟ در هر حال باید برای معرفی کالای ایرانی در بازار ترکیه برنامه‌ریزی و مطالعات داشت.

اظهارات این کارشناس مسائل بین‌المللی در حالی مطرح می‌شود که براساس گزارش رسمی موسسه آمار ترکیه در سال‌های گذشته، ایرانیان رتبه اول خرید ملک را در ترکیه داشتند اما در سال جاری، سرمایه‌گذاران ایرانی پس از روسیه، در جایگاه دوم خرید ملک در ترکیه قرار دارند. در سال ۲۰۲۲ ایرانیان بیش از ۱۲۰۰۰ واحد ملکی نوساز و دست دوم را در ترکیه خریداری کرده‌اند، این در حالی است که در سال ۲۰۲۳ این آمار رو به افول است. وی درباره هدف‌گذاری ۳۰ میلیارد دلاری برای تجارت ایران و ترکیه اظهار کرد: بارها درباره افزایش تجارت ایران و ترکیه به ۳۰ میلیارد دلار بحث شده، اما شرایط برای دستیابی به این هدف مساعد نیست.

ترکیه و شورای همکاری خلیج فارس

این کارشناس مسائل ترکیه با اشاره به نوسازی ارتباط ترکیه با برخی از کشورها بیان کرد: روابط ترکیه با شورای همکاری خلیج‌فارس، به‌ویژه سه کشور عربستان سعودی، امارات و قطر رو به افزایش است. با اینکه روابط ترکیه با عربستان و امارات در سال‌های گذشته تنش‌های بسیاری را تجربه کرد، اما به یک بازسازی روابط بازگشتند. درباره ایران نیز طی ۲ دهه گذشته بحث‌های طولانی و بلندمدتی در زمینه چگونگی افزایش سطح مبادلات تجاری ایران و ترکیه مطرح شده که تاکنون منجر به نتیجه قابل توجهی نشده است.

سخن پایانی

دستیابی به هدف تجارت ۳۰ میلیارد دلاری باوجود شیرینی آن، در حال حاضر ممکن نیست و نیاز به اقدامات بسیاری دارد. با این حال باید دید رئیس‌جمهوری چه زمان برای سفر به ترکیه آماده می‌شود تا توافقات لازم برای تجارت آزاد میان ۲ کشور صورت گیرد، بلکه به‌دنبال آن شاهد رشد مرادوات تجاری میان دو کشور باشیم.

۱۲۵ قلم کالای صنعتی ترکیه معافیت در نظر گرفت، اما این معافیت‌ها اعمال نشد و این توافقنامه بلااستفاده باقی ماند. البته تجارت ترجیحی با ترکیه قطع نشده، بلکه کاهش یافته و از ۱۲۸ قلم کالا، ۱۰۰ قلم آن ممنوع شده است. تجارت ترجیحی ایران با ترکیه با مخالفت‌های دو کشور محقق نشد، زیرا ایران نیز به‌دلیل تحریم‌های اعمالی نتوانست به تعهدات خود در زمینه تجارت ترجیحی عمل کند. در واقع باوجود انعقاد قرارداد تجارت ترجیحی میان ایران و ترکیه ورود برخی از کالاهای این کشور به ایران ممنوع شده است؛ بر همین اساس ترکیه نیز عمل متقابل انجام داد و واردات برخی کالاها از ایران را قبول نکرد. البته بخش خصوصی و اتاق مشترک ایران و ترکیه موافق تجارت ترجیحی نیست و ما در هر دو کشور ظرفیت‌های فراوانی برای افزایش مرادوات در قالب تجارت آزاد داریم، اما در صورتی که راضی به تجارت آزاد با ترکیه نشدیم، امیدواریم تجارت ترجیحی دوباره احیا و تعداد کالاهای مشمول این طرح بیشتر شود. وی با اشاره به اقداماتی برای بهبود مرادوات تجاری دو کشور بیان کرد: بهبود مرادوات تجاری دو کشور نیازمند اصلاح زیرساخت‌ها است. در واقع همان‌طور که انتظار افزایش صادرات به ترکیه وجود دارد، باید زمینه برای واردات کالاهای ترکیه‌ای نیز فراهم باشد تا تجارت دو کشور انگیزه کافی برای افزایش مبادلات را داشته باشند.

آسیب به کالا در مرز!

سعادت دهقان با اشاره به شکایت تجار در زمینه آسیب کالاها در مرز ترکیه اظهار کرد: اعتراض ما نسبت به کنترل‌های مرزی و روتین نبوده، اما برخی کنترل‌ها به کالاها آسیب می‌زند. آسیب به کالاها در مرز یکی از چالش‌های اساسی تجارت با ترکیه بود که با پیگیری‌های صورت‌گرفته این مشکل کامل حل شده است.

هیچ‌کس برند ایرانی را نمی‌شناسد

رئیس اتاق مشترک ایران و ترکیه ضمن تأکید بر تأثیر برندسازی بر میزان مرادوات تجاری گفت: برندسازی ترک‌ها ۵۰ سال از ایران جلوتر است. ترکیه در بسیاری از کشورها فروشگاه دارد و تاسیس فروشگاه در کشورهای خارجی به‌منظور برندسازی است. متأسفانه ایران نتوانسته برندسازی خوبی داشته باشد؛ در نتیجه تاسیس فروشگاه در ترکیه نیز کارساز نخواهد بود. بی‌شک باید زمان بسیاری برای شناساندن برند ایرانی در بازار ترکیه صرف شود تا پس از آن فروشگاه تاسیس کنیم، زیرا متأسفانه هیچ‌یک از برندهای ایرانی در بازار ترکیه شناخته‌شده نیستند و هیچ سازمان و رسانه‌ای نیز برای برندسازی در بازارهای صادراتی تلاش نکرده است.

پارامترهای لازم را نداریم

سیامک کاکایی، کارشناس مسائل ترکیه درباره وضعیت تجارت ایران و ترکیه به صمت گفت: ایران و ترکیه دو کشور همسایه هستند که نوع تعاملات سیاسی و همکاری اقتصادی آنها همواره موردبحث بوده است. باوجود هدف‌گذاری تجارت ۳۰ میلیارد دلاری دو کشور در سال‌های اخیر مرادوات تجاری آنها بسیار ریزش کرده که این موضوع دلایل بسیاری دارد. در کل هنگامی که به پیشینه روابط ایران و ترکیه می‌نگریم، به‌ویژه در سال گذشته شاهد مراحلی هستیم که ایران و ترکیه را در عرصه مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی باوجود رقابت دو کشور و منافع متفاوت به هم نزدیک کرده است؛ در نتیجه اکنون نیز برای بازگشت به آن دوران باید تلاش کرد.

وی با اشاره به رشد قابل توجه تجارت ترکیه بیان کرد: ترکیه رشد قابل توجهی را در صادرات و واردات خود تجربه کرده است. از نظر صادرات، این کشور شاهد افزایش مستمر ارزش کالاهای صادراتی خود بوده و بخش‌های کلیدی مانند خودرو، نساجی، ماشین‌آلات و مواد شیمیایی نقش مهمی در پیشبرد این رشد ایفا کرده‌اند. در بخش واردات، ترکیه شاهد افزایش در ارزش کالاهای وارداتی به‌ویژه در مقوله‌هایی مانند محصولات انرژی، ماشین‌آلات، الکترونیک و مواد شیمیایی بوده که نشان‌دهنده افزایش تقاضای این کشور برای حمایت از صنایع و زیرساخت‌های در حال رشد است. همچنین ترکیه روابط قابل توجهی با کشورهای بزرگی مانند چین، آلمان، روسیه و آمریکا برقرار کرده و این کشورها جزو عمده مبادی وارداتی این کشور هستند؛ بنابراین بازار ترکیه در سطوحی نیست که ایران بتواند انتظارات را برآورده کند، زیرا سهم اندکی در تجارت این کشور دارد.

واقعیت چیز دیگری است

کاکایی با اشاره به سرمایه‌گذاری ایرانی‌ها در ترکیه گفت: اکنون ترکیه به یکی از مکان‌های مهم حضور ایرانی‌ها تبدیل شده و بخشی از سرمایه ایرانی در ترکیه در بخش‌های ساختمانی و... در گردش است. حال





در بررسی صمت از تورم کالاهای خوراکی در سال ۱۴۰۲ نمایان شد

مهار تورم در هفتادخوان

حدود ۱۰ ماه از سال ۱۴۰۲ که با شعار «مهار تورم و رشد تولید» آغاز شد، می‌گذرد و چیزی به پایان آن نمانده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، با تبریک عید نوروز به آحاد ملت ایران و همه ملت‌هایی که نوروز را گرامی می‌دارند، مهم‌ترین مسئله کشور در سال گذشته را اقتصاد و معیشت مردم دانستند و با تأکید بر اینکه امسال نیز اقتصاد، مسئله اصلی کشور است، شعار سال ۱۴۰۲ را «مهار تورم و رشد تولید» اعلام کردند. این شعار از جمله مطالبات دائمی رهبری است که در سال‌های گذشته نیز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به آنها اشاره کرده‌اند، اما انتخاب آن برای امسال به دلایل متعدد و شرایط و اوضاع ویژه کشور نشان‌دهنده اولویت‌دار شدن آن است. به عقیده کارشناسان این شعار باید با برنامه‌های اجرایی و عینی همراه باشد؛ در غیر این صورت وضعیت اقتصادی سال ۱۴۰۲ اگر بدتر از سال ۱۴۰۱ نباشد، بهتر نخواهد بود. حال فرصتی دوماهه باقی است تا میزان تحقق شعار سال توسط دولت سیزدهم مورد بررسی دقیق قرار گیرد، با این حال با آمارهای موجود نیز می‌توان عملکرد دولت را در تحقق شعار سال بررسی کرد.

□ وعده‌هایی که هیچ‌گاه محقق نشد

در ابتدا بهتر است سری به چند وعده رئیس‌جمهوری پیش از انتخابات بزنیم. یکی از شعارها، رساندن تورم به نصف میزان فعلی و پس از آن، تکریمی کردن تورم بود که براساس آن سری به آمار تورم سال ۱۴۰۰ می‌زنیم. براساس آمارهای مرکز آمار تورم سالانه سال ۱۴۰۰، حدود ۴۰.۲ بود و تورم سالانه سال ۱۳۹۹ نیز ۳۶.۴ درصد. شعار بعدی دولت سیزدهم، رفع وابستگی کالاهای اساسی و سفره مردم به نرخ ارز بود، اما گزارش‌ها حاکی از آن است که در طول این مدت، قیمت‌ها به دلیل گرانی نرخ دلار روند افزایشی عجیبی به خود گرفته‌اند. شعار بعدی، متناسب‌سازی حقوق مردم با تورم بود. این در حالی است که به‌تازگی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: افزایش ۱۸ درصدی حقوق کارمندان دولت در سن نیست، زیرا براساس قانون نظام جامع تأمین اجتماعی میزان افزایش حقوق باید مطابق با تورم باشد. مگر تورم ۱۸ درصد است که دولت میزان افزایش حقوق کارمندان را ۱۸ درصد در نظر گرفته است؟ با توجه به وعده‌های رئیس‌جمهوری که هیچ‌یک محقق نشد، بد نیست سراغ اقدامات دولت سیزدهم برای تحقق شعار سال ۱۴۰۲ برویم.

گفتنی است تیر ۱۴۰۲ در ششمین جلسه شورای اقتصاد امسال گزارشی از عملکرد ۳ ماهه دستگاه‌های اجرایی مختلف در راستای مصوبه تحقق شعار امسال شامل تحلیل وضعیت شاخص‌های کلی اقتصاد، آخرین وضعیت تورم در ۳ ماه نخست سال به‌ویژه کاهش تورم نقطه به نقطه نسبت به مدت مشابه سال قبل، نرخ رشد هدف و عملکرد نقدینگی در چارچوب برنامه پولی سال ۱۴۰۲ و تحولات نرخ رشد دوازده‌ماهه نقدینگی ارائه شد. در این جلسه اهم اقدامات انجام‌شده نوزده‌بندی در زمینه مهار تورم و رشد تولید و تنظیم برنامه جامع تأمین مالی توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی تشریح شد. میزان سرمایه‌گذاری موردنیاز برای تحقق رشد اقتصادی هدف‌گذاری شده و ظرفیت تأمین مالی کشور، برنامه عملیاتی کاهش شکاف سرمایه‌گذاری موردنیاز، اقدامات بانک مرکزی به‌منظور اجرای فرآیند حل و فصل برای بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی قرارگرفته در طبقه ناسالم و غیرقابل بازسازی، اقدامات بانک مرکزی به‌منظور بهبود نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری غیربانکی، اقدامات وزارت اقتصاد برای افزایش سرمایه بانک‌ها از جمله اقدامات انجام‌شده در راستای برنامه مهار تورم و رشد تولید است.

از دیگر اقدامات برنامه مهار تورم و رشد تولید دولت می‌توان به اقدامات بانک مرکزی به‌منظور کنترل ماهانه ترانزاکشن بانک‌ها و اصلاح سقف تسهیلات، اقدامات بانک مرکزی به‌منظور تدوین دستورالعمل و اعطای مجوز به بانک‌ها برای انتشار اوراق، تسهیل دسترسی عموم جامعه به تسهیلات بانکی، برنامه مدیریت پایه پولی، شناسایی پروژه‌های دارای بازدهی و ارزآوری، اصلاح سازکارهای گمرکی و برنامه جذب منابع سرمایه‌گذاری خارجی اشاره کرد. این گزارش‌ها آخرین باری بود که دولت سیزدهم سعی کرد در آن از اقدامات صورت‌گرفته برای

تحقق شعار سال صحبت کند.

□ نگاه وزیر اقتصاد به تورم

پس از مرور وعده‌های دولت سیزدهم به مرور برخی از اظهارنظرها در زمینه مهار تورم، بپردازیم. احسان خاندوزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی-اسفند ۱۴۰۱: نرخ تورم در ۱۴۰۲ با اقدامات بانک مرکزی و دولت نسبت به امسال کاهش پیدا خواهد کرد. احسان خاندوزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی-مرداد ۱۴۰۲: براساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، تورم بعد از یک دوره ۱۴ ماهه به کانال ۳۰ درصد بازگشته است. نخستین عامل اساسی کاهش تورم، کاهش تدریجی نرخ رشد نقدینگی از ابتدای دولت تاکنون بوده است. احسان خاندوزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی-شهریور ۱۴۰۲: با فرض اینکه ارزهای آزاد شده به بانک مرکزی کمک می‌کند تا امسال را به جهت نوسان ارزی مدیریت کند، به‌نظر می‌رسد اسفند را با تورمی حدود ۴۰ درصد به پایان می‌بریم. احسان خاندوزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی-آذر ۱۴۰۲: تورم کالاها در ۸ ماهه امسال با ۲ سال قبل کاهش یافته و نوید می‌دهد روند متفاوتی از سیاست‌های کنترل تورم را تجربه می‌کنیم. دولت سعی کرده به موتورهای تورم‌زا حمله کند و به ثبات نرخ ارز نیز بپردازد.

□ ایران دارای بالاترین تورم اسمی و واقعی مواد غذایی

در شرایطی که مردم اثرات کاهش تورم را در نرخ مواد غذایی حس نمی‌کنند، قادری، عضو کمیسیون برنامه و بودجه در مرداد ۱۴۰۲ گفت: درست است که تورم بالا داریم، اما روند نرخ کاهشی است و عملکردها هم همین را نشان می‌دهد. با توجه به شعارهای دولت و ادعای کاهش تورم و کنترل بازار، بد نیست به بررسی نرخ برخی از مواد غذایی و تغییرات آنها نسبت به سال گذشته بپردازیم. گفتنی است موسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی گزارشی تحت عنوان «تورم مواد غذایی و تجربه سیاست‌گذاری کشورها» منتشر کرده که نشان می‌دهد ایران جزو ۱۰ کشوری است که در فاصله زمانی مارس ۲۰۲۲ تا مارس ۲۰۲۳ بالاترین تورم اسمی و واقعی مواد غذایی را داشته‌اند. بر این اساس، در مدت یادشده ایران بعد از لبنان، زیمبابوه و آرژانتین بیشترین تورم اسمی مواد غذایی را به خود اختصاص داده که معادل ۷۳ درصد بوده است. قبل از ایران، به ترتیب لبنان، زیمبابوه و آرژانتین با تورم ۱۲۸، ۲۶۱، ۱۲۸ و ۱۰۷ درصدی، بیشترین تورم اسمی مواد غذایی را در بین کشورها داشته‌اند.

□ فروردین؛ تورم سالانه کالاهای خوراکی ۷۵.۹ درصد

در فروردین سال جاری نرخ هر کیلوگرم گوشت گوسفند به طور میانگین ۴۵۰ هزار تومان، هر کیلو گوشت گوساله به طور میانگین ۳۹۰ هزار تومان، هر کیلو گوشت گرم مرغ بین ۶۳ تا ۷۰ هزار تومان، تن ماهی ۲۷ تا ۵۰ هزار تومان، ماکارانی ۷۰۰ گرمی ۱۷ تا ۲۴ هزار تومان، رب گوجه فرنگی ۳۵ تا ۴۵ هزار تومان، شیر بطری کم‌چرب ۱۸ تا ۲۳ هزار تومان، هر کیلو برنج هاشمی ۱۱۵ تا ۱۳۰ هزار تومان، برنج هندی کیسه ۱۰ کیلویی دولتی ۳۹۰ تا ۴۷۰ هزار تومان، لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی ۷۸ هزار تومان، عدس ۹۰۰ گرمی ۶۵ هزار تومان، لوبیا قرمز ۹۰۰ گرمی ۶۷ هزار تومان و روغن مایع



حال نگاهی به نرخ برخی از کالاها در تیر ۱۴۰۱ داریم؛ گوشت گوسفندی به‌طور میانگین کیلویی ۲۲۷ هزار تومان، گوشت گرم مرغ بین ۶۵ تا ۷۰ هزار تومان، لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی ۶۵ هزار تومان، هر کیلو برنج هاشمی ۷۵ تا ۹۰ هزار تومان، تخم‌مرغ (هر شانه) ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان. براساس اعلام مرکز آمار، تورم سالانه مهر ۱۴۰۲ برای کالاهای خوراکی ۵۵.۹ درصد است.

آذر؛ تورم سالانه کالاهای خوراکی ۵۰.۸ درصد

در آذر ۱۴۰۲ نرخ هر کیلوگرم گوشت گوسفندی به‌طور میانگین ۳۱۶ هزار تومان، هر کیلو گوشت ران گوساله به‌طور میانگین ۴۷۰ هزار تومان، هر کیلو گوشت گرم مرغ بین ۸۷ هزار و ۵۰۰ تومان، تن ماهی ۷۹ تا ۱۳۹ هزار تومان، ماکارانی ۷۰۰ گرمی ۲۷ هزار تومان، رب گوجه فرنگی ۴۵ تا ۶۰ هزار تومان، شیر بطری کم‌چرب ۲۶ هزار تومان، هر کیلو برنج هاشمی ۹۰ تا ۱۲۰ هزار تومان، برنج پاکستانی کیلویی ۳۹ هزار تومان، لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی ۷۸ هزار تومان، عدس ۹۰۰ گرمی ۸۹ هزار تومان، لوبیا قرمز ۹۰۰ گرمی ۱۰۹ هزار تومان و روغن مایع ۱.۵ لیتری ۹۱ هزار و ۹۰۰ تومان، تخم‌مرغ (هر شانه) ۹۹ تا ۱۱۹ هزار تومان بود. حال نگاهی به نرخ برخی از کالاها در آذر ۱۴۰۱ داریم؛ هر کیلوگرم گوشت گوسفندی به‌طور میانگین ۲۴۰ هزار تومان، گوشت گرم مرغ بین ۴۸ تا ۵۱ هزار تومان، لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی ۶۰ هزار تومان، هر کیلو برنج هاشمی ۸۰ تا ۱۴۰ هزار تومان، هر شانه تخم‌مرغ ۸۹ تا ۱۱۵ هزار تومان. براساس اعلام مرکز آمار، تورم سالانه آذر ۱۴۰۲ برای کالاهای خوراکی ۵۰.۸ درصد است.

سخن پایانی

در این گزارش تنها به بررسی تورم کالاهای خوراکی در سال ۱۴۰۲ با شعار مهار تورم و رشد تولید پرداختیم.

هرچند از فروردین امسال نرخ تورم کاهشی بوده و از ۷۵.۹ به ۵۰.۸ درصد در آذر رسیده، اما طی همین مدت تورم گوشت قرمز و سفید از ۷۱.۷ درصد در فروردین به ۹۰ درصد در آذر ۱۴۰۲ رسیده که حاکی از افزایش نرخ شدید این کالای مهم در سبد خانوار و حذف آن از سفره شهروندان است. حال بر نیست مسئولانی که معقدند کاهش نرخ تورم رخ داده و در پی آن قیمت‌ها در بازار کنترل شده، وقتی بگذارند و به ریز آمارها سری بزنند تا متوجه حذف کالاهای بسیاری از سفره شهروندان شوند. در کل می‌توان کارنامه دولت برای کنترل تورم کالاهای خوراکی در سال مهار تورم و رشد تولید را مردود اعلام کرد.

۱.۸ لیتری حدود ۱۱۵ تا ۳۶۰ هزار تومان و هر شانه تخم‌مرغ ۸۲ تا ۱۱۰ هزار تومان بوده است. حال نگاهی به نرخ برخی از کالاها در فروردین ۱۴۰۱ داریم؛ گوشت گوسفندی کیلویی ۱۸۰ هزار تومان، گوشت گرم مرغ بین ۳۷ هزار و ۵۰۰ تا ۴۰ هزار تومان، لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی ۵۸ هزار تومان، هر کیلو برنج هاشمی ۶۵ تا ۹۰ هزار تومان، هر شانه تخم‌مرغ ۵۵ تا ۶۵ هزار تومان. براساس اعلام مرکز آمار، تورم سالانه فروردین ۱۴۰۲ برای کالاهای خوراکی‌ها ۷۵.۹ درصد است.

تیر؛ تورم سالانه کالاهای خوراکی ۶۷.۶ درصد

در تیر سال جاری نرخ هر کیلوگرم گوشت گوسفندی به‌طور میانگین ۵۸۵ هزار تومان، هر کیلو گوشت گوساله به‌طور میانگین ۳۹۰ هزار تومان، هر کیلو گوشت گرم مرغ بین ۹۷ هزار ۸۰۰ تومان، تن ماهی ۵۸ تا ۸۲ هزار تومان، ماکارانی ۷۰۰ گرمی ۱۷ تا ۲۴ هزار تومان، رب گوجه فرنگی ۳۹ تا ۴۵ هزار تومان، شیر بطری کم‌چرب ۲۵ هزار تومان، هر کیلو برنج هاشمی ۱۱۰ هزار تومان، لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی ۷۸ هزار تومان، عدس ۹۰۰ گرمی ۵۹ هزار تومان، لوبیا قرمز ۹۰۰ گرمی ۶۴ هزار تومان و روغن مایع ۱.۸ لیتری ۳۶۸ هزار تومان و هر شانه تخم‌مرغ ۹۹ هزار تومان بوده است. این در حالی است که در تیر ۱۴۰۲ تاثیر شوک جراحی اقتصادی و حذف ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی پس از یک سال از بازار کاملاً خارج شده است. حال نگاهی به نرخ برخی از کالاها در تیر ۱۴۰۱ داریم؛ هر کیلوگرم گوشت گوسفندی به‌طور میانگین ۲۰۰ هزار تومان، گوشت گرم مرغ بین ۶۰ تا ۶۵ هزار تومان، لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی ۶۵ هزار تومان، هر کیلو برنج هاشمی ۷۵ تا ۱۱۵ هزار تومان و هر شانه تخم‌مرغ ۷۰ تا ۹۷ هزار تومان. براساس اعلام مرکز آمار، تورم سالانه تیر ۱۴۰۲ برای کالاهای خوراکی ۶۷.۶ درصد است.

مهر؛ تورم سالانه کالاهای خوراکی ۵۵.۹ درصد

رصد نرخ برخی از کالاها در مهر ۱۴۰۲ نشان می‌دهد هر کیلوگرم گوشت گوسفندی به‌طور میانگین با نرخ ۳۱۶ هزار تومان، هر کیلو گوشت ران گوساله به‌طور میانگین ۵۷۰ هزار تومان، هر کیلو گوشت گرم مرغ بین ۸۵ تا ۸۷ هزار تومان، تن ماهی ۵۸ تا ۸۹ هزار تومان، ماکارانی ۷۰۰ گرمی ۲۴ هزار تومان، رب گوجه فرنگی ۴۵ تا ۶۰ هزار تومان، شیر بطری کم‌چرب ۲۵ هزار تومان، هر کیلو برنج هاشمی ۸۸ هزار تومان، برنج پاکستانی کیلویی ۳۹ هزار تومان، لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی ۷۸ هزار تومان، عدس ۹۰۰ گرمی ۶۳ هزار تومان، لوبیا قرمز ۹۰۰ گرمی ۷۲ هزار تومان و روغن مایع ۱.۸ لیتری ۳۶۸ هزار تومان، هر شانه تخم‌مرغ ۹۹ تا ۱۳۰ هزار تومان به فروش می‌رسید.



در بررسی صمت از علل پدیده کولبری نمایان شد

کولبری؛ درد نان و زخم جان

شاید ممنوعیت و افزایش تعرفه واردات، دو بازیگر اصلی قصه کولبری باشند؛ قصه‌ای سوزناک که گاه با مرگ بازیگران پایان می‌یابد. کولبری یعنی حمل کالا و اجناس مورد تقاضای بازار بر دوش انسان به دو طرف مرز که چند سالی است به خاطر عوامل متعددی در مرزهای غربی کشور، یعنی استان‌های آذربایجان غربی، ایلام، کرمانشاه و کردستان، باب شده و مرزنشینان از نیرو و توان خود برای انتقال کالا استفاده می‌کنند. مرز، کولبر، معیشت در مقابل تیراندازی، سقوط، مین؛ واژه‌هایی که در کنار یکدیگر تصویری از یک واقعیت تلخ می‌سازند. سیگار، پوشاک، تلویزیون و... بارهای چندین کیلویی افرادی است که برای تأمین معیشت در مرزهایی برخ گونه به دوش کشیده شدند تا بازار را رونق بخشند و نانی شوند بر سفره کولبران؛ کولبرانی که جان‌شان را به خاطر معیشت دیگر اولویت مهمی نمی‌دانند و اکثرشان این واقعیت را پذیرفته‌اند که ممکن است در این رفتن، هیچ برگشتنی نباشد. بی‌شک کولبری زاینده بیکاری و نبود کارخانجات و مجموعه‌های تولیدی در مناطق مرزی است و در عین حال فکری به حال مشکلات مردمان این منطقه نمی‌شود. البته این را هم نباید فراموش کنیم که قسمت اعظم پدیده کولبری به موانع تجارت خارجی بازمی‌گردد. حال بررسی مطرح می‌شود؛ فردی که در مناطق مرزی هیچ شغلی ندارد، باید کولبری را کنار بگذارد؟ اگر این کار را انجام دهد معیشت خود را از چه راهی تأمین کند؟

می‌گذرد، اما هنوز جایگاه خود را در توسعه اقتصاد به‌دست نیاورده که از دولت می‌خواهیم در این زمینه اقدامات جدی انجام دهد.

عضو کمیسیون آموزش مجلس افزود: بازگشایی مرزهای غیررسمی از دیگر مطالبات مردم مریوان است که به‌تازگی یکی از این مرزها باز و باعث خوشحالی مردم شده است. دولت باید هر کاری را که مردم را خوشحال می‌کند، انجام دهد.

۵۰ هزار تومان برای هر کیلو بار

امیرارسلان خضری، فعال مدنی درباره اقتصاد مرزی و ایجاد پدیده کولبری در گفت‌وگو با صمت گفت: اقتصاد مرزی، اقتصادی تأثیرگذار در جهان است. مناطق مرزی از توسعه برخوردار نیستند و هیچ‌گونه فرصت شغلی و تحصیلی در این مناطق وجود ندارد. از سوی دیگر بحران آب بحرانی همیشگی در این مناطق است. با موارد یادشده در صورتی که معیشت مرزنشینان تأمین نشود، مجبور به مهاجرت داخلی یا خارجی خواهند شد که در چنین مواقعی مقصد عموماً حاشیه شهرهای مرکزی است. با این وصف کولبری تنها فعالیت است که می‌تواند برای تأمین معیشت به آن بپردازند.

وی با اشاره به مزیت کولبری در مناطق مرزی اظهار کرد: تأثیر مهم کولبری تأمین معیشت افراد منطقه و پیشگیری از مهاجرت است. همچنین به این واسطه گردشگری تجاری ایجاد شده و سالانه افراد بسیاری برای خرید لوازم خانگی به بانه سفر می‌کنند که این افراد بی‌شک از امکانات شهر شامل هتل‌ها و رستوران‌ها استفاده خواهند کرد. نباید این موضوع را فراموش کرد که محصولات بازارچه‌های بزرگ تجاری در این منطقه با فعالیت سخت کولبران تأمین می‌شود.

دلایل ایجاد کولبری

خضری در بیان دلایل ایجاد پدیده کولبری، تصریح کرد: علت اصلی کولبری بیکاری، فقر و توسعه‌نیافتگی است. هیچ شکی در کوتاهی دولت در توسعه مناطق مرزی نیست، زیرا دیدگاه غالب به مرزها، به‌عنوان فرصتی برای پویایی اقتصادی نبوده و بیشتر امنیتی است. از سوی دیگر تاکنون کالاهای داخلی نتوانستند در رقابت با کالاهای خارجی موفق شوند و در مقابل بازار نیز به واردات نیاز دارد. همچنین فرآیند ترخیص کالا، زمان‌بر و پرهزینه است. در نتیجه واردکننده به‌دنبال راهی برای تسریع فرآیند واردات کالای خارجی است که بی‌شک سپردن بار به کولبران و واردات از طریق مرزها آسان‌ترین و کم‌هزینه‌تر آنها خواهد بود.

ترک تحصیل برای کسب درآمد

این فعال مدنی با ابراز تأسف نسبت به ترک تحصیل نوجوانان منطقه و پرداختن به کولبری بیان کرد: در ابتدا به‌واسطه طراحی پیلهوری و جذابیت تجارت مرزی در کشور، کولبری افزایش یافت. در آن زمان تنها کسانی که مهارت یا تحصیلاتی نداشتند، به این فعالیت می‌پرداختند، اما امروزه جوانان تحصیلکرده برای تأمین معیشت کولبری می‌کنند. در نتیجه شاهد ترک تحصیل بسیاری از نوجوانان هستیم. البته در این مسئله این باور که با تحصیل به موقعیت موردنظر خود نمی‌رسند و باید به فکر کسب درآمد باشند هم تأثیرگذار است. متأسفانه بسیاری از خانواده‌های مرزنشین بر این باورند که باید به فرزند خود کولبری را آموزش دهند، چراکه از تحصیل چیزی به‌دست نمی‌آید و این تفکر بسیار وحشتناک است.

میزان مرگ‌ومیر کولبران

خضری درباره سختی کار کولبران و میزان مرگ‌ومیر آنها نیز گفت: یکی از سختی‌های کولبری

برای کولبران چه کردید؟

حسن روحانی، رئیس‌جمهوری وقت-اردیبهشت ۱۴۰۰: کولبری پدیده زشت و غیرقابل قبولی است که نه در شأن و کرامت انسانی مرزنشینان رشید ما است و نه با سیاست‌ها و انضباط تجاری کشور سازگاری دارد. باید با حمایت اقتصادی، اشتغالزایی و مهارت‌افزایی برای مرزنشینان شریف، این پدیده ناگوار از چهره مرزهای ما زدوده شود.

مجید میراحمدی، معاون امنیتی انتظامی وزیر کشور-فروردین ۱۴۰۱: مهلتی را تعیین و به ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز اعلام کردیم حداکثر ظرف مدت یک ماه با مشورت سایر دستگاه‌ها طرح پیشنهادی را در زمینه کولبری تهیه و ارائه دهند تا براساس آن منافع مرزنشینان تأمین شود و آنها علاقه‌مند شده و با ما همکاری داشته باشند تا از معابری که ما مشخص می‌کنیم به‌طور رسمی و بدون نگرانی کالاهایی که مورد نظر است را وارد کنند.

قباد کریمپور، نماینده کرمانشاه در شورای عالی استان‌ها-اردیبهشت ۱۴۰۱: برای در امان بودن جان کولبران به‌نظم باید مرز را کامل ببندند و تمام منطقه مرزی را سیم خاردار بکشند و در عوض یک بازارچه مرزی مانند مرز قصرشیرین ایجاد کنند تا جوانان وقتی برای حمل تلویزیون یا کولبری به آن سوی مرز می‌روند کشته نشوند. تعدادی از کولبرانی که در مناطق مرزی کشته شدند به خاطر حمل تلویزیون بوده است.

جلال محمودزاده، نماینده سردشت و پیرانشهر-خرداد ۱۴۰۱: باید برای کولبران شرکت تعاونی ایجاد شود که مجوز واردات کالاهای مجاز را از دولت گرفته و کالاها را از مبادی رسمی و با استفاده از وسایل نقلیه وارد کشور کنند. ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری-آبان ۱۴۰۲: در دولت سیزدهم تلاش داریم با ایجاد گذرگاه‌های مرزی امنیت کولبران را فراهم کنیم.

علی خداویسی، دبیر ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان کردستان-آبان ۱۴۰۲: کولبران قاچاقچی نیستند و هدف آنها فقط به‌دست آوردن درآمدی ناچیز برای گذران زندگی است. اواخر شهریور امسال بررسی لایحه ساماندهی کولبری در مجلس به اتمام رسید و باید دید در اجرای این لایحه چگونه عمل و دردی از بیشمار دردهای مناطق مرزی و مرزنشینان دوا می‌شود. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، سالانه حدود ۴ تا ۷ میلیارد دلار کالا از طریق کولبری و مولانی (ته‌لنجی) وارد کشور می‌شود. این واردات بدون طی ضوابط فنی، ارزی، بهداشتی و پرداخت عوارض دولتی انجام می‌شود.

اینکه کولبری در شأن مرزنشینان نیست، مشخص است، اما اینکه دولت چه اقداماتی برای اشتغالزایی این افراد انجام داده هنوز برای ما مشخص نیست. به‌نظر می‌رسد بخش اعظمی از این اقدامات روی کاغذ مانده و تنها خوراک رسانه‌ها را تأمین می‌کند.

دولت سیزدهم اراده جدی برای توسعه بازارچه‌های مرزی دارد

شیوا قاسمی‌پور، عضو کمیسیون آموزش مجلس با بیان اینکه دولت سیزدهم اراده جدی برای توسعه بازارچه‌های مرزی دارد، اظهار کرد: هر اقدامی که برای رفع مشکلات معیشتی مرزنشینان انجام شود، به امنیت کشور کمک و از مهاجرت بی‌رویه هم جلوگیری می‌کند.

وی تصریح کرد: دولت سیزدهم رویکرد مثبتی نسبت به مناطق مرزنشین و محروم دارد و با همین رویکرد حتماً اتفاقات بهتری در کشور می‌افتد و به نفع مردم منطقه و همه ایران است. قاسمی‌پور مهم‌ترین مطالبه مردم مریوان را حل مشکلات اشتغال عنوان کرد و گفت: تقریباً یک سال از تصویب و اجرای منطقه آزاد تجاری-صنعتی بانه مریوان





قابل توجهی از کالاهای قاچاق مورد نیاز کشور را بخش غیررسمی مانند کولبران یا تلهنجی‌های جنوب وارد بازار می‌کنند.

ایجاد بازارچه‌های مرزی کارساز است؟

افقه درباره ایجاد بازارچه‌های مرزی در راستای کاهش کولبری بیان کرد: تعدادی از بازارچه‌های مرزی باز است، اما بیشتر محصولات آنها ترانزیتی است؛ یعنی محصولی که وارد بازارچه می‌شود، پلمب شده است تا در ادامه به کشورهای دیگر یا بازار داخل برود؛ در نتیجه هیچ نفعی برای مرزنشینان ندارد. واردات محصولاتی برای مرزنشینان سودآور است که ترانزیتی نباشد و وارد بازارچه‌های مرزی و از آنجا توزیع شود که ارزش افزوده هم ایجاد می‌کند.

بهترین روش چیست؟

این کارشناس اقتصاد با اشاره به طرح‌های دولت برای ساماندهی کولبران گفت: باتوجه به اینکه در دولت‌های مختلف موضوع ساماندهی کولبران مطرح و در نهایت هیچ موفقیتی در این زمینه به دست نمی‌آید، یعنی دولت نمی‌تواند مانع فعالیت آنها شود. بر این اساس بهترین روش این است که با ایجاد پایانه‌های مشخص و انبارهایی در مرز، آماری از فعالیت‌های اقتصادی آنها به دست آید. ساماندهی یعنی کاری که آنها رضایت داشته باشند و متناسب با درآمد و تقاضای افراد کولبر باشد. در صورت اجرای طرحی که با عدم رضایت کولبران همراه باشد، افراد دوباره به این فعالیت باز خواهند گشت.

سخن پابانی

هر بار با شنیدن خبر مرگ کولبری، اخباری از طرح‌های گوناگون برای ساماندهی آنها به گوش می‌رسد، اما ظاهراً مثل «خاک، سرد است» در ذهن مسئولان نیز نفوذ کرده و با گذشت زمان این موضوع به فراموشی سپرده می‌شود. اگر طرحی نیز در این بین اجرا شده باشد بی شک موفق نبوده که همچنان شاهد فعالیت و از دست رفتن تعداد بسیاری از این افراد هستیم. مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری پدیده کولبری در مناطق مرزنشین، تامین معیشت است که با سرمایه‌گذاری و توسعه این مناطق می‌توان آن را رفع کرد. در کل جان آدمی ارزشمند است و امیدواریم دولت به دنبال راه چاره‌ای برای مدیریت پدیده کولبری باشد.

عبور از مسیرهای صعب‌العبور با صخره‌هایی با شیب تند است که سبب می‌شود برخی از آنها در این مسیر سقوط کنند و جان خود را از دست بدهند. همچنین درگیری‌ها با ماموران مرزبانی نیز وجود دارد. وی با اشاره به درآمد حاصل از کولبری بیان کرد: درآمد کولبران حسب نوع کالا و وزن آن متفاوت است.

هزینه حمل بار از ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان برای هر کیلو بار تضمینی است که در صورت تاخیر بار یا خسارت باید مبلغی از آن کسر شود، این در حالی است که هر کولبر، هر بار حدود ۲۰ تا ۵۰ کیلو بار می‌برد.

طرح‌های بی‌سامان

این فعال مدنی با اشاره به طرح‌های ساماندهی کولبران اظهار کرد: تاکنون طرح‌های مختلفی در این راستا اجرا شده که موفقیتی در پی نداشته است. برای مثال چند سال پیش طرح تردد مرزی اجرا شد که در آن دولت کنار معابر اصلی، تعدادی معابر کولبری ایجاد کرد که از طریق این معابر هر کولبر می‌توانست در ماه حدود ۴ بار آن هم تعدادی کالای خاص را بدون پرداخت مالیات وارد کند. در حالی که معیشت یک کولبر این‌گونه تامین نمی‌شود. در نتیجه این محدودیت‌ها کولبرها ناچار شدند دوباره از معابر غیرقانونی استفاده کنند یا برای دریافت مزد بیشتر چند برابر توان خود بار ببرند.

کولبری به‌خاطر موانع تجارت خارجی و بیکاری

مرتضی افقه، کارشناس اقتصاد در تشریح رابطه مشکلات اقتصادی و شکل‌گیری پدیده کولبری در گفت‌وگو با صمت گفت: به‌طور کلی به‌دلیل نابسامانی‌های اقتصادی، زمینه برای فعالیت‌های غیررسمی مانند دستفروشی و... شکل می‌گیرد. در تجارت نیز به‌دلیل مختلفی چون موانع تجارت خارجی و افزایش آمار بیکاری بستری برای قاچاق و فعالیت‌های غیررسمی تجاری فراهم می‌شود؛ به‌بیان دیگر هر مجموعه‌ای که با وجود تقاضای بازار در تجارت اختلال ایجاد کند، زمینه را برای فعالیت در بخش غیررسمی از جمله کولبری فراهم خواهد کرد. در مجموع هر اندازه که اختلالات بخش اقتصادی افزایش یابد، به تعداد بخش غیررسمی افزوده می‌شود. وی با اشاره به ورود بسیاری از کالاهای قاچاق از طریق کولبری و تلهنجی اظهار کرد: بخش





رگ حیات تجارت قطع می‌شود؟

بر اساس گزارشات اتاق بازرگانی تهران در ۱۲ ماه سال ۱۴۰۱ تجارت خارجی ایران به ۱۱۲ میلیارد و ۸۲۱ میلیون دلار رسید که سهم واردات از کل مراودات تجاری ۵۹ میلیارد و ۵۲۱ میلیون دلار و سهم صادرات از کل مراودات تجاری ۵۲ میلیارد و ۹۹۹ میلیون دلار بود. همچنین حجم تجارت ایران و چین در سال ۱۴۰۱ حدود ۳۰ میلیارد و ۳۲۱ میلیون دلار بوده که ۱۵ میلیارد و ۷۳۵ میلیون دلار آن سهم واردات از چین و ۱۴ میلیارد و ۵۸۶ میلیون دلار سهم صادرات به این کشور است. بر اساس آمار اعلام‌شده در ۱۲ ماه سال ۱۴۰۱ بیشترین میزان صادرات کشور به چین با رقمی بالغ بر ۱۴ میلیارد و ۵۸۶ میلیون دلار صورت گرفته است. همچنین پس از امارات متحده عربی، چین با ۱۵ میلیارد و ۷۴۴ میلیون دلار سهم ۲۶.۹۱ درصدی از کل ارزش واردات کشور دارد.

رتبه خود را در تجارت با هیچ کشوری از دست نخواهد داد، اما این موضوع در میان مدت و بلندمدت بر تجارت و تولید برخی از کشورهای به‌ویژه ایران تاثیر خواهد داشت، زیرا متأسفانه تجارت ایران به دلیل تحریم‌ها از لحاظ سیاسی و اقتصادی به چین وابسته است و در تصمیمات بین‌المللی حمایت چین از ایران اهمیت دارد.

این کارشناس اقتصاد درباره انحصار تجارت با چین بیان کرد: بازار انحصاری یکی از بدترین نوع بازارها است که در اقتصاد مضرت آن از منظر مصرف‌کننده بیان می‌شود. ایران یک تجارت یک‌طرفه و انحصاری با چین دارد که بیشتر منافع آن را چین می‌برد.

راهکار چیست؟

این کارشناس اقتصاد با ارائه توصیه‌ای اظهار کرد: اگر برآوردها مبنی بر تداوم این کاهش رشد اقتصادی درست باشد، ایران باید از حالا سیاست‌های تجاری خود را طوری تنظیم کند که کمترین آسیب را از این اتفاق ببیند. سال‌ها است که در صادرات به نفت وابسته هستیم و اکنون نیز مراودات تجاری خود را به کشوری مانند چین وصل کردیم. اگر مراودات با این کشور را بین سایر بازارها تقسیم کرده بودیم با آسیب‌پذیری یک کشور دیگر لطمه‌ای به تجارت ما وارد نمی‌شد، اما زمانی که حیات تجارت را به کشوری مانند چین وصل کردیم، بی‌شک هر نوسانی در تجارت و تولید این کشور بر اقتصاد ایران نیز تاثیرگذار خواهد بود. این در حالی است که یکی از معمول‌ترین روندهای کشورداری این است که کشورها برای کاهش آسیب‌پذیری در روابط بین‌الملل، روابط تجاری خود را پخش کنند تا چالش‌های اقتصادی یک کشور خاص دامن‌گیر آنها نشود. همچنین کاهش وابستگی به فروش نفت باید در دستور کار قرار گیرد، زیرا این مسئله کشور را دچار آسیب بیشتری خواهد کرد.

انحصار تجارت ایران در دست چین

مسعود دانشمند، کارشناس تجارت درباره با تاثیر کاهش رشد اقتصادی چین بر مراودات ایران با این کشور به صمت گفت: کاهش رشد اقتصادی چین هیچ تاثیری بر میزان مراودات ما با این کشور ندارد، زیرا این کشور در ایران رتبه یک تامین کالا از طریق واردات را دارد. چینی‌ها نیز بر انحصار موجود در تجارت با ایران که پس از تحریم‌ها شدت گرفت، واقف هستند. البته انتقاد اصلی به سیاست‌گذاران وارد است که تاکنون تلاشی برای پیدا کردن بازار جدید نکردند.

وی در بیان راهکارهایی برای آسیب کمتر چین در پی کاهش رشد اقتصادی اظهار کرد: چین باید با افزایش تولید و صادرات کاهش رشد اقتصادی‌اش را متوقف کند. همچنین چین باید به دنبال بازار جدید با تولید کالاهای با کیفیت و با نرخ مناسب باشد. البته ماندگاری بازارهای قدیمی نیز موضوع مهمی است که باید حتماً در نظر گرفته شود.

تجارت جهانی رونق ندارد

دانشمند با اعلام کالاهای صادراتی به چین گفت: عمده صادرات ایران به چین محصولات پتروشیمی است و علاوه بر این نفت، قیر، مواد معدنی مانند سنگ آهن و محصولات کشاورزی را به کشور چین صادر می‌کنیم.

در واقع با وجود اینکه میزان واردات چین به ایران بیشتر از صادرات به این است، ایران در صادرات وابستگی بیشتری به چین دارد.

حال گزارش جدیدی از صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرد رشد اقتصادی چین در سال ۲۰۲۴ به ۴.۶ درصد کاهش خواهد یافت و در میان مدت با رشد حدود ۳.۵ درصدی پیش‌بینی شده در سال ۲۰۲۸ کاهش بیشتری خواهد داشت. در نتیجه باید دید این کاهش رشد اقتصادی چه تاثیری بر تجارت ایران و چین در سال ۲۰۲۴ خواهد داشت.

اثرات کاهش رشد اقتصادی

کاهش رشد اقتصادی می‌تواند تاثیرات مختلفی بر تجارت داشته باشد. در نخستین تاثیر با کاهش رشد اقتصادی، تقاضا برای محصولات و خدمات نیز کاهش می‌یابد. این می‌تواند منجر به کاهش فروش و در نتیجه کاهش درآمد کسب‌وکارها و صنایع شود. در واقع با کاهش رشد اقتصادی، قدرت خرید مشتریان نیز کاهش می‌یابد. این موضوع موجب می‌شود مشتریان کمتری محصولات و خدمات را خریداری کنند و در نتیجه تجارت کاهش می‌یابد. از سوی دیگر با کاهش رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاران احتمالاً کمتر به سرمایه‌گذاری در صنایع و کسب‌وکارها علاقه‌مند خواهند بود که این می‌تواند به کاهش توسعه و رشد کسب‌وکارها منجر شود و در نتیجه تجارت نیز کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر کاهش رشد اقتصادی، می‌تواند منجر به کاهش صادرات شود، زیرا کاهش رشد اقتصادی کاهش تقاضای ناشی از کاهش قدرت خرید کشورهای دیگر را به دنبال دارد. همچنین کاهش رشد اقتصادی می‌تواند موجب کاهش تعداد شغل‌های موجود شود. در مجموع کاهش رشد اقتصادی می‌تواند منجر به کاهش تقاضا، قدرت خرید، سرمایه‌گذاری، صادرات و اشتغال شود که همه اینها تجارت را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

ایران لطمه خواهد دید

مرتضی افقه، کارشناس اقتصاد با اشاره به پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول مبنی بر کاهش رشد اقتصادی چین در سال ۲۰۲۴ به صمت گفت: تجارت ایران پس از تحریم‌ها به شدت به چین وابسته شده است. کاهش رشد اقتصادی چین در سال ۲۰۲۴ از دو جنبه حائز اهمیت است. از یک سو با کاهش رشد اقتصادی چین، میزان تقاضا از کشورهای دیگر به‌ویژه نفت ایران کاهش خواهد یافت و از سوی دیگر کاهش تولید کالا و صادرات را نیز به همراه خواهد داشت که در نتیجه موجب افزایش قیمت‌ها خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه یکی از خریداران عمده کالاهای ایران، چین است، افزود: ایران از سال ۹۷ با افزایش تحریم‌ها ارتباط تنگاتنگ تجاری با چین پیدا کرد؛ در نتیجه نخستین تاثیر کاهش رشد اقتصادی این کشور در مراودات تجاری ایران می‌تواند در فروش نفت نمایان شود. البته اعداد و ارقام میزان کاهش رشد اقتصادی در میزان این آسیب موثر است.

به حمایت چین نیازمندیم

افقه با تاکید بر اینکه کاهش رشد اقتصادی این کشور می‌تواند جایگاه آن را در تجارت با کشورهای دیگر تغییر دهد، گفت: چین با کاهش رشد اقتصاد در کوتاه‌مدت



اقتصاد آزاد و اقتصاد دولتی را در بر می‌گیرد. چین از نظر تولید ناخالص داخلی (GDP) بعد از ایالات متحده قرار دارد و در سال ۲۰۲۰ تولید ناخالص داخلی این کشور حدود ۱۵ تریلیون دلار بود. اقتصاد چین بر صنعت و خدمات تمرکز دارد.

صنعت چین به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند تولید خودرو، الکترونیک، فولاد و ماشین‌آلات بسیار قوی است. چین یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان جهان است و محصولات مانند الکترونیک، پوشاک، ماشین‌آلات و محصولات نفتی را به سراسر جهان صادر می‌کند.

در سال‌های اخیر، چین به‌عنوان قدرت صنعتی و فناوری نیز در حال رشد است. این کشور سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زمینه تحقیق و توسعه و فناوری انجام داده و در بسیاری از صنایع، به ویژه در زمینه‌های هوشمندسازی، اینترنت اشیاء، هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین، پیشرو است.

هرچند اقتصاد چین در چند سال اخیر با چالش‌هایی مانند کاهش رشد اقتصادی و افزایش بدهی مواجه شده، اما هنوز هم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیروهای اقتصادی جهان شناخته می‌شود.

سختن پایانی

با توجه به نظرات کارشناسی بی‌شک کاهش رشد اقتصادی چین در بلندمدت بر تولید و تجارت ایران نیز تأثیرگذار خواهد بود. متأسفانه امروزه چین با خرید ارزان نفت ایران و بکارگیری آن در صنعت و تولید ارزان، محصولات صنعتی خود را به ایران می‌فروشد و از انحصار ایجاد شده سود می‌برد. با این حساب بعید نیست چین ایران را راهی برای جبران کاهش رشد اقتصادی خود ببیند!

وی در تشریح وضعیت تجارت جهانی در سال ۲۰۲۳ گفت: براساس آمارهای موجود، تجارت جهانی در سال ۲۰۲۳ نسبت به ۲۰۲۲ بهبود پیدا کرد، اما در کل تجارت جهانی در وضعیت رونق قرار نگرفت. یکی از مهم‌ترین دلایل عدم رونق اقتصادی در سال ۲۰۲۳ ادامه تأثیرات شیوع کرونا بود که موجب افزایش نرخ در سطح جهان و رکود بازار شده است. همچنین به‌واسطه جنگ روسیه و اوکراین نرخ مواد غذایی نیز افزایش پیدا کرد.

در ۲۰۲۳ چه گذشت؟

این فعال تجاری با اشاره به مهم‌ترین اتفاقات در سال ۲۰۲۳ و تأثیر آن بر تجارت جهانی بیان کرد: جنگ روسیه و اوکراین یکی از دلایل عمده عدم دستیابی به رشد اقتصادی مناسب در سال ۲۰۲۳ است، زیرا اوکراین تأمین‌کننده عمده مواد غذایی یعنی ذرت، گندم و روغن‌های خوراکی است. البته جنگ غزه و اسرائیل نیز در ماه‌های پایانی ۲۰۲۳ رخ داد و سهمی در بهم‌ریختگی تجارت جهانی خواهد داشت

پیش‌بینی تجارت جهانی در سال ۲۰۲۴

دانشمند در پیش‌بینی تجارت جهانی در سال ۲۰۲۴ گفت: در صورتی که جنگ‌های اشاره‌شده در سال آینده نیز ادامه پیدا کند، در سال ۲۰۲۴ وضعیت بدتر خواهد شد. همچنین در صورت اتمام جنگ باید هزینه زیادی صرف بازسازی مناطق تخریب‌شده شود که خود این امر در تجارت جهانی و اقتصاد خرد تأثیرگذار خواهد بود.

نگاهی به اقتصاد چین

اقتصاد چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پویاترین اقتصادهای جهان شناخته می‌شود. این کشور دارای یک سیستم اقتصادی مختلط است که عناصری از



در بررسی صمت از وضعیت تجارت ایران با پاکستان نمایان شد

دروازه‌های برای ورود به بازار یک میلیارد نفری

پاکستان بازاری ۲۴۰ میلیون نفری با بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک زمینی و اشتراکات فراوان تاریخی، فرهنگی و دینی با ایران است. پاکستان پنجمین کشور پرجمعیت جهان است؛ با این وجود میزان مبادلات تجاری این کشور با میزان جمعیت آن متناسب نیست. براساس آمار تجارت ایران و پاکستان ارزش صادرات بدون نفت خام ایران به پاکستان در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ با رشد ۱۸۱ درصدی همراه بوده و ارزش واردات ایران از پاکستان نسبت به سال ۱۴۰۰، حدود ۲۰۷ برابر شده که البته بیش از ۸۵ درصد واردات ایران از پاکستان مربوط به برنج است. در کل تجارت ایران با پاکستان در سال‌های گذشته افت و خیز زیادی داشته، اما در سال‌های اخیر، اقدامات مهمی برای گسترش روابط دو کشور شامل همکاری اقتصادی مانند ایجاد دو پایانه مرزی جدید در منطقه «ریمدان-گبد» و «پیشین-مند» و یادداشت تفاهم همکاری برای ایجاد ۶ بازارچه مرزی مشترک به امضا رسیده است.

در گزارش پیش رو به این سؤالات پرداخته‌ایم که آیا پاکستان برای ایران به‌عنوان کشور همسایه بازار مناسبی است؟ تاکنون ایران از ظرفیت‌های موجود در این بازار چه استفاده‌ای کرده است؟

تجارت خارجی پاکستان

مقصد صادراتی لبنیات ایران هستند. همچنین پاکستان ششمین مقصد صادراتی خراسان رضوی است و براساس آخرین آمار در ۵ ماه نخست سال جاری ۲۸ میلیون دلار کالا از خراسان رضوی به پاکستان صادر شده است. چند سالی است که برنامه‌های مختلفی برای توسعه صادرات کالا به این کشور در قالب اعزام یا پذیرش هیات‌های تجاری، شرکت در نمایشگاه‌ها، داشتن پایون نمایشگاهی، برگزاری همایش‌های مشترک و افزایش سهم صادراتی ایران در تامین نیازهای کالایی آن کشور تدوین شده و در حال اجرا است.

از سوی دیگر قرار بود گاز ایران به پاکستان صادر و سپس از طریق آن به هند برسد که تا مراحل نهایی اجرا نیز رسید اما عملی نشد.

این در حالی است که مدتی پیش پاکستان اعلام کرد: به دلیل کمبود ذخایر ارزی و بالا رفتن تورم قصد دارد نفت، گاز و برخی کالاها را به شکل تهرتری از کشورهایی نظیر ایران بخرد. به‌بیان دیگر، پاکستان در ازای خرید انرژی از ایران پولی نمی‌پردازد، بلکه با دادن کالا بدهی خود را تسویه می‌کند.

ایران به دنبال تجارت پایاپای با پاکستان

عبدالحمید ریگی، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و پاکستان درباره وضعیت تجارت ایران با پاکستان به صمت گفت: پاکستان کشوری است که با سیاست درهای باز به تجارت می‌پردازد و هیچ محدودیت‌های گمرکی و تعرفه‌ای برای واردات ندارد. حدود ۳۱۰ قلم کالا از پاکستان به ایران وارد و ۳۲۵ قلم کالا از ایران به پاکستان با ۳۰ تا ۳۰ درصد معافیت تعرفه صادر می‌شود. روابط اقتصادی و تجاری ایران و پاکستان نسبت به گذشته بهبود یافته، اما این سطح تجارت ایران و پاکستان، کفایت نمی‌کند و رسیدن به تجارت ۵ میلیارد دلاری بین دو کشور هدف‌گذاری شده است. در کل ظرفیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری ایران و پاکستان زیاد و متنوع است و با توجه به آنها می‌توان با تسهیل شرایط تجاری، سطح همکاری‌ها را توسعه داد.

وی در بیان چالش‌هایی که مانع تحقق تجارت ۵ میلیارد دلاری بین دو کشور می‌شود، افزود: باید برای کمبود زیرساخت‌ها و تعرفه‌ها که از موانع رشد تجارت میان ایران و پاکستان است چاره‌ای اندیشید. در واقع برای تحقق این هدف، باید موانع و مشکلات عمده صادراتی مانند دخالت‌های بانک مرکزی و ایفای تعهدات ارزی رفع شود.

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و پاکستان در بیان راهکارهایی برای رفع چالش‌های موجود اظهار کرد: اگر واردات در مقابل صادرات بدون دخالت بانک مرکزی اجرایی شود، بدون شک شاهد گسترش مبادلات تجاری دو طرف خواهیم بود و ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان نیز با شرایط بهتری انجام خواهد شد. همچنین اتاق بازرگانی زاهدان به پاکستان پیشنهاد داده که قراردادهای تعرفه آزاد یعنی تجارت آزاد بین دو طرف امضا شود تا به این واسطه از قاچاق جلوگیری شود. در مجموع برای افزایش مبادلات تجاری با کشور پاکستان، تغییر سیستم بانکی، تبادلات پولی و

پاکستان در بین ۱۳۸ کشور جهان، دارای رتبه ۶۱ صادرات، ۴۶ واردات و از نظر تراز تجاری در جایگاه ۱۳۲ قرار دارد. مجموع صادرات پاکستان در سال ۲۰۲۲ میلادی ۳۱ میلیارد و ۱۷۵ میلیون دلار و جمع واردات این کشور ۷۱ میلیارد و ۱۰۴ میلیون دلار بوده است. بر این اساس می‌توان پاکستان را یک کشور با درجه بالای خودکفایی در تولید و مصرف دانست. ۵ کشور برتر مقصد صادراتی پاکستان عبارتند از آمریکا، چین، انگلیس، آلمان و هلند و ۵ مبدا وارداتی این کشور شامل چین، امارات متحده عربی، اندونزی، آمریکا و عربستان هستند. بزرگ‌ترین شریک تجاری پاکستان در بخش صادرات نیز ایالات متحده آمریکا است. بیشترین حجم صادرات این کشور شامل وارداتی را محصولات نفت و سوخت‌های معدنی، ماشین‌آلات برقی، ماشین‌آلات صنعتی و آهن و استیل و... تشکیل می‌دهند.

ایالات متحده آمریکا، چین، انگلیس، آلمان، هلند، امارات متحده عربی، اسپانیا، ایتالیا، افغانستان و بنگلادش ۱۰ کشور برتر مقصد صادرات کالاها و خدمات پاکستان هستند.

۱۰ کشور نخست واردکننده کالا و خدمات به پاکستان نیز شامل چین، امارات متحده عربی، اندونزی، ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی، قطر، کویت، ژاپن، افریقای جنوبی و تایلند است.

۱۰ کالای برتر صادراتی پاکستان منسوجات، پوشاک بافتنی، پنبه، پوشاک غیربافتنی، غلات، کوپر، محصولات چرمی، میوه و آجیل، مواد معدنی و سنگ‌های طبیعی و ابزارآلات دقیق است.

در سال ۱۴۰۱ برنج کامل سفیدشده صیفی یا براق شده با سهم حدود ۷۶.۸ درصد از ارزش کل، برنج نیمه‌سفیدشده با سهم حدود ۸.۶ درصدی و دانه کنجد به‌استثنای بذر آن با سهم حدود ۴ درصدی از ارزش کل، از عمده کالاها و وارداتی از پاکستان بوده است؛ بنابراین در مجموع بیش از ۸۵ درصد واردات ایران از این کشور برنج است.

۱۰ کالای صادراتی به پاکستان

عمده‌ترین کالاها صادراتی ایران به همسایه جنوب غربی، مشتقات نفتی، گاز مایع، محصولات پتروشیمی، انواع روغن صنعتی و روغن موتور، میوه و تره‌بار، صیفی و سبزی، مصالح ساختمانی، محصولات فولادی، کاشی و سرامیک، لوازم خانگی، کود، قیر، حلال‌ها و مواد شیمیایی، شوینده‌ها و محصولات آرایشی و بهداشتی، محصولات پلاستیکی، لوله و شیلنگ، لاستیک و تیوب خودرو و موتورسیکلت، پوست دباغی شده، کاغذ، دستمال کاغذی، نخ و پارچه، فرش و موکت، پوشاک و کفش، شیشه و آینه، یخچال، اجاق گاز، گاو صندوق، کولر، لوازم آشپزخانه، سیم و کابل، لوسترو... بودند. همچنین در ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۲ مجموعاً به ۳۹ کشور لبنیات صادر شده که عراق با ۱۸۴ هزار تن نخستین و پاکستان با ۴۳.۵ هزار تن دومین



خدمات گمرکی ضروری است.

تولید مشترک ایران و پاکستان

ریگی با بیان پیشنهادی مبنی بر تولید مشترک ایران و پاکستان، افزود: پاکستان کشوری با جمعیت قابل ملاحظه و بازاری خوب است. بهتر است برای رشد مراودات تجاری میان ایران و پاکستان، با توجه به ظرفیت‌های موجود در مرز و با انرژی ارزان، کالاهایی به‌منظور صادرات به پاکستان تولید شود.

وی درباره بازگشایی مرز ریمدان گفت: مرز ریمدان مهم‌ترین گذرگاه مرزی ایران با کشورهای هند، چین و پاکستان است. این مرز در جنوب سیستان و بلوچستان قرار داد و به دلیل نزدیک بودن به شهر کراچی که مرکز تجاری و صنعتی پاکستان است، اهمیت زیادی دارد. بازگشایی مرز ریمدان اتفاق مثبتی است، زیرا منطقه مرزی ریمدان می‌تواند نقش جدی در تامین کالاهای اساسی از جمله برنج مورد نیاز کشور داشته باشد.

ما به دنبال ارز نیستیم

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و پاکستان درباره سود ایران از تجارت با پاکستان با توجه به کمبود ذخایر ارزی این کشور، اظهار کرد: کمبود منابع ارزی پاکستان وجود دارد، اما ما دنبال تجارت پایاپای یا تهارتی با پاکستان هستیم، زیرا پاکستان کالاهای اساسی مانند برنج، دانه‌های روغنی و گوشت و میوه‌های گرمسیری دارد و ایران می‌تواند در زمینه واردات دام زنده، گوشت و برنج از پاکستان اقدام کند.

وی درباره تاثیر راه‌اندازی مراکز تجاری و فروشگاه ایرانی در پاکستان و وجود بازارچه‌ها بر میزان مراودات تجاری گفت: احداث مراکز تجاری و فروشگاه در پاکستان نیاز است و اکنون نیز اتاق مشترک ایران و پاکستان برنامه‌ریزی‌هایی را در این زمینه دارد.

ناوگان خسته

ریگی با انتقاد از وضعیت حمل‌ونقل در تجارت با این کشور اظهار کرد: ناوگان خسته هستند و دولت باید با توسعه زیرساخت‌ها و بهبود حمل‌ونقل، هزینه مبادله را کاهش دهد تا قدرت رقابت ایران بیشتر شود، زیرا در صورت توسعه سیستم حمل‌ونقل شاهد کاهش قیمت ۳۰ درصدی محصولات در بازار خواهیم بود. بین دو کشور ۷ بازارچه مشترک فعال است که تنها امتیاز آنها کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل است.

ایران در رقابت جا ماند!

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و پاکستان درباره توافق وزرای خارجه چین و پاکستان بر سر تبدیل افغانستان به هاب ترانزیت منطقه و مسیر اتصال آسیای میانه به دریای عرب در اردیبهشت سال جاری گفت: مدت‌هاست که جنگ خاموش کریدورها شروع شده و متأسفانه ما به‌واسطه هند نتوانستیم از ظرفیت‌های خوب کریدورها استفاده کنیم که امیدواریم با همکاری پاکستانی‌ها در آینده بتوانیم به اروپا وصل شویم و کریدور را دوباره زنده کنیم. در نشست گروه ۲۰، هند و عربستان سعودی از احداث کریدور دریایی-ریلی خبر دادند که به‌عنوان یک مسیر غربی-شرقی، هند را به کشورهای عربی خلیج فارس، اردن، اسرائیل و سپس کشورهای اتحادیه اروپا متصل می‌کند. در چنین شرایطی با توجه به معطلی ده‌ساله توسعه بندر چابهار به‌دست هندی‌ها، ظاهراً تمایلی برای توسعه این بندر مهم اقیانوسی از سوی آنها وجود ندارد.

ظرفیت صادرات محصولات غذایی

روح‌الله شریفی، معاون امور بازرگانی اداره کل صنعت، معدن و تجارت سیستان و بلوچستان درباره وضعیت تجارت ایران و پاکستان به صمت گفت: پاکستان بازار هدفی جمعیتی است، اما با وجود اینکه ایران یکی از کشورهای همسایه پاکستان است و مرزهای طولانی با این کشور داریم در تجارت و صادرات به این کشور جایگاه چندانی نداریم. چین، امارات، امریکا، اندونزی، عربستان، قطر، ژاپن، کویت، مالزی و کره جنوبی به ترتیب ۱۰ کشور برتر صادرکننده به پاکستان هستند. در مجموع متأسفانه ایران سهم قابل توجهی از بازار پاکستان ندارد و به دنبال تجارت آزاد با پاکستان برای بهبود مراودات تجاری هستیم. این در حالی است که با وجود هدف‌گذاری تجارت ۵ میلیارد دلاری بین دو کشور هنوز به ۳ میلیارد دلار نیز نرسیدیم.

وی در تشریح دلایل اهمیت تجارت با پاکستان اظهار کرد: پاکستان، دروازه هند شرقی است، چراکه با عبور از پاکستان به کشورهای چین، هند، بنگلادش و مالزی و بازاری حدود یک میلیارد نفری خواهیم رسید. از سوی دیگر براساس برآورد کارشناسان، جمعیت پاکستان تا ۲۰ سال آینده به ۲ برابر جمعیت فعلی خواهد رسید. در نتیجه باید سهم بیشتری از بازار پاکستان را به خود اختصاص دهیم و در بخش مواد غذایی می‌توانیم حضور ۵۲ درصدی در این بازار داشته باشیم.

سهم بیشتری نیاز است

معاون امور بازرگانی اداره کل صنعت، معدن و تجارت سیستان و بلوچستان با اشاره به رشد صادرات ایران به پاکستان بیان کرد: در مجموع از سال ۹۹ تاکنون صادرات به پاکستان رشد ۶۵ درصدی را تجربه کرده که نشان‌دهنده رفع موانع صادرات و واردات است؛ اما باز هم برای دستیابی به سهم بیشتر در این بازار باید به رفع چالش‌ها و توسعه زیرساخت‌ها پرداخت.

سخن پایانی

در این گزارش به چالش‌های موجود در تجارت میان ایران و پاکستان پرداختیم. در نهایت آنچه به‌دست آمد اهمیت مراودات با پاکستان به‌عنوان دروازه‌ای برای ورود به برخی کشورها نظیر هند، بنگلادش و... است که به این واسطه می‌توان کریدور مرده را زنده کرد. از سوی دیگر ایران مایل به توسعه تجارت تهارتی با این کشور است تا از این طریق با ارزی کمی که به واردات کالاهای اساسی بپردازد.





۲۲ سازمان در عملکرد گمرک در مبادلات تجاری موثرند

خزان تجارت زیر سایه تعدد قوانین

گمرک سازمان و نهادهای دولتی است که مسئولیت اجرای قانون گمرکی، وصول حقوق و عوارض ورود و خروج، واردات، ترانزیت و صادرات کالا را بر عهده دارد. در واقع گمرک نخستین و مهم‌ترین مجری مقررات تجارت خارجی در کنار سایر عوامل در این حوزه اعم از بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و موسسات حمل‌ونقل نقش کلیدی در توسعه و گسترش تجارت قانونی و اعمال سیاست‌های بازرگانی کشور دارد. هدف اصلی گمرک تسهیل جریان‌های تجاری روان و کارآمد از طریق ساده‌سازی رویه‌های گمرکی است. با این حال میان تعاریف و عمل شکاف عمیقی وجود دارد و معمولاً از رسوب کالا در گمرکات و عدم ارائه آمار دقیق از تجارت تا بی‌توجهی به کیفیت کالا مواردی است که تجار با آن سروکار دارند. در کل مدت‌هاست که گمرک به جای ایفای نقش تسهیل‌گری به کابوسی برای صادرکنندگان و واردکنندگان تبدیل شده است. اکنون روز جهانی گمرک بهانه‌ای شد تا به نقش این سازمان در تجارت ایران بپردازیم.

شاید این وظایف را تنها روی کاغذ ببینید

گمرک جمهوری اسلامی ایران سازمانی دولتی و تابع وزارت امور اقتصادی و دارایی است که نقشی محوری و هماهنگ‌کننده در مبادی ورودی و خروجی کشور دارد. علت آنکه گمرک تابع وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گرفته این است که هدف اصلی اخذ حقوق گمرکی و سود بازرگانی در کشور ما و در بیشتر کشورها ایجاد درآمد برای دولت‌ها است. نقش گمرک در رشد تجارت بسیار حیاتی و اساسی است. گمرک به‌عنوان یک سازمان دولتی، مسئولیت نظارت و کنترل بر تجارت بین‌المللی را دارد و نقش مهمی در تسهیل و تسریع روند تجارت و رشد اقتصادی بازی می‌کند. در زمینه صادرات، گمرک وظیفه تعیین و اجرای قوانین و مقررات مربوط به صادرات کالاها را دارد. این شامل تعیین مقررات و الزامات صادراتی، تنظیم اسناد لازم برای صادرات، بررسی و تایید صحت اسناد صادراتی است. همچنین، گمرک مسئولیت بررسی و تایید صحت ارزش کالاها و تعیین مالیات‌ها و عوارض صادراتی را دارد. در زمینه واردات، گمرک وظیفه تعیین و اجرای قوانین و مقررات مربوط به واردات کالاها را عهده‌دار است. این شامل تنظیم و اجرای مقررات و الزامات وارداتی، بررسی و تایید اسناد وارداتی و تعیین مقدار ارزش کالاها برای پرداخت گمرکی است. همچنین، گمرک مسئول بررسی و تعیین مالیات‌ها و عوارض وارداتی و نظارت بر ترخیص و تحویل کالاها به مقصد است. با تسهیل و تسریع روند تجارت و کاهش موانع مربوط به صادرات و واردات، گمرک می‌تواند به رشد تجارت و اقتصاد کشور کمک کند.

همچنین، گمرک نقش مهمی در حفظ امنیت مرزها و جلوگیری از ورود کالاهای غیرقانونی و خطرناک دارد. لازم به ذکر است که سایر وظایف گمرک شامل بررسی اسناد و انجام تشریفات قانونی ترخیص کالا، کنترل و نظارت بر عبور کالا از قلمرو کشور، اجرای قوانین و مقررات مرتبط با بازارچه‌های مرزی، مرزنشینیان و پیلهوران، اعمال مقررات گمرکی درباره معافیت‌ها و ممنوعیت‌ها، اجرای قوانین و مقررات مربوط به تخلفات و قاچاق گمرکی، کالاهای متروکه و ضبط‌شده، فراهم آوردن سامانه‌ها و روش‌های نوین همچون پنجره واحد در فعالیت‌های گمرکی، جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و انتشار آمار میزان واردات و صادرات کالا، بررسی و شناخت موانع نظام گمرکی و برنامه‌ریزی در جهت رفع آنها، نظارت و بازرسی از واحدهای اجرایی گمرکی و کارکنان گمرک، رسیدگی و حل اختلافات با صاحب کالا و راهبری دعاوی حقوقی و قضایی، انعقاد تفاهمنامه و موافقت‌نامه‌های گمرکی، عضویت و تعامل فعال با سازمان‌های بین‌المللی، واگذاری امور غیرحاکمیتی گمرکی به بخش‌های خصوصی و تعاونی (طبق اصل ۴۴)، استفاده از فناوری‌های نوین و تجهیز امکان گمرکی به ابزارهای پیشرفته است.

گمرک تنها مجری است و بس!

جمشید نفر، کارشناس تجارت با تاکید بر اهمیت نقش گمرک در تجارت به صمت گفت: گمرک نقش مهم و ارزنده‌ای در روند تجارت دارد، اما نباید این موضوع را فراموش کرد که گمرک یک سازمان اجرایی است و به‌تنهایی تصمیم‌گیر نیست و با توجه به دستوراتی که به گمرک داده می‌شود، گمرک می‌تواند مسیر تجارت را تسهیل یا سخت کند.

وی با اشاره به تاثیر صدور بخشنامه‌ها بر تجارت اظهار کرد: قبل از صدور هر نوع بخشنامه‌ای باید نظرات کارشناسان و افراد فعال در حوزه موردنظر را جویا شد تا تاثیرات آن در نظر گرفته شود. بخشنامه‌های متعدد در هر زمینه‌ای منجر به مشکلاتی

نه‌تنها برای تجار، بلکه بازار می‌شود و نتیجه آن در سفره‌های مردم نمود می‌یابد. از سوی دیگر کاهش و سازماندهی تعداد بخشنامه‌ها روند تجارت را آسان‌تر می‌کند. این یک اصل است که باید تجار برای مدتی از جهت تغییر نکردن شرایط کاری خود آسوده‌خاطر باشند. در واقع با صدور بخشنامه‌های متعدد تاجر در اخذ تصمیم دچار مشکل می‌شود و به این واسطه ریسک سرمایه‌گذاری افزایش پیدا می‌کند.

گمرک مجبور است

نفر با تاکید بر ماهیت مجری‌گری گمرک اظهار کرد: بخشنامه‌ها مستقیم از سوی گمرک صادر نمی‌شوند، بلکه دستوراتی هستند که به گمرک ابلاغ می‌شوند. بنابراین با توجه به نقش مهم گمرک در مسیر تجارت نباید به صورت روزانه و مکرر دستوراتی به آن داده شود تا به‌واسطه آن، گمرک مجبور به صدور بخشنامه‌های بیش از اندازه شود.

این کارشناس تجارت با اشاره به نقش گمرک در ترخیص کالاها گفت: کم و کیف ترخیص کالا نیز به کم و کیف ابلاغ قوانین و مقررات به گمرک باز می‌گردد.

گمرک مقصر نیست

نفر با تاکید بر اینکه در بسیاری از مقررات وضع‌شده نمی‌توان گمرک را مقصر دانست، افزود: مشکل اصلی، رفتارهای نیروی انسانی است که در گمرک نیز مانند بسیاری از سازمان‌ها با آن روبرو هستیم. این روند برای تجار دردسرهای بزرگی را ایجاد می‌کند که به‌واسطه آن قید تجارت را می‌زنند. به همین دلیل شاهد رسوب کالا در سازمان اموال تملیکی هستیم. برخی کالاهای رسوب‌شده در انبارهای این سازمان مربوط به بیش از ۲۰ سال پیش است و اکنون دیگر امکان استفاده از آنها وجود ندارد که با هزینه بالا امحا و نابود می‌شوند. وی عملکرد گمرک در بخش صادرات را مثبت ارزیابی کرد و گفت: گمرک در بخش صادرات عملکرد مثبتی دارد، زیرا صادرات مسئله مهمی برای همه کشورها است و همیشه ابلاغیه‌ها به گمرک در راستای تسهیل امور صادرات بوده و این بخش کمتر مورد تهدید بخشنامه‌های گمرکی قرار می‌گیرد. در واقع به‌منظور بهبود وضعیت صادرات، دست گمرک همیشه برای کمک به صادرکنندگان باز است. اما در عین حال واردکنندگان از عملکرد گمرک ناراضی هستند که بخش زیاد آن مربوط به کنترل‌های بیش از اندازه در مسیر واردات است. همچنین متأسفانه به‌دلیل عدم شفافیت حاکم بر گمرک افراد سودجو می‌توانند به‌راحتی از این محیط سوءاستفاده کنند.

پشت قصه چیست؟

این کارشناس تجارت درباره کاهش درآمد حاصل از عوارض گمرکی و تاثیر مثبت آن بر تجارت بیان کرد: نمی‌توان حکم کلی برای این موضوع صادر کرد، زیرا در بسیاری از کشورها با کاهش عوارض گمرکی، تجارت افزایش یافته و رفاه مردم نیز به‌دنبال آن افزایش می‌یابد، اما در برخی موارد نیز با کاهش عوارض گمرکی، کشور دچار کمبود بودجه می‌شود. اینکه بودجه کشوری وابسته به درآمدهای عوارضی باشد، نشان‌دهنده ساختار بد اقتصاد آن کشور است. در کل این موضوع به سیاست‌های کلان کشور بستگی دارد و باید دید چه ایده‌ای پشت کاهش درآمدهای عوارض گمرکی است؟ گفتنی است چندی پیش رئیس کل گمرک با بیان اینکه دولت با کاهش تعرفه از دریافت ۶۰ هزار میلیارد تومانی به نفع مردم چشم‌پوشی کرده، خاطر نشان کرد: مجموع آمار حقوق ورودی درباره کالاهای نام برده شده با اعداد قبلی و روند کاهش نیافته با احتساب حقوق ورودی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی به عدد بزرگی دست می‌یابیم.





گمرک؛ مکانی پیچیده برای رسوب کالا

مسعود دانشمند، کارشناس حوزه تجارت با تعریفی از نقش گمرک به صمت گفت: گمرک، دروازه عبور سلامت کالا است. این فرضیه که برخی معتقدند گمرک اجازه ترخیص برخی از کالاها را نمی‌دهد و آنها را نگه می‌دارد، کاملاً غلط است، زیرا رسوب کالا در گمرک ناشی از مقررات مختلفی است که به گمرک ابلاغ می‌شود. گمرک تنها مجری است و حدود ۲۲ سازمان مانند وزارتخانه‌های صمت، بهداشت و درمان، سازمان استاندارد و... در عملکرد گمرک نقش دارند.

برای مثال اگر تخصیص ارز صورت نگیرد، گمرک امکان ترخیص کالا را ندارد. با اشاره به تفاوت گمرک ایران با سایر کشورهای دنیا بیان کرد: نباید گمرک ایران را با دنیا مقایسه کرد، زیرا گمرک ایران، شرایط خاص خود را دارد. برای مثال کالاها در گمرکات فرانسه تنها ثبت آماری می‌شوند و عبور می‌کنند. همچنین اتحادیه اروپا یک اتحادیه اقتصادی-سیاسی است که از ۲۷ کشور اروپایی تشکیل شده و بین اعضای آن اصلا گمرکی وجود ندارد. میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا هیچ تعرفه یا مانع غیرتعرفه‌ای وجود ندارد و خلاف مناطق تجارت آزاد، اعضای این اتحادیه بر همه کالاهایی که از خارج به این اتحادیه وارد می‌شوند، تعرفه یکسان می‌بندند. شورای همکاری کشورهای عربی پیرامون خلیج فارس نیز راه اتحادیه اروپا را پیش گرفتند و درصدد حذف گمرک هستند.

ضرر مصرف کننده

دانشمند با اشاره به تأثیرات منفی رسوب کالا در گمرک اظهار کرد: براساس برآوردهای صورت گرفته به ازای هر ۱۰ روز رسوب کالا در گمرک یک درصد به نرخ تمام شده کالا افزوده می‌شود، این در حالی است که متأسفانه گمرک ایران تبدیل به یک مکان پیچیده برای رسوب

کالا شده است. هنگامی که کالا در گمرک رسوب می‌کند، انباردار هزینه انبارداری، گمرک عوارض و... دریافت می‌کنند؛ در نتیجه نرخ تمام شده کالا بالا می‌رود و در نهایت با افزایش نرخ محصولات، مردم باید هزینه این حکمرانی غیرفعال را بپردازند.

بخشنامه‌ها را حذف کنید

این کارشناس حوزه تجارت درباره تأثیر صدور بخشنامه‌های متعدد در حوزه تجارت گفت: اگر همه بخشنامه‌ها حذف شود، کالایی در گمرک نمی‌ماند و بلافاصله ترخیص می‌شود. زمانی صحبت از پنجره واحد گمرک می‌شد که براساس آیین‌نامه آن یکی از بهترین روش‌ها برای کاهش هزینه‌ها و فرآیند صادرات و واردات یک کشور است. مهم‌ترین کارکرد این پنجره صرفه‌جویی در وقت و هزینه تاجران و سایر مشتریان برای امور صادرات و واردات و توسعه تجارت بین‌المللی است. بر این اساس مقرر شد همه سازمان‌هایی که با گمرک در ارتباط هستند، یک دفتر در گمرک داشته باشند تا کارها در همان گمرک انجام شود که متأسفانه محقق نشد. در نتیجه برای بهبود عملکرد گمرک لازم است، ۲۲ سازمان دخیل در عملکرد گمرک در جلسه‌ای هم‌فکری کرده و بخشنامه‌ها را حذف کنند تا تسریعی در صادرات و واردات کالا صورت گیرد. لازم به ذکر است که هر تغییری در روند تجارت نیاز به ۶ ماه فرصت دارد و تصمیمات یک‌شبه تنها روند را سخت‌تر می‌کنند.

سخن پایانی

روزانه با اخباری روبه‌رو می‌شویم که براساس آن در ایجاد اختلال در روند تجارت یک کالا گمرک متهم اصلی معرفی می‌شود، در صورتی که باتوجه به نظر فعالان تجاری گمرک تنها اجراکننده دستوراتی است که به آن اعلام می‌شود و بس! در نتیجه امیدواریم باتوجه به نظرات کارشناسان و تجارتنی که تمایلی به بهبود ندارد، روند بهتری را در مسیر تجارت پیش بگیریم.





در بررسی صمت از جایگاه ایران در کریدورهای بین‌المللی نمایان شد

جنگ خاموش کریدورها

ایران کشوری با بیشترین همسایه است که دسترسی آن به سواحل خزر و مرزهای آسیای میانه و قفقاز در شمال و نیز سواحل راهبردی خلیج فارس، تنگه هرمز و مکران در جنوب، امتیازات منحصر به فردی را در اختیارش قرار داده که باعث شده ایران در نقشه جغرافیایی جهان از موقعیتی بی‌نظیر نسبت به سایر کشورها برخوردار باشد. کریدورهای ارتباطی ابزار توسعه تلقی می‌شود و حضور ایران در منطقه خاورمیانه، کشور را در نقطه تلاقی ۳ قاره آفریقا، اروپا و آسیا قرار داده است. بر همین اساس ایران می‌تواند متصل‌کننده شمال، جنوب، شرق و غرب جهان باشد. نقطه اوج این ظرفیت بندر چابهار به‌عنوان نقطه کلیدی اتصال میان جنوب آسیا و آسیای میانه از یک سو و شرق و اروپا از سوی دیگر است که همین امر، این بندر را به کانون توجه دو کشور هند و چین تبدیل کرده است. با این حال شاهد بی‌توجهی طولانی مدت به این بندر هستیم.

تعریف و تبیین شده که از طریق سازمان منطقه آزاد چابهار به سرمایه‌گذاران ارائه خواهد شد.

مزیت‌های کشور در حال اضمحلال است

جمشید نفر، فعال تجاری درباره وضعیت کریدورهای ایران به صمت گفت: وقتی کریدورها از ایران گذر می‌کنند، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم منافع فوق‌العاده‌ای ایجاد می‌کنند که می‌توان از آنها در ساختار اقتصادی استفاده کرد. کریدورهای ما نیز مانند سایر مزیت‌های کشور در حال اضمحلال است؛ یعنی آنقدر در رابطه با آنها فرصت‌کشی کردیم که دیگران به این نتیجه رسیدند که اگر منتظر ما بمانند، باید سال‌ها صبر کنند و با این برآورد رفتن به سمت کریدورهایی که برای آنها هزینه و زمان بیشتری داشت را به صرف وقت برای کریدورهای شمال به جنوب و شرق به غرب ایران که آسان و اقتصادی‌تر بود ترجیح دادند.

وی با انتقاد از رویکردهای حاکم اظهار کرد: متأسفانه در تصمیم‌گیری‌ها هیچ عجله‌ای نداریم و جواب سریعی به کشورهایی که مایل به مشارکت هستند، نمی‌دهیم. به‌قولی با دنیا قهریم و این قهر بودن با دنیا موجب وارد آمدن لطمات بسیاری به کشور شده است.

بی‌توجه به مزیت‌های ایران

نفر با اشاره به توافقات گوناگونی که کشورهای همسایه برای توسعه کریدورها انجام می‌دهند، بیان کرد: مزیت‌های کریدوری ما فوق‌العاده برای دنیا مفید است، اما متأسفانه نسبت به خطر از دست رفتن مزیت‌های کشور بی‌تفاوت هستیم. در نهایت توافقات کشورها، موقعیت ایران به خطر خواهد افتاد و هر روز مزیت‌های خود را از دست خواهیم داد. این در حالی است که هر جا مسیر غلط را اصلاح کنیم و به سمت مسیر درست برویم، به نفع ما خواهد بود.

باز هم جا ماندیم!

این فعال تجاری ضمن تأکید بر ضرورت اهمیت بندر چابهار گفت: متأسفانه از برنامه‌هایی که برای چابهار پیش‌بینی شده بود و به‌واسطه آن بسیاری از مشکلات کشور حل می‌شد، بسیار عقب هستیم. چابهار یک بندر فوق‌العاده مهم و عاملی برای توسعه اقتصاد کشور است، اما با گذشت زمان، عدم سرمایه‌گذاری و عدم همکاری ممالک موجب از دست رفتن مزیت‌های آن خواهد شد. این در حالی است که هندی‌ها همچنان به منطقه چابهار امیدوارند و نباید کسانی را که به شکوفایی منطقه چابهار اهمیت می‌دهند، مأیوس کنیم و باید اجازه سرمایه‌گذاری دهیم، چراکه این امر باعث تحکیم روابط سیاسی، اقتصادی و تجاری با کشورهای همسایه خواهد شد و سرمایه خوبی را می‌توان از این طریق جذب کشور کرد.

برای صادرات ارزش قائل باشید

نفر با اشاره به ظرفیت‌های خوب ایران برای صادرات، بیان کرد: ایران به‌راحتی می‌تواند با کشورهای مختلف رقابت کند. اگر دولت می‌خواهد صادرات را به سمت

راهی که نمی‌خواهد باز شود!

برای بررسی ظرفیت ترانزیت ایران شاید بهتر باشد به سال ۲۰۱۶ بازگردیم؛ درست زمانی که ایران و هند به‌منظور توسعه بندر چابهار قراردادی امضا کردند؛ قراردادی که هندی‌ها عجله چندانی برای اجرای آن به خرج ندادند. براساس این قرارداد، هند از سال ۲۰۱۶ متعهد به سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیون دلاری در توسعه بندر شهید بهشتی چابهار شده و براساس برنامه‌ریزی و مطالعات توسعه بندر شهید بهشتی چابهار در قالب طرح توسعه بندر چابهار در ۵ فاز با ظرفیت حداقل ۸۰ میلیون تن در سال انجام گرفت، اما تاکنون فقط فاز اول این بندر در سال ۹۶ با ظرفیت ۸ میلیون تن در سال به بهره‌برداری رسید. در واقع می‌توان گفت توسعه بندر چابهار تنها در مرحله کاغذبازی مانده است. این در حالی است که بندر گوادر در کشور پاکستان، در فاصله ۱۰۰ کیلومتری بندر چابهار با سرمایه‌گذاری کلان چین در حال توسعه است. در کنار این موضوع چندی پیش وزارت خارجه پاکستان اعلام کرد: مقامات این کشور با همتایان چینی توافق کرده‌اند که طرح «یک کمربند و یک راه» را به افغانستان گسترش دهند و به‌طور بالقوه میلیاردها دلار برای تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی در این کشور تحریم‌شده جذب کند. اگر از دور نگاه کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که جنگی خاموش در حال انجام است.

تگاهی به بندر چابهار

بندر چابهار تنها بندر اقیانوسی ایران است که کشور را از طریق خلیج عدن و دریای خلیج فارس به اقیانوس هند متصل می‌کند. این بندر به‌دلیل موقعیت استراتژیک و ظرفیت بالای اقتصادی، از اهمیت ویژه‌ای برای ایران و کشورهای همسایه از جمله پاکستان، افغانستان و حتی کشورهای دیگر حاشیه خلیج فارس برخوردار است، اما باوجود دارا بودن این ظرفیت بالا از نظر موقعیت قرارگیری و داشتن شرایط مناسب برای تبدیل شدن به یک مگا‌پورت، سرمایه‌گذاری درستی روی آن انجام نشده و از زیرساخت‌های لازم بهره‌مند نیست.

در قرارداد سال ۲۰۱۶، هند به پرداخت ۸۵ میلیون دلار به همراه یک خط اعتباری ۱۵۰ میلیون دلاری برای توسعه بندر متعهد شد. پیش از این ایران بارها از روند اجرای طرح‌های توسعه‌ای هند در این بندر ابراز نارضایتی کرده بود؛ به‌طوری که علی چگنی، سفیر سابق ایران در هند، کار توسعه چابهار را بسیار کند توصیف و طرف هندی را به‌دلیل تعلل سرزنش کرد. با این حال این کشور از ابتدای سال ۲۰۲۳، ۶ جرتیل دروازه‌ای به مبلغ ۲۵ میلیون دلار برای توسعه چابهار ارسال کرده است.

در مجموع جذب سرمایه‌گذاران خارجی برای توسعه این بندر، اولویت سازمان منطقه آزاد چابهار است. در همین زمینه محمد هدایی، معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری منطقه آزاد چابهار چندی پیش اظهار کرد: تحریم‌ها و مشکلات انتقال سرمایه از طریق سیستم بانکی از عمده چالش‌های جذب سرمایه‌گذاران خارجی است. البته راهکارهای عملیاتی و اجرایی برای تسریع در رفع این مشکلات



□ **تصمیم بگیرید**

رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین ضمن تأکید بر ضرورت اتخاذ تصمیمات مهم برای کریدورها اظهار کرد: نباید همه تخم‌مرغ‌های خود را در یک سبد بچینیم؛ یعنی با توجه به نقش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک که ایران به واسطه قرارگیری در منطقه دارد باید به یک فهم و درک مشترک از کریدورها به‌عنوان موضوعی که در جهان مطرح شده، برسیم و در نهایت تصمیم بگیریم که می‌توانیم در کدام کریدورهای بین‌المللی بازیگر بهتری باشیم و منفعت ملی ما چه اقتضا می‌کند و کدام هم‌پیمانی‌ها می‌تواند منافع ملی ما را در بلندمدت محفوظ نگه دارد.

وی با بیان اینکه ما بی‌توجه به مناطق آزاد نیستیم، افزود: در چند سال اخیر اقدامات خوبی در راستای توسعه مناطق آزاد صورت گرفته، اما یک بی‌نظمی فکری در این زمینه وجود دارد و باید تصمیم‌گیری استراتژیک کنیم. به عقیده بسیاری از کارشناسان باید نگاه ما به کریدور شرق-غربی باشد و اولویت نخست ما برای قرارگیری در کریدورهای بین‌المللی باید شرق به غرب دنیا باشد، چرا که در کریدور شمال-جنوب محدوده ما محدود و بیشتر به نفع همسایه شمالی ایران است.

□ **همکاری اقتصادی و تجاری ایران و چین**

حریری درباره آینده همکاری اقتصادی و تجاری ایران و چین گفت: حجم تجارت ایران با چین در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال ۲۰۲۱ رشد داشته است. به‌طور قطع اگر اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ ندهد، حجم تجارت دوباره افزایشی خواهد بود. در سال ۲۰۱۴ حجم تجارت ایران و چین بیش از ۵۱ میلیارد دلار بوده و اکنون که زیر ۳۰ میلیارد دلار است، می‌توان آن را ۲ برابر کرد.

□ **سخن پایانی**

ایران به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خود، در مسیر کریدورهای شرق-غرب و کریدورهای شمال-جنوب قرار گرفته است. با این حال شاهدیم که هر دوی این گذرها که شامل چندین مسیر در داخل کشور می‌شوند، با توافقات سایر کشورها با یکدیگر کم‌کم رو به انزوا می‌روند. در نتیجه به‌عقیده کارشناسان به‌دلیل اینکه جایگاه ایران در کریدورهای ارتباطی مغفول مانده، باید توجه به سیاست‌گذاری راه در اولویت باشد.

کالاهای با ارزش افزوده ببرد، ابتدا باید از خود صادرات حمایت کند. دولت باید برای صادرات ارزش قائل باشد و موانع را رفع و بعد از صادرات کالا با ارزش افزوده بالا حمایت کند. همچنین در شرایط تحریم باید از تولیدکنندگان، به‌ویژه بخش خصوصی واقعی حمایت کرد تا شاهد کاهش صادرات نباشیم. برای مثال صادرات پسته با مشکلات زیادی که وجود دارد و رقیب بزرگی مانند آمریکا در سال جاری لطمه بزرگی خواهد خورد، اما متأسفانه گوش شنوایی نیست و در مواقع نادری که هشدارها شنیده می‌شود بانک مرکزی توجهی به موضوع ندارد.

□ **اولویت؛ کریدور شرقی-غربی**

مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین درباره وضعیت کریدورهای ایران به صمت گفت: معنی کریدور در جغرافیای اقتصاد سیاسی با اینکه آن را یک راه در نظر بگیریم، کاملاً متفاوت است. کریدورها محل همکاری‌های مشترک کشورها هستند. کریدورهای شرقی و غربی و شمالی و جنوبی در دنیا وجود دارد و ما در جایی از دنیا قرار گرفتیم که هر دوی این کریدورها را در دل خود دارد و می‌توانیم به سایر کشورها خدمات بدهیم و ارزآوری داشته باشیم.

وی با انتقاد از عملکردها در زمینه کریدورهای شرقی-غربی یا شمالی-جنوبی بیان کرد: باید درباره اینکه اولویت ما چیست، تصمیمی گرفته شود. قرار است بر مسیر همکاری‌های شرقی-غربی یا شمالی-جنوبی قرار بگیریم و انتخاب به وضعیت کلی ما در دنیا بستگی دارد. اینها تصمیمات استراتژیکی است که متأسفانه به‌دلیل حرکت با شلختگی و بی‌فکری نگرفتیم. این در حالی است که باوجود رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با هندی‌ها توافق می‌کنیم و بار دیگر با چین یا روس نیز توافقاتی برای کریدورها داریم.

□ **توافقات پاکستان و چین**

حریری درباره توافقات پاکستان و چین برای طرح «یک کمربند و یک راه» اظهار کرد: هرچند همکاری بلندمدتی بین چین و پاکستان شکل گرفته، اما نباید توافق پاکستان و چین برای کریدورها را جدی گرفت، زیرا اکنون به‌دلیل توافقات ۳ سال اخیر در پاکستان دچار اماواگرایی شده است.



در میزگرد صمت با محور پیامدهای استقبال مردم از مال‌های بزرگ لوازم خانگی بررسی شد

استقبال یا اجبار!

شروع فعالیت مال‌های بزرگ لوازم خانگی بدون برنامه‌ریزی مناسب و ایجاد زیرساخت‌های لازم و آماده کردن فضا برای جذب آنها در دادوستدهای اقتصادی، ممکن است منجر به نابرابری در بازار شده و به اقتصاد ما در سطح کلان و به‌طور خاص در حوزه تولید، توزیع و مصرف‌کنندگان آسیب‌هایی وارد کند. برخی از این فعالیت سود می‌برند و چه بسا عده‌ای هم متضرر شده با از گردونه فعالیت اقتصادی و کسب‌وکاری که دارند، حذف شوند. این در حالی است که به‌تازگی شاهد فعالیت مال‌های بزرگی لوازم خانگی هستیم که اتفاقاً از آنها استقبال بسیاری شده و به سرعت در بین مردم پذیرفته شده‌اند. روزنامه صمت به‌واسطه‌ی رسالتی که دارد با محور پیامدهای استقبال مردم از مال‌های بزرگ لوازم خانگی میزگردی با حضور محمدرضا شهیدی دبیر انجمن تولیدکنندگان لوازم صوتی و تصویری کشور، اکبر بازوکی رئیس اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی، محمدرضا فرجی‌تهرانی نایب‌رئیس اتاق اصناف تهران و احسان فدایی کارشناس حوزه صنعت برگزار کرده که مشروح آن در ادامه می‌آید.

می‌دادند بهای آن را در چند قسط پرداخت کنند، اما اکنون به جرأت می‌توان گفت اگر خرید گوشت و مرغ نیز قسطی شود، مردم از آن استقبال می‌کنند. مردم توان خرید لوازم خانگی را ندارند و در واقع فروش اقساطی و گسترش مال‌های بزرگ با تمام مزیت‌هایی که دارند، دلیل اصلی استقبال مردم نیست، بلکه اجبار از سر فقر است که مردم را به سمت خرید از این مال‌های بزرگ می‌برد. از سوی دیگر، تقاضا کاهش یافته و تولیدکننده با مازاد تولید روبه‌رو است و مانند کالا در انبار تولیدکننده چرخه اقتصادی او را متوقف می‌کند.

مصرف‌کننده به اندازه کافی هوشیار است و اجباری برای خرید از این مال‌های بزرگ نیز ندارد و میان خرید از مال‌های بزرگ و خرده‌فروشی حق انتخاب دارد، هر چند مدت‌هاست اجبار از سر فقر، حق انتخاب را میان بد و بدتر قرار داده و مصرف‌کننده به‌واسطه خرید اقساطی از مال‌های بزرگ استقبال می‌کند. هنگامی که هر سال با تورم حدود ۵۰ درصدی روبه‌رو هستیم، مصرف‌کننده خود آگاه است که هر سال از خرید کالای موردنیاز خود دورتر می‌شود و هر چه زودتر کالای موردنیازش را خریداری کند به سود او خواهد بود. براساس آمارها، ۷۰ درصد کالاهای فروخته‌شده تولیدکننده‌ها نصیبی و ۳۰ درصد در شبکه دلالی یا مواردی مانند نگهداری چپ‌زیه و... بوده است. این آمارها نشان می‌دهد متقاضیان بازار لوازم خانگی بیشتر مصرف‌کنندگان این کالاها بوده‌اند. در اینجا باید به این نکته هم اشاره کنم که براساس آمارهای موجود، واحدهای بزرگ تولیدکننده لوازم خانگی، حدود ۱۵ درصد کالاهای تولیدی خود را به مال‌های بزرگ می‌دهند. اکبر بازوکی، رئیس اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی: نخست باید به این موضوع اشاره کنم که همواره احساس ما بر این است که با پیشرفت دنیا، کشور ما نیز باید پیشرفت کند؛ از این‌رو این‌گونه مطرح می‌شود که در دنیا، مال‌های بزرگ شکل گرفته‌اند، چرا ایران باید عقب بماند، اما هنگامی که برای خرید خودرو یا در برخی موارد لوازم خانگی و سایر کالاها باید پول پرداخت کرده و در صف انتظار بمانیم، خودمان را با سایر کشورها مقایسه نمی‌کنیم. از سال ۹۸ با شیوع کرونا، فروش‌های اینترنتی و به‌دنبال آن فروشگاه‌های بزرگ شکل گرفتند. در حال حاضر در مواجهه با این تغییرات، حرف اصلی ما نیز این است که فروشنده هر کالایی در هر بستری باید از اتحادیه مربوطه مجوز داشته باشد. شروع مجاری ممنوعیت واردات به حدود سال ۹۲ بازمی‌گردد که در واردات کالاهایی که در داخل امکان تولید داشت، سختگیری‌هایی شد و از سال ۹۶ این موضوع با شروع تحریم‌ها شدت بیشتری گرفت. سوال‌های زیادی در این زمینه و درباره مواردی که مطرح شد، دارم. در شروع تحریم‌ها، چه میزان تولید و چه میزان تقاضا داشتیم؟ در حال حاضر هم صحبت از افزایش تولید است و جای سوال دارد که افزایش تولید با چه میزان تقاضایی انجام می‌شود؟ چرا تنها برای آمارسازی تولید می‌کنیم؟ در همه دنیا با افزایش تولید، کاهش نرخ اتفاق می‌افتد، اما چرا در ایران اینچنین نیست؟ اگر انتقادات زیادی به بار ترافیکی و نبودن جای پارک در راسته امین‌حضور و خیابان جمهوری وجود دارد، ایراد این ماجرا به شهرداری است، چرا شهرداری زمانی که مجوز می‌داد این موضوع را ندید که بازار بزرگی کنار بازار تهران در حال شکل‌گیری

همان‌طور که می‌دانید در یکی دو سال اخیر، مال‌های بزرگ لوازم خانگی به سرعت سربرآورده و در بازار جا باز کرده‌اند. به‌عنوان نخستین پرسش بفرمایید چگونه شد که فعالیت این مال‌ها در کشور آغاز شد و حضور آنها چه تاثیری بر روند فعالیت تولیدکنندگان لوازم خانگی خواهد گذاشت؟ با عنایت به این موضوع که مال‌های لوازم خانگی با استقبال مردم روبه‌رو شده‌اند و بانک‌ها نیز تسهیلاتی که باید به تولید اختصاص دهند را به‌طور غیرمستقیم به خرید این کالاها محدود کرده‌اند و تولید بی‌نصبی‌تر از قبل خواهد شد.

محمدرضا شهیدی، دبیر انجمن تولیدکنندگان لوازم صوتی و تصویری کشور: با شروع تنگنای ارزی و تحریم‌ها، تمام کالاها تقسیم‌بندی شدند و کالاهای ساخته‌شده در گروه‌های بالاتر قرار گرفتند و واردات هرگونه کالایی که مشابه داخلی داشت، ممنوع شد. البته پیش از سال ۹۷ که واردات لوازم خانگی آزاد بود نیز واردات تلویزیون از راه‌های قانونی انجام نمی‌شد. ورود کالای قاچاق به کشور به‌دلیل معافیت‌های بیمه‌ای، گمرکی و مالیاتی رواج دارد. در حال حاضر هم، اگر با رفع ممنوعیت واردات لوازم خانگی روبه‌رو باشیم، به دلایل یادشده بسیاری از لوازم خانگی، به‌ویژه تلویزیون از راه‌های قانونی وارد کشور نخواهد شد و واردات قانونی تعداد محدودی از این کالاها، تنها می‌تواند پوششی برای واردات غیرقانونی باشد.

به اقتضای زمان شاهد تغییراتی در نحوه دادوستدها خواهیم بود و در همین راستا، شکل‌گیری مال‌های بزرگ مانند شهر لوازم خانگی و سرای ایرانی که شیوه جدیدی از فعالیت اقتصادی است را شاهد هستیم. واقعیت این است که فعالیت مال‌های لوازم خانگی تاثیر چندانی بر تولید این بخش ندارد. تولیدکننده به‌دنبال خریدار است و برای او فرقی ندارد چه کسی و در چه حجمی درخواست خرید دارد. در شرایط کنونی هم با وجود کاهش تقاضا که منجر به انبار کالاها و در برخی موارد مازاد تولید شده، برای تولیدکننده تنها خریدار مهم است. درباره موضوع بانک‌ها هم نظام بانکی وظیفه دارد پولی که مردم سپرده می‌کنند را در سه محور صنعت، بازرگانی و کشاورزی توزیع کند و این در حالی است که بانک‌ها به‌دلایل گوناگون مانند بازگشت راحت‌تر سود و اصل پول، همیشه میل بیشتری به ارائه تسهیلات به بخش بازرگانی دارند.

در کل باید این موضوع را بپذیریم که با گذر زمان، نحوه خرید مردم تغییر کرده است. باوجود ترافیک، معضل جای پارک و سرما و گرمای هوا، خرید از محلی سرپوشیده و بزرگ با پارکینگ و رستوران و سایر امکانات در دسترس، نوعی تفریح به‌شمار می‌آید. این در حالی است که در راسته امین‌حضور و جمهوری که به نوعی بازارهای بزرگ فروش لوازم خانگی هستند، پارکینگ بزرگی که خیال مردم را از جای پارک راحت کند، نداریم. در حال حاضر، نه تنها در بازار لوازم خانگی، بلکه در بخش‌های گوناگون دیگر مانند پوشاک، فرش و... مردم به سمت مال‌های بزرگ رفته‌اند.

از بعد دیگر هم واقعیت این است که در چند سال اخیر، مردم فقیرتر شده‌اند. خانواده‌ها در گذشته شاید تنها برای خرید یخچال باید به مشکل می‌خوردند و ترجیح





را در فروشگاه‌های خود به فروش برساند. از سوی دیگر، این انحصار می‌تواند شرایط ویژه‌ای را برای خرید از تولیدکننده به وجود آورد. در این صورت این مال‌های بزرگ هستند که برای تولیدکننده تصمیم می‌گیرند.

البته بر این موضوع تاکید دارم که تمام این تلاش‌ها بی‌فایده است و دولت با شکل‌گیری مال‌های بزرگ به‌شدت موافق است، چراکه برای وزارت اقتصاد پیگیری و نظارت بر ۲ هزار واحد صنفی بسیار سخت‌تر است از یک واحد صنفی بزرگ. ضمن اینکه صنعت رویکرد بلندمدت دارد نه کوتاه‌مدت و میان‌مدت.

محمدرضا فرجی‌تهرانی، نایب‌رئیس اتاق اصناف تهران؛ با فعالیت سراسرا مخالفتی ندارم، چراکه در همه دنیا فروشگاه‌هایی شبیه به آنها وجود دارد. دولت هم با فعالیت این مال‌ها و به‌عبارتی فروشگاه‌های بزرگ موافق است، چراکه برخورد با یک فروشگاه بزرگ بسیار راحت‌تر است از چند هزار واحد صنفی و اتحادیه‌های گوناگون.

در عرصه فعالیت مال‌های بزرگ، تفاوت ما با کشورهای دیگر در این است که در کشور ما مانند سایر کشورها شرایط برابری برای رقابت وجود ندارد. در سایر کشورها به مال‌های بزرگ همان تسهیلاتی داده می‌شود که به فروشگاه‌های کوچک داده شده است. ما در کشور شاهد فعالیت مال‌های بزرگی هستیم که از تسهیلات عجیبی برخوردارند درست مانند اینکه به یک بانک مرکزی متصل هستند. این در حالی است که واحدهای کوچک برای دریافت ۲۰ میلیون تومان از بانک باید هزار روش را امتحان کنند و در آخر نیز موفق به دریافت وام نخواهند شد. از سویی هم ترویج سراسرا اکوسیستم زندگی در کشور را به هم می‌ریزد. بابت شکل‌گیری هر سرا و هر فردی که برای کار جذب می‌شود، حدود ۱۰ تا ۱۵ نفر از اصناف کشور بیکار می‌شوند. فراموش نکنیم زمانی که نرخ ارز مانند حالا بالا نبود و تفاوت قیمتی زیادی میان برند خارجی و داخلی وجود نداشت، فروشندگان لوازم خانگی سعی کردند برند ایرانی را در زندگی مردم راه بدهند. متأسفانه چند مزیت و تسهیلات در کنار هم جمع شده تا کسب‌وکار مال‌های بزرگ را هر روز بهتر از روز قبل کند. درباره فروشگاه‌های اینترنتی نیز این اتفاق رخ داده است. با توجه به روی کار آمدن فروشگاه‌های اینترنتی و مال‌های بزرگ، دیگر کاسبان لوازم خانگی باید کسب‌وکار خود را تعطیل کنند. البته راهکار دیگری هم وجود دارد که کاسبان لوازم خانگی دست‌به‌دست یکدیگر داده و خود نیز فروشگاه‌های بزرگ ایجاد کنند تا بتوانند ماندگار شوند و کمتر آسیب ببینند.

برخی معتقدند آنتن تلویزیون و بیلبوردهای شهری به‌عنوان حمایت از تولید داخل یا هر دلیل دیگری برای تبلیغ در اختیار این مال‌های بزرگ قرار دارد. این امر چقدر بر اعتمادسازی و استقبال مردم از این فروشگاه‌ها تاثیرگذار بوده است؟
شهیدی: تبلیغات یکی از ابزارهای اصلی بازاریابی است. قطعاً یک فروشگاه بزرگ با کارکنان بسیار، توانایی بیشتری در تبلیغات نسبت به یک مغازه کوچک در آمین حضور دارد. چند سال پیش که تاکسی‌های اینترنتی روی کار آمدند، مقاومت امروز فروشندگان لوازم خانگی را همان سال‌ها از آژانس‌های تاکسی دیدیم. این موضوع که نباید برای یک گروه خاص تسهیلات و رانت ویژه‌ای تعیین شود، هیچ‌گاه قابل تکرار نیست، اما در کلان موضوع نباید نیازی که کشور دارد و تغییر سلیقه مردم در خرید را نادیده گرفت. در این شرایط نباید دست روی گذاشت. بزرگان صنف لوازم خانگی با وجود سابقه کار بسیار می‌توانند با هم مجوز چند فروشگاه بزرگ را در مناطق گوناگون تهران دریافت کنند و خود آنها هم به این جریان بپیوندند.

دوستان این‌گونه ادعا داشتند که تولیدکننده شرایط ویژه‌ای برای مال‌های بزرگ در نظر می‌گیرد که آن را تکریم می‌کنم. در همه دنیا، فروش بالاتر، تخفیفات ویژه‌تری دارد. در گذشته کاسبان آمین‌حضور نیز همین شیوه را داشتند و نرخ خریدار ۱۰۰ تلویزیون با نرخ برای خریدار هزار تلویزیون متفاوت بود.

به‌عنوان تولیدکننده با خطرات شکل‌گیری فروشگاه‌های بزرگ آشنایی داریم و به همین دلیل فقط ۱۵ درصد فروش خود را به مال‌های بزرگ اختصاص می‌دهیم تا به قول معروف همه تخم‌مرغ‌های خود را در یک سبد نگذاریم و ریسک فعالیت‌مان را بالا نبریم. انتظار عدالت در رقابت میان مال‌های بزرگ و خرده‌فروشی کاملاً بحق است و دولت باید برای این شرایط فکری کند. ضمن اینکه بازار بی‌رحم است و اگر کسی با سلیقه مردم پیش نرود، از بین خواهد رفت. بازوی: برخی از اعضای صنف فروشندگان لوازم خانگی سابقه ۷۰ سال فعالیت دارند، حال سابعده ۳ ساله مال‌های بزرگ به‌دلیل رانت و تسهیلات، جایگاه کسب‌وکارهای با بیش از ۷ دهه سابقه فعالیت را گرفته است. مشکل اصلی ما با سازمان حمایت و دولت است که چرا حتی تخفیفات ویژه تولیدکنندگان برای فروش بالا را تغییر نمی‌دهند؟ چرا زمانی که صحبت

است؟ چرا واحد صنفی باید حدود ساعت ۸ شب تعطیل شود، اما مال‌های بزرگ تا ساعت ۲ صبح هم امکان فعالیت دارند؟

از سویی هم در حالی که مصرف‌کننده مجبور است به‌دلیل فقر، کالای موردنیازش را قسطی خریداری کند و در این گرانی تولیدکننده و فروشنده مقرر نیست، دولت باید بر تسهیلات بانک‌ها نظارت و کنترل داشته باشد. در این محور موضوع تولید و توزیع مطرح است. آیا تولیدکننده خود باید توزیع‌کننده نیز باشد؟ آیا تولیدکننده باید فروشگاه ایجاد کند؟

واقعیت این است که طی ۵ سال اخیر در صنعت لوازم خانگی انقلاب بزرگی شده است. درباره مال‌های بزرگ، نقد بزرگی که به تولیدکنندگان وارد می‌شود این است که چرا تولیدکننده نسبت به تعداد خریداری‌شده تخفیف‌های متفاوتی می‌دهد؟ هر خریدار با هر تعداد کالایی نباید تفاوتی با خریدار دیگر داشته باشد. یکی از رقابت‌های اصلی که صاحبان مال‌های بزرگ با خرده‌فروشان دارند از همین تخفیفات شرکت‌های تولیدکننده است. اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی از آنجایی که با مشکلات تولید آشنایی دارد، همیشه پشت تولیدکننده بوده، اما در مقابل هیچ‌گاه تولیدکننده پشت فروشنده نبوده و نیست. چند سال از زمان شکل‌گیری این فروشگاه‌های بزرگ می‌گذرد و فروشندگان چند سال است کنار تولیدکننده هستند؟ زمانی که ممنوعیت واردات رخ داد، فروشندگان با تلاش بسیار و با استفاده از اعتبار خود، لوازم خانگی ایرانی را میان مردم معرفی کردند، حال این فروشنده‌ها بد هستند، چون تعداد کمتری کالا می‌خرند؟

از یک سو نرخ لباسشویی که چند سال گذشته، ۲ میلیون تومان به فروش می‌رسید، به ۱۳ میلیون تومان رسیده، یک کارگر با حقوق ۵ میلیون تومانی حتی توان خرید یک لباسشویی را نیز ندارد. از سوی دیگر، هر سال شعارهای بسیاری در رابطه با حمایت از تولید از سوی مسئولان اعلام می‌شود، اما درعین حال بسیاری از مواد اولیه تولید باید از طریق بورس یا بازار آزاد تهیه شود. این در حالی است که اعتبار تولیدکننده و تاجر پیش از سال ۹۶ در داخل و خارج از کشور بسیار بیشتر از حالا بود. کشور ما بسیار غنی است، اما درعین حال از زنجیره تولید تا توزیع و مصرف همه در عذاب هستند. بهتر است در شرایط کنونی، دولت شرایط قسطی‌فروشی را برای خرده‌فروشان نیز تامین کند تا ما هم با زمانه و تغییر سبک خرید پیش برویم. تولیدکننده نیز باید به این نتیجه برسد که به‌جای افزایش تولید و آمارسازی، کالا را به اندازه مصرف تولید کند، این‌گونه ن در انبار هم کالایی نمی‌ماند تا تولیدکننده به‌دنبال مشتری یا فروشگاه‌های بزرگ باشد.

احسان فدایی، کارشناس حوزه صنعت: تقریباً از زمان دولت آقای احمدی‌نژاد، تفکر آماردرمانی و تاکید بر کمیت به جای کیفیت شکل گرفت. این ریل‌گذاری غلط در صنعت باعث شد دولت‌های بعدی نیز به‌دلیل سابقه آماردرمانی مجبور به ادامه راه با این شیوه باشند؛ در نتیجه این ریل‌گذاری اشتباه، درحال حاضر همه ذی‌نفعان از وضعیت موجود ناراضی هستند. براساس آمارهای موجود، ۱۳۲۴ مجوز تولید لوازم خانگی صادر شده که این خود یک بحران جدی است. در حالی که کشورمان با صدور مجوزهای متعدد و بی‌حساب و کتاب روبه‌رو هستیم که کشورهایی مانند کره و ژاپن با عدم‌صدور مجوز مشابه تا شعاعی مشخص اطراف تولیدکننده یک محصول حمایت می‌کنند. باید به نقطه‌ای برسیم که تولید یک محصول نسبت به فروش آن ارزش داشته باشد.

درحال حاضر با تولیدکنندگان بسیاری روبه‌رو هستیم که زمانی تسهیلات تولید از بانک‌ها دریافت کرده و بدون توجه به میزان تقاضا، به تولید پرداخته‌اند و حالا با مازاد تولید روبه‌رو هستند. براساس آمارهای موجود، ۴۷۲ یخچال‌ساز، ۵۷۷ اجاق‌گازساز، ۲۰۱ لباسشویی‌ساز، ۹۶ تولیدکننده تلویزیون و ۶۳ تولیدکننده ماشین ظرفشویی داریم. موضوع توجه به سرمایه اجتماعی مدت‌هاست در کشور از بین رفته و به‌دلیل وضعیت بد اقتصادی، بسیاری تنها به منافع خود فکر می‌کنند؛ در نتیجه برای تولیدکننده هم فرقی میان توزیع‌کننده بزرگ و خرد نیست.

ما به‌دنبال این هستیم که انحصار به وجود نیاید و برخی هم معتقدند به دلیل تعدد بسیار زیاد تولیدکننده‌ها در این حوزه، امکان انحصار وجود ندارند. حال این سوال مطرح می‌شود، آیا تنها دو شرکت تولیدکننده خودرو داریم؟ ما تولیدکنندگان خودرو بسیاری داریم اما باز هم در این حوزه با انحصار روبه‌رو هستیم.

اکنون با توجه به شکل‌گیری مال‌های بزرگ انحصاری در فروش، ترس ما این است که انحصار در خرید نیز شکل بگیرد، چراکه ممکن است در چند سال آینده تنها چند برند خاص



فدایی: موضوع ترویج تاکسی‌های اینترنتی مانند رسانه‌های مکتوب و دیجیتال بود. ورود تاکسی‌های اینترنتی با ورود مال‌های بزرگ، اصلا قابل مقایسه نیست، چراکه تاکسی‌های اینترنتی اشتغال بسیاری را به وجود آوردند.

در رسانه‌های مکتوب، براساس قطع صفحه، تعداد کلمات مشخص است و پس از چاپ حتی در صورتی که هزینه میلیاردی نیز داده شود، امکان تغییر وجود نخواهد داشت، اما در فضای دیجیتال هر تعداد خبر در هر زمان امکان تغییر دارد و هیچ‌گونه محدودیت در تعداد خبرها و حجم آنها وجود ندارد. در واقع با ترویج رسانه‌های اینترنتی شاهد ایجاد شغل و تغییر در تولید خبر هستیم.

حال در صورتی که سراها منجر به تعطیلی اصناف لوازم خانگی شوند، باید بدانیم که سراها در بهترین حالت ممکن در شهرهای بزرگ امکان احداث ۲ فروشگاه را دارند که تعداد افراد شاغل در آنها هرگز با اشتغالزایی که واحدهای کوچک لوازم خانگی دارند، قابل مقایسه نیست. بنابر اعلام بانک مرکزی در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۲ حدود ۱۶ هزار میلیارد تومان تسهیلات به ۵۵ شرکت تولیدکننده لوازم خانگی پرداخت شده در حالی که این ۵۵ شرکت بزرگ بیش از ۱۰۰ هزار اشتغال ایجاد کرده‌اند. این در حالی است که در همین مدت، تنها به سرای ایرانی، ۲ هزار میلیارد تومان تسهیلات داده شده است.

بی‌شک تبلیغات بالاترین میزان تاثیر را بر مخاطب دارد و مصرف‌کننده بر این عقیده است که همه چیز در جعبه جادویی تلویزیون فیلتر شده و مورد تایید است. این در حالی است که شهر فرش برای ۶ ماه نخست سال ۷۰۰ میلیارد تومان برای تبلیغات به صداوسیما پیش‌پرداخت داده است. اگر تمام فروشندگان ایران نیز جمع شوند، باز هم نمی‌توانند آنتن صداوسیما را مانند این سراها در اختیار بگیرند.

فرجی: از قدیم همه این موضوع را می‌دانستند که شروع یک کسب‌وکار به اصطلاح بازاری‌ها دوران «خاک‌خوری» دارد. با توجه به اطلاعاتی که دارم، تاکسی‌های اینترنتی و بسیاری از اپلیکیشن‌های خرید اینترنتی، دورانی به ورشکستگی رسیدند و دوباره با سرمایه‌گذاری جان

از شکل‌گیری مال‌های بزرگ است باید مانند سایر کشورها پیش برویم، اما برای عدالت میان مال‌های بزرگ و خرده‌فروشی خود را با هیچ کشوری مقایسه نمی‌کنیم؟ چرا قوانین خوب کشورهای دیگر را در ایران ترویج نمی‌دهیم؟ و در این میان باز هم تاکید می‌کنم که بانک‌ها حق دلالتی ندارند.

از سوی دیگر، وزارت صمت مجوزهای تولید لوازم خانگی را بدون پیگیری اعداد و ارقام و کمبودها صادر می‌کند. به‌عنوان مثال، ۵۰۰ تولیدکننده اجاق‌گاز در کشور داریم، اما با وجود اینکه کمبود قطعه لوازم خانگی در کشور جدی است، هیچ‌گاه پیشنهادی مبنی بر تولید قطعه داده نشده است. در نتیجه این تصمیمات اشتباه، ۵۰۰ برند اجاق‌گاز با ۵۰۰ نرخ متفاوت در بازار موجود است که هیچ نظارتی نیز بر تولیدات آنها نیست.

درباره احداث مال‌های بزرگ لوازم خانگی با مشارکت اصناف امین‌حضور نیز پیشنهاداتی داده شد، اما کاسی که ۷۰ سال سابقه کار دارد، با کسانی که سابقه کار آنها در امین‌حضور زیر ۱۰ سال است، چگونه باید مشارکت کند که حقی از او ضایع نشود؟

چگونه شهرداری هنگام صدور مجوزهای گوناگون برای احداث پاساژهای بزرگ در امین‌حضور با روی خوش از این موضوع استقبال می‌کند، اما حالا وضعیت کسبه امین‌حضور نادیده گرفته می‌شود؟ صحبت از شکل‌گیری تاکسی‌های اینترنتی شد که در حال حاضر جایگاه خوبی در میان مردم دارند، اما وقتی با بارش باران یا ترافیک، تنها با افزایش نرخ امکان استفاده از تاکسی‌های اینترنتی را دارید، به انحصار آنها نیز فکر کرده‌اید؟

در حال حاضر امکان ندارد کمتر از ۱۰ دقیقه تلویزیون روشن باشد و تبلیغی از سراها دیده نشود، در واقع آنتن صداوسیما در اختیار این مال‌های بزرگ قرار دارد. این در حالی است که با رقم‌های نجومی تبلیغات در صداوسیما حتی در صورتی که از همه ۲۵۰۰ واحد صنفی لوازم خانگی نیز هزینه دریافت شود، باز هم هزینه تبلیغات یک‌ماهه صداوسیما نمی‌شود. چطور دولت برای فروش لوازم خانگی از همه کسبه طی سال پرس‌وجو می‌کند، اما هیچ‌گاه پیگیر دخل‌وخرج این سراها با وجود تبلیغات چند هزار میلیاردی آنها نمی‌شود؟





رقابتی به‌شمار رود. در این شرایط مردم قدرت انتخاب دارند که مسافتی طولانی را با صرف هزینه طی کرده و در مقابل کالایی با تخفیف موردنظر خریداری کنند یا از مغازه‌ای در نزدیکی محل زندگی خود کالای موردنیازشان را بخرند.

از سویی هم آمار تولید از سوی تولیدکننده، وزارت صمت و بانک مرکزی مبنایی برای بررسی وضعیت این صنعت نیست، اما فروشندگان آینه تمام‌نمای صنعت لوازم خانگی هستند. متأسفانه صنعتگر دید صنعتی خود را فراموش کرده و نگاه بازرگانی به فعالیت خود دارد. هنگامی که با آمار افزایش تولید روبه‌رو هستیم، اما در بازار تقاضایی وجود ندارد، به‌دلیل رسوب کالا در انبارها، برای تولیدکننده صرفاً فروش اهمیت دارد. این موضوع به همراه قوانین متناقض، موجب شده صنعت دید بلندمدت خود را از دست داده و تنها به فکر فروش باشد.

نکته جالب توجه این است که تنها در سال ۱۴۰۱ آن هم در شرایطی که ۳۵ درصد بازار را کالای قاچاق تشکیل داده و با کاهش قدرت خرید مردم مواجه هستیم، وزارت صمت مجوز تولید ۲۴۳ میلیون دستگاه لوازم خانگی صادر کرده است. تولیدکننده با ارائه آمار افزایش تولید از بانک مرکزی تسهیلات دریافت می‌کند. این آمار یعنی با حساب جمعیت ۸۵ میلیونی ایران، سرانه هر ایرانی ۳ دستگاه لوازم خانگی در سال ۱۴۰۱ بوده است. به نظر شما در شرایط رکود بازار، این میزان کالا به فروش می‌رسد؟ در نتیجه پول کشور صرف تولید کالاهایی می‌شود که در نهایت با رسوب همراه است.

سیاست‌گذاری و ریل‌گذاری غلط در صنعت لوازم خانگی که تنها به‌دنبال آمار درمانی بوده، باعث شد تولیدکنندگان در نامه‌ای که برای ممنوعیت واردات نوشته شده بر تولیدات کمی خود تاکید کنند. در واقع این سیکل معیوب است و اکنون تولیدکننده آن قدر با افزایش تولید و رسوب کالا در انبارها مواجه است از این‌رو بی‌شک تولیدکننده جنس خود را به هر خریداری خواهد فروخت. پرداخت خریدارها نیز همه به‌صورت چکی است، این چرخه فروش چکی و دست‌به‌دست شدن کالاها در نقطه‌ای قفل می‌شود و آن روز که دور نیست، اتفاقات بدی در صنعت رخ خواهد داد.

گرفتند، در واقع دوران خاک‌خوری را پشت‌سر گذاشتند. اما به نظر شما، مال‌های بزرگ لوازم خانگی دوران خاک‌خوری را طی کرده‌اند که حالا این همه رونق دارند؟ این برای نخستین بار است که در زندگی با کسب‌وکاری روبه‌رو شده‌ام که از ابتدا روی دور بُرد بوده است. البته بخشی از این بُرد به رانتی برمی‌گردد که دولت و بانک‌ها برای آن ایجاد کردند و بخش دیگر آن مربوط به رانت تولیدکنندگان است. سوال من از تولیدکنندگان لوازم خانگی این است که چرا در سایر صنفاها برای خرید با فروش بالا چنین تخفیفاتی از سوی تولیدکننده داده نمی‌شود؟ چرا در صنفا لوازم خانگی تولیدکننده اجازه زیرفروشی را به مال‌های بزرگ می‌دهد، در صورتی که هیچ‌گاه در سایر کشورهای و برندهای خارجی حتی با وجود تخفیفات نیز تولیدکننده اجازه زیرفروشی را به توزیع‌کننده نخواهد داد؟ چرا اینجا از قواعد کشورهای دیگر تقلید نمی‌کنیم؟ روزگاری که واردات لوازم خانگی آزاد بود و تولیدکننده داخلی به هر طریقی حاضر به فروش کالای خود به کسبه لوازم خانگی بود، همین واحدهای صنفی تلاش‌های بسیاری کردند تا لوازم خانگی ایرانی را میان مردم جا بیندازند، اما حال که نوبت به تولیدکننده رسیده که از او حمایت کند، متأسفانه تولیدکننده فروشنده را نمی‌بیند.

از آنجایی که چندین سال است شعار اصلی سال بر تولید متمرکز است، تولیدکننده دسترسی بهتری به مسئولان دولتی دارد، در نتیجه بهترین راهکار این است که برای جبران تلاش کسبه این بار تولیدکنندگان، پشت اصناف باشند و در جلسات با دولت خواستار اعطای تسهیلات به فروشندگان لوازم خانگی شوند. باید با تغییر شرایط تولیدکنندگان لوازم خانگی به کمک فروشندگان این صنف آمده و با کمک هم این موضوع را حل و فصل کنند تا کمتر آسیب ببینند.

فدایی: بی‌شک در دنیای امروز وجود مال‌های بزرگ در همه حوزه‌ها از لوازم خانگی گرفته تا پوشاک، امری اجتناب‌ناپذیر است، اما نکته حائز اهمیت، ایجاد یک فضای رقابتی منصفانه میان مال‌های بزرگ و خرده‌فروشان است. درست این است که این مجموعه‌ها خارج از شهرها احداث شوند تا این موقعیت مکانی، برای مغازه‌هایی که به اصطلاح زنجیره خرده‌فروشی هستند، مزیت





صادق نجفی



رسول شجری

بازی دوسر برد برای تولید

این دو بخش افزایش چشمگیری داشته است. در این میان فعالان صنعتی برای استفاده بهینه‌تر از فرصتی که شهرک‌های صنعتی در اختیار آنها قرار می‌دهد، به‌تازگی به فکر ایجاد شهرک‌های صنعتی تخصصی افتاده‌اند تا با ایجاد زنجیره ارزش و دریافت خدمات مکمل بتوانند محصولاتی با کیفیت‌تر و در تیراژ بیشتر و البته با هزینه به‌متراب کمتر تولید کنند. در این گزارش، نظر فعالان اقتصادی حاضر در شهرک‌های صنعتی را درباره حضور در این شهرک‌ها، به‌ویژه فعالیت در شهرک‌های تخصصی جویا شده‌ایم.

به‌طور کلی، واحدهای فعال در شهرک‌های صنعتی، ضمن توجه به مسائل زیست‌محیطی با تجمیع در کنار یکدیگر، از همکاری‌های جدید و هم‌افزایی صنعتی بهره می‌گیرند تا به‌صرفه‌تر و با مشکلات کمتری فعالیت‌شان را ادامه دهند. مزایای ریزودرشت فعالیت در شهرک‌های صنعتی از یک سو و از سوی دیگر، محدودیت‌هایی که برخی از صنایع کوچک و بزرگ برای فعالیت در محدوده‌های شهری با آن مواجهند، موجب شده در یکی، دو دهه گذشته اقبال به حضور در شهرک‌های صنعتی از سوی تولیدکنندگان

تولیدی خود را نداشتند باشند تا به‌طور کامل، واحد تولیدی خود را در آنجا مستقر کنند و مشغول کار شوند.

تعدادی از آنها از شهر رانده شده‌اند، اما در نهایت به‌دلیل شرایط اقتصادی نتوانسته‌اند در شهرک صنعتی مستقر شوند. از سوی دیگر، شهرک‌های صنعتی نیز خود مشکلات متعددی دارند و نمی‌توانند به‌طور کامل تعهداتی را که به واحدهای صنفی و خریداران زمین در این شهرک‌ها داشته‌اند، ایفا کنند. البته در شهرک‌ها تلاش زیادی شد تا زمینه فعالیت مطلوب مهیا شود، اما شرایط سخت است. به‌عنوان نمونه، تامین برق، گاز و وسیله تردد در برخی از این شهرک‌ها مشکلاتی را ایجاد کرده است. البته با تمام اینها باز هم فعالیت در شهرک‌های صنعتی مفید است.

شجری در ادامه گفت: آرزوی صنعتگران و تولیدکنندگان این بود که مانند کشورهای دیگر شهرک‌های صنعتی متمرکز و با زیرساخت‌های مناسب در کشور داشته باشیم که متأسفانه این‌گونه نیست. درحال حاضر بسیاری از واحدهای صنعتی کوچک و متوسط در شهرک‌های صنعتی به‌خوبی فعالیت دارند و کارشان را پیش می‌برند، اما متأسفانه مشکلات اقتصادی تولید را به‌شدت درگیر کرده و شرایط به‌گونه‌ای است که امکان استفاده از مزایای کنونی شهرک‌های صنعتی محدود شده است. در این میان، شاهد ناهماهنگی‌هایی نیز بین نهادهای متولی که مسئولیت انجام تعهدات مربوط به شهرک‌های صنعتی را دارند، هستیم.

مزیت استقرار در شهرک‌های تخصصی

این فعال حوزه صنعت درباره مزایای خاص شهرک‌های صنعتی تخصصی اظهار کرد: در شهرک‌های تخصصی با ایجاد زنجیره ارزش به‌راحتی بخش زیادی از زنجیره تولید در کنار هم گرد می‌آیند و همین امر مزیت شهرک‌های صنعتی را دوچندان می‌کند. با تخصصی شدن شهرک‌ها، واحدهای صنعتی می‌توانند از امکانات مشترک بهره بگیرند. این فعال حوزه صنعت درباره میزان موفقیت شهرک‌های صنعتی در انجام وظایفی که به آنها محول شده، اظهار کرد: عملکرد شهرک‌های صنعتی با توجه به اهدافی که برای راه‌اندازی آنها تعریف شده، تا حد زیادی خوب بوده است. شهرک‌های صنعتی ابزار توسعه و اشتغالزایی هستند و نقش چشمگیری در رشد اقتصادی دارند و در نمربخش بودن ایجاد آنها شکی نیست، اما مشکلاتی هم دارند که اگر رفع شود، کمک بسیاری به رونق تولید خواهد شد.

شجری در پایان با اشاره به مشکلات عمده صنعتگران در شهرک‌های صنعتی، گفت: شهرک‌های صنعتی این ظرفیت را دارند که به تولیدکننده در بحث صادرات و توسعه فعالیت‌ها کمک کنند؛ البته به‌شرط اینکه تولید از مشکلات بی‌شماری که درحال حاضر با آنها روبرو است، رها شود.

شهرک‌های صنعتی تخصصی لازمه تحقق توسعه

رسول شجری، کارشناس و فعال حوزه صنعت در ابتدا درباره مزیت شهرک‌های صنعتی به صمت اظهار کرد: توسعه فعالیت در داخل شهرها به‌دلیل محدودیت‌های شهری امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین بهترین موقعیت برای تولیدکننده فعالیت در شهرک صنعتی است. شهرک‌های صنعتی شرایط و امکانات خاصی برای فعالیت دارند و نقش بسیار مهمی در ایجاد توسعه و اشتغال پایدار ایفا می‌کنند.

فعالیت تولیدی و صنعتی داخل شهرها به‌ویژه کلانشهری مانند تهران، به‌دلیل اینکه مزاحمت‌های خاصی ایجاد می‌کند، سخت است. صنعتگر باید استانداردهای ایمنی خاصی را رعایت کند تا اجازه فعالیت داشته باشد و شاخص‌هایی که شرکت ساماندهی مشاغل و صنایع هم برای واحدهای صنعتی تعریف کرده باید از سوی آنها رعایت شود. علاوه بر این هزینه خرید یا حتی اجاره مکان برای فعالیت تولیدی در داخل شهرها، سرسام‌آور است و اغلب فعالیت در شهرها برای تولیدکننده صرفه اقتصادی ندارد و در نهایت نرخ تمام‌شده محصولات آنها گران می‌شود. حال اگر صنعتگر خواهد تولید رقابت‌پذیری داشته باشد، باید به سمت تولید صادرات‌محور حرکت کند که استقرار در شرکت‌های صنعتی می‌تواند گامی در مسیر تحقق این هدف باشد.

شجری در ادامه گفت: واحدهای تولیدی با توجه به محدودیت‌هایی که در شهرها با آن مواجهند، با انتقال از داخل شهرها به شهرک‌های صنعتی در حقیقت به سمت صنعتی شدن حرکت می‌کنند. درحال حاضر در کشور غیر از مواد غذایی، در بیشتر بخش‌ها مانند نساجی، پوشاک، کیف، کفش، چرم و... تولیدکنندگان فعالی داریم که بیشتر نیاز کشور را تامین می‌کنند و توان ورود به عرصه صادرات را نیز دارند. این واحدها باید صادرات‌محور شوند تا بتوانند ادامه حیات دهند، اما یک روند سنتی را دنبال می‌کنیم و در اغلب موارد، تولیدات مان صادرات‌محور نیست. حضور در شهرک‌های صنعتی می‌تواند در توسعه و صادرات به واحدهای تولیدی کمک کند؛ از این رو تولیدکنندگان سراغ شهرک‌های صنعتی می‌روند تا به‌نوعی در مدار صنعتی شدن قرار بگیرند.

وی افزود: فعالیت در شهرک‌های صنعتی تخصصی یک امتیاز برای واحدهای تولیدی است که با تغییر آن به شهرک تخصصی این مزایا افزون می‌شود. در یک دهه اخیر شهرک‌های صنعتی، رشد بیشتری داشته و صنعتگران نیز از فعالیت در این شهرک‌ها استقبال کرده‌اند، اما متأسفانه دچار ناهماهنگی، بی‌ثباتی و مشکلات اقتصادی هستیم که شرایط را در تمام بخش‌ها سخت کرده است. این وضعیت موجب شده کسانی که به سمت شهرک‌های صنعتی رفته‌اند، توان تکمیل واحدهای





شود. در این صورت، صنعتگر مجبور نیست میلیاردها تومان از سرمایه تولید را در ابتدای فعالیت بابت تامین زمین پرداخت کند و نقدینگی که در اختیار دارد را در احداث واحد صنعتی و خرید تجهیزات هزینه خواهد کرد.

این کارشناس حوزه صنعت افزود: از جمله مزایای خاص و قابل توجه فعالیت در شهرک‌های صنعتی تخصصی، تامین زمینی است که در آن همه امکانات از راه گرفته تا آب، برق و تأسیسات اولیه و سایر زیرساخت‌ها فراهم و نرخ آن نسبت به زمین‌های خارج از شهرک‌های صنعتی مناسب‌تر است و یک مجموعه از زنجیره ارزش برای تولید یک محصول در نزدیک‌ترین فاصله با هم همکاری دارند که ضمن اینکه فرآیند تولید را برای یکدیگر تسهیل می‌کنند، هم‌افزایی ایجاد می‌شود که بر توسعه و ارتقای تک‌تک این واحدهای تولیدی تأثیر دارد.

وی در پاسخ به اینکه صنعتگران در شهرک‌های صنعتی مشمول تسهیلات خاصی خواهند شد یا خیر، گفت: بسته به محدوده فعالیت شهرک‌های صنعتی، تسهیلات و مزایایی که به تولیدکنندگان فعال در این شهرک‌ها تعلق می‌گیرد، متفاوت است. شهرک‌های صنعتی که در فاصله مشخصی از مناطق محروم قرار دارند، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های متفاوتی دارند که مربوط به مالیات و موارد مشابه می‌شود و شامل یک دستور ثابت نیست و براساس مقرراتی که دولت تصویب کرده شامل مزایای خاصی می‌شوند.

اقدامات تأثیر گذار

نجفی درباره مشکلات کلی واحدهای صنعتی فعال در شهرک‌های صنعتی نیز گفت: در حال حاضر هزینه ماشین‌آلات، کارگر، راهسازی و تامین آب، برق و گاز برای شرکت شهرک‌های صنعتی گران تمام می‌شود و احداث واحد صنعتی نیازمند نقدینگی بسیار زیادی است و در این زمینه عدم همکاری بانک‌ها در ارائه تسهیلات هم مطرح است. در بخشی هم مشکلات و محدودیت‌های زیرساخت‌هایی مانند آب، برق و گاز برای واحدهای صنعتی فعال در شهرک‌های صنعتی وجود دارد. گاه میزان تامین برق کم است و بیشتر شهرک‌های صنعتی مشکل تامین آب و نبود تصفیه‌خانه دارند.

این کارشناس حوزه صنعت در پایان با اشاره به موفقیت‌آمیز بودن طرح ایجاد شهرک‌های صنعتی در کشور، گفت: بیش از ۶ دهه از ایجاد شهرک‌های صنعتی در ایران می‌گذرد و واقعیت این است که برای بخش تولید و صنعت کشور، ایجاد این شهرک‌ها اقدامی بسیار خوب و تأثیرگذار بوده است. در حال حاضر شهرک‌های صنعتی بزرگی داریم که موقعیت‌های بسیار خوبی برای سرمایه‌گذاری و ظرفیت بالایی برای حرکت به سمت صادرات محور شدن دارند که البته نیازمند توجه و حمایت دولت نهادهای متولی هستند.

سخن پایانی

مهم‌ترین ویژگی شهرک‌های تخصصی در کنار هم قرار گرفتن زنجیره ارزش یک محصول است که ضمن کاهش هزینه‌ها منجر به هم‌افزایی و توسعه واحدهای تولیدی خواهد شد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ از این رو انتظار می‌رود دولت در ایجاد شهرک‌های جدید و برنامه‌ریزی برای احیا و توسعه برخی از این شهرک‌ها به‌طور ویژه به این موضوع توجه کند.

یکی از مسائلی که می‌تواند گره از مشکلات واحدهای تولیدی فعال در شهرک‌های صنعتی باز کند، تامین نقدینگی است و اینکه بانک‌ها شرایط بسیار سختی برای ارائه تسهیلات به صنعتگران دارند؛ بر همین اساس انتظار این است که دولت کیفیت خدمات به شهرک‌های صنعتی را ارتقا دهد. به‌عنوان نمونه، رفع این مشکل که دو روز در هفته در برخی از شهرک‌های صنعتی برق قطع می‌شود، نیاز به ورود جدی دولت دارد.

شهرک‌های صنعتی، تسهیل‌کننده تولید

صادق نجفی، کارشناس حوزه صنعت درباره مزایای فعالیت در شهرک‌های صنعتی تخصصی به صمت اظهار کرد: در چند سال گذشته ایجاد زیرساخت‌ها برای واحدهای تولیدی به‌شدت سخت و دشوار شده و از آنجایی که این زیرساخت‌ها به‌طور کامل و با هزینه به‌مراتب کمتری در شهرک‌های صنعتی فراهم هستند و همچنین مزایای دیگر، صنعتگران از فعالیت در شهرک‌های صنعتی استقبال می‌کنند. البته در کنار مزایایی که برای این شهرک‌ها تعریف شده، بعضاً مشکلاتی نیز گریبانگیر صنعتگران است. فراهم بودن زیرساخت‌های موردنیاز از برق، آب و گاز گرفته تا ایمنی و امکانات رفاهی به‌طور یکپارچه در شهرک‌های صنعتی، فعالیت را برای صنعتگران تا حدودی تسهیل می‌کند. بر مزایای کلی شهرک‌های صنعتی با تبدیل آنها به شهرک تخصصی که تعدادی واحد تولیدی مرتبط در کنار هم فعالیت می‌کنند، افزوده می‌شود و در حال حاضر با توجه به بازخوردهایی که در زمینه شهرک‌های صنعتی تخصصی شاهدیم، بیشتر صنایع متمایل به ایجاد این نوع شهرک‌ها هستند. اینکه امکاناتی فراهم است و صنعتگر مجبور نیست هزینه مجزایی برای ایجاد آنها پرداخت کند، یک مزیت بزرگ فعالیت در شهرک‌های صنعتی است.

نجفی در ادامه گفت: همیشه از مزایای شهرک‌های صنعتی می‌گویند، اما این روزها شرایط ایجاد شهرک‌ها نیز سخت شده است. در دوره‌ای در این شهرک‌ها زمین با نرخ مناسب در اختیار صنعتگران قرار می‌گرفت و استقبال خیلی خوبی از سوی صنعتگران برای فعالیت در این شهرک‌ها می‌شد که در حال حاضر هم این استقبال را شاهد هستیم.

البته قبلاً منابع طبیعی و امور اراضی زمین‌هایی را به راحتی در اختیار شرکت شهرک‌های صنعتی قرار می‌دادند، اما حالا تامین زمین کمی سخت شده و در این زمینه شاهد سختگیری‌هایی هستیم. نرخ خرید زمین برای شرکت شهرک‌ها بالاست که اگر در این زمینه تمهیداتی اندیشیده شود؛ به‌عنوان نمونه، دولت در این زمینه مساعدت کند و یارانه تسهیلات خاصی به شهرک‌های صنعتی اختصاص بدهد تا این شهرک‌ها بتوانند زمین موردنیاز را تامین کنند و با نرخ به‌نسبت ارزان‌تر یا با شرایط حمایتی در اختیار واحدهای صنعتی قرار دهند تا صنعتگر در شروع کار مجبور نباشد بخش قابل توجهی از سرمایه‌ای که در اختیار دارد را صرف خرید زمین کند، بسیار کمک‌کننده خواهد بود. اگر زمین ارزان‌تر در اختیار شرکت شهرک‌ها قرار بگیرد، دست آنها برای ارائه تسهیلات به صنعتگران در تامین زمین بازتر خواهد بود. به‌عنوان نمونه، شرکت شهرک‌ها می‌تواند فقط ۱۰ تا ۱۵ درصد هزینه زمین را از صنعتگر دریافت کند و مابقی آن در طول زمان مشخصی در قالب اقساط بلندمدت پرداخت



رکود در کمین اقتصاد

در شرایط کنونی شکی نیست که افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده پیامدهای منفی قابل توجهی بر اقتصاد ایران خواهد داشت. این موضوع نه تنها منجر به افزایش تورم می شود، بلکه بار مالیاتی را نیز بر قشر عادی و عموم جامعه افزایش می دهد. افزایش مالیات بر ارزش افزوده منجر به کاهش مصرف، کاهش تقاضا و در نهایت تعمیق رکود اقتصادی کشور خواهد شد. علاوه بر این، این اقدام تاثیر مخربی بر توان تولیدی کشور خواهد داشت و بخش فعال اقتصاد را درگیر معضلات و مشکلات متعددی خواهد کرد. صمت در این گزارش درباره پیامدهای افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده با صاحب نظران این حوزه گفت و گویی داشته که در ادامه می خوانید.



محمدعلی محسنی بندپی



کیومرث سرمدی واله



محمد سبزی



این امر باعث گسترش بیش از اندازه اقتصاد زیرزمینی غیرشفاف در کشور می شود، درآمدهای مالیاتی کلی را کاهش می دهد و همچنین توانایی دولت برای ارائه خدمات ضروری و حمایت از رشد اقتصادی را با مشکل مواجه می کند.

■ مجلس با افزایش مالیات بر ارزش افزوده مخالفت می کند

محمدعلی محسنی بندپی، عضو کمیسیون بهداشت درمان و آموزش پزشکی مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با صمت درباره پیامدهای افزایش مالیات بر ارزش افزوده در لایحه پیشنهادی دولت برای سال آینده، گفت: افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده در بودجه ۱۴۰۳ به طور قطع بار تورمی در جامعه به دنبال خواهد داشت، به همین دلیل در برنامه هفتم توسعه، مجلس با رأی بسیار بالا با افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده به دلیل پیامدهای مخرب آن مخالفت کرد.

این نماینده مجلس یازدهم در ادامه با بیان اینکه با وجود مخالفت ها، اما دولت دوباره این پیشنهاد را در بودجه ۱۴۰۳ مطرح کرده، افزود: یکی از علت هایی که مجلس در ابتدا کلیات بودجه ۱۴۰۳ را رد کرد، موضوع افزایش مالیات بر ارزش افزوده و از دلایل دیگر آن، اجرای همسان سازی حقوق بازنشستگان و افزایش مالیات ها بود. محسنی بندپی ادامه داد: مجلس با هر توجیهی برای افزایش مالیات بر ارزش افزوده مخالفت خواهد کرد، زیرا این مالیات در واقع مالیات گرفتن از مصرف مردم است و در شرایط فعلی این مسئله باعث خواهد شد میزان مصرف مردم پایین بیاید و اقشار ضعیف از آن متضرر شوند و در نتیجه کالاها و خدمات تولیدی مشتری نخواهند داشت.

عضو کمیسیون بهداشت درمان و آموزش پزشکی مجلس شورای اسلامی در ادامه بیان کرد: تعریف مالیات بر ارزش افزوده یعنی فشار بر مصرف کننده، در شرایط تورمی موجود در کشور و اینکه مردم در چند سال گذشته بار تورمی زیادی را به دوش

■ پیامدهای مالیات بر ارزش افزوده

یکی از معایب اصلی مالیات بر ارزش افزوده، ماهیت ضدمصرف بودن آن است. مالیات بر ارزش افزوده کل تقاضا را در جامعه کاهش می دهد، زیرا مردم باید برای کالاها و خدمات هزینه بیشتری بپردازند. در کشوری مانند ایران که هم اکنون با رکود اقتصادی دست و پنجه نرم می کند، افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده، وضعیت را بدتر خواهد کرد.

افزایش بار مالیاتی، مردم را با درآمد قابل تصرف کمتری رها و مصرف آنها را محدود می کند و بر مشاغل و صنایع تاثیر منفی می گذارد. این کاهش تقاضا منجر به کاهش تولید، تشدید رکود و مانع از توانایی کشور برای بهبود اقتصاد خواهد شد. در بودجه ۱۴۰۳ تغییری در نرخ مالیات بر تولید ایجاد نشده است. این بدان معناست که در کنار افزایش مالیات بر ارزش افزوده، حداکثر مالیات بر تولید دست نخورده باقی می ماند. این ترکیب مالیاتی پیامدهای شدیدی برای بخش تولید و صنعت کشور به دنبال خواهد داشت.

این امر کسب و کارها را از گسترش و سرمایه گذاری منصرف می کند و بر رشد و توسعه کلی اقتصاد کشور تاثیر خواهد گذاشت. تاثیر منفی افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده، فراتر از رکود اقتصادی و تولید است. این رویکرد همچنین بار اضافی را بر دوش گروه های کم درآمد وارد می کند. مالیات بر ارزش افزوده یک مالیات قهقریایی است، به این معنی که تاثیر بیشتری بر افراد با درآمد کمتر دارد. افزایش مالیات بر ارزش افزوده به طور نامتناسبی بر این گروه ها تاثیر می گذارد و تامین مایحتاج اولیه را برای آنها دشوارتر و نابرابری درآمد را تشدید خواهد کرد. علاوه بر این، افزایش مالیات بر ارزش افزوده فشار بیشتری بر بخش شفاف اقتصاد وارد می کند. با افزایش بار مالیاتی، برخی از افراد و مشاغل ممکن است برای اجتناب از پرداخت مالیات، بیشتر در اقتصاد زیرزمینی شرکت کنند.



را کاهش داده و تامین کند.

مردم تحمل موج تورمی دیگر را ندارند

محمد سبزی، عضو کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با سمت درباره پیامدهای تورمی افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده گفت: مطمئناً افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده و رساندن این مالیات به ۱۰ درصد، منجر به بروز تورم در جامعه خواهد شد، ضمن اینکه کنترل تورم این مسئله بستگی به رویکرد دولت دارد اینکه چگونه بتواند این شرایط را کنترل کند.

این نماینده مجلس یازدهم بیان کرد: اینکه عده‌ای معتقدند افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده پیامدهای تورمی ملموسی در جامعه ندارد، درست نیست و در این شرایط با اجرای این افزایش در مالیات بر ارزش افزوده بدون شک شاهد افزایش نرخ کالاها و خدمات خواهیم بود.

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس ادامه داد: دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۳ می‌خواهد تمرکزش را روی درآمدهای پایدار از جمله مالیات بگذارد و میزان وابستگی بودجه به درآمدهای سرمایه‌ای را به نسبت سال‌های قبل کاهش دهد. در این روند باید شرایط به نحوی مدیریت شود که بحث افزایش مالیات بر ارزش افزوده منجر به بروز نارضایتی و افزایش تورم نشود. تقریباً هزار هزار میلیارد تومان از منابع بودجه از محل مالیات‌ها تامین می‌شود.

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی در ادامه به بیان توضیحاتی درباره تاثیر افزایش مالیات بر ارزش افزوده به ۱۰ درصد پرداخت و گفت: نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که بعد از افزایش مالیات بر ارزش افزوده شاهد افزایش نرخ کالاها و خدمات باشیم. واقعیت این است که در صورت اجرای این افزایش مالیات قیمت‌ها افزایش خواهد داشت.

این نماینده مجلس یازدهم افزود: از یک‌سوی کاهش وابستگی به نفت در بودجه اقدامی مناسب است و از سوی دیگر، کنترل نرخ کالاها و خدمات با وجود افزایش مالیات بر ارزش افزوده به ۱۰ درصد سخت خواهد بود.

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس در پایان تأکید کرد: واقعیت این است که تاب‌آوری مردم در شرایط کنونی خیلی پایین آمده است و تحمل یک افزایش نرخ دیگر و موج تورمی دیگر را ندارند. امیدواریم تدبیری اندیشیده شود که اگر با این موضوع موافقت شد آحاد مردم جامعه در نظر گرفته شود و تا جایی که ممکن است منجر به افزایش قیمت‌ها نشود.

سخن پایانی

نابراین این گزارش افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده پیامدهای منفی قابل توجهی بر اقتصاد ایران خواهد داشت. این موضوع نه تنها منجر به افزایش تورم می‌شود، بلکه بار مالیاتی را نیز بر قشر عادی جامعه افزایش می‌دهد. این افزایش مالیات بر ارزش افزوده منجر به کاهش مصرف، کاهش تقاضا و در نهایت تعمیق رکود اقتصادی کشور خواهد شد. علاوه بر این، این اقدام تأثیر مخربی بر توان تولیدی کشور می‌گذارد. متأسفانه با وجود پیامدهای منفی احتمالی، دولت بر افزایش مالیات بر ارزش افزوده تأکید دارد.

این رویکرد تامین مالی از طریق افزایش مالیات بر جمعیت، به‌ویژه آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه، نادرست است. وقتی نمی‌توانند به دلایل اصلی رکود اقتصادی رسیدگی کنند، بار آن را بر دوش کسانی می‌گذارد که کمترین توانایی مالی را دارند. دولت باید به جای تکیه بر افزایش مالیات، بر اجرای اصلاحات ساختاری و سیاست‌هایی که باعث رشد و توسعه اقتصادی می‌شود، تمرکز کند. این رویکرد می‌تواند شامل اقداماتی برای حمایت از مشاغل، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و ایجاد محیطی مناسب برای نوآوری و کارآفرینی باشد.

با تقویت یک اقتصاد پر رونق، دولت می‌تواند از طریق افزایش بهره‌وری و اشتغال، درآمد بیشتری ایجاد کند، نه اینکه مردم را با مالیات‌های بالاتر تحت فشار قرار دهد. در نتیجه افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده پیامدهای منفی شدیدی برای اقتصاد ایران خواهد داشت.

رکود اقتصادی را عمیق‌تر می‌کند، تقاضا و مصرف را کاهش می‌دهد، توان تولید کشور را با مشکل مواجه می‌کند و باعث افزایش بار مالیاتی بر گروه‌های کم‌درآمد، گسترش اقتصاد زیرزمینی و ناتوانی در رسیدگی به علل اصلی چالش‌های اقتصادی خواهد شد. رو به جلو حرکت کرده‌اند.

کشیده‌اند، این افزایش به‌علاوه تورم موجود بر بار تورمی اقتصاد خواهد افزود و بدون شک ما را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهد کرد.

این نماینده مجلس یازدهم اظهار کرد: در حالت کلی، مالیات بر ارزش افزوده با هر هدفی که اجرا شود در تمام کشورهای جهان، منجر به فشار به مردم می‌شود. برای افزایش مالیات بر ارزش افزوده اهداف گوناگونی مطرح شد از جمله تامین منابع لازم برای بازسازی مدارس، منابع لازم برای اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، تامین مقرری خانواده شهید، با این وجود، افزایش این مالیات با هر هدفی که باشد، اشتباه است.

عضو کمیسیون بهداشت درمان و آموزش پزشکی مجلس افزود: زمانی که اقتصاد و درآمد مردم واقعاً پاسخگوی هزینه‌های معیشتی خانوارها نباشد و درآمد خانواده‌ها بسیار کم و هزینه‌ها بسیار بالا باشد، افزایش مالیات اصلاً معنی ندارد، این رویکرد برای افزایش مالیات در اقتصادهای باثبات انجام می‌شود، نه در کشور ما که اقتصاد وضعیت مناسب و باثباتی ندارد.

بندپی در ادامه با بیان اینکه اقتصاددانان هم در شرایط رکود فعلی و نابسامانی اقتصاد، افزایش مالیات بر ارزش افزوده را اصلاً به صلاح نمی‌دانند، گفت: در این شرایط، دولت باید به فکر تامین منابع موردنظر خود از منابع پایدار دیگری باشد و درآمدهای دیگری مانند فرارهای مالیاتی را شناسایی کند، نه اینکه بخواهد با افزایش مالیات مصرف این منابع را تامین کند، دولت و وزارت اقتصاد اگر به سمت شناسایی فرارهای مالیاتی پیش بروند، به‌طور قطع منابع خیلی بیشتری به حساب خزانه واریز خواهد شد.

افزایش بار مالیاتی بر دوش مردم

کیومرث سردمدی‌واله، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با سمت درباره پیامدهای افزایش مالیات بر ارزش افزوده به ۱۰ درصد، گفت: افزایش بار اضافی بر مردم در حوزه‌های گوناگون مانند مالیات، یک اثر واقعی و میدانی بر تورم و درصدی هم اثر روحی و روانی بر افزایش تورم دارد.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس در ادامه اظهار کرد: بحث مالیات که سال گذشته و امسال با افزایش چشمگیر ۵۰ درصدی آن روبه‌رو بودیم، مجلس هم مخالفت آن بود، اما با این وجود در لایحه بودجه ۱۴۰۳ پیشنهاد افزایش مالیات بر ارزش افزوده به ۱۰ درصد نیز از سوی دولت مطرح شده است. این نماینده مجلس یازدهم گفت: با شناسایی فرارهای مالیاتی و ساماندهی معافیت‌های مالیاتی دولت می‌تواند درآمدهای زیادی کسب کند و دیگر نیازی نیست مالیات بر ارزش افزوده را افزایش بدهد.

سردمدی‌واله ادامه داد: این موضوع در کمیسیون اجتماعی مجلس مطرح و با مخالفت جدی اعضای کمیسیون روبه‌رو شد. اینکه دولت اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و مستمری خانواده شهید را به این مسئله ربط دهد و تامین این منابع را منوط به افزایش یک درصد کرده‌اند، درست نیست. این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با بیان اینکه این موضوع قطعاً در کمیسیون تلفیق اصلاح خواهد شد، گفت: این بند به این نحو اصلاح شده که دولت باید از محل درآمدهای عمومی خود منابع موردنیاز در این بخش‌ها را تامین کند.

سردمدی‌واله ادامه داد: افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده بر گرانی کالاها و گوناگون تاثیرگذار خواهد بود و علاوه بر این، بار روانی در زمینه افزایش تورم بر جا خواهد گذاشت. این نماینده مجلس یازدهم خاطر نشان کرد: این احتمال را می‌دهیم که این بند در کمیسیون تلفیق حذف شود و اصلاً در صحن علنی مطرح نشود. اگر هم به صحن علنی بیاید بعید است که رأی بیاورد.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با بیان اینکه دولت باید محلی برای تامین منابع همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و مستمری خانواده شهید تعیین کند، توضیح داد: امیدواریم با حذف این بند و ایجاد زمینه‌ای برای اخذ مالیات عادلانه از کسانی که درآمدهای نجومی و فرار مالیاتی گسترده دارند، به یک سیستم مالیاتی عادلانه برسیم.

سردمدی‌واله گفت: از سوی دیگر باید توجه داشته باشیم که دولت در کشور ما خیلی پر هزینه اداره می‌شود و باید این هزینه‌ها به‌طور درست مدیریت شود تا کاهش پیدا کند. شرکت‌های وابسته به دولت نیز عموماً هزینه‌های زیادی دارند و حقوق‌های خیلی بالا می‌پردازند و این در حالی است که عمده این شرکت‌ها هم زیانده هستند، اگر این مسائل مدیریت شود، دولتی می‌تواند به‌راحتی هزینه‌های خود



سهم زنان در مشاغل صنعتی

در سال‌های اخیر حضور زنان در صنعت نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دارد. زنان به‌عنوان یک قسمت از نیروی کار، نقش زیادی در توسعه و پیشرفت صنعت داشته‌اند و همچنان در حال افزایش هستند. در مجموع حضور زنان در صنعت از دو جنبه مهم و تاثیرگذار است. از یک سو، تاثیر در ایجاد تنوع، ابتکار و افزایش بهره‌وری قابل توجه است و از سوی دیگر، حضور زنان در نقش‌های رهبری و تصمیم‌گیری منجر به ترویج تعادل در این حوزه می‌شود. در کل با ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان در صنعت، می‌توان بهبودهای قابل توجهی در عملکرد، نوآوری و پایداری سازمان‌ها داشت. با این حال، همچنان چالش‌ها و موانعی برای حضور زنان در بسیاری از حوزه‌های تخصصی و فنی وجود دارد.

آمار اشتغال زنان در صنعت

بر اساس گزارش مرکز آمار، افزایش اشتغال زنان و رشد سهم آنها در بخش صنعت را می‌توان یک اتفاق ویژه در پایان سال ۱۴۰۱ توصیف کرد. رخدادی که تا بهار سال ۱۴۰۲ نیز ادامه داشت. اصلی‌ترین علت افزایش شاغلان زن در بخش صنعت را می‌توان به تقاضای موثر در این بخش نسبت داد. افزایش مشارکت اقتصادی زنان در سال ۱۴۰۱ و تداوم آن در سال ۱۴۰۲، نشان از آن دارد که تقاضای اقتصاد کشور به نیروی انسانی به‌ویژه در بخش صنعت با بهبود چشمگیر کسب و کار افزایشی شده است.

هرچند براساس گزارش‌های منتشر شده، رشد تقاضای نیروی کار مردان نیز در بازه زمانی یاد شده دبه وضوح نمایان است، اما بر اساس شواهد شدت تقاضای نیروی کار در بخش زنان بیشتر بوده است. نشان به آن نشان که در پایان سال ۱۴۰۱، سهم زنان در بخش صنعت کشور، ۰.۸ درصد افزایش یافت، به طوری که این سهم در پایان سال ۱۴۰۰، از ۲۶.۱ درصد به ۲۶.۹ درصد در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است. بر این اساس، در سال ۱۴۰۰ تعداد شاغلان زن بخش صنعت ۹۰۱ هزار و ۵۸۵ نفر بود که با رشد ۶۱ هزار و ۶۸۰ نفر در زمستان ۱۴۰۱ به ۹۶۳ هزار و ۲۶۵ نفر افزایش یافت. بر همین اساس پیش‌بینی می‌شود در داده‌های یک‌ساله ۱۴۰۱، تعداد شاغلان زن بخش صنعت به یک میلیون نفر افزایش یابد. به علاوه اینکه تعداد زنان شاغل در بخش خدمات نیز با رشد مواجه شده است.

رشد رو به رشد اشتغال‌پذیری زنان در بخش صنعت برای سال ۱۴۰۱ نیز ادامه داشته و این شاخص در سال ۱۴۰۱ حدود ۲.۱ درصد بیشتر از بهار سال قبل بوده است. همچنین بر پایه داده‌های مرکز آمار ایران، در سه ماهه سال گذشته سهم صنعت در اشتغال زنان ۲۳.۳ درصد بوده که این میزان در بهار امسال به ۲۵.۴ درصد رسیده است. بر این اساس، تعداد زنان شاغل در بخش صنعت در بهار سال گذشته ۸۵۷ هزار نفر بوده که با افزایش ۱۲۲ هزار نفری تعداد آنها به ۹۸۰ هزار نفر رسیده است. روند صعودی آمار یاد شده حکایت از تداوم رشد اشتغال زنان در بخش صنعت برای امسال دارد.

تحلیلگران بازار کار مهم‌ترین دلایل افزایش سهم و تعداد اشتغال زنان در بخش صنعت را تقاضای موثر در این بخش می‌دانند. به عبارتی این تقاضا منجر به افزایش تمایل زنان برای مشارکت در مشاغل صنعتی شده و از سوی دیگر تقاضای یاد شده با شاخص‌های زنان جویای کار مطابقت داشته است. در این مدت، دولت سیزدهم با ایجاد بستری مناسب، تولید را با کمترین نرخ تورم افزایش داده است و همین امر باعث شده تا سرمایه اندکی برای تولید یک فرصت شغلی به‌خصوص در بخش صنعت ایجاد شود. به همین دلیل رشد اشتغال‌زایی صنعتی در بهار امسال نسبت به دو سال گذشته افزایشی بوده است. همچنین مشارکت اقتصادی زنان در بهار سال ۱۴۰۲ نسبت به همین بازه زمانی به ۱۴.۱ درصد رسید که نسبت به بهار سال قبل ۰.۳ درصد رشد نشان می‌دهد.

چالش‌های زنان شاغل در صنعت

سیده فاطمه مقیمی، فعال صنعت حمل‌ونقل و عضو اتاق بازرگانی ایران در پاسخ به این پرسش که زنان شاغل در حوزه صنعت با چه چالش‌هایی مواجه هستند به صمت اظهار کرد: صنعت ابزارهای مربوط به خودش را دارد یعنی علاوه بر نیاز به علم و دانش براساس نوع صنعت، نیازمند ایجاد بستر



سیده فاطمه مقیمی



مهین ابوالحسنی

و ملزوماتی است. در حال حاضر زنانی داریم که در بخش‌های تخصصی صنایع مانند تولید قطعات خودرو و شیرآلات و حتی آسانسور فعالیت دارند.

وی با اشاره به الزامات فعالیت در این بخش‌ها گفت: فرقی ندارد برای هر فعالیت صنعتی در گام نخست باید به دنبال کسب دانش صنعت موردنظر بود و در ادامه به تامین تجهیزات مورد نیاز رسید. این روند چه در سطح یک کارخانه و چه یک کارگاه باید مورد توجه باشد.

این فعال اقتصادی تامین نقدینگی و سرمایه را گام اصلی شروع هر گونه فعالیت اقتصادی دانست و گفت: میزان سرمایه مورد نیاز بستگی به سطح فعالیت مورد نظر متفاوت بوده، به طوری که گاهی راه‌اندازی یک رشته صنعتی نیازمند تامین سوله، کارخانه، تجهیزات پیشرفته و ماشین‌آلات است و راه‌اندازی یک خط تولیدی به هیچ یک از موارد یاد شده نیاز ندارد.

مقیمی با اشاره به اینکه فعالیت در حوزه صنعت با توجه به گستره نیازمند اطلاعات و سرمایه کافی است، ادامه داد: موضوع بعدی به برخورد جامعه با حضور زنان در برخی مشاغل خاص و تخصصی برمی‌گردد. در کشوری مانند کشور ما حضور زنان در یک فعالیت صنعتی سخت و خشن با توجه به عقبه تاریخی جامعه با پذیرش کمتری همراه است. همین امر می‌تواند بر حضور زنان در مشاغل تخصصی و سخت، تاثیرگذار باشد و متاثر از آن شاهد حضور کمتر زنان در این دسته از صنایع و مشاغل باشیم.

مشکل تامین سرمایه

وی افزود: در این میان موضوع با اهمیت‌تر سرمایه مورد نیاز است. تجربه نشان داده در بیشتر موارد سرمایه در اختیار مردان با سهولت بیشتری نسبت به زنان تامین شده است. این مورد نیز متاثر از عوامل گوناگونی است. واقعیت این است که بنگاه‌های مالی و اعتباری و بانک‌ها نیز به دلایلی اعتبارات کمتری به زنان برای شروع یک فعالیت صنعتی اختصاص می‌دهند.

این بانوی فعال در حوزه صنعت با تاکید بر اینکه تامین اعتبار برای زنان سخت‌تر از مردان است، اظهار کرد: گاهی سختگیری‌های نظام بانکی برای بازپرداخت تسهیلات





اقتصادی زنان باید محل زندگی، سطح تحصیلات، سنت‌ها و سهم زنان در تامین معاش خانواده را در نظر گرفت، اما در نهایت مشارکت اقتصادی زنان فاصله بسیاری با نرخ مشارکت اقتصادی مردان دارد. اگرچه نرخ رشد مشارکت زنان نسبت به سال‌های قبل روبه رشد است.

این عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران افزود: شواهد حاکی از آن است که فرصت‌های اقتصادی زنان با فرصت‌هایی که برای مردان وجود دارد برابر نیست؛ به‌رحال برخوردهای سلیقه‌ای و مسائل فرهنگی، توزیع فرصت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل نیز گاهی ظرفیت‌های بهره از توان بانوان در بازار کار کمتر مورد توجه قرار گرفته که بخشی از این نگاه به مسائل فرهنگی و اجتماعی ایران بازمی‌گردد.

ابوالحسنی وی با تاکید بر اینکه ضعف مشارکت اقتصادی زنان دلایل متعددی دارد گفت: یکی از این دلایل را می‌توان در برخی از سیاست‌های دولت‌ها جست‌وجو کرد. چنانچه تا کنون نیز مردان بیش از زنان در بازار سرمایه بازیگری می‌کنند و در بعدی دیگر مطالبه‌گری زنان نیز کمتر از مردان است. این درحالی است که با تغییر برخی از نگاه‌ها زنان نیز می‌توانند نسبت به میزان حضور خود در اقتصاد، مطالبه‌گری داشته و این مطالبه‌گری باید به افزایش سهم آنها نسبت به کلان اقتصاد نیز اتفاق بیفتد.

ابوالحسنی در رابطه با فرهنگ‌سازی برای اشتغال و حضور زنان در صنعت بیان کرد: من فکر می‌کنم زنان باید خودشان هم تلاش کنند و خودباوری داشته باشند. اگرچه خودباوری زنان نیز ریشه در مسائل فرهنگی دارد. هرچند که بدون شک زنان، امروز در مقایسه با دپرو، بسیار توانمندتر هستند. چنانچه بلوغ و توسعه کشور در گرو شایسته‌سالاری بوده و زنان نیز باید شایسته بودن خود را در عمل اثبات کنند و تجربه، دانش و قابلیت‌های خود را ارتقا ببخشند.

□ سخن پایانی

از آنجا که حدود نیمی از جوامع بشری را زنان تشکیل می‌دهند توجه به حضور زنان در اقتصاد، نقش مهم و تاثیرگذاری در گسترش و توسعه اقتصاد کشورها دارد که از دوجنبه قابل بحث و گفت‌وگو است. از سویی زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، افراد مهارت دیده و دارای تحصیلات عالی‌های هستند که سهمی در زمینه گسترش کسب‌وکار و کارآفرینی دارند و از سویی دیگر، به دلیل نقش مهمی که در خانواده دارند بر نیمه دیگر جامعه هم تاثیرگذار هستند. بسیاری از دولت‌ها نیز در بحران‌های اقتصادی توانسته‌اند با اتخاذ تدابیر و سیاست‌ها و بهره‌مندی از نیروی کار زنان بر بحران‌های جامعه فائق آیند و در مسیر توسعه موفق شوند. با توجه به موارد یاد شده می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های این بخش نیروی انسانی گام‌های مناسب در مسیر توسعه برداشت.

و ضمانت‌های مطرح برای دریافت وام با پیچیدگی‌های بیشتری همراه است. گاهی اطمینان لازم برای تداوم فعالیت بانوان در حرفه مورد نظر وجود ندارد و همین نگاه مسیر را دشوار می‌کند.

وی افزود: همچنین این تصور وجود دارد که بازپرداخت تسهیلات برای مردان راحت‌تر از زنان است. این رویکرد به عقبه و نگاه به عملکرد زنان در حوزه صنعت برمی‌گردد و فعالیت زنان در حوزه صنعت و راه‌اندازی یک فعالیت صنعتی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. مقیمی در پاسخ به این پرسش که آیا زنان به اندازه مردان در حوزه صنعت فرصت پیشرفت دارند یا خیر اظهار کرد: با توجه به آنچه در بالا مطرح شد به معنای واقعی این فرصت برابر وجود ندارد. عدم اختصاص سرمایه و اعتبار یکسان یعنی نبود فرصت برابر. در اصل ممکن است فرصت مساوی برای حضور هر دو گروه در یک رشته خاص صنعتی وجود داشته باشد ولی گاهی امکانات، تسهیلات و حمایت‌ها برای هر دو گروه یکسان نیست.

□ شرط تسهیل اشتغال زنان در صنعت

وی در این باره که چگونه می‌توان شرایط اشتغال زنان در حوزه صنعت را تسهیل کرد، گفت: تصویب و اجرای قوانین خاص در این زمینه می‌تواند کمک‌کننده باشد. به عنوان نمونه براساس استانداردهای جهانی، تسهیلات خاصی برای موسساتی که ۲۵ درصد هیات مدیره متشکل از زنان است، ارائه می‌شود. این دست از تسهیلات در اصل یک رویکرد تشویقی برای حضور زنان در اقتصاد است و هر بنگاهی که از حضور زنان در کارد نیروی انسانی بهره بیشتری برد، سهم بالاتری در این امکانات دارد. این دست از رویکردها در اقتصاد ایران وجود ندارد.

وی در پایان درباره انتظار از دولت و سیاست‌گذاران برای حمایت از زنان شاغل گفت: با اصلاح برخی رویه‌های قانونی می‌توان گام‌های مثبتی در این عرصه برداشت. در نهایت امیدواریم حمایت قانونی و حقوقی از کسانی که سرمایه خود را صرف کسب و کاری می‌کنند، وجود داشته باشد.

□ فرصت‌های مشارکت اقتصادی زنان

مهین ابوالحسنی، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران با اشاره به فرصت‌های مشارکت اقتصادی زنان اظهار کرد: به دلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی حاکم بر کشور، محدودیت‌هایی برای زنان به وجود آمده است که به‌موجب برخی از این موارد، سهم زنان در مشارکت‌های اقتصادی کم است. چنانچه در برخی موارد شکاف فرهنگی در روستاها، شهرهای کوچک و شهرهای بزرگ در بررسی فرصت‌های اقتصادی تاثیرگذار است. وی درباره فرصت‌های اقتصادی زنان بیان کرد: برای قضاوت دقیق درباره فرصت‌های





کارشناسان در گفت و گو با صمت از روزگار تلخ صنعت خودرو می گویند

صنعت نمایشی

تغییر و تحولات ریز و درشت صنعت خودرو کشورمان به دلایل گوناگون، همیشه و به ویژه در سال های اخیر، زیر ذره بین بوده است. متأسفانه این صنعت در یک دهه اخیر به شدت وضعیت بی ثباتی داشته و بخش زیادی از توان و انرژی متولیان آن، صرف تلاش برای حل نابسامانی و عدم شفافیت آن شده است. در حال حاضر، صنعت خودرو کشورمان، نه تنها به شرایط با ثباتی نرسیده که وضعیت آن بدتر هم شده و به باور صاحب نظران، اگر زودتر به داد آن نرسیم، به زودی ورشکسته خواهد شد. کارشناسان زیاندهی بالا، از دست دادن نیروهای انسانی، گسترش مونتاژکاران، اختصاص ارز به واردات و مونتاژ، سیاست گذاری ها و ریل گذاری های غلط به عنوان نمونه درباره پیش فروش ها، خودروهای اقتصادی و قیمت گذاری، تصدیگری و ده ها مورد دیگر را به عنوان دلایلی مطرح می کنند که در نهایت صنعت خودرو ما را به یک صنعت رو به احتضار بدل کرده است؛ صنعتی که اکنون باید در مرحله رونق و شکوفایی باشد، در یک عقبگرد تلخ، آینده سخت و البته پرابهامی پیش رو دارد. صمت در همین راستا در گفت و گویی با کارشناسان این حوزه، روزگار تلخ صنعت خودرو و آینده آن را مورد بررسی قرار داده که در ادامه می آید.

تبشه سیاست گذاری های اشتباه به ریشه صنعت خودرو

و تعامل با کشورهای صاحب فناوری در صنعت خودرو و قطب های اقتصادی جهان و پذیرش FATF نیست که قطعا در بلندمدت و بازه های زمانی ۱۰ ساله می توان تا حدودی تاثیرات مثبت آن را لمس کرد. در بخش داخلی نیز چارچوب کلی سیاست گذاری های صنعت و بازار خودرو باید تغییر یابد و از حکمرانی دولتی به سمت خصوصی سازی برود، قیمت گذاری آزاد شود و فروش خودرو از حالت پلتفرمی و در سامانه ها و فضای مانند بورس فاصله بگیرد. در بحث واردات نیز تعرفه ها باید کاهش یابد و به صفر نزدیک شود و محدودیت سقف خرید، پیشرانه و برند نیز برداشته شود.

فرزانه در پایان راهکار عملیاتی نجات صنعت خودرو را نگاه به تاثیر مولفه های کلان دانست و افزود: برنامه ریزی مجدد در سطح کلان یا به طور خاص در اقتصادسیاسی و بنیان صنعت خودرو با نگاه به مشارکت با خودروسازان مطرح دنیا و جذب سرمایه گذاری خارجی در قالب ایجاد ثبات اقتصادی و سیاسی می تواند راه عملیاتی برای نجات صنعت خودرو کشورمان باشد.

صنعت خودرو، نمایشی شده است

امیرحسین برخوردار، کارشناس حوزه خودرو نیز درباره شرایط نابسامانی که دامن صنعت خودرو کشورمان را گرفته به صمت اظهار کرد: پیش از هر چیز باید به این موضوع توجه کنیم که صنعت خودرو ما در حقیقت چه دارایی هایی دارد. بخشی از پاسخ به این سوال مشهود و بخش مهم دیگر آن مستتر است؛ صنعت خودرو ایران از دهه ۴۰ شمسی تاکنون، چندین سایت و کارخانه خودروسازی منطبق بر تکنولوژی حداکثر ۲۰ سال قبل صنعت خودرو جهان دارد که در گستره غیراستراتژیک و دستوری توسعه پیدا کرده و تقریباً تنها مشخصه پخش آن در کشور، قدرت سیاسی مناطق گوناگون و بعضاً مناطق محروم برای اشتغالزایی بوده است؛ بنابراین تا اینجا به جرأت می توان گفت حداکثر ۲۰ درصد این سایت ها یا کارخانه های خودروسازی استراتژیک و بر مبنای اصول بنا و راه اندازی شده اند. نیرو کار دانش محور دانشگاهی، مورد بعدی است که صنعت خودرو ایران از این موارد کم ندارد، اما مشکل آنجاست که این نیرو به تجربه و دانش عملی نیاز دارد که بدون حضور خودروسازان معتبر خارجی شکل نمی گیرد و حداکثر از باتجربه های این حوزه که خودروسازی را از رنو، پژو و... آموخته اند به نسل جدید منتقل می شود و از سویی هم بدنه توانمند نیروی انسانی نیز به شدت تمایل به مهاجرت و ترک این صنعت را دارند.

چوب دولت بر سر صنعت خودرو

برخورداری ادامه داد: در ایران خودرو یک پلتفرم قدیمی پژو و یک پلتفرم جدید پژو، البته آن هم در مقیاس جهانی، نسبتاً قدیمی داریم و سایپا نیز پلتفرم چند دست چرخیده تویوتا را به تازگی برای سری SP1۰۰۰ مورد استفاده قرار داده و پلتفرم ۲۰۰ نیز با چنگ و دندان، جور ارزان ترین خودروهای بازار را به دوش می کشد. مرکز تحقیق و توسعه در دو خودروساز و در برخی خودروسازان خصوصی داریم که دستاوردهایشان در حد نمایشگاه های تحول صنعت دست به دست می شود، اما به مرحله صنعتی سازی نمی رسد. حال با این دارایی، حتی اگر چرخ اقتصاد صنعت خودرو بچرخد، چوب دولت بالای سر آنهاست و باید در مسیری حرکت کنند که دولت از طریق وزارت صمت دیکته می کند. خودروسازان خصوصی، مالک خصوصی و خودروسازان اصطلاحاً دولتی نیز سهامدار دارند و همه صرفاً و صرفاً موظف به حرکت در مسیر منفعت سهامداران هستند، اما با این دارایی های نصفه نیمه و چوب دولت روی سرشان، عملاً

مسیح فرزانه، کارشناس حوزه خودرو درباره وضعیت کلی صنعت خودرو کشور به صمت گفت: به اعتقاد من، ورشکستگی صنعت خودرو کشور سال هاست، رخ داده است. علاوه بر این، معتقدم در صنعت خودرو، صرفاً مونتاژ کار هستیم. براساس تعریف استاندارد دنیا از خودروساز، کشوری می تواند خود را خودروساز بداند که صادرکننده خودرو و صاحب فناوری آن باشد. دلیل اینکه می گویم ورشکستگی صنعت خودرو سال هاست رخ داده از این می دانم که این صنعت در مرحله تجارت خرد و کلان، شروع به زیاندهی کرده که صعودی ادامه دارد. بدون شک، زیاندهی بدون توقف در صنایع کلان و استراتژیک مانند صنعت خودرو، آن را به سمت زمین خوردن سوق می دهد. اگر به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان ضرر و زیان انباشته ۳ خودروساز در ۱۱ ماهه ۱۴۰۲ نگاهی بیندازید، در خواهید یافت که نسبت به مدت مشابه سنوات گذشته، این زیاندهی سرعت بیشتری داشته است.

بلعیدن نقدینگی بدون سوددهی

فرزانه ادامه داد: به اعتقاد من، تمام مشکلاتی که صنعت خودرو با آنها روبه رو شده، از زیاندهی بالا گرفته تا کمبود نیروی انسانی و... در قالب اصل کلی اقتصادسیاسی و در سطح کلان، قابل تحلیل است و دلایل آن را در ریل گذاری داخلی و جذب سرمایه های به ویژه خارجی می توان یافت که در هر دو زمینه هم بسیار ضعیف عمل شده است. در عمق داستان ضعف صنعت خودرو، دو عامل مهم یعنی تحریم های خارجی و خودتجربیمی ها نهفته است که یکی از بدترین تصمیم سازی ها را کنار هم قرار داده است. قیمت گذاری دستوری، سرکوب قیمتی و ممانعت از کشف نرخ خودرو در حاشیه بازار به عنوان بخشی از خودتجربیمی ها، همزمان با تورم واقعی، دست کم در ۱۱ سال گذشته؛ یعنی درست از زمان شکل گیری شورای رقابت در دولت آقای احمدی نژاد تاکنون، چنان تیشه ای به ریشه صنعت خودرو زده که این صنعت مهم و استراتژیک به جای سوددهی همچون نهنگی گرسنه در حال بلعیدن نقدینگی در شکل های گوناگون برای ادامه حیات ظاهری است و تصمیم گیران و سیاست گذاران با وجود روشن بودن دلایل این مشکل، همچنان بر ادامه حرکت در یک مسیر اشتباه، بدون ذره ای تغییر تاکید دارند.

وی در پاسخ به این پرسش که چقدر تصدیگری دولت در بی ثباتی صنعت خودرو نقش داشته، گفت: با وجود تاکید اصل ۴۴ قانون اساسی بر حمایت از بنگاه های خصوصی و واگذاری بنگاه های دولتی زیانده به خصوصی ها، اما در عمل شاهد اجرای آن نیستیم. مورد مهمی مانند تصدی گری دولت ها، دست کم در ۴ دهه اخیر تاکنون بیشتر شده و به نظر من در دولت سیزدهم عملاً با هدایت بخش عمده ای از واردات خودرو به سمت خودروسازان دولتی که آمارها گواه بر این است، سیاست گذار، خودروساز مونتاژکننده ای که ده ها نقدینگی خرج آن کرده تا روی پای خودش بایستد و مولد باشد را تبدیل به واردکننده کرده و به نوعی از اعتبار آن کاسته است.

تعامل، لازمه رهایی صنعت خودرو

کارشناس صنعت خودرو درباره راه نجات این صنعت با اشاره به اینکه برای کمک به صنعت خودرو چاره ای جز برقراری روابط بین المللی نیست، اظهار کرد: برای کمک به صنعت خودرو، هیچ راهی جز تغییر نگاه به اقتصادسیاسی



رضایت داشتند.

صنعت خودرو ما حتی زمانی که به حضور مستشاران معتبر اطمینان کرد، موفق به انجام پروژه‌های خودرو بومی موفق شد. با این حال، اگر گلابه از خروج خودروسازان و قابل اطمینان نبودن این راه است، باید به دنبال ایجاد اطمینان برای سرمایه‌گذاری در ایران برویم که نیازمند تحول سیاسی و اقتصادی است تا خودروسازان بزرگ جهانی، یکی پس از دیگری، پروژه تبدیل ایران به هاب خودروسازی منطقه را رد نکنند و اگر قرار به حضورشان باشد، جاذبه‌هایی ایجاد کنیم که به شراکت با خودروسازان ایرانی روی بیاورند.

امپراتوری خودروسازی چین، از مونتاژ شروع شد

کارشناس حوزه خودرو همچنین اظهار کرد: صنعت خودرو چین با مونتاژ صرف محصولات خودروسازان معتبر، مسیرش را آغاز و به مرور قطعات و قوای محرکه تاریخ‌مصرف گذشته آنها را تولید کرد و با ایجاد بازاری بزرگ و قدرتمند در خود چین، آن‌چنان خودروسازان بزرگ را در این بازار غرق کرد که وقتی خودروسازان بزرگ تصمیم به ادامه فعالیت گرفتند به آنها گفت که باید شراکت مسائل و حتی کمتر با خودروسازان چینی داشته باشند. مطمئن باشید در گام بعدی، همان خودروسازان بزرگ نیز پس از رشد کافی خودروسازان چینی، جایی در امپراتوری خودروسازی چین نخواهند داشت. ما نمی‌گوییم دقیقاً راه چین را برویم و تلاش کنیم از چین جلو بزیم، اما راه ترکیه و موفقیت‌هایش که بیخ گوشمان کاملاً قابل‌مشاهده است!

برخورداری اصلاح ساختار صنعت خودرو کشورمان را در گام نخست از مسیر خصوصی‌سازی دانست در پایان گفت: اصلاح ساختار صنعت خودرو از خروج دولت از تصمیم‌گیری‌ها می‌گذرد. در گام بعد اگر شرایط سیاسی و اقتصادی کلان کشور، مسیر سرمایه‌گذاری عموم مردم ناشی از مشکلات نرخ ارز و کاهش نرخ ریال را از بازار خودرو دور نکند و روش‌های جایگزین یا کاهنده، فشار روی بازار خودرو ایجاد نکنند، همچنان نگاه سرمایه‌ای بازار خودرو را ملتهب می‌کند. در حقیقت دولت به وظیفه اصلی برای تامین فضای ایده‌آل فعالیت نگاه‌های اقتصادی را باید ایفا کند و از فکر کسب قدرت و درآمد از صنعت خودرو فاصله بگیرد تا خودروسازان از مسیر مونتاژ یا مراکز تحقیق و توسعه در راستای حفظ منافع مالکان یا سهامدارانشان به نیاز بازار خودرو کشور و حتی بازارهای منطقه پاسخ دهند.

خودروسازان خصوصی متشکل از مدیرانی هستند که روزگاری در همین خودروسازان دولتی فعالیت می‌کردند، اما نتیجه عملکردشان در یک خودروساز خصوصی در قیاس با خودروسازان دولتی، کاملاً مشهود است و این مسئله بیانگر این واقعیت است که مشکل از نیروی انسانی یا مدیران و تصمیم‌گیران خودرویی نیست، بلکه بستر، باید به‌درستی و با نگاه میان‌مدت و بلندمدت اصلاح شود و طرح‌های ارائه شود که مسیر صنعت خودرو را تغییرات وزرا، روسای جمهور و مدیران خودروسازی دولتی مصون کند.

سخن پایانی

بنابراین گزارش، کارشناسان معتقدند بی‌ثباتی در اقتصادسیاسی و اصرار بر اجرای تصمیمات اشتباه، تیشه به ریشه صنعت خودرو زده و اگر به‌دنبال نجات این صنعت هستیم تا دیر نشده باید اصلاح بنیادین آن را آغاز کنیم تا در یک بازه زمانی دست‌کم ده‌ساله بتوانیم آثار مثبت چنین نگاهی را بر بازار و صنعت خودرو کشور ببینیم.

خودشان نمی‌توانند نقشه را بچینند تا حداقل با همان پلنفرم‌های قدیمی روزگار بگذرانند و پاسخگوی نیاز بازار خودرو باشند. همین فرمول که از دهه ۶۰ شمسی تاکنون بدون توقف پیش رفته، تنها با ۷ سال قیمت‌گذاری دستوری آنها را به زیان بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی رسانده، حال تصور کنید قیمت‌گذاری دستوری در کل عمر این صنعت اجرا می‌شد، آن وقت چرخش چرخ این صنعت صرفاً به معجزه وابسته می‌شد. خودروسازی به صنعتی نمایشی بدل شده که با وجود زمانی که شمردن صفرهای آن هم خارج از توان است، برای حفظ ظاهر مدام تامین ارز و وام می‌شود و مسئولان می‌گویند چه زمانی، چه خودرویی را بفروشند، حتی اگر استاندارد، آن خودرو را خط خارج کرده باشد و نکته عجیب‌تر آن است که مسئولانی که دستور می‌دهند، پای پیامدهای دستوراتشان نمی‌ایستند و در مواقع بروز مشکل، خودروساز موظف به رویارویی با آن است.

تناقضات عجیب

کارشناس حوزه خودرو در ادامه گفت: ده سال است ایران خودرو در همایش صد شرکت برتر کشور، هر سال جایزه بیشترین نیروی انسانی را دریافت می‌کند، در حالی که برای این مسئله باید عرضه‌یابی شود و راندمان آن در برابر این حجم از نیروی انسانی سنجیده شود که آیا با این حجم نیروی کار، راندمان مثبتی برای کشور ایجاد کرده‌اند یا صرفاً برای ایجاد رضایت عمومی بر پایه‌ای نادرست شکل گرفته است؟

وی با اشاره به اینکه صنعت خودرو ما بدون زیربنای استراتژیک و کارآمد با هزینه بالای تولید و استراتژی‌هایی است که با هر وزیر و مدیر کاملاً تغییر می‌کند، افزود: این صنعت به‌خودی‌خود مملو از مشکل استراتژیک و بدون برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت است، چه برسد به برنامه بلندمدت. حال به این فرمول مملو از مشکل، ورود دستوری دولت برای حفظ رضایت عمومی را هم اضافه کنید تا نتیجه آن زمانی شود که باید تا ابد با همین اوضاع آن را به دوش بکشیم و تنها راه‌حل آن، افزایش نرخ خودروها به صورت مقطعی و تعدیل نسبی این زیان و دوباره اجرای تمام دستورات اول و تکرار افزایش زیان انباشته است. در نهایت اصلاح این مسیر باید از یک جا رقم بخورد.

نگاه دور از واقعیت

برخورداری ادامه داد: واقعیت صنعت خودرو ما نیاز به تولید همان پژو پارس ۲۳ سال پیش است؛ این خودرو طی سال گذشته بیش از نیمی از تولیدات بزرگ‌ترین خودروساز ایران را در اختیار داشته، اما در نمایشگاه‌های شعاری مسئولان برای صنعت خودرو به‌روزترین خودرو برقی چینی، موتورهای جدید کم‌مصرف و... به نمایش درمی‌آید، درحالی‌که واقعیت صنعت چیز دیگری را نشان می‌دهد و هنوز آماده پذیرش این نگاه آرمانگرایانه دولتی‌ها به حوزه خودرو نیست.

وی درباره راهکارهای کمک به صنعت خودرو با اشاره به اینکه بررسی تاریخ همواره راه‌حل را پیش‌روی ما قرار می‌دهد، گفت: صنعت خودرو ما در دوره‌هایی که با خودروسازان بزرگ جهان همکاری داشت، بهترین روزهایش را می‌گذراند. هم نیروی انسانی، خودروسازی به‌معنای واقعی با روش‌های عملگرایی را می‌آموخت و هم خودروهایمان براساس استاندارد جهانی و معتبر به تولید می‌رسید؛ مشتری نیز به مراتب بیشتر از تولیدات داخلی، از آن خودروها



صمت سیاست گذاری در معدن و صنایع معدنی را بررسی کرد:

ایستاده در غبار

سمت و سوسی سیاست‌گذاری‌ها و رفتارهای دولت در اقتصاد، همواره محل نزاع بخش خصوصی واقعی با دولت بوده است. باید در نظر داشت که سیاست‌های اجرایی ناشی از رویکرد نظری اقتصادی دولت و نیز میزان هماهنگی و کارآمدی در اجرای همان برنامه‌ها بر فضای کسب‌وکار و نیز هزینه‌های بنگاه‌های کوچک و بزرگ تاثير مستقیم می‌گذارد. مهم‌ترین مسئولیت دولت برای رونق بخشیدن به بخش معدن، سیاست‌گذاری درست بر مبنای اصول مدیریتی، تضمین سرمایه‌گذاری ایمن و تخصیص مشوق‌هایی برای فعالان این بخش است و مهم‌ترین وظیفه نهاد قانون‌گذار، بسترسازی و کمک به رشد و توسعه این حوزه است. بنابراین برای پیشرفت و توسعه بخش معدن تلاش هر دو بخش ضروری است تا این ظرفیت مهم که یکی از پیشران‌های اصلی و اثرگذار در اقتصاد کشور است و بی‌شک بهترین جایگزین برای درآمدهای نفتی به‌شمار می‌رود، بتواند به ریل توسعه برگردد، از آنجایی که در سال‌های اخیر اهمیت بخش معدن بر همگان اثبات شده است، انتظار می‌رود بخش حکمرانی که مسئولیت هدایت این بخش را بر عهده دارد، وظایف خود را جدی‌تر انجام دهد تا اهداف موردنظر در برنامه هفتم توسعه قابل‌دسترسی باشد.



بهزاد رحیمی

می‌خورد؛ به این معنا که هر کسی می‌آمده راجع به معدن صحبت می‌کرده، فقط یک موضوع در ذهنش بوده که ما آمده‌ایم بازار را تنظیم کنیم! قیمت‌ها را متعادل کنیم! یا می‌خواهیم مواد اولیه صنایع‌مان را تامین کنیم. این بخشی از کارهای کلانی است که در بخش معدن باید انجام گیرد. ما به بهانه اینکه می‌خواهیم بازار را تنظیم کنیم، قیمت‌ها را برای بازار تعیین کردیم. قیمت دستوری باعث شده که نیروی سرمایه‌گذاری از بخش معدن فرار کند. خیلی از معادنی که می‌توانستند فعال شوند، فعال نشدند یا میزان ظرفیت‌های کاری و تولیدشان به مراتب پایین‌تر از ظرفیت اسمی آن معادن باشد. امنیت سرمایه‌گذاری در بخش معدن در کشور از بین رفته است.

در واقع به همین دلیل است که به این فکر می‌کنیم که «چطور می‌شود یک نسخه کلان را برای همه معادن در کشور ارائه کرد طوری که معدن‌کار، مکتشف، بهره‌بردار، صاحبان کارخانه‌های صنایع معدنی و حتی بازار مصرف (عرضه و تقاضا) همه احساس اطمینان کنند؟» معتمد پاسخ به این سوال این‌گونه باید باشد: «بخش معدن ما یک متولی خیلی محکم، قدرتمند و دانا می‌خواهد که بتواند یکپارچه مدیریت کند.»

رحیمی ادامه می‌دهد: به همین دلیل است که پیشنهاد ما برای این موضوع در این روزهایی که این مباحث خیلی داغ است، این است که اصلاً به این سمت برویم که بیایم معدن را از این قضیه جدا کنیم. اتفاقاً در سه مقوله معدن، صنعت و تجارت تنها بخشی که همیشه مورد اجحاف قرار گرفته و در هاله پنهانی بوده، متأسفانه بخش معدن بوده است. در حال حاضر چند وزارتخانه درگیر بخش معدن هستند، شما تنها وزارت صمت را می‌بینید در صورتی که وزارت اقتصاد و حتی کار و تامین اجتماعی هم در این قضیه فعالیت می‌کنند. هم مباحث گمرکی را پیگیری می‌کنند که خیلی در مباحث معدنی تاثیرگذار است؛ روی بخش صادرات کار می‌کنند، وزارت صمت که متولی اول معادن و یکی از بزرگ‌ترین سهامدارها در بخش معدن کاری در کشور است، وزارت کار و تامین اجتماعی هم در بحث معادن فعال است که بالاخره در همه عرصه‌های این حوزه حضور داشته و مدیر دارند و سیاست‌گذاری هم می‌کنند.

وی افزود: اینکه ما چطور می‌توانیم همه اینها را سروسامان بدهیم، خودش سوال بزرگی است که اتفاقاً می‌ارزد هر چه زودتر تعیین تکلیف شود. مجلس شورای اسلامی روی این موضوع تمرکز کند تا یک بار برای همیشه بخش معدن را بتوانیم نجات دهیم. به‌شخصه احساس این است که هویت معدن در کشور متأسفانه خدشه‌دار شده و آن استقلال و هویتی

ایران کشوری معدنی است و معدن در ایران یک مزیت محسوب می‌شود، در این حوزه معادن ایران هم مزیت نسبی و هم مزیت رقابتی در مقایسه با دیگر کشورها دارند، فعالان بخش معدن بر این باورند که با توجه به امتیازات عمده‌ای که کشور در خصوص معادن داراست به همان نسبت در این زمینه توسعه پیدا نکرده و در محاق مانده است. موضوعی که همگان به آن اذعان دارند این است که ایران، کشوری است که شرایط و مزیت معدن و معدن‌داری آن بسیار است. از سوی دیگر اقلیمی که با یک درصد جمعیت دنیا یا یک درصد مساحت خشکی‌های دنیا ۷ درصد از ذخایر معدنی جهان را دارد، شایسته‌تر آن است که در زمینه مدیریت کلان بخش معادن آن کارهای بزرگی صورت گیرد نه اینکه بخش معدن تبدیل به تکه‌های از هم گسیخته‌ای شود که هر سازمان دولتی یا هر مجموعه‌ای به صورت جداگانه با انگیزه‌های بنگاهی بخواهند روی آن کار کنند.

بهزاد رحیمی عضو کمیسیون صنایع و معدن مجلس در خصوص از هم‌گسیختگی بخش معدن می‌گوید: در این باره یک جا مشاهده می‌شود که در موضوع معادن سازمان زمین‌شناسی کار می‌کند، جایی دیگر ایمیبدو ورود پیدا می‌کند، در جای بعدی سازمان انرژی اتمی کار می‌کند، یک جا شرکت‌های خصوصی وارد می‌شوند، نیروهای مسلح، وزارت نفت و شرکت ملی گاز کار می‌کنند و این زنجیره به همین شکل امتداد می‌یابد.

رحیمی با اشاره به اینکه این رویه در خور شرایط معدنی کشور نیست، می‌گوید: کمتر دیده شده است که یک سیاست کلان کلی در بخش معدن در جهت حفظ و توسعه معدن شکل بگیرد، البته به شرطی که از این شرایط و منافعی که معادن ایجاد می‌کنند، هم معدن‌دار و هم بهره‌بردار و در عین حال کل ملت و کشور منتفع شوند! اساساً هر رویه، روند، فعل و کار مثبتی هم که تا به حال انجام شده به دلیل تک‌مدیریتی‌ها یا تک‌تصمیم‌هایی بوده که در یک مقطعی انجام شده است، بعد از آن هم برای ادامه این روند متأسفانه سیاست ادامه‌داری شکل نگرفته است. به همین دلیل مدام گرفتار سخت‌گیری و تساهل شده‌ایم که در موضوع اعطای مجوزها یا در اعداد و ارقام برای افزایش تولید انواع و اقسام محصولات معدنی ما پیش می‌آید.

وی افزود: توسعه صنایع معدنی یا بحث اکتشاف در کشور متأسفانه به هیچ‌عنوان یکپارچه نیست. از دید معدن‌کارها، کارهای اکتشافی که در بنگاه‌ها انجام می‌گیرد رانمی‌شود به حساب وظیفه اکتشافی کلان گذاشت. باید ببینیم که به کار کلان اکتشافی در کشور نیاز داریم. اینکه من در معدن خودم دنبال سنگ آهن هستم، این رقم جزو آمار اکتشاف ملی محسوب نمی‌شود. در واقع این موضوع مهم است که بدانیم ما به اکتشاف ملی نیاز داریم.

تصمیمات خلق‌الساعه به بهانه تنظیم بازار

نماینده مردم سقز در مجلس یازدهم در ارتباط با تصمیمات اتخاذ شده کلی در حوزه معدن می‌گوید: ما با تصمیماتی از سوی مسوولان و با یکسری سیاست‌هایی طی سالیان گذشته (این اصلاً ربطی به امسال و اکنون ندارد) در ارتباط بوده‌ایم که همه این تصمیمات مُسکن بودند و در واقع مسکن‌های زودگذری بودند که در شعار و سرتیرتیر تمامی این سیاست‌ها هم نام «تنظیم بازار» به چشم



است. بعد یا محدود می‌کنند یا می‌گویند که صادر نشود یا می‌گویند صادر کنید با شرایطی که آن شرایط، خودش عبور از هفت خوان رستم است.

حال به بخش فولاد ورود کنیم؛ بخش فولاد لکوموتیوی است که به طور مثال سنگ آهن، معادن سنگ آهن و صنایع معدنی فولادی را به دنبال خود می‌کشد. این داستان دلار ۲۸ هزار و پانصدی زمانی که دلار نزدیک به ۵۰ هزار تومان است، چه موضوعی است؟ یعنی فرض بفرمایید یک نفر بیاورد از کوه شروع کند سنگ آهن تولید کند، کنسارتره، گندله، آهن اسفنجی، شمش و ... تا به نقطه آخر برسد و بعد از این همه هزینه، برود به نصف قیمت ارز به دولت بدهد؟

این چه روشی است که ابتدا می‌گویند که خیالتان راحت باشد و بعد می‌روند پشت پرده توافقی بر مبنای رقمی بیشتر می‌کنند. چرا مردم را مجبور می‌کنید که بروند کار مجرمانه انجام دهند؟! قانون غلط می‌تواند تولید کننده معضلات زنجیره‌ای باشد. دلار ۴۲۰۰ تومانی را ایراد گرفتید، حالا همان دلار ۴۲۰۰ تومانی را با یک عدد خیلی بالاتر زنده کردید!

رحیمی در پاسخ به این سوال که ما به مشکلات فنی نمی‌رسیم؛ یعنی مشکلات فنی معادن سر جای خود هست، قوانین خلق الساعه هم اضافه می‌شود می‌گوید: این مساله صحت دارد. اما موضوع بعدی ذهنیت است؛ این ذهنیت، ذهنیت حمایت و توسعه نیست. ذهنیت این است که چیزی که من فکر می‌کنم صحیح است؛ یعنی شاید اجبار باعث شده که مسوولان عزیز ما این کار را انجام دهند. آنها فقط دارند شناسایی می‌کنند که چه صنف‌هایی، چه بنگاه‌هایی و بگویند فعلا سهم دولت را از این پول بدهید. اینکه پول درمی‌آورند، بروند سراغشان و بگویند فعلا سهم دولت را از این پول بدهید. اینکه با گرفتن این سهم چه بلایی بر سر آن واحد ممکن است بیاید، چندان برایشان مهم نیست.

به عنوان مثال بخشنامه‌هایی که صادر می‌شود شاید مثلا ۸۰ درصد آنها دستورالعمل‌ها و مبنای جدید برای گرفتن یک مبلغ جدید از این سیستم است. کدام یک از آن بخشنامه‌ها حمایتی است؟! بحث واردات ماشین آلات و تعمیر ماشین آلات را چه کسی پیگیری کرد که به نتیجه‌ای برسد؟ در موضوع مزایده معادن مباحث بسیاری مطرح شد. حرف اول و آخر این است که بخش خصوصی یعنی مردم/ملت. ملت که غریبه نیستند. ملت از شما در معدن که انفال محسوب می‌شوند، محق تر هستند. چرا اینها به عنوان مصرف کننده، استفاده کننده یا بهره‌بردار، درجه سه محسوب می‌شوند؟ چرا هر معدنی که امیدی به آن نیست برای بخش خصوصی است؟ چرا همه معادنی که امیدبخش و کلان و بزرگ هستند،

برای شرکت‌های دولتی و خصوصی است؟ این موضوع یک بار باید حل شود. ۶ هزار معدن را می‌خواهید به مزایده بگذارید! ۴ هزار تایی آن که اصلا بوچ است. من راهکار را خدمتتان عرض کردم. شما هم کمک بکنید. لازم است از سمت رسانه و بخش معدن اعلام شود که ما اصلا نخواستیم. آن صنعت و تجارت با همدیگر خواهر و برادر شدند و خواهر و برادری‌شان هم سر جای خودش. معدن را از این ورطه بیرون بکشید.

وی در پاسخ به اینکه آیا حرف شما استقلال معادن است، ادامه داد: به استقلال معادن، وزارت معدن و زمین‌شناسی یا وزارت معادن و علوم زمین. معدن و علوم زمین‌شناسی. الان هر کسی دارد در گوشه‌ای از بخش معدن و زمین‌شناسی کار می‌کند. انرژی اتمی از یک طرف، شرکت نفت از یک طرف، شرکت گاز از یک طرف، سازمان آب و وزارت نیرو از یک طرف، نیروهای مسلح از یک طرف، بنگاه‌های معدنی از یک طرف، فولادی‌ها و کارخانه‌های فولادی از یک طرف، شرکت مس از یک طرف، بعد می‌گوییم که کار اکتشاف ملی در کشور انجام نشده است.

که این بخش در سال‌های گذشته داشته، از بین رفته است. در حال حاضر خیلی از عزیزان ما بدون اینکه متوجه شوند، هویتی برای بخش معدن قائل نیستند و در نهایت به عنوان زیرمجموعه‌ای از بخش صنعت از آن اسم می‌برند! و این در خور بخش معدن کشور نیست. رحیمی در پاسخ به این سوال که معضله‌هایی که معادن با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، بیشتر مربوط به چه بخش‌هایی می‌شود؟ تامین مالی است؟ ماشین آلات است؟ قوانین خلق الساعه است یا دیگر بخش‌ها؟ گفت: یکسری قوانین و بخشنامه‌ها وجود دارد، مثلا بحث حقوق دولتی را در نظر بگیرید، هر سال به صورت بی‌رویه‌ای از سمت مجلس پیشنهادهای بسیار عجیبی را به عنوان سهم حقوق دولتی معادن در بودجه مطرح می‌کنند که اصلا به هیچ عنوان با شرایط واقعی معادن همخوانی ندارد. آنگاه هنوز به اعتراض این موضوع رسیدگی نشده، رقم دو برابری یا چهار برابری برای سال آینده را مطرح می‌کنند! هنوز به اعتراض آن رسیدگی نشده، دوباره یک عدد چهار برابری برای سه سال بعدش مطرح می‌کنند! این نشان می‌دهد که دوستان ما گویا خیلی در داستان‌های واقعی کف معدن نیستند. الان حقوق دولتی یکی از داستان‌هایی است که قطعاً باعث آزار می‌شود.

وی در پاسخ به این سوال که بحث حقوق دولتی را تشریح کنید که اصلا بر چه اساس و مفهومی محاسبه می‌شود ادامه داد: حقوق دولتی دو بخش دارد؛ یکی درصد و دیگری میناست. اینها هر دو را دارند تکان می‌دهند؛ مثلا قیمت کلوخه بر مبنای چه چیزی تعیین شود، کلوخه در دل کوه باشد، قیمت محصول نهایی باشد، محصول نهایی در بازار باشد و ... مدام آن را تکان می‌دهند و سعی می‌کنند که مینا را بر اساس محصولی بگذارند که قیمتش بالاتری است و از طرفی هم درصد است. حالا آن درصد هم مدام دارد افزایش پیدا می‌کند. ۳ درصد می‌شود ۵ درصد، یا ۵ درصد می‌شود ۷ درصد و مدام عدد به سمت بالا میل می‌کند. تا جایی پیشروی کرده است که در نهایت حقوق دولتی اکنون تبدیل به یک معضل شده است.

مثلا موضوعاتی مثل آن ۵ درصد را مطرح می‌کنند که معادنی مثل چادرملو و گل‌گهر علاوه بر همه پرداختی‌هایی که الان داشتند، باید ۵ درصد قیمت محصولی را که در بیرون ارائه می‌دهند در حق دولت پرداخت کنند! این عدد آنقدر بالا است که تمام طرح‌های حال و آینده و توسعه و ... این شرکت‌ها را به هم می‌ریزد. کسی که دارد اینها را طراحی می‌کند (فارغ از اینکه چه انگیزه‌ای دارد؛ شاید واقعا انگیزه‌اش تامین مالی برای دولت است و می‌خواهد کمک حال دولت برای بحث درآمدی‌اش باشد)، ببینید اصلا در محاسبات می‌گنجد یا نه؟! ما که نمی‌توانیم چون خودمان اضطرار داریم، راجع به موضوعات و فرمول‌هایی صحبت کنیم که در این داستان عقلائی نیست.

فشار به معادن به دلیل کسری بودجه

وی در پاسخ به این سوال که آیا می‌توان گفت کسری بودجه را از این طریق می‌خواهند تامین کنند؟ می‌گوید: تا به حال چه کسی آمده بررسی کند بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که ظرف دو سه سال گذشته در بخش معدن (یا مجلسی‌ها تحمیل کردند یا خود دولت گرفته) صادر شده نتایجش چه بوده! باید هم آثار مثبت و هم منفی‌اش بررسی شود تا ببینیم باز خورد آن در وضعیت اقتصاد کشور و در بازار چه بوده است. کسی متاسفانه مراجعه نمی‌کند؛ یعنی دستور را می‌دهند ولی اینکه چه نتیجه‌ای دارد را کسی حاضر نیست مسوولیتش را به عهده بگیرد. مباحثی مثل صادرات نیز قطعاً در این قضیه می‌تواند تاثیر گذار باشد. تکلیف صادرات برای مواد معدنی باید مشخص شود که آیا می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم. بخشی از مواد معدنی ما فعلا در شرایطی است که اتفاقا صادرات به نفعش است و باید صادر بشود. بخش دیگرش اصلا نه صادر می‌شود و نه بازار داخل نیازمند آن





صمت چالش‌های معدن و صنایع معدنی در یک سال اخیر را بررسی کرد:

تمایل به تکرار

در یک دهه اخیر بخش معدن با چالش‌های متعددی دست و پنجه نرم می‌کند. چالش‌هایی که اثر مستقیمی بر سرمایه‌گذاری در این بخش گذاشته است. چالش‌های که کماکان ادامه دارد.

چندی پیش کارشناسان، قوانین و مقررات، نبود یک راهبرد طولانی و مشخص معدنی، سوءمدیریت، معضلات محیط‌زیستی، مشکلات بین‌المللی و مشکلات معدن‌داران را مهمترین چالش‌های بخش معدن اعلام کردند. بر همین اساس از نگاه کارشناسان تغییرات سیاستی درست و اصولی، مصوب کردن راهبرد معدنی، رفع ناهماهنگی با قوانین بالادستی و رفع تداخلات قانونی بیش از ۷۰ درصد چالش‌های بخش معدن برطرف خواهد کرد.



حجت‌الله فیروزی

زیرساخت‌ها از جمله جاده و مسیر دسترسی، چالش دیگر معدنکاری است. معمولاً معادن در کنار جاده‌ها نیستند و در مناطقی دورافتاده واقع شده‌اند، بنابراین توسعه جاده‌ها از ضروریات معدنکاری است.

کمبود انرژی هم به یکی از مشکلات حاد فعالیت‌های صنعتی و معدنی تبدیل شده است. در تابستان گذشته مراکز صنعتی با مشکل قطع برق رو به رو بودند که بیش از یک ماه و نیم طول کشید و در زمستان هم که با قطع گاز مواجه شده‌اند و به این ترتیب نرخ مواد اولیه از محصول گران‌تر شده است. یکی دیگر از آسیب‌های جدی که حوزه معدن با آن روبه‌رو شده، این است که متخصصان کشورمان به دلیل مشکلات فوق، رغبتی به فعالیت در این حوزه ندارند و به راحتی این حوزه نیروهای توانمند خود را از دست می‌دهد.

همگی ما به این مشکلات واقف هستیم و از اتفاق راه‌حل آن را هم می‌دانیم، اما متأسفانه برنامه و اراده‌ای برای برون‌رفت از این بن‌بست‌ها وجود ندارد. مدیران هر روز طرح و برنامه‌ای ارائه می‌کنند و قول می‌دهند که مشکلات را برطرف کنند، اما هنوز زمان عملی کردن قول‌ها نرسیده است.

راهکاری‌های جناب‌عالی برای رفع چالش‌هایی که در حوزه معدن مطرح کردید، چیست؟

مواد معدنی به عنوان سرمایه‌های ملی هر کشور به حساب می‌آید و تا زمانی که استخراج و تبدیل آن به محصول با ارزش افزوده بالاتر به نحو احسن صورت پذیرد و جهت تولید ماده معدنی مشکلات و معضلات رخنمون نداشته باشد می‌توان گفت که این راه بدون ایجاد چالش به کار خود ادامه داده است. هر گاه بر سر این راه مشکلاتی پدید آید و باعث کندی حرکت شود چالش‌ها کم کم بروز می‌کنند. شاید وقتی سخن از چالش‌های معدنکاری پیش می‌آید همگان پیکان اتهام را بسوی دولت می‌گیرند اما باید گفت در حالت کلی علل ایجاد چالش عوامل بیرونی و درونی است.

عوامل بیرونی شرایط و مقتضیاتی است که نظام اقتصادی و سیاسی جهان و مقتضیات آسمانی و الهی به ما تحمیل می‌کند مانند افزایش یا کاهش قیمت جهانی مواد معدنی یا تغییر در وضعیت تولید و مصرف مواد معدنی در جهان و یا نوع ذخایر و میزان آن در

به تعبیر دیگر، می‌توان تحریم و آسیب‌های ناشی از آن را به‌عنوان یک واقعیت ثابت در کسب و کار پذیرفت و بر اساس آن برنامه‌ریزی کرد ولی عدم ثبات مقررات داخلی و تصمیمات خلق الساعه، امکان برنامه‌ریزی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار سرمایه‌گذار در مدیریت مجموعه خود را سلب کرده است.

روندی که از نگاه کارشناسان متوقف نشود، می‌تواند بخش قابل توجهی از درآمدهای ارزی کشور را تحت تاثیر قرار دهد. این بخش می‌تواند ۶۰ درصد از درآمدهای حاصل از فروش نفت را پوشش دهد.

از طرفی، با فراوری نهایی مواد معدنی می‌تواند به‌طور متوسط ارزش افزوده‌ای بالغ بر ۱۰ برابر ارزش خام مواد معدنی ایجاد کند. سالی که به آخرین ماه آن نزدیک می‌شویم، سالی پرچالش برای معدن و صنایع معدنی بود. از افزایش حقوق و دستمزد نیروی انسانی و قیمت گذاری برای حمل بار گرفته تا گلایه‌های همیشگی درباره افزایش حقوق دولتی، کمبود ماشین‌آلات و تجهیزات، فرسودگی و ناکارآمدی زیرساخت‌ها، قطع برق و گاز و... بارها گفته شد و جواب قانع‌کننده‌ای هم نیافت. در همین راستا گفت‌وگویی با حجت‌الله فیروزی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس یازدهم داشتیم که در ادامه می‌خوانید. در ابتدا وضعیت معدن و صنایع معدنی در سال جاری را تشریح کنید و از چالش‌های پیش روی آن بگویید.

کشور ما ظرفیت زیادی در بخش معدن دارد، اما تا امروز نگاه خوبی به این بخش نشده است. اگر تا دیروز ثروت اصلی کشور نفت بود، امروزه این حقیقت آشکار شده است که ثروت عظیم دیگری به نام معدن در اختیار داریم.

خوشبختانه با مشخص شدن تحریم گریزی و نقشی که معدن در بخش تولید ایفا می‌کند، این بخش مورد توجه بیشتری قرار گرفته است، اما نباید توجه‌ها مقطعی و موقتی باشد و آن را به چشم منبعی درآمدی کوتاه‌مدت در نظر گرفت.

برای بهره‌برداری از بخش معدن، باید نگاهی بلندمدت داشته باشیم و روی این دارایی سرشار کشور سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهیم. ایران در زمینه برخورداری از ذخایر معدنی جزو ۱۰ کشور برتر دنیا به‌شمار می‌رود، اما همان‌طور بارها و بارها اشاره شده که در زمینه اکتشاف بسیار ضعیف بوده‌ایم که علت عمده آن ضعف تکنولوژی است.

متخصصان ما در حوزه اکتشاف بسیار توانمند هستند و به جرأت می‌توان گفت، در این زمینه در جهان حرفی برای گفتن داریم، اما متأسفانه تا ابزاری وجود نداشته باشد، نمی‌توان کاری کرد. در مناطقی هم که اکتشافات خوبی انجام گرفته است، در زمینه استخراج، فعالیت قابل قبولی انجام نشده که باز هم علت اصلی، ضعف امکانات، تکنولوژی و زیرساخت است.

مشکل دیگری که امسال همچنان با آن دست‌به‌گریبان بودیم، کمبود تجهیزات است. تجهیزات و ماشین‌آلاتی که ما در معادن به کار می‌بریم، کاملاً مستهلک هستند، در نتیجه هزینه‌های سرباری ایجاد می‌کنند. ضعف



کشور و شرایط زمین شناسی و ژئوفوتیکتی، که برای اکثر تولیدکنندگان مواد معدنی در جهان مشترک بوده و هر کدام به نسبت خاصی از آن متضرر یا بهره‌مند می‌شوند. از سوی دیگر عوامل داخلی را می‌توان به نظام حاکم (دولت) و جامعه صنعتی معدنکاری نسبت داد. کشورهای پیشرفته دنیا اشتباهات معدنکاری را باعث ایجاد چالش‌هایی می‌دانند که از سوی معدنکاران بروز کرده و هر یک به نسبت ایجاد اشتباه بزرگتر، بازخوردهای چالش برانگیز بیشتری را متوجه خواهند بود.

یعنی اگر در راه رسیدن به محصول با ارزش افزوده بالا عدم دقت و اشتباهات معدنکاران و جامعه معدنی زیاد گردد چالش‌های معدنکاری نیز رخنمون پیدا کرده و موجب بروز مشکلاتی خواهد شد. امروزه شرکت‌های بزرگ معدنکاری در جهان به دنبال راه‌حل‌های فنی و اقتصادی ای هستند که بتوانند با چالش‌های بیرونی درونی مقابله کرده و بابت این موضوع سرمایه‌گذاری‌های زیادی هم انجام می‌دهند.

چالش‌های معدنکاری در ایران داخلی است یا جهانی؟

در حالت کلی برای جامعه معدنی ایران می‌توان سر نخ علل ایجاد چالش را در عوامل درونی یعنی بخش دولت و بخش معدنکاری دانست چراکه چالش‌های بیرونی برای کل جامعه معدنکاری جهان ایجاد می‌شود و ما در تغییر آن نمی‌توانیم نقش زیادی داشته باشیم بنابراین اگر بتوانیم چالش‌های ایجاد شده توسط عوامل درونی را مدیریت و تصحیح نماییم، می‌توان گفت در مرحله بعد می‌توانیم در تغییر وضعیت چالش‌های بیرونی هم نقش داشته باشیم.

در سال‌های اخیر سیاستگذاران بر رشد تولید فولاد تاکید کرده‌اند، نظر شما در مورد رشد تولید فولاد چیست؟

بزرگ‌ترین دغدغه سیاست‌گذاران ما همواره افزایش میزان تولید فولاد بوده است، زیرا این محصول محور توسعه به‌شمار می‌رود، یعنی در هر جایی و هر صنعتی از صنایع ساختمان گرفته تا تولیدات دیگر، نخستین چیزی که نیاز دارد محصولات زنجیره آهن و فولاد است. اما به‌دلیل برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدتی که تا امروز انجام گرفته، فقط به انتهای زنجیره توجه شده است، در حالی که برای توسعه این صنعت باید کل زنجیره همزمان توسعه پیدا کند.

رشد متوازن، مهم‌ترین موضوعی است که در هر صنعتی باید مورد توجه قرار گیرد، اما همان‌طور که اشاره شد در این زنجیره، که از سنگ‌آهن شروع می‌شود و به کنسانتره، گندله و آهن‌اسفنجی، ذوب و ریخته‌گری و... می‌رسد، توازن به‌هم‌خورده و به‌همین دلیل شبیه‌بندی شده است که بخش‌های گوناگون آن از شکل طبیعی خود خارج شده‌اند. برای مثال، یک دست بزرگ‌تر و دست دیگر، کوچک‌تر و به‌طبع این شرایط مشکل‌آفرین است. در رشد متوازن همه بخش‌ها باید به‌قدر استعدادشان مورد توجه قرار گیرند و رشد کنند. در چند سال گذشته به‌علت بالا بودن نرخ سنگ‌آهن، اوضاع و شرایط مطلوب بود، اما امروز نرخ جهانی سنگ‌آهن بسیار افت کرده است و قابل‌مقایسه با فولاد نیست. از این رو، معدنکاران واقعا روزهای سختی را می‌گذرانند.

از یک‌سو، دولت افزایش درآمد فولادی‌ها را ملاک سنجش قرار می‌دهد و با این تصور که در ابتدای زنجیره هم، وضع به همین منوال است، حقوق دولتی معدن را چندین برابر می‌کند و از سوی دیگر، همه هزینه‌های این بخش را باید به نرخ دلار انجام داد، اما محصول، ربالی به‌فروش می‌رسد. به این ترتیب، روشن است که همه معدن کوچک رو به تعطیلی می‌روند و تا امروز هم، بسیاری از آنها به این سرنوشت دچار شده‌اند.

سوال اینجا است که مگر کشور ما چقدر معدن بزرگ دارد که به‌راحتی بتوان از معدن کوچک چشم‌پوشی کرد؟ ما باید استراتژی دقیق‌تری برای معدن کوچک زیر یک میلیون تن تعریف کنیم، زیرا با این هزینه‌ها و این نرخ فروش، نمی‌توان دوام آورد و سال پیش‌رو سال سختی برای معدنکاران خواهد بود.

البته باید به این نکته اشاره کرد که روند صعودی نرخ ارز می‌تواند فرصتی برای رشد معدن و صنایع معدنی باشد. به‌قول معروف، هر جایی که تهدیدی وجود دارد، حتما فرصتی هم هست. بنابراین، نباید از تهدید ترسید، بلکه باید فرصت‌های رشد را در آن پیدا کرد.

با توجه به مواردی که مطرح کردید شرایط فولادسازان، امسال چگونه بوده است؟

رشد دلار برای آخر زنجیره بسیار خوب است و فولادسازان از بالاتر رفتن نرخ دلار استقبال می‌کنند، چون بیشتر تولید آنها صادر می‌شود. البته این فرصت مغتنمی است

که باید از آن استفاده کرد، اما نکته اینجا است که باید در کنار آن، به بقیه زنجیره، به‌ویژه معدن هم منافع برسانیم، چون اگر سنگ‌آهنی نباشد، فولادی هم نیست.

اما متأسفانه هیچ توجهی به رفع مشکل معدنکاران نمی‌شود و آن‌طور که باید، مورد حمایت قرار نمی‌گیرند، در عوض حقوق دولتی آنها چندین برابر رشد داشته است. با توجه به رشدی که برای تولید فولاد پیش‌بینی شده است، چاره‌ای جز افزایش تولید سنگ‌آهن نیست. چرا فولادسازان نباید در این زمینه ورود کنند؟

افزایش تولید سنگ‌آهن یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها است، اما آیا کسی به این موضوع فکر کرده که زیرساخت‌های فعلی، جوابگوی افزایش تولید هست یا خیر؟ حال که شرکت‌های فولادی بزرگ پا به میدان گذاشته‌اند و استخراج سنگ‌آهن را افزایش داده‌اند، مطمئناً در قدم اول با مشکل حمل‌روبرو خواهند شد.

گفته می‌شود، امسال فعالیت در زمینه معدن رشد قابل توجهی داشته است و پیش‌بینی می‌شود که سال آینده هم، این روند ادامه یابد. نظر شما در این باره چیست؟

همان‌طور که اشاره شد، باید به این حوزه نگاه استراتژیک و بلندمدت داشته باشیم. شاید معدن در ۲ یا ۳ سال اخیر رشد قابل توجهی را تجربه کرده و درآمد خوبی به‌دست آورده است، اما آیا این روند با مشکلات و کمبودهای موجود، در سال‌های بعدی هم ادامه خواهد داشت؟ از سال ۹۵ به این‌سو، رشد نرخ جهانی سنگ‌آهن باعث شد، میل و رغبت بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این زمینه بیشتر شود، اما امروز که قیمت‌ها افت کرده، سرمایه‌گذاری هم کاهش یافته است.

از طرف دیگر، روش‌هایی که ما برای استخراج به کار می‌بریم، بسیار سنتی و ناکارآمد است، اما نمی‌توانیم برای روزآمد کردن فعالیت‌های خود ماشین‌آلات و تکنولوژی نوین به کشور وارد کنیم، زیرا مانع بزرگی به نام «تولید داخل» سر راه قرار گرفته است.

این در حالی است که هم صنعتگر و هم معدنکار، مایل به استفاده از تولیدات داخلی هستند، اما کارخانه‌های ماشین‌سازی ما نمی‌توانند دستگاه‌هایی با مشخصات مورد نیاز تولید کنند، اما متأسفانه به وزارتخانه اعلام کرده‌اند که قادر به ساخت این دستگاه‌ها هستند و به این ترتیب جلوی واردات گرفته شده است.

این مشکلی بسیار بزرگ است که زمینه دلسردی عمیق بخش خصوصی را فراهم آورده و واقعیت این است که سرمایه‌گذاری در حال حاضر هم وضعیت چندان مناسبی ندارد و اگر بخش خصوصی خود را عقب بکشد، روند سرمایه‌گذاری کاهش بیشتری پیدا می‌کند که بسیار نگران‌کننده است.

ناگفته نماند که یکی از اقدامات خوبی که امسال با دستور وزیر انجام شد، آزادسازی مشروط واردات ماشین‌آلات بود که اتفاق بسیار مبارکی است، اما به‌نظر من، باید دامنه آن گسترده‌تر شود. البته باید به تولید ملی هم توجه زیادی داشت، اما بهترین محرک برای رشد آنها آزادسازی واردات است.

وقتی همه بتوانند هر چه می‌خواهند را چه از بیرون مرزها، چه از داخل کشور تهیه کنند، رقابتی سالم ایجاد می‌شود.

همه‌جای دنیا کار به‌همین ترتیب پیش می‌رود. بخشی از تیزهای جامعه جزو کالای اساسی و پایه‌ای است که شرایط مبادله آنها متفاوت با دیگر کالاها است و دولت بر آن نظارت دارد.

اما بازار برای دیگر کالاها رقابتی است. ماشین‌آلات معدنی ما متعلق به ۲۰ سال پیش و دستگاه‌هایی از رده خارج است. اگر واردات تجهیزات و ماشین‌آلات کاملاً آزاد باشد، رقابت ایجاد می‌شود، البته چند سالی، سختی وجود دارد، اما بعد همه چیز بر جای اصلی خود قرار خواهد گرفت.

باید این مسائل مدیریت شوند و اگر بتوان برنامه‌ریزی درست، استفاده از نیروهای جوان و متخصص، استراتژی‌های دقیق و استفاده از نظرات تشکل‌های تخصصی کمی از حجم مشکلات کم کرد، می‌توان به آینده خوش‌بین بود، اما در شرایط فعلی با وجود مشکلات اساسی در زیرساخت‌ها چشم‌انداز بلندمدت چندان روشن نیست.

چشم‌انداز سال آینده را چطور می‌بینید؟

امیدواریم در سال پیش‌رو، اتفاقات خوبی در زنجیره فولاد بیفتد، اما باید به هوش بود که این اتفاقات کوتاه‌مدت مغرورمان نکنند، چون با مشکلاتی که ذکر آن رفت، سال‌های سختی در پیش خواهیم داشت.





صمت لزوم همراهی با موج چهارم توسعه اقتصادی را بررسی کرد:

جادوی ارتباط

انقلاب صنعتی چهارم در سال ۲۰۱۱ وقوع خود را نشان داد و حدود ۱۰ سال از عمر آن می‌گذرد، اما موضوع هوشمندسازی ۲ سال است در دنیا بر سر زبان‌ها افتاده و رشد انفجاری داشته است. با این توصیف، گفته می‌شود هنوز همه شرکت‌های بزرگ معدنی دنیا قدم در این وادی نگذاشته‌اند و تنها برخی شرکت‌های بزرگ مانند ریوتینتو، باله، بی‌اچ‌پی و... به هوشمندسازی روی آورده‌اند. اما نکته اینجاست که شواهد و قرائن نشان می‌دهد که سرعت حرکت دنیا به سوی هوشمند بسیار بیشتر از ما است و اگر فکری برای جبران کندهی حرکت خود نکنیم، دیری نمی‌گذرد که فاصله ما از آنها به شکل جبران‌ناپذیری افزایش می‌یابد. به‌باور کارشناسان، این مسیری نیست که یک کشور به تنهایی بتواند طی کند، بنابراین نمی‌توان گفت تنها با اتکا به توان داخلی می‌توانیم این فاصله را پر کنیم. باید درها باز باشد و مبادله دانش آزاد؛ زیرا نه گفتن به دستاوردهای جدید تکنولوژی، فاصله ما را با دنیا روزبه‌روز بیشتر می‌کند. در گزارش امروز، نظر بهرام شکوری، رئیس کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق ایران و آیدین زینال‌زاده، کارشناس و فعال معدنی را در زمینه هوشمندسازی و ضرورت‌های آن می‌خوانیم.



آیدین زینال‌زاده



بهرام شکوری

خودکفایی در همه ابعاد

بهرام شکوری، رئیس کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق ایران: وقتی در ایران زندگی می‌کنیم، باید یاد بگیریم که با همه کم و کاستی‌ها بسازیم و همه مشکلات را خودمان از جلوی پای مان برداریم. در حال حاضر، صادرات و مراودات پولی و بانکی به علت تحریم‌ها با دیگر کشورهای دنیا مختل است. برای همین صادرکنندگان مواد معدنی به‌ناچار برای رد و بدل کردن پول از طریق کشورهای ثالث اقدام می‌کنند که به این ترتیب هزینه تمام‌شده محصول مان در بازار صادراتی بیشتر می‌شود. یعنی باید برای انتقال پول، هزینه اضافی پرداخت کنیم تا تحریم‌ها را دور بزنییم و در نهایت، راهی پیدا کنیم تا هم محصول مان صادر شود و هم بتوانیم مواد اولیه موردنیاز و ماشین‌آلات را به کشور بیاوریم و با وجود همه این مشکلات و نبود ارتباطات مالی، ارتباطی نصف و نیمه با دنیا داشته باشیم و به تولید و صادرات خود ادامه دهیم.

خودتحریمی‌ها

در کنار این همه دردسرخاری، باید تحریم‌های داخلی را هم دور بزنییم که یکی از آنها، محدودیت و کاهش سرعت اینترنت و شبکه‌های مجازی است که راه ارتباطی ما با دنیا هستند.

از وقتی دولت پیام‌رسان‌های پرکاربردی مانند واتساپ، تلگرام و... را فیلتر کرده است، برای ارتباط با مشتریان چاره‌ای جز استفاده از فیلترشکن نیست. یعنی باید ضعیف بودن اینترنت را تحمل کنیم، محدودیت‌ها و موانع داخلی را دور بزنییم تا از ساده‌ترین ابزاری که در اختیار قریب به اتفاق مردم دنیا است، استفاده کنیم و ارتباطات بین‌المللی مان را به هر ترتیبی نگه داریم.

زمانی که اینترنت قطع می‌شود، بسیاری از فعالان اقتصادی به‌ناچار به کشورهای همسایه سفر می‌کردند و چند روز می‌ماندند تا بتوانند ای‌میل‌ها و پیام‌های خود را در کشور دیگری مبادله کنند و پاسخ بدهند و ارتباطات خود را حفظ کنند.

بنظر می‌رسد، اگر می‌خواهیم در کشور اتفاقی رخ دهد، برای مثال طبق برنامه هفتم توسعه که برای رشد اقتصادی در کشور جهت‌گیری و در حوزه‌های گوناگون ۸ درصد و برای معدن ۱۳ درصد در نظر گرفته شده، اگر قرار است تا محقق شود، طبیعی است که باید اینترنت پرسرعت و امکان ایجاد ارتباط با دنیا برقرار و فیلتر برداشته شود.

از سوی دیگر، باید ارتباطات مالی و مراودات اقتصادی را با کشورهای گوناگون دنیا برقرار کنیم که دیگر این هزینه‌های اضافی بر کشور تحمیل نشود. مناسبات خود را اصلاح و ارتباطات مالی برقرار و بتوانیم از یافته‌های جدید استفاده کنیم و اگر امروز دنبال هوشمندسازی نیرویم، حداقل در حوزه معدن و صنایع معدنی از بازار عقب می‌مانیم و موضوع این است که دیگر امکان رقابت با رقیب را از دست می‌دهیم. هوشمندسازی در بستر اینترنت پرسرعت و قوی می‌تواند اتفاق بیفتد و طبیعی است که اگر این شرایط برقرار باشد می‌توان در مسیر

نیت واقعی چیست؟

هنوز بسیاری از مناطق کشور، تحت پوشش شبکه موبایلی نیست و تلفن همراه آنتن نمی‌دهد. این نکته درباره معادن اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا ذخایر معدنی در نقاط دورافتاده قرار دارند که در آنجا هیچ راه ارتباطی جز موبایل وجود ندارد. این در حالی است که دیگر مناطق دنیا از اینترنت 5G برخوردارند. در واقع، اگر وضعیت موجود ادامه پیدا کند، هوشمندسازی معادن در کشور بیش از یک دهه به‌طول می‌انجامد.

استفاده از همه نوآوری‌های روز دنیا و ارتباط با آخرین پیشرفت‌های تکنولوژی و گسترش روابط بین‌المللی همه بر بستر اینترنت پرسرعت امکان‌پذیر است و به‌نظر من، اگر نیت کشور برای هوشمندسازی جدی و قرار است به‌زودی از نوآوری‌های جدید استفاده کنیم، باید قبل از هر چیز سروسامانی به وضعیت اینترنت بدهیم.

دنیایی در کف دست

آیدین زینال‌زاده، کارشناس و فعال معدنی: محیط ارتباطات پیچیده است. جهان به‌واسطه عصر دیجیتال بسیار شفاف‌تر و سریع‌تر شده است. شرکت‌ها همیشه به تعامل با تعداد زیادی از ذی‌نفعان می‌پردازند و این شیوه مدیریتی، بسیار عمومی شده است. مجموعه‌های دولتی، خصوصی، عمومی و جامعه معدنی با این واقعیت جدید روبه‌رو هستند.

این تغییرات به‌واسطه فرآیندهای شناخته‌شده‌ای ایجاد شده‌اند. اخبار فراتر از مرزها عمل می‌کنند. حوادث یک منطقه می‌توانند اثر موج‌داری بر بازار پروژه‌های سراسر جهان داشته باشند. ارتباطات دیجیتال با مخاطبان گسترده‌اش به مردم امکان دسترسی به اطلاعات و تولید اطلاعات جدید می‌دهد.





بیش از ۵۰ سال می‌رسد و این عملیات، نسبتاً ثابت هستند. به‌طور مثال، اگر محیط کار نامطلوب شود، نمی‌توان به راحتی عملیات معدنکاری را به محل دیگری انتقال داد. در نتیجه، شرکت‌های معدنی مجبور هستند که هزینه و زمان زیادی برای طرح‌های بلندمدت و پیش‌بینی روند اجرای پروژه صرف کنند و در این شرایط، برنامه‌ریزی دقیق، کمک شایانی به حفظ دارایی‌های معدنکاران می‌کند. باید توجه ویژه داشت که برنامه‌ریزی برای آینده، ۱۰۰ درصد دقیق نیست و درک تعادل بین آنچه منطقی و غیرممکن است، فوق‌العاده دشوار است. چشم‌انداز ۲۰۵۰ نشان می‌دهد که رهبران جهانی از دولت‌ها گرفته تا تجارت و جامعه مدنی، میل زیادی به اخذ تصمیماتی دارند که جهان را به مکانی پایدارتر تبدیل کنند.

جهان پایدار چیست؟

در جهان پایدار، اقتصاد، جامعه، انرژی، محیط‌زیست، سازه‌ها، حمل‌ونقل و مواد، بسیار متفاوت به حال حاضر خواهند بود. در جهان پایدار، قیمت‌گذاری، بازار و مدل‌های کسب‌وکار به صورتی متفاوت به کار گرفته می‌شوند تا یک اقتصاد جدید به وجود آورند. مقیاس‌های دیگری از موفقیت، فراتر از سود و زیان ظاهر خواهد شد، به طوری که هزینه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و همچنین اثرات آنها در نظر گرفته شده و محاسبه می‌شوند. با این اقدامات جدید از سوی سرمایه‌گذاران، شاخص «ارزش» در بازار به رسمیت شناخته می‌شود. رشد اقتصادی دیگر تنها با شاخص‌های سنتی مثل تولید «ناخالص داخلی» ردیابی نمی‌شود و برحسب ثبات توسعه اقتصادی تعیین خواهد شد. اقتصاد جهانی بسیار رقابتی، متنوع و فراگیر شده است. فاصله توان پیشرفت و توسعه بین تمام اقتصادهای در حال توسعه و توسعه‌یافته کمتر است و ساختار بازار، نقش عوامل ارتقای بهره‌وری را تعیین می‌کند. تجارت در جهان پایدار، بیشتر راه‌حل ارائه می‌کند تا خدمات. همکاری با سایر کسب‌وکارها، دولت‌ها و گروه‌های اجتماعی، امری عادی و مشارکت، زیربنای سرمایه‌گذاری موفق در کسب‌وکارهای تجاری است. مصرف‌کنندگان دارای صدای بسیار قوی خواهند بود و سازمان‌ها کانال‌هایی برای تعامل با مشتریان و آموختن از آنها ایجاد می‌کنند و به سرعت در راستای تطبیق بیشتر محصولات خود با تقاضا حرکت خواهند کرد. اقتصاد بازارهای جهانی در یک جهان پایدار، به اقتصاد دایره‌ای تبدیل خواهد شد. در اقتصاد دایره‌ای، حرکت از مدل‌های تجاری خطی که در آن محصولات از مواد اولیه ساخته شده و سپس دور انداخته می‌شوند، به مدل کسب‌وکار دایره‌ای که در آن محصولات یا قطعات تعمیر می‌شوند، دوباره مورد استفاده قرار می‌گیرند یا بازیافت می‌شوند، تغییر جهت خواهد داد. نیروی انسانی حوزه معدن و فلزات در اقتصاد دایره‌ای، نیازمند مهارت‌های جدید است. شرکت‌های معدنی و فلزی دائم به دنبال راهکارهای ابتکاری برای کاهش تاثیر آن دسته از عملیات خود هستند که این مهم نیازمند فناوری‌های نوین، فرآیندهای کسب‌وکار و مهارت‌های تحقیق و توسعه‌ای در زمینه‌هایی است که تقاضای بیشتری دارند. آنها دارای قابلیت ارزیابی درون‌سازمانی چرخه زندگی برای جمع‌آوری، مدیریت و استفاده از مجموعه داده‌های ارزشمند برای ارزیابی عملکرد محصول در برابر استانداردهای صنعت هستند.

چشم‌انداز آینده

عملیات معدنی در جهان پایدار در مرزهای جدید، فعال است. طلا، مس، روی و عناصر نادر خاکی در کف دریاها و اقیانوس‌ها فراوان هستند و معدنکاری در اعماق دریا چشم‌اندازی جذاب ایجاد می‌کند. فناوری پیشرفته رباتیک، اکتشاف در کف اقیانوس را تسهیل می‌کند و برخی آمایش‌ها نشان می‌دهند که رسوبات کف دریاها می‌توانند برای برخی مواد معدنی، حاوی آنومالی‌های با عیار ۱۰ برابر سطح زمین باشند، اما دسترسی فیزیکی انسان به اعماق اقیانوس‌ها با خطراتی همراه است. به تازگی نیز، شاهد آسیب یک زیردریایی گردشگری در اعماق زیاد به دلیل فشار محیطی بالا و کشته شدن سرنشینان آن بودیم. بنابراین، تنها راه استفاده از منابع معدنی کف اقیانوس‌ها، استفاده از ربات و کنترل آنها از راه دور به واسطه اینترنت و ارتباطات اینترنتی است.

سخن پایانی

مهم‌ترین زیرساخت هوشمندسازی، فراهم شدن بستر مناسب اینترنت و فناوری اطلاعات است. نکته مهمی که نباید از آن غفلت کرد، فرهنگ‌سازی منابع انسانی در سطوح مختلف است. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی شده که کشور ما در حال گذار از دوره معدنکاری سنتی به معدنکاری مدرن است. محافظه‌کاری نیروی انسانی درگیر با بخش‌های مختلف در زمینه پذیرش روش‌های جدید و به‌روز، پاشنه آشیل فرآیند هوشمندسازی و استفاده از دانش و فناوری در بخش معدن است که با فرهنگ‌سازی و ایجاد بستر آموزشی مناسب می‌توانیم این مشکل را برطرف کنیم.

در جهان امروز، همه ارتباطات یک شرکت با استفاده از ابزاری مثل موبایل در کف یک دست جا می‌شود و دستگاه‌های تلفن همراه امروز به یک پلتفرم مهم برای به اشتراک‌گذاری محتوا تبدیل شده‌اند. در مغولستان، که تجربه رونق خارق‌العاده بخش معدن را پشت‌سر گذاشته است، گستردگی شبکه خدمات موبایلی در مناطق غنی معدنی کویر جنوبی گبی، که ۷۷ درصد مردم آن عشایر دامدار هستند، بسیار بالا است و استفاده از اینترنت در این مناطق به ۲۳ درصد می‌رسد. معدن مس و طلا و اوبو تولگوی مغولستان (که سهامدار و مدیر عمده آن ریوتینتو است) در فیس‌بوک با بیش از ۷۰ هزار طرفدار، یکی از محبوب‌ترین سایت‌ها در این کشور است.

قدم در راه بی‌پایان

تمام مدیران شرکت‌های معدنی باید سرمایه‌گذاری بیشتری در این زمینه داشته باشند. اما از آنجایی که این راه پایداری ندارد، نگرانی اغلب مدیران این است که با نخستین قدم در این مسیر وارد هزار توی بی‌پایانی از تغییرات شوند که مقدمه‌ای برای رویایی آنها با ریسک‌های مالی و نیازهای ابزاری بی‌حد و حصر شود، اما در کنار آن، زمینه ارتباط با ذی‌نفعانی ایجاد می‌شود که ممکن است برای فعالیت‌های شرکت حیاتی باشند. البته توسعه ارتباطات اینترنتی، نگرانی‌هایی میان فعالان حقوق کودکان ایجاد کرده است، زیرا امکان دسترسی به دریایی از ارتباطات برای این گروه سنی آفت‌هایی خواهد داشت. بنابراین، باید تلاش کرد که تعهداتی برای مراقبت از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه اندیشیده شود. به گفته یکی از مدیران شرکت انگلو آمریکا در دنیای امروز اگر مردم با ما همراه نشوند و اکثریت ساکنان بومی مناطق معدنی از حضور ما استقبال نکنند، مجاز به معدنکاری نیستیم. بنابراین نیاز به تغییر از شیوه ارتباطی یک‌طرفه به سمت گفت‌وگوهای چندجانبه و تعاملی کاملاً احساس می‌شود و این امر به جای ارتباطات تاکتیکی موقت و تک‌منظوره، نیازمند رویکردی قوی‌تر است و در برنامه‌ریزی فعال، شنیدن هم به اندازه صحبت کردن ضروری است و به این منظور، کمپین‌هایی برای توسعه روابط تعاملی با مخاطبان کلیدی شکل می‌گیرد تا بلکه نحوه واکنش ما به تقاضاهای ذی‌نفعان را بهبود دهد. در واقع چالش امروز ما، تنها تعامل کردن نیست، بلکه چگونگی تعامل کردن نیز هست.

بنابراین شرکت‌های معدنی درست مثل پلتفرم‌های فروش آنلاین، هر روز در حال برنامه‌ریزی برای توسعه روابط خود هستند. این امر به مهارت‌های جدید با نقش تکاملی و تحولی و همچنین ساختارهای خاص نیاز دارد. تعداد انگشت‌شماری از شرکت‌های معدنی در حال ترکیب بازاریابی، توسعه رسانه‌های اجتماعی و شناخت مصرف‌کننده و هماهنگ کردن آن با مجموعه مهارت‌های شرکت‌های بزرگ هستند.

جهانی شبیه مغز

در واقع، گروه‌های ارتباطی در حال راه‌اندازی سیستمی شبیه سیستمی عصبی هستند تا علاوه بر انتشار اطلاعات، به هماهنگی و یکپارچه‌سازی آنها پردازد. این تیم‌ها با معرفی و بازنمایی فعالیت شرکت‌ها به دنبال پدید آوردن صدایی منسجم‌تر هستند تا آن را با اهداف شرکت گره بزنند.

توسعه روابط با گروه وسیعی از ذی‌نفعان، مخالفان و همچنین حامیان شرکت، فرصت مغتنمی است که می‌تواند تاثیر کلیدی در حل بحران‌ها داشته باشد. چنین امکاناتی ضمانت (یا حتی بیمه) ضروری برای هر شرکت معدنی در هر اندازه و مقیاسی است که می‌تواند با نمایش دیدگاه‌های گوناگون، در درک عمیق‌تر و وسیع‌تری از یک بحران مفید واقع شود، حتی اگر شامل ذی‌نفعانی باشد که با اقدامات شرکت موافق نیستند. نگرش قدیمی «هر چه کمتر اطلاعات بدهیم، بهتر است» دیگر جوابگو نیست. امروز اطلاعات از طریق اینترنت با سرعت بسیار بالایی پخش می‌شوند. رسانه‌های اجتماعی آنلاین، بهترین ابزارهایی برای گوش دادن هستند که تا به حال دنیا به خود دیده است، زیرا فرصتی برای تعاملات حیاتی ایجاد می‌کنند. شاید هنوز در این حوزه شاهد حمله‌های لفظی مردم باشیم، اما در نهایت در معدنکاری به تعاملات بیشتر نیاز داریم و اگر رسانه‌ها و فعالان رسانه‌های آنلاین درست فکر کنند، به‌زودی ارزش‌های مشترک را جست‌وجو و روی آنها مباحثه خواهیم کرد.

جهان در مسیر پایداری

جز مسائل فنی و مهندسی، رویکردهای دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. جهان در تلاش است تا به سمت پایداری پیش برود. در این شرایط، شرکت‌های معدنی نیز نقش فوق‌العاده‌ای در جهان پایدار بازی می‌کنند. معدنکاری در تمامی قاره‌ها، جز قطب جنوب انجام می‌شود و مواد اولیه تمام محصولات و خدمات در سراسر جهان از این معادن استخراج می‌شوند. بخش معدن با توجه به دامنه و نقش اساسی خود، دارای جایگاهی ویژه در راستای انتقال به جهان پایدار است. چرخه عمر عملیات معدنی به راحتی به



صمت نقش حمل و نقل در معدن و صنایع معدنی را بررسی کرد:

چالش ساختاری

بی شک پیشرفت هر کشور در گرو توسعه صنعت حمل و نقل و نحوه انتقال و جابه‌جایی کالا در اندک زمان ممکن است. چه بسا کشورهایی پتانسیل‌های بالقوه زیادی دارند، اما به دلیل عدم امکان انتقال و جابه‌جایی این پتانسیل‌ها نتوانسته‌اند به رشد و شکوفایی لازم دست یابند. ناگفته پیداست که بخش حمل و نقل و لجستیک صنایع معدنی و فلزی از چه اهمیت بالایی در صنایع مختلف برخوردار است. تصور فعالیت صنایع بدون حمل مواد اولیه تا کارخانه و همچنین فروش و سودآوری آن‌ها بدون حمل محصولات نهایی به بازارهای داخلی و خارجی غیرممکن است. اهمیت این مساله با بررسی نقش حمل و نقل و لجستیک در صنعت بزرگی همچون صنعت فولاد دو چندان جلوه می‌کند. از آنجا که صنایع معدنی و فلزی در ایران پیشرفت چشمگیری داشته‌اند، حمل و نقل مواد معدنی یکی از مهم‌ترین مراحل این صنعت است. پاسخ مناسب به این موضوع که از کجا به کجا، چه میزان از کدام ماده معدنی و از چه طریقی جابه‌جا شود، می‌تواند به مدیریت هزینه‌ها و زمان کمک بزرگی کند. در صنایع معدنی و فلزی، حمل و نقل و لجستیک نقطه پیوند میان حلقه‌های زنجیره تلقی می‌شود. به همین دلیل، در بسیاری از کشورهای جهان سیستم‌های حمل و نقل معادن و صنایع معدنی متناسب با نیاز این بخش توسعه پیدا می‌کنند. از آنجا که صنایع معدنی و فلزی در ایران نیز پیشرفت چشمگیری داشته‌اند، برخورداری از سیستم حمل و نقل با ظرفیت مناسب حمل بار ضروری به نظر می‌رسد. حال سوالی که مطرح می‌شود این است که جایگاه صنعت حمل و نقل در معدن و صنایع معدنی کجاست، برای رسیدن به پاسخ این سوال با دو تن از نمایندگان مجلس به گفت‌وگو پرداختیم.

نقش مهم حمل و نقل در صنایع بزرگ

علی جدی، نماینده مجلس یازدهم در گفت‌وگو با صمت در مورد موضوع ذکر شده اظهار کرد: میزان رقابت‌پذیری صنایع فولادی و به‌ویژه مصرف‌کنندگان به حمل و نقل وابسته است؛ چراکه بخشی از بهای تمام‌شده محصول تولیدی، شامل هزینه‌های حمل مواد اولیه و محصولات تولیدی می‌شود. باتوجه به نقش مهم حمل و نقل در صنایع مادر و بزرگ، اصلی‌ترین نکته، رعایت جانمایی مناسب واحدهای زنجیره تولید فولاد با معادن سنگ‌آهن، بنادر و شبکه راه‌آهن است. دولت باید در برنامه‌ریزی برای صدور مجوز، ایجاد و توسعه طرح‌های تولیدی، نزدیکی این طرح‌ها به معادن، بنادر و خطوط ریلی را به‌منظور کاهش هزینه‌های حمل و نقل در نظر بگیرد.

وی ادامه داد: در میان سیستم‌های مختلف حمل و نقلی، جابه‌جایی از طریق خطوط راه‌آهن در صنایع فلزی و معدنی اهمیت ویژه‌ای دارد. در پایان سال ۱۴۰۱ طول کل خطوط اصلی راه‌آهن کشور ۱۴۲۶۸ کیلومتر است، در حالی که سهم حمل و نقل ریلی در صنعت فولاد با ظرفیت ۹۵ میلیون تن مواد خام و محصول برای افق ۱۴۰۴، باید مجموعاً حدود ۲۰۲۲ کیلومتر به صورت خط جدید و ۱۲۵۵ کیلومتر به صورت خط دوم در شبکه ریلی احداث گردد. صنعت ریلی کشور باید در ۲ سال آینده برای رسیدن به سند چشم‌انداز راه‌آهن رشد سالیانه در حدود ۱۹ درصد داشته باشد؛ این در حالی است که متوسط نرخ رشد احداث خطوط ریلی در سال گذشته در حدود ۱/۸ درصد بوده است.

جدی ادامه داد: از دیگر مشکلات صنعت ریل مرتبط با زنجیره فولاد می‌توان به ضعیف بودن نیروی کشش قطار (کمبود و خرابی لکوموتیوهای موجود)، کمبود و خرابی متعدد واگن‌ها (رسوب واگن‌ها در مناطق مختلف به‌طور نمونه ۲۰۰۰ واگن در منطقه سنگان)، پائین بودن ظرفیت بار محوری برخی از بلاک‌ها (۲۲ تن)، عدم توانایی تولید لکوموتیو با توان بالا (۴۰۰۰ اسب بخار) در کشور و به تبع آن مشکل در استفاده از واگن‌های ۱۰۵ تنی، افزایش بیش از حد نرخ خرید تجهیزات با توجه به نوسانات شدید نرخ ارز در سال‌های اخیر، یک خطه بودن مسیر راه‌آهن شرق کشور (باقی سنگان) و پایین بودن سرعت انتقال بار در این کریدور اصلی ریلی کشور و... اشاره نمود.

نماینده مردم در مجلس اظهار کرد: در سال جاری میزان ۱۶/۷ میلیون تن مواد معدنی و محصولات فولادی در بنادر کشور تخلیه و بارگیری شده است. در خصوص حمل و نقل دریایی با توجه به محدودیت عمق آبخورد بنادر جنوب ایران امکان پهلوگیری کشتی‌های با ظرفیت ۴۰۰ هزار تنی وجود ندارد، بنابراین با شرایط هزینه حمل و نقل دریایی، محصولات ایرانی گران تمام می‌شود.

علاوه بر کاهش ارزش تجارت خارجی ایران طی سال‌های اخیر به دلیل فشار ناشی از تحریم‌ها، کل زیرساخت صنعت حمل و نقل ایران نیز نیازمند توسعه و بروزرسانی است؛ چراکه در طول سال‌های گذشته، تحریم‌ها مانع شده‌اند که در این صنعت سرمایه‌گذاری کافی صورت گیرد. کشتی‌های حامل کالاهای اساسی دارای اولویت برای لنگر گرفتن و تخلیه در لنگرگاه‌های کشور هستند، این اتفاق موجب شده است تا صادرات



علی جدی

عبدالناصر درخشان

فرآورده‌های سنگ‌آهن از سوی شرکت‌های صادرکننده با مشکلاتی مواجه شود و در صف لنگرگاه معطل بمانند و ناچار به پرداخت مبالغ دمووراژ شوند.

وی ادامه داد: تولید فولاد به‌عنوان صنعتی مادر و استراتژیک در کشور ما مورد توجه قرار گرفت، با این وجود، اشتباهات اساسی در روند پایه‌گذاری و توسعه این صنعت اجزایی شد که در حال حاضر شاهد پیامدهای آن و همچنین اثرگذاری منفی این موضوع بر عملکرد حمل و نقل جاده‌ای کشور هستیم.

جدی افزود: جانمایی صنعت فولاد ایران از ابتدا اشتباه بود و شاهد احداث صنایع فولادی در مناطق مرکزی و شمالی کشور هستیم. این در حالی است که در دنیا اولویت احداث صنایع فولاد، دسترسی به آب‌های آزاد است. این موضوع به‌ویژه برای کشورهایی همچون ایران که ظرفیت تولید فولاد در آن به‌مراتب بالاتر از نیاز داخلی برآورد می‌شود، اهمیت بیشتری دارد، چرا که امکان تسهیل صادرات فولاد را از طریق آب‌های آزاد فراهم می‌کند، اما در سایه سیاست‌گذاری‌های اشتباه و فشار نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره‌های گوناگون به‌منظور توسعه مناطق مرکزی و ایجاد اشتغالی در این استان‌ها، شاهد چنین جانمایی اشتباهی هستیم.

لزوم توجه به روند توسعه زیرساخت‌های کشور

وی گفت: محصولات تولیدشده در زنجیره فولاد عموماً حجیم هستند و وزن بالایی دارند، در نتیجه حمل و نقل آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بسیاری از کشورهای دنیا اولویت انتقال محصولات زنجیره فولاد به کانال‌های آبی یا خطوط حمل و نقل ریلی اختصاص دارد. اما این موازنه در کشور ما کاملاً برعکس است و باتوجه به توسعه نیافتگی زیرساخت‌های ریل و راه‌آهن، حمل جاده‌ای بار اصلی انتقال محصولات صنعتی را بر دوش دارد. این موضوع، چالش‌های متعددی را ایجاد کرده است، از جمله اینکه هزینه قابل توجهی به بحث انتقال بار محصولات تحمیل می‌شود. به‌دنبال ارتقای جابه‌جایی بار از محورهای جاده‌ای شاهد افزایش قابل توجه بار ترافیکی





موضوع به زیرساخت‌های کشورمان بازمی‌گردد و باید روی فعالیت‌های ریلی در بنگاه‌های کوچک سرمایه‌گذاری بیشتری کرد. با اینکه ظرفیت تولید و آماده‌سازی زیرساخت‌های حمل و نقل ریلی در کشور وجود دارد؛ اما نتایج آن چندان در اقتصاد کشور قابل لمس نیست.

در خشان ادامه داد: حمل ریلی مشکلات حمل جاده‌ای، مصایب رانندگان و ... را ندارد. همچنین باتوجه به ظرفیت تولید بخش قابل توجهی از زیرساخت‌های آن در کشور تحریم‌ها و مشکلات ارزی آنچنان بر این بخش تاثیر گذار نیست. با این وجود بخش حمل و نقل ریلی توانایی حمایت از صنایع معدنی کشور را ندارد. اگر بر موضوع سرمایه‌گذاری دولتی، خصوصی و مشترک بر حوزه حمل ریلی از معادن تمرکز شود، تا حد زیادی مشکلات قیمت حمل هم مرتفع می‌شود. حمل و نقل به همه بخش‌های اقتصادی خصوصا معادن تاثیر گذار است. در حال حاضر، بخش حمل و نقل مواد معدنی نیازمند یک بازبینی و نگرش تازه است. اولین اقدامی که باید در این زمینه انجام شود تقویت ماشین‌های حمل و نقل مواد معدنی است.

وی افزود: هزینه فرایند استخراج محصول از معدن و فرآوری آن تقریبا با قیمت‌های جهانی برابر است؛ اما به دلیل هزینه بالای حمل و نقل زمانی که مواد معدنی به بازارهای جهانی فرستاده می‌شوند، شرکت‌های ایرانی مزیت رقابتی خود را از دست می‌دهند. اساس همه محصولات صنعتی موجود در جامعه بر مبنای حوزه معدن است و به همین دلیل حمل و نقل مواد معدنی از اهمیت انکارناشدنی برخوردار است. ایجاد عوارض واردات ماشین‌آلات معدنی و ناوگان‌های حمل و نقل تاثیر مستقیم و به سزایی در افزایش قیمت تمام محصولات و کالاهای صنعتی خواهد داشت. این کارشناس اقتصادی ادامه داد: در حال حاضر بهانه رانندگان برای افزایش هزینه کرایه، مواردی همچون کمبود ماشین، کمبود لاستیک، افزایش قیمت روغن و قطعات بدکی است. البته رانندگان ماشین‌آلات معدنی نیز بابت افزایش هزینه کرایه‌هایشان تا حدودی حق دارند زیرا در این وضعیت بحرانی هیچ حمایتی از آن‌ها صورت نمی‌گیرد. مشکلات حمل و نقل مواد معدنی به صورت مستقیم بر روی صادرات آن سایه انداخته و شرایط را برای حضور در بازارهای بین‌المللی دشوار کرده است.

□ حمل مواد معدنی با ماشین‌آلات اختصاصی آسان می‌شود

در خشان اظهار کرد: برای بهبود وضعیت حمل و نقل بارهای معدنی نیاز به سرمایه‌گذاری‌های چشم‌گیر و بلندمدت است. این در حالی است که ماهیتا فراهم ساختن زیرساخت‌ها و ناوگان حمل و نقل، بسیار سرمایه‌بر است و توسعه این بخش بدون اتکاء به تامین سرمایه به روش‌های مختلف دولتی و غیردولتی امکان‌پذیر نیست. یکی از بزرگترین اقدامات در زمینه حمل مواد معدنی، عدم دریافت عوارض هنگام واردات ماشین‌آلات حمل و نقل است. در حال حاضر این حوزه احتیاج به تقویت شدن دارد و وارد کردن ماشین‌های حمل و نقل مواد معدنی یک امر ضروری محسوب می‌شود.

هزینه کرایه حمل مواد معدنی، سال گذشته در سه نوبت به ازای هر مرتبه ۳۰ درصد افزایش یافته است. افزایش هزینه‌ها در حوزه حمل مواد معدنی تاثیر مستقیمی در راندمان تولید مواد معدنی دارد و بدین صورت قیمت سایر کالاها و محصولات نیز افزایش می‌یابد. اگر افزایش تعرفه‌های حمل مواد معدنی با برنامه‌ریزی و به‌صورت منطقی صورت بگیرد، شاهد ضرر و زیان کمتری خواهیم بود. متاسفانه برنامه‌ریزی لازم در این زمینه وجود ندارد. به همین دلیل با افزایش ناگهانی کرایه‌ها تولیدکنندگان با چالش‌های اقتصادی و افزایش هزینه‌های تولید رو به رو می‌شوند. وی ادامه داد: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقلی بسیاری از معادن فرسوده شده‌اند. به دلیل تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی کشور اجازه ورود ماشین‌آلات جدید داده نمی‌شود. دستگاه‌های دست دوم نیز به سختی یافت می‌شود و اگر پیدا شوند با قیمت‌های بسیار بالایی وجود دارند که معدن‌دار متوسط از عهده خرید آن بر نمی‌آید. همچنین این ماشین‌آلات عمر مفید خود را پشت سر گذاشته‌اند و هزینه‌های نگهداری بالایی دارند. رانندگان در زمان حمل مواد معدنی ممکن است با مشکل خرابی، فرسودگی و ... رو به رو هستند، در نتیجه نمی‌توان از تمامی ماشین‌های حمل و نقل نهایت بهره را برد. در خشان اظهار کرد: روند حمل و نقل مواد معدنی در کشور از یک برنامه منسجم، علمی و مناسب برخوردار نیست. باتوجه به اینکه تمامی معادن کشور از تنوع و تعداد مواد معدنی بهره می‌برند؛ اما توجه چندانی به موضوع حمل و نقل این مواد ارزشمند و ارزش آفرین نشده است. معضل اصلی که اکنون معادن ایران را درگیر خود کرده است، مبحث حمل و نقل مواد معدنی است.

حمل و نقل مواد معدنی در ایران برخلاف سایر کشورهای پیشرفته، ریلی نیست و هزینه حمل و نقل ریلی حتی از حمل و نقل جاده‌ای نیز بیشتر است که این یک مانع بزرگ برای پیشرفت در این زمینه محسوب می‌شود. افزایش چندین‌باره هزینه حمل مواد معدنی باعث شده است که معدنکاران نتوانند برای فروش محصولات خود برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشند.

زیرا بعضی از مصرف‌کنندگان داخلی، مواد معدنی را در بازار کارخانه دریافت می‌کنند

و هزینه بالای حمل و نقل موجب کاهش سود معدنکار می‌شود.

در جاده‌های کشور خواهیم بود؛ این موضوع استهلاک جاده‌ها را تشدید می‌کند و هزینه تعمیر و نگهداری افزایش می‌یابد.

خطرات جاده‌ای و تصادفات تشدید سلامت انسان‌ها و مسافران جاده‌ای را تهدید می‌کند. در همین حال باتوجه به افزایش قابل توجه مصرف سوخت، از یک سو منابع کشور هدر می‌رود و هزینه قابل توجهی صرف تامین سوخت برای نقل و انتقال جاده‌ای می‌شود و از سوی دیگر، آلودگی هوا نیز تشدید خواهد شد. از مجموع موارد یادشده می‌توان این‌طور استنتاج کرد که وارد آوردن چنین فشاری به حمل جاده‌ای اشتباه است و باید در روند توسعه زیرساخت‌های کشور، تجدیدنظر اساسی شود.

وی گفت: باتوجه به اهداف توسعه‌ای صنعت فولاد و برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای تولید ۵۵ میلیون تن فولاد در این سال، انتظار می‌رود خطوط حمل و نقل ریلی در کشور تقویت شود. از ۲۵۰۰۰ کیلومتر خط ریلی مورد نیاز، تنها ۱۲۰۰۰ کیلومتر آن در طول سال‌های گذشته، احداث شده است. در همین حال، سرعت انتقال بار توسط خطوط حمل ریلی در ایران به مراتب پایین است. در کشورهای پیشرفته، حمل بار توسط ریل با سرعت ۷۰ کیلومتر بر ساعت انجام می‌شود، در حالی که این عدد در ایران به ۲۴ کیلومتر بر ساعت می‌رسد. همین سرعت پایین موجب می‌شود، ظرفیت حمل بار از این طریق کاهش یابد و بر هزینه‌های آن افزوده شود.

جدی گفت: باتوجه به تمام موارد یادشده توسعه زیرساخت‌های ریلی در کشور ضروری به نظر می‌رسد. دولت می‌تواند با ایجاد مشوق‌های گوناگون، زمینه جذب سرمایه را به این حوزه تسهیل کند. در حال حاضر، سرمایه‌گذاران و فعالان صنعتی در بخش‌های گوناگون همچون تولید فلزات و صنایع پتروشیمی از طریق برگزاری انجمن‌های تخصصی برای سرمایه‌گذاری در بخش لجستیک اعلام آمادگی کرده‌اند؛ اقدامی که از یک سو هزینه حمل و نقل آنها را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، ارتقای منافع کشور را به دنبال خواهد داشت، در نتیجه امید می‌رود دولت از این ظرفیت‌ها استقبال کند.

□ عدم توسعه صنعت ریلی

در ادامه عبدالناصر درخشان عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در مودر موضوع یاد شده اظهار کرد: معادن کشورمان از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد برخوردار هستند که به دلیل چالش‌های و مشکلات متعدد، آنچنان که باید جایگاه یابی نشده‌اند. بسیاری از محصولات و مواد معدنی حتی در سال‌های اخیر به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب حمل و نقل نتوانسته‌اند به مقاصد صادراتی دست پیدا کنند. یکی از مواردی که تاثیر گذاری به سزایی در راندمان تولید مواد معدنی و تولید دارد، هزینه‌های مربوط به حمل و نقل مواد معدنی است.

وی ادامه داد: در حال حاضر زیرساخت‌های حمل و نقل فعلی پاسخگوی نیازهای بخش معدن نبوده و تاکنون اقدام چشمگیری برای رفع این مشکل صورت نگرفته است. این در حالی است که بخش معادن طی سال‌های گذشته تا کنون از رونق و پیشرفت چشمگیری برخوردار بوده است. به گفته مسئولان امر جایگزین کردن حمل و نقل ریلی به جای حمل و نقل جاده‌ای، انتخاب بسیار خوبی است که موجب بهبود چشمگیر عملکرد حمل و نقلی خواهد شد. صنعت حمل و نقل از اهمیت ویژه‌ای در مسیر توسعه صنعتی برخوردار است. در همین حال، میان توسعه تولید در صنایع گوناگون و همچنین ارتقای عملکردی در صنعت لجستیک ارتباط مستقیمی وجود دارد. زیرساخت‌های حمل و نقل در کشور ما فرسوده و مقب‌مانده هستند.

وی افزود: به‌عنوان مثال، از کامیون‌های فرسوده در بخش حمل زمینی استفاده می‌شود. البته بخشی از این چالش و کمبود را باید ناشی از تحریم و محدودیت در روند واردات دانست. این محدودیت‌ها، ایمنی جاده‌ها را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد، تا جایی که در آینده‌ای نزدیک و با افزایش ظرفیت تولید در صنایع گوناگون و ارتقای سطح جابه‌جایی بار به چالشی جدی برای کشور بدل خواهد شد. در خشان گفت: البته محدودیت‌های یادشده در سایر ابعاد حمل و نقل نیز به چشم می‌خورد. حمل و نقل ریلی یکی از ابزارهای اصلی جابه‌جایی کالا در جهان به‌شمار می‌رود. با این وجود، این صنعت در ایران همچنان توسعه‌نیافته است. این در حالی است که انتظار می‌رفت حمل ریلی بیش از اینها در کشور مورد توجه قرار گیرد و برای توسعه آن تلاش شود، اما در حال حاضر و باتوجه به تمام محدودیت‌های یادشده شاهد افزایش قابل توجه بهای جابه‌جایی در بخش‌های گوناگون هستیم. همین موضوع نیز فشار مضاعفی را به تولید، صنعت، خدمات تجارت و حتی مردم تحمیل می‌کند.

□ مشکلات حمل و نقل ریلی در حمل مواد معدنی

نماینده مردم در مجلس یازدهم اظهار کرد: اصلی‌ترین موضوع مطرح در معادن، حمل مواد استخراجی است و بهترین روش در تمام دنیا حمل ریلی است. این موضوع برای بنگاه‌های کوچک شاید چندان عملی نباشد اما برای معادن بزرگ می‌تواند کارایی خوبی داشته باشد و در ایران هم مجموعه‌های بزرگی هستند که از این طریق کار می‌کنند. متاسفانه حمل و نقل ریلی در کشورمان نسبت به سایر کشورهای جهان از قیمت بالاتری برخوردار است. دلیل اصلی این



صمت سهم بخش معدن در اقتصاد را بررسی کرد:

زیر سایه نفت

بخش معدن مزیت شناخته شده اقتصاد است و ارتباط تنگاتنگی با صنعت فلزات اساسی همچون، فولاد، صنعت حمل و نقل و ارتباطات، ساخت ماشین‌آلات، صنایع شیمیایی، پتروشیمی، پروژه‌های عمرانی دارد. به گفته متخصصان بخش معدن، ایران در منطقه‌ای واقع شده که کشورهای اطراف آن مانند ترکیه، عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس با توجه به آهنگ رشد و توسعه اقتصادی به منابع معدنی نیاز دارند و این در حالی است که این کشورها از نظر ذخایر معدنی بسیار فقیر هستند، حتی این کشورها در صنایعی مانند فولاد سرمایه‌گذاری هم کرده‌اند، اما مواد اولیه آن‌ها وارداتی است و ایران می‌تواند منبع خوبی برای تأمین نیازهای این کشورها که به سرعت در حال افزایش است، محسوب شود.

به اعتقاد کارشناسان ایران، از نظر حجم ذخایر قطعی و بالقوه، وجود زیربنای مناسب، وجود بازار مناسب مصرف در ایران و کشورهای منطقه، قیمت مناسب انرژی، دسترسی به آب‌های آزاد و نیروی انسانی متخصص و تحصیلکرده بخش معدن به عنوان یکی از کشورهای بسیار شاخص برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ معدنی شناخته می‌شود و در یک جمله ایران در آینده بهشت سرمایه‌گذاری معدنی و دروازه معادن غرب آسیا شناخته خواهد شد.

شده‌اند؛ پتانسیل‌های بالای بخش معدن در ایران موجب شده است که این بخش جزء اولویت‌ها قرار گرفته و براساس ماده ۲ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به عنوان یکی از موضوعات محوری کشور مطرح گردید.

به کارگیری ظرفیت‌های بالقوه این بخش می‌تواند افزایش درآمد ملی را به دنبال داشته و در کاهش وابستگی کشور به درآمدهای نفتی مؤثر باشد همچنین با توجه به این که معادن، تأمین کننده مواد اولیه مورد نیاز بسیاری از صنایع هستند؛ وابستگی صنایع کشور به واردات مواد اولیه کاهش یافته و گامی در جهت خودکفایی صنعت کشور برداشته می‌شود.

نقش معدن در اقتصاد کشور منحصر به مشارکت در افزایش درآمد ملی و رشد اقتصادی نیست؛ بلکه این بخش می‌تواند سهم قابل توجهی در ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری و فقر در کشور داشته باشد. بخش معدن و صنایع معدنی نه تنها از طریق ایجاد اشتغال مستقیم در این بخش درآمد خانوارها را افزایش می‌دهد؛ بلکه به طور غیرمستقیم از طریق ارتباطات پسین و پیشین بخش معدن با سایر بخش‌های اقتصادی کشور از جمله بخش‌های حمل و نقل، صنعت، مسکن و صنایع غذایی و در نتیجه افزایش تولید و اشتغال این بخش‌ها، می‌تواند نقش مثبتی در افزایش درآمد خانوارها داشته باشد.

یکی دیگر از نقش‌های بخش معدن در اقتصاد مشارکت بخش معدن در درآمد دولت است. مالیات و حق بهره‌برداری دو منبع مهم درآمدی دولت از استخراج و تولید مواد معدنی است. مالیات بر صادرات و واردات مواد معدنی و مالیات بر درآمد شرکت‌های معدنی نیز از دیگر منابع درآمدی دولت در کشورهای فعال در زمینه تولید و استخراج مواد معدنی است. بنابراین، توسعه فعالیت‌های بخش معدن و صنایع معدنی می‌تواند یک منبع درآمدی پایدار برای دولت ایجاد کند.

لزوم سیاست‌گذاری صحیح جهت ارتقای معدن

با توجه به فرصت‌های نسبی موجود در بخش معدن و لزوم تنوع بخشیدن به اقتصاد کشور در جهت کاهش وابستگی به نفت و رشد صادرات غیرنفتی ارتقای جایگاه بخش معدن در اقتصاد کشور ضروری است سیاست‌گذاری صحیح جهت ارتقای معدن در اقتصاد کشور مستلزم شناخت جایگاه معدن در اقتصاد کشور است. این در صورتی است که ایران با ترم جهانی از ذخایر معدنی خود بهره‌برداری کند، می‌تواند چند برابر درآمدهای نفتی برای تأمین منابع در جهت توسعه و پیشرفت حاصل کند. ایران با وسعت یک میلیون ۶۲۸ هزار و ۷۵۰ کیلومتر مربع در رتبه هفدهم از لحاظ وسعت در بین کشورهای دنیا قرار دارد. کشور ما دارای قابلیت‌ها و منابع طبیعی متنوع، آب و هوا و اقلیم گوناگون است که قابلیت بهره‌گیری از آنها نیز در هر منطقه، بسته به شرایط آن منطقه وجود دارد.

براساس گزارش‌های بین‌المللی؛ «نفت، گاز، زغال‌سنگ، جنگل و چوب، طلا و نقره، مس، اورانیوم، آهن خام و فسفات» که همگی از منابع مهم جهانی هستند، به‌عنوان شاخص ثروت در نظر گرفته شده‌اند. با این رویکرد کشورهای «روسیه»، «آمریکا»، «عربستان»، «کانادا»، در رتبه‌های اول تا چهارم جهان و «ایران» با ۲۷/۳ تریلیون دلار از منابع زیرزمینی طبیعی در رتبه پنجم دنیا قرار می‌گیرد

براساس اکتشافات معدنی انجام‌شده در کشور، ایران در بین ۱۵ کشور معدنی دنیا قرار گرفته است. محصولات معدنی ایران با تنوع بالا شامل ۶۸ نوع ماده معدنی غیرنفتی است و ذخایر کشف‌شده به حدود ۲۷ میلیارد تن می‌رسد. همچنین برآوردها نشان می‌دهد که ذخایر بالقوه در

بنابیه گفته محققان، ایران از نظر ذخایر مس، سرب، روی، گنبد نمک (شامل ذخایر نمک، گچ، گوگرد، آهن، مس، اورانیوم)، دریاچه نمک (شامل ذخایر سولفات، سدیم، پتاس، منیزیم، لیتیوم)، ذخایر گچ، فولاد، آلومینیوم و سنگ‌های تزئینی در صدر برترین‌ها کشورهای جهان است و به گفته مسئولان، کشور ایران با توجه به ظرفیت معدنی از ۷۰ سال قبل اولین کشوری بود که تدریس رشته معدن و زمین‌شناسی را در بین کشورهای منطقه آغاز کرد و در زمان حاضر مهندس و تکنسین‌های بسیاری در رشته‌های معدن، متالورژی و کارشناس زمین‌شناسی تربیت کرده است، این در حالی است که در سایر کشورهای منطقه چنین ظرفیتی وجود ندارد. امروز نقش معدن در اقتصاد برای همه افراد کشور اعم از سیاستمداران و مدیران، کارشناسان اقتصادی، معدنی، صنعتی کاملاً روشن است، بخش معدن مزیت شناخته شده اقتصاد است و به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی کشور و حلقه ابتدای زنجیره بسیاری از تولیدات صنعتی است و ارتباط تنگاتنگی با صنعت فلزات اساسی همچون، فولاد، صنعت حمل و نقل و ارتباطات، ساخت ماشین‌آلات، صنایع شیمیایی، پتروشیمی، پروژه‌های عمرانی دارد.

توجه ویژه به معادن و بهره‌برداری اصولی از مواد معدنی علاوه بر اینکه می‌تواند بلندی در جهت توسعه همه جانبه استان و در نهایت کشور باشد می‌تواند در توسعه روستاهای همجوار معادن نیز باشد البته باید ساز و کاری تعریف شود که معادن سهم خود را در این خصوص پرداخت کند و در آبادانی روستاهای کنار خود مشارکت گسترده داشته باشند.

بررسی مولفه‌های رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد سهم ارتقای بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در رشد اقتصادی، غالباً چشمگیر بوده و گاه از سهم انباشت نهاده‌ها پیشی گرفته است. اقتصاددانان معتقدند که ارتقای بهره‌وری موجب رشد اقتصادی و بهبود سطح زندگی افراد جامعه را فراهم می‌آورد. بخش معدن یکی از بخش‌های مادر به شمار می‌آید و یکی از منابع عمده تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع کشور است؛ از طرفی دیگر اهمیتی فراوان در ایجاد اشتغال و نیز توسعه متعادل اقتصادی منطقه‌ای کشور دارد. تنوع مواد معدنی در ایران به بیش از ۶۲ نوع ماده معدنی بالغ می‌شود که در نوع خود کم نظیر است. ایران با بیش از ۵۵ میلیارد تن ذخایر قطعی مواد معدنی، جزء ۱۲ کشور اول ذخیره دار مواد معدنی دنیا است. تنوع زیاد و فراوانی ذخایر معدنی در ایران توان بالقوه زیادی برای اقتصاد کشور فراهم آورده است. عدم توجه به مسائلی چون تحلیل منابع رشد و شاخص‌هایی چون بهره‌وری شاید از حلقه‌های مفقوده در بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در بخش معدن باشد.

رشد اندک در ۵۰ سال گذشته

داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد که طی دوره زمانی ۱۳۴۹ - ۱۳۹۹، متوسط سهم نسبی بخش معدن از تولید ناخالص داخلی بسیار اندک و در حدود نیم درصد بوده است. البته روند زمانی سهم ارزش افزوده بخش معدن از تولید ناخالص داخلی گویای روند افزایشی آرام و تقریباً پایداری در این شاخص است؛ به طوری که در سال‌های اخیر به حدود ۱ درصد رسیده است. شناخت مزیت‌های نسبی مناطق مختلف و ایجاد زیر ساخت‌ها جهت هدایت صحیح سرمایه‌ها و منابع برای تولید ثروت و ارزش افزوده یکی از وظایف اصلی سیاست‌گذاران هر کشور از جمله ایران است؛ که جز در سایه شناخت دقیق پتانسیل‌های نقاط مختلف کشور در عرصه‌های گوناگون محقق نمی‌شود. ذخایر معدنی از جمله پتانسیل‌های موجود در ایران است که با تنوع بالا در عرصه‌های گوناگون جغرافیایی کشور گسترده





خدادادی می شود در کشور به رشد و پیشرفت دست یافت و نقشی تأثیرگذار در جامعه بین الملل ایفا کرد؛ لذا با توجه به وجود صنعت معدنکاری در ایران و بی تأثیری تحریم در این بخش، این پتانسیل وجود دارد که بخش معدنی تأثیر بالایی در رشد اقتصادی کشور داشته باشد و با تغییر رویکرد، اقتصاد نفتی کشور را به اقتصاد معدنی و صنایع مرتبط با آن تبدیل کرد که این موضوع مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز قرار گرفته و باید توجه بیشتری به آن شود.

بر اساس آمار سازمان جهانی کار، به ازای هر شغل مستقیم در بخش معدن ۱۷ موقعیت شغلی وابسته می تواند ایجاد شود؛ بنابراین باید اذعان کرد که تأثیر معدن بر رشد اقتصادی کشور به طور مستقیم و غیرمستقیم بسیار بیشتر از تأثیر تجارت و صنایع است؛ همچنین باید خاطر نشان ساخت با توجه به پراکندگی معادن در سراسر کشور و وجود این منابع در مناطق دورافتاده و محروم، اشتغال ایجادشده به واسطه فعالیت های معدنی از اهمیت ویژه تری برخوردار خواهد بود. امروزه مبنای قدرت اقتصادی در جهان، تولید ناخالص داخلی است. فهم درست و هوشمندانه از جریان های اقتصاد بین المللی و دانش اقتصاد بین المللی صنعت معدنکاری برای ما ضروری است. ایران با داشتن منابع غنی از ذخایر هیدروکربنی همراه با سایر اندیسهای معدنی در بین کشورهای منطقه از مزیت ویژه ای برای سرمایه گذاری برخوردار است؛ به طوری که حتی برخی از کارشناسان در دنیا، ایران را کشوری معدنی می دانند تا کشوری نفت خیز؛ از این رو نقش برنامه های توسعه ای و سیاست گذاری ها توسط دولت ها در بخش معدن و صنایع معدنی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

توانایی تامین منابع حتی چند برابر نفت

متأسفانه تاکنون علی رغم مزیت های خاص کشورمان در بخش معدن، حجم سرمایه گذاری های انجام شده در این بخش متناسب با ظرفیت و توانایی های این بخش نبوده و به جرأت می توان گفت طی ۵ دهه اخیر به دلیل وجود درآمد های نفتی در بودجه های سننوتی دولت ها، تاکنون مزیت اقتصاد معدنی در سرنوشت کشور ما به طور جدی دیده نشده است. ضمناً ایران یک درصد از ذخایر معدنی خود را بهره برداری می کند، در حالی که نرّم جهانی حدود ۵ درصد است.

در صورتی که ایران با نرم جهانی از ذخایر معدنی خود بهره برداری کند، می تواند چند برابر درآمدهای نفتی برای تامین منابع در جهت توسعه و پیشرفت حاصل کند، لذا با تحقق و در نظر گرفتن کل زنجیره پایین دستی مواد معدنی، سهم معدن در تولید ناخالص داخلی ایران تا ۲۰ درصد خواهد بود. با توجه به اولویت کشور در توسعه و اشتغال، بخش معدن و صنایع معدنی می تواند به عنوان یک پیشران در اقتصاد کشور به ایفای نقش بپردازد.

متأسفانه علی رغم اینکه در دولت فعلی و دولت های گذشته ژست فهم از بخش معدن و تلاش برای توسعه آن گرفته شده، اما بر اساس آمارهای موجود که در این گزارش هم مورد اشاره قرار گرفت، اقدامات بسیار اندکی در افزایش سطح و عمق اکتشاف، رفتن از خام فروشی به سمت فراوری مواد معدنی، توسعه اشتغال از این طریق به ویژه در مناطق محرومی که عمده معادن کشور در آن قرار گرفته است، بالا بردن سهم معدن در GDP کشور، توسعه ماشین آلات معدنی و دستگاه های حفاری به منظور استخراج و بهره وری بیشتر معادن و در نهایت توسعه کشور از این طریق صورت گرفته است.

کشور حدود ۶۰ میلیارد تن بوده و ارزش برآوردشده این ذخایر معدنی نیز معادل ۱۴۰۰ میلیارد دلار است و از طرفی صنعت معدن کاری در ایران دارای مزیت هایی از جمله ذخایر بالا، دسترسی به آب های آزاد، نیروی انسانی توانمند ارزان، قیمت پایین انرژی و... است.

یکی از موضوعاتی که اهمیت معدن و صنایع معدنی را بیش از پیش نمایان می کند، گردش مالی بخش معدن در جهان است، از ۸ هزار میلیارد دلار گردش مالی بخش صنعت دنیا در سال، ۲/۲ هزار میلیارد دلار آن (حدود ۳۰ درصد) مربوط به بخش معدن است. ارزیابی ها نشان می دهد که از ۱۸۰۸ میلیون تن فولاد در جهان سهم ایران ۲۴/۵ میلیون تن است. از ۷۳۰۰ میلیون تن تولید زغال سنگ در جهان سهم ایران حدود ۲ میلیون تن، از ۴۲۰۰ میلیون تن تولید سیمان در جهان سهم ایران برابر با ۵۳ میلیون تن، از ۲۲۰۰ میلیون تن تولید سنگ آهن در جهان، سهم ایران برابر با ۷۶ میلیون تن و از ۲۰/۵ میلیون تن تولید مس در جهان، سهم ایران حدود ۲۴/۰ میلیون تن است.

سهم ناچیز از تولید ناخالص داخلی

همچنین در بررسی های صورت گرفته سهم بخش معدن، از تولید ناخالص داخلی جهانی ۱/۵ درصد است و در بررسی های صورت گرفته در کشورهای مختلف سهم معدن از GDP سال ۲۰۱۷ در آفریقای جنوبی ۸ درصد، سهم شیلی ۱۰ درصد، سهم استرالیا ۶ درصد و سهم روسیه ۵/۸ درصد است، اما علی رغم قرار گرفتن ایران روی کمر بند مس، طلا و سنگ آهن دنیا، سهم معدن از اقتصاد ایران طی سال ۱۴۰۱ فقط عددی معادل ۰/۹ درصدی از GDP است. این در حالی است که سهم معدن از GDP کشور طی ۶۰ سال گذشته بیشتر از یک درصد نبوده است. در محاسبه سهم معدن از اقتصاد داخلی نمی توان فقط به دستاوردهای استخراج از معادن توجه داشت، بلکه باید یک زنجیره ارزش افزوده ای را در نظر گرفت. به طور مثال در سال ۲۰۱۵ در آمریکا به میزان ۸۰ میلیارد دلار ارزش مواد معدنی تامین شده است و در چرخه بعدی به ۶۳۰ میلیارد دلار رسیده، در صنایع پایین دستی نیز به ۲ هزار و ۴۰۰ میلیارد دلار رسیده و ۳۰ برابر شده است.

کشور ایران با توجه به شرایط خاص زمین شناسی در منطقه جغرافیایی خود در بخش میانی کمر بند کوه زایی آلپ هیمالیا قرار دارد که از باختر اروپا آغاز می شود و پس از گذر از ترکیه، ایران، افغانستان تا تبت و نزدیکی برمه و اندونزی ادامه دارد. قرار گیری در این کمر بند که مرز برخورد دو ابرقاره اصلی کره زمین بوده و ۱۵ درصد ذخایر این کمر بند شناخته شده دنیا را در خود جای داده، سبب گردیده تا ایران سرزمینی مستعد و از نظر توان معدنی پر استعداد باشد.

شواهدی از پتانسیل های مواد معدنی که مهمترین شاهد آنها وجود بیش از ۱۰ معدن فعال در رتبه جهانی است، وجود دارد، به عنوان مثال از ذخایر آهن می توان به ۵ معدن سنگ آهن سنگان، چادرملو، چغارت، گل گهر و هرمز، ذخایر بزرگ مس سرچشمه و سونگون، ذخایر سرب و روی مهدی آباد و انگوران، ذخایر طلای زرشوران و ساریگونی نام برد که همگی از جمله ذخایر معدنی بزرگ جهان محسوب می شوند. بیشترین میزان ذخایر فلزی کشور به ترتیب به استانهای کرمان، یزد، خراسان جنوبی و آذربایجان شرقی اختصاص دارد و مجموع ذخایر این چهار استان برابر با ۹۲ درصد از ذخایر کل کشور است. بخش معدن به عنوان مهم ترین موتور محرکه و پیشران اقتصاد و توسعه یافتگی در کشورهای معدن خیز از جمله ایران به شمار می رود و با این پتانسیل



در گزارش صمت درباره چشم انداز حوزه معدن در برنامه هفتم در مطرح شد

ضعف در سایه غفلت ۱۰۰ ساله

این روزها همچنان خبر بررسی برنامه هفتم توسعه از مجلس به گوش می‌رسد، اما نکته اینجاست که در بخش معدن هنوز سخنی از اصلاح موارد متناقض شنیده نمی‌شود. به‌عنوان مثال، در میان اهداف و اولویت‌های برنامه هفتم توسعه مواردی دیده می‌شود که به نظر ارتباطی طولی با همدیگر دارند و تحقق هر یک در گرو عملی شدن دیگری است و بندهای زیر از جمله این موارد است: «در نظر گرفتن رشد ۱۳ درصدی برای معدن» همزمان با تأکید بر «جلوگیری از خام‌فروشی»، «اجرای طرح‌های عظیم اقتصادی ملی، پیشران، زیرساختی، روزآمد و مبتنی بر آینده‌نگری» همزمان با تدوین «سند آمایش سرزمین» است یا «افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش» در حالی که پیش‌نیاز آن یعنی «حمایت حقوقی و قضایی از سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار» هنوز محقق نشده است. در گزارش امروز صمت از پیمان افضل، استاد دانشگاه و فعال معدنی و علی سلگی، کارشناس و فعال معدنی، خواستیم با توجه به ایراد وارد بر برنامه هفتم در حوزه معدن، چشم‌انداز خود را درباره تحقق برنامه‌های توسعه هفتم در بخش معدن بیان کنند.

معدن خوش درخشید

پیمان افضل، استاد دانشگاه و فعال معدنی: در برنامه‌های قبلی توسعه کشور به‌ویژه برنامه‌هایی که در زمان دولت‌های نهم و دهم نوشته شد، واژه معدن بیشتر از ۲ یا ۳ بار تکرار نشده بود و تو خود حدیث مفصل بخوان. وقتی در یک برنامه چند هزار صفحه‌ای تنها ۳ یا ۴ بار نامی از معدن برده می‌شود، روشن است که مسئولان و برنامه‌ریزان دیدگاه درستی درباره معدن ندارند. اما با تمام این کم‌لطفی‌هایی که به بخش معدن و صنایع معدنی شده، به‌عقیده من تاکنون این حوزه خوش درخشیده است. شاید یکی از ایرادهای مهم این است که در بسیاری از آمارها صنایع معدنی چون فولاد، سیمان و صنایع معدنی از این دست را از بخش معدن جدا کرده‌اند، در حالی که این بسته با هم معنا پیدا می‌کند.

جا یگانه شایسته

اگر در نظر بگیریم که نقش معدن بیش از یک تا ۳ درصد در تولید ناخالص داخلی است، باز هم این سوال وجود دارد که معدن با همه ظرفیت‌هایی که دارد، چرا نقش و جایگاه شایسته خود را به دست نیاورده است. پاسخ این است؛ همان طوری که پیش از این هم اشاره شد، معدن در سپهر فکری سیاست‌گذاران کشور آن نقش اساسی را هرگز نداشته و شاید تنها در چند سال اخیر این شرایط ایجاد شده که به واسطه افول نفت و به دلیل ظهور فناوری‌های نوبی، که بخش معدن را به شدت ارتقا داده، این بخش کم‌کم مورد توجه قرار گرفته است و شاید بتوان گفت در ۱۰ سال اخیر به‌مرور شاهد پررنگ‌تر شدن این توجه هستیم. به هر حال، با سیطره بخش نفت بر اقتصاد کشور و همین‌طور سیطره بخش‌هایی مانند کشاورزی، خودروسازی، مسکن، راه‌سازی و... در برنامه‌های توسعه کشور، بخش معدن را در حاشیه نگه داشتند و این اشتباه بزرگی بود که در برنامه‌های قبلی رخ داده بود.

دست‌انداز در مسیر

در صحبت‌های قبلی خودم بارها به این نکته اشاره کرده‌ام که همواره شعارهای خوبی مطرح می‌شود، اما نسواً اینجاست که دسترسی و تحقق این شعارها چگونه مقدور است. جلوگیری از خام‌فروشی حرف بسیار خوبی است، اما در کنار آن، ما باید مزیت نسبی خودمان را هم در بازارهای بین‌المللی بسنجیم. آیا برای ما مقرون به صرفه است که پالایشگاه ذوب مس و پالایشگاه مس کاتودی را در هر معدن بزرگ خود احداث کنیم یا اینکه ما اگر کنسانتره را به کشورهای همسایه‌ای بفرستیم که صاحب این کارخانجات هستند و دوباره از آنها تهیه کنیم، برای ما درآمد بیشتری خواهد داشت؛ بنابراین نیاز نیست در همه بخش‌های معدنی کشور تا انتهای زنجیره پیش برویم. بدون هیچ تردیدی، تبدیل ماده خام به کنسانتره امری کاملاً درست است، اما اینکه الزام وجود داشته باشد که در هر معدنی با هر ظرفیتی یک کارخانه فرآوری تأسیس بشود، نادرست است.

باید برای این موضوع فکری جدی و درست و همواره این نکته را مدنظر داشته باشیم که به‌خاطر فناوری‌های ضعیفی که در برنامه‌های پیشین مورد استفاده قرار گرفت و متأسفانه همچنان این روال ادامه دارد و میزان مصرف آب و انرژی به‌ویژه در صنایع پایین‌دستی و صنایع ذوب، هنوز بالاتر از استانداردهای جهانی است و در این زمینه، دچار مشکلات جدی هستیم. پس باید این نکته را مدنظر قرار دهیم که به‌شکل شعاری، با همه چیز بر خورد نکنیم. فناوری خود را ارتقا بدهیم و در کنار یک بررسی جامع اقتصادی لازم نیست تا همه جای کشور، کارخانجات ذوب و فولاد احداث کنیم و تا آخر زنجیره پیش برویم.

چالش فناوری

موضوعی که اهمیت فراوانی دارد، بحث توسعه فناوری و تلاش برای ارتقای کشور به



علی سلگی



پیمان افضل

فناوری نسل ۴ و آماده شدن برای بهره‌مندی از فناوری نسل ۵ است. تا هنگامی که ما از فناوری نسل ۲ و ۳ استفاده می‌کنیم، نمی‌توانیم بخش معدن و صنایع معدنی خودمان را در مسیر پیشرفت قرار دهیم. زمانی که هنوز ارتباطات بین‌المللی کشور دچار مشکل است و با قدرتمندترین کشورهای دنیا که صاحب فناوری برتر در حوزه معدنکاری هستند، هیچ‌گونه ارتباطی نداریم و نمی‌توانیم فناوری روز را وارد کشور کنیم، ماشین‌آلات و تجهیزات صنایع کشور را روزآمد کنیم و از بخش اکتشاف تا فرآوری و ذوب مزیت نسبی برای رقابت در بازار منطقه‌ای که رقابتی بسیار قوی داریم و رقابتی دیگری هم مانند عربستان پاد در میدان گذاشته‌اند، بازار منطقه‌ای را حفظ کنیم، بازار را از دست خواهیم داد که متأسفانه در برخی از بخش‌های سنگ‌های تزئینی این اتفاق برای ما رخ داده است. بنابراین برای رسیدن به رشد ۱۳ درصدی موضوع سیاسی از اصلاح سیاست‌های داخلی گرفته تا سیاست‌های خارجی مبتنی بر توسعه فناوری و ارتقای فناوری معادن و صنایع معدنی بسیار مهم است.

جبران عقب‌ماندگی

اگر با اصلاح سیاست‌های داخلی و خارجی این موارد و مشکلات فوق‌رانه نوعی مرتفع کنیم، جهش بزرگی در بخش معدن و صنایع معدنی خواهیم داشت، زیرا این حوزه مزیت نسبی کشور مادر بسیاری از امور پروژه‌ها و موارد است و ما می‌توانیم از آنها استفاده بسیار خوبی را داشته باشیم. حرف من پیش از این هم این بود که با اصلاح سیاست‌های کشور می‌توانیم ظرف ۱۰ سال حتی کره جنوبی را هم پشت‌سر بگذاریم. این اتفاق واقعاً شدنی است. اگر از دیدگاه قوانین داخلی و بین‌المللی، بهبود ارتباطات خارجی و بحث تصدی‌گری دولت مشکلات خود را حل کنیم و موضوعاتی که تبدیل به گره‌های کور سیاسی شده‌اند و در حوزه کارشناسی و اقتصادی محلی از اعراب ندارند، باز شوند، ایران کشور بسیار جذابی برای همه سرمایه‌گذاران و شرکت‌های بزرگ دنیا خواهد بود.

به‌عنوان مثال، ریوتینتوبی‌آی‌سی، آنگلو امریکن و بسیاری دیگر از ابرشرکت‌های معدنی بسیار علاقه‌مند هستند که در کشور ما فعالیت کنند. این شرکت‌ها در کشور ما سابقه فعالیت دارند و می‌دانند کانسراهایی که در ایران کشف کرده‌اند، به‌ذخایر زنده‌ای در کلاس جهانی تبدیل شده است و بخش خصوصی کشور ما هم در زمانی که درها تا حدودی باز بود، با این شرکت‌ها همکاری و



اکتشافی و معدنی شده است. این رشد تورمی بیش از نرم، پدیده پرخطری است، زیرا تورم موجود سود معدنکاری را به شدت کاهش می دهد و سرمایه گذاری در حوزه معدن را از محدوده اقتصادی بودن خارج می کند.

یعنی اینکه اگر تورم ها در حوزه معدنی به صورت انفجار گسیخته کنونی ادامه پیدا کند، متقاضی ثبت محدوده معدنی، با این قیمت های بسیار گزاف توجیه اقتصادی پیدا نمی کند. معمولاً IRR (میزان متوسط میزان بازده سالانه یک طرح تجاری) در کارهای معدنی بین ۲۵ تا ۴۵ درصد در نوسان است و اگر تکانه های افزایش نرخ به گونه ای باشد که ۲۰ یا ۳۰ درصد از این مقدار را کاهش دهد، معدنکاری سود خاصی نخواهد داشت و ریسک سرمایه گذاری فعالیت معدنی به ازای درآمدهای ۱۰ تا ۱۵ درصدی قابل توجیه نخواهد بود که می تواند بسیار آسیب زا باشد. بنابراین، لازم است در این زمینه هم دولت یا نهادهای نظارتی، اقدامات لازم را به عمل آورند یا سامانه هایی را برای این کار اختصاص دهند تا تورم، در بخش معدنکاری کنترل شود، در غیر این صورت باعث آسیب های جدی به حوزه معدنکاری وارد خواهد شد.

جهش ۴ برابری تاثیر بخش معدن در تولید ناخالص داخلی یعنی آن را از ۳ درصد به ۱۳ درصد جهش دهیم که در برنامه کوتاه مدت پنج ساله قطعاً امکان پذیر نیست. اساس جهش در حوزه معدنکاری با بهبود چند پارامتر امکان پذیر خواهد شد. اول این است که ما بتوانیم مدیریت و رهبری زنجیره معدنکاری را به شکلی پیش ببریم که در درجه اول زمانبر، هزینه بر و وقت گیر بودن آن را کنترل کنیم. چیزی که امروز در حال رخ دادن است، به شدت نادرست و در حد فاجعه است. به عبارت دیگر، اگر کسی می خواهد قدم در حوزه معدنکاری بگذارد، حداقل باید ماه ها برای دریافت مجوزهای مربوطه و کارهای اداری زمان صرف کند. به گمان من، یکی از مهم ترین اقداماتی است که باید در برنامه پنجم توسعه توجه ویژه ای به آن مبذول و موانع و مشکلات پیش روی آن مرتفع شود تا از اساس بستر سرمایه گذاری فراهم آید.

فرار سرمایه

دیگر اینکه، جالش سرمایه گذاری بسیار جدی است. پس باید تمهیداتی اندیشید که از سرمایه های داخلی به نحو فراگیری برای توسعه معدنکاری استفاده کرد. از سوی دیگر، جذب منابع مالی خارجی و سرمایه گذاران کشورهای دیگر ضروری است. حال که اقبال عمومی به سرمایه گذاری در حوزه معدن وجود دارد، باید آن را به حوزه معدن جذب و همین طور پلتفرمی ایجاد کرد که سرمایه گذاران خارجی را هم تشویق به حضور در این بخش کنیم. در حال حاضر حدود ۱۰ هزار معدن بلا تکلیف داریم که باید اینها وارد چرخه تولید بشوند، پس نیاز است که در این بخش سرمایه گذاری زیادی انجام گیرد.

اگر ما در شرایط فعلی برای راه اندازی هر معدن چیزی حدود ۳۰ الی ۴۰ میلیارد تومان هم در نظر بگیریم، عدد بسیار بزرگی برای راه اندازی این تعداد معدن را کد باید وارد حوزه معدن شود. این اعداد در قدم اول و در حوزه اکتشاف مورد نیاز است و به عبارت دیگر، چیزی حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ همت در حوزه اکتشاف برای راه اندازی این ۱۰ هزار محدوده معدنی لازم خواهد بود. بنابراین، بسیار خوشبینانه و ساده انگارانه خواهد بود، اگر فرض را بر این بگذاریم که می توانیم بدون چاراندیشی برای حل این معضلات، جهش های عظیمی در حوزه معدن به وجود آوریم. موضوع اول تسهیل معدنکاری از طریق مدیریت بهینه، صحیح و درست در حوزه معدنکاری و دیگر جذب سرمایه گذار خارجی به این حوزه است. اگر این دو مورد را بتوانیم به خوبی انجام دهیم، قطعاً شاهد تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه خواهیم بود. اما با توجه به شرایطی که در حال حاضر در حوزه معدنکاری وجود دارد، تحقق برنامه را در حدود ۵۰ الی ۶۰ درصد پیش بینی می کنم.

سخن پایانی

پیش از دستیابی به اهداف برنامه هفتم توسعه باید تکلیف کشور در برخی از حوزه ها، از جمله مسائل خارجی روشن شود و وقتی تکلیف روشن شد، آنگاه می توان براساس همین شرایط برنامه ریزی کرد تا اهداف آرمان گرایانه و رویایی نباشد.

به پیشرفت هایی دست پیدا کرد. در واقع، این ظرفیت در ایران ما وجود دارد و به یقین جای کار زیادی وجود دارد و ما باید این را هم در نظر داشته باشیم که کشور ما دارای مزیت های نسبی قابل توجهی است که بسیاری فاقد آن هستند. به عنوان مثال، جاده سازی گسترده ای که در کشور ما انجام شده، دسترسی به بسیاری از محدوده های معدنی را آسان کرده است. گستردگی شبکه توزیع برق گاز و انرژی از ویژگی هایی است که نباید از آن غفلت کرد. به گمان من، مشکل توسعه ایران در همه بخش ها از جمله معدن، وجود دارد و در مواردی ناشی از سیاست های نادرست داخلی و خارجی است که اگر این مسائل رفع شوند، معادن ایران به راحتی شکوفا خواهد شد، به ویژه در بخش معدن که ظرفیت های ارزشمندی دارد.

دوشادوش نفت

علی سلگی، کارشناس و فعال معدنی: با توجه به اینکه ایران در ۱۰۰ سال گذشته همواره به درآمدهای نفتی متکی بوده و همواره این ماده به عنوان منبع اصلی درآمد کشور در نظر گرفته شده و میزان درآمدهای حاصل از نفت و مشتقات نفتی هم فراوان بوده است، بنابراین در طول زمان سایر وجوه اقتصادی کشور از جمله بخش صنعتی، کشاورزی و معدنی مورد توجه چندانی قرار نگرفته اند و دلیل اصلی آن هم، این بوده که نفت همواره توانسته است نیازهای کلان کشور را برطرف کند. بنابراین، یکی اصلی ترین پارامترهای تاثیر اندک یک تا ۳ درصدی معدن در تولید ناخالص داخلی وجود نفت در کشور است و برای همین، به جز در ۲۰ سال اخیر که کشورها بر نامه های توسعه معدن هم داشته است تا پیش از این هیچ گاه اکتشافات در حوزه غیر از نفت اهمیت خاصی نداشته است. بنابراین، خارجی ها عمده اکتشافاتی را که در کشور انجام شده، بر عهده داشته و دیگر اینکه، فقط ذخایر بزرگ و بسیار مهم طرف توجه قرار گرفته اند. بنابراین به نظر من، بی توجهی و نداشتن برنامه ریزی و هدف و استراتژی در ۱۰۰ سال گذشته به اینجاست رسیده است که امروز، شاهد رشد یک تا ۳ درصدی تولید ناخالص داخلی از محل منابع معدنی باشیم.

خام یا فرآوری شده؟

خام فروشی یکی از روش های تامین درآمدهای حاصل از معدنکاری محسوب می شود. کشوری که ماده اولیه معدنی خود را به صورت خام نمی فروشد، هر چند از یک منبع درآمد محروم می شود، اما ماده معدنی از بین نمی رود، بلکه وارد زنجیره تولید می شود و ارزش افزوده بیشتری خلق می کند و محصول نهایی صادر می شود.

پس وقتی مازاد تولید معدنی وجود داشته باشد، مازاد تولید ماده خام است و اگر امکان صادرات نداشته باشد، به طبع در زنجیره تولید داخلی وارد می شود و ارزش افزوده بیشتری خلق خواهد کرد. بنابراین، این سیاست می تواند باعث افزایش درآمدهای حاصل از معدنکاری شود، اما در عین حال می تواند آسیب دیگری هم ایجاد کند.

حضور در هر دو جبهه

نکته اینجاست که بازارهای بین المللی فقط خریدار محصول نهایی نیستند و بهترین نوع دادوستد، فروش بخشی از ماده خام به همراه محصولات تولیدی است. یعنی فعال صادراتی باید در هر دو بازار حضور داشته باشد و در هر دو زمینه فعالیت کند. به عقیده من، اگر در صدی فروش ماده معدنی به صورت خام هم در پروتکل ها و برنامه های تجاری وجود داشته باشد، این کار باعث توفیق بیشتر در کسب درآمدهای نهایی حاصل از معدنکاری می شود، اما تمرکز باید بر استفاده از مواد خام در صنایع داخلی باشد و توسعه زنجیره ارزش که می تواند باعث درآمد بیشتر کشور در نتیجه افزایش زنجیره ارزش شود.

تقاضای کاذب

در طول یکی دو سال اخیر، همه ای از سوی علاقه مندان معدنکاری در کشور رخ داده و تقاضاهای زیادی برای کار در حوزه معدن ایجاد شده که برخی از این تقاضاها، کاذب و برخی دیگر واقعی است. به عبارت ساده تر، بسیاری از شرکتهای که حوزه فعالیت تخصصی شان معدن هم نیست، علاقه مند هستند که در حوزه های معدنی هم فعالیت کنند و همین افزایش تقاضا، باعث رشد نرخ محدوده های





شرکت اکتشاف معادن و صنایع غدیر



این شرکت در سال ۱۳۹۳ با هدف تنوع بخشی به سبد سرمایه گذاری هلدینگ صنعت و معدن غدیر تامین پایدار مواد معدنی صنایع پایین دستی و تکمیل زنجیره ارزش آن هلدینگ، تاسیس شد. شرکت اکتشاف معادن و صنایع غدیر نمونه ای درخشان از توانمندی و خودباوری ملی ایران است و به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای نظام مقدس جمهوری اسلامی، نه تنها در تقویت ایران عزیز در عرصه های ملی و بین المللی نقش محوری ایفا نموده، بلکه به نمادی از ابتکار در حوزه اکتشاف معادن تبدیل شده است مبنای تاسیس، اندیشه ای برای تعالی و پیشرفت بوده که در راستای تامین استقلال کشور شکل گرفته و توسعه پایدار را دنبال کرده است.





GMEX

GHADIR MINES EXPLORATION
& INDUSTRIES CO.



این شرکت با ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم برای هزاران نفر، نه تنها موتور محرکه اقتصاد کشور در زمینه معادن بوده، بلکه در رونق صنعتی و رشد اقتصادی ایران نیز نقش اساسی داشته است و با دستاوردهای قابل توجه در حوزه های تولید و پایدار سازی کسب و کار بهبود شاخص های کلان اقتصادی از طریق ایجاد اشتغال و رفع نیازهای داخلی، نقشی تعیین کننده در پیشرفت و آبادانی کشور بر عهده داشته است. شرکت غدیر با تمرکز بر توسعه سرمایه های انسانی تبدیل شدن به صنعت سبز در معادن، تمرکز بر نوآوری و فناوری های نوین، بهره برداری حداکثری از ظرفیت های تولید و توسعه کمی و کیفی متوازن، رویکردی تحول گرا را دنبال میکند.

**سالی که گذشت ، پایه های آینده ای سبز و خجسته را رقم زده ایم
و با امید به افق های باز و سراسر پر ثمر و نیک بختی سال نو را آغاز می کنیم**

WWW.gmining.ir
info@gmining.ir

تهران - انتهای خیابان اشرفی اصفهانی - خیابان سیمون بولیوار
پلاک ۲۱ خیابان شهید زارع - کوچه ۲۳ ۰۲۱-۷۵۴۷۳۰۰۰



شرکت سرمایه‌گذاری
مسکن شمال غرب
(سهامی عام)

شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب ارائه دهنده الگوی سکونتی معاصر



یکی از این شرکت‌هاست. شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب در سال ۱۳۷۰، ابتدا به صورت شعبه، جهت تحت پوشش قرار دادن استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، با مرکزیت تبریز، تاسیس گردید و از اوایل سال ۱۳۸۵ فعالیت خود را به صورت یکی از شرکت‌های تابعه شرکت سرمایه‌گذاری مسکن (هلدینگ) و با نام شرکت سرمایه‌گذاری مسکن آذربایجان (سهامی خاص) ادامه داده است.

شرکت سرمایه‌گذاری مسکن از بدو تاسیس در جهت گسترش فعالیت‌های خود به اقصی نقاط کشور، نسبت به ایجاد شعب و نمایندگی‌ها در سراسر کشور اقدام نموده است، که این شعب و نمایندگی‌ها در راستای برنامه تحول استراتژیک شرکت و تبدیل آن به شرکتی با ساز و کار «هلدینگ» از سال ۱۳۸۵ به تدریج تبدیل به شرکت‌های مستقل گردیده‌اند که شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب (سهامی عام)

آخرین سرمایه‌گذاری مسکن آذربایجان (سهامی خاص) در سال ۱۳۹۱ با تغییر نام به شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب (سهامی خاص) ادامه فعالیت داشته و از سال ۱۳۹۱ به همت پرسنل صدیق خود و با فعالیت در بورس به صورت سهامی عام با نام شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب (سهامی عام)، نسبت به اجرای پروژه‌های گوناگون در شمال غرب کشور عزیزمان ایران، اعم از استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان اقدام نموده است.

این شرکت از اوایل سال ۱۳۹۰ با تغییر نام به شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب (سهامی خاص) ادامه فعالیت داشته و از سال ۱۳۹۱ به همت پرسنل صدیق خود و با فعالیت در بورس به صورت سهامی عام با نام شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب (سهامی عام)، نسبت به اجرای پروژه‌های گوناگون در شمال غرب کشور عزیزمان ایران، اعم از استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان اقدام نموده است.

شرکت گروه سرمایه‌گذاری مسکن، از بزرگ‌ترین فعالان صنعت ساختمان و انبوه‌سازی در کشور است که در ششم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۹ تاسیس شد. فعالیت‌های شرکت در زمینه‌هایی چون ساخت مجتمع‌های مسکونی، تجاری، اداری و آموزشی و نیز ساخت آزاد راه، خطوط انتقال آب و آماده‌سازی زمین متمرکز شده است. این شرکت از ابتدای تاسیس تاکنون، عملیات اجرایی حدود ۶۵ هزار واحد مسکونی در قالب حدود ۴۴۸ پروژه را برعهده داشته است که بالغ بر ۵۰ هزار واحد آن به بهره‌برداری رسیده است.

در حال حاضر فعالیت‌های گروه سرمایه‌گذاری مسکن در قالب ۱۵ شرکت تابعه ادامه دارد که در ۲۸ استان و ۳۶ شهر کشور، گسترده شده‌اند. همچنین شرکت در سال ۱۳۸۲ به عنوان شرکت سهامی عام وارد بازار بورس شده و سهام ۷ شرکت زیر مجموعه نیز طی چند سال اخیر در بازار سرمایه ایران پذیرفته شده‌اند.

مطلوبی بررسی می‌شود. شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب، ارائه دهنده الگوی

در حال حاضر فعالیت‌های گروه سرمایه‌گذاری مسکن در قالب ۱۵ شرکت تابعه ادامه دارد که در ۲۸ استان و ۳۶ شهر کشور، گسترده شده‌اند. همچنین شرکت در سال ۱۳۸۲ به عنوان شرکت سهامی عام وارد بازار بورس شده و سهام ۷ شرکت زیر مجموعه نیز طی چند سال اخیر در بازار سرمایه ایران پذیرفته شده‌اند.





سکونت معاصر در پروژه‌های خود است و روی این موضوع بسیار تاکید دارد. با توجه به اتفاقاتی که در فرآیند ساخت واحدهای مسکونی در چهار دهه گذشته رخ داده، شرکت به دنبال این است که معاصریت را وارد طراحی و معماری پروژه‌ها کند و با پرداختن به مفهوم «خانه» و مفهوم «معماری» که جزو مفاهیم بنیادی عرصه فعالیت شرکت است، بتواند الگوی سکونتی مطابق با فضای معاصر را تعریف کند و در پروژه‌های خود این موضوع را به طور جدی پیگیری می‌کند.

در کنار این موضوع، توازن سبب تولیدی در حوزه پروژه‌های ساخت‌وساز و طراحی، برای ۲۳۰۴ واحد مسکونی در نظر گرفته شده است که با توجه به دو پارامتر مهم افزایش کیفیت زندگی شهروندان و ایجاد حس تعلق مکانی در مجتمع‌های زیستی در دست اجراست، که رویکردها برای سال آتی نیز ادامه این روند تا ۴۵۰۰ واحد مسکونی است.

در حال حاضر با چه چالش‌ها و مشکلاتی مواجه هستید؟

با توجه به شرایط ویژه اقتصادی که بر محدوده زمانی فعلی حاکم است، قاعدتا افزایش نرخ نهادهای ساختمانی جزو چالش‌های اساسی است که پیش روی شرکت قرار دارد و ریسک‌های مربوط به این مسئله در حال بررسی است. با توجه به امکان بروز رکود بر فضای فروش مسکن در سال جدید، برای مقابله با این ریسک پیش‌بینی‌های موردنظر انجام شده و در حال بررسی و تهیه برنامه در این خصوص هستیم.

شرکت سرمایه‌گذاری شمال غرب در حال حاضر مشغول ساخت چه پروژه‌هایی است و تاکنون تا چه حد رشد داشته است؟

شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب تاکنون بالغ بر ۱۱ هزار واحد مسکونی ساخته و تحویل متقاضیان داده است. همچنین در حال حاضر در سبب تولیدی ما پروژه «ناویا تبریز» با تعداد ۱۳۷۷ واحد مسکونی در حال اجرا است، که در فاز اول آن (مشتمل ۵۸۱ واحد مسکونی) که حدود ۴۲ درصد کل پروژه را شامل می‌شود، شاهد پیشرفت فیزیکی در حدود ۲۰ درصدی هستیم. همچنین پروژه لاله زنجان را با ناخالص ۸۴۴۶ متر مربع در دست اقدام داریم که حدوداً ۳۵ درصد آن تکمیل شده است.

«مرکز مالی بورس زنجان» نیز یک پروژه مشارکتی با سازمان بورس است که عملیات اجرایی آن در امسال انجام گرفته و گودبرداری آن تکمیل شده است. پروژه مسکونی «ایران» در شهر جدید سهند تبریز نیز با هدف‌گذاری ساخت ۵۴۴ واحد مسکونی در فاز اول در حال پیگیری است.

علاوه بر این موارد پروژه «هوگر اردبیل» را با حدود ۶۰۰ واحد مسکونی در دست احداث داریم که در فاز اول ۱۶۳ واحد آن در قالب شش بلوک در حال اجراست. در تبریز نیز سه پروژه در حال اتمام مطالعات طراحی است که جزییات آن در آینده نزدیک منتشر می‌شود.

با این میزان از فعالیت‌هایی که شرکت سرمایه‌گذاری شمال غرب در حوزه ساخت‌وساز و کمک به تولید مسکن داشته است، حتماً قدم‌هایی در خصوص اشتغال‌زایی نیز برداشته است. کارنامه شرکت در این مورد چطور بوده است؟

همین‌طور است. افزایش تولیدی که در این چندساله شاهدش بودیم منجر به اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم در بخش ساختمان شده، که اعداد و ارقام متفاوتی به ازای هر مترمربع از ساخت‌وساز را شامل می‌شود. از این رو نمی‌توانیم به طور دقیق بگوییم که تا الان چه تعداد اشتغال‌زایی انجام گردیده است؛ اما نکته مهمی که در این رابطه وجود دارد، بحث اشتغال‌زایی در آینده است که همانند گذشته روند توسعه‌ای بسیار خوبی را در این مورد نیز برآورد می‌کنیم.

ساخت‌وساز ابعاد گسترده‌ای دارد و شامل مراحل مختلفی نظیر مهندسی، طراحی، ایمنی، معماری و... می‌شود. آیا شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب با اتکا به پرسنل خود تمام این اقدامات را انجام می‌دهد، یا از نیروهای پیمانکاری و متخصص بیرونی هم استفاده می‌کند؟

ما اساساً به کل دامنه چرخه حیات پروژه‌ها ورود می‌کنیم. اخیراً هم در حوزه بهره‌برداری به صورت پایلوت بر روی دو پروژه در حال فعالیت هستیم تا آسیب‌هایی که در این حوزه وجود دارد را شناسایی و رفع کنیم. به واسطه این اقدام می‌توانیم با نظر کارشناسی، به موضوع نگهداشت اصولی ساختمان و به تبع آن افزایش عمر مفید ورود کنیم. در بخش‌های پشتیبانی طراحی، ظرفیت شرکت‌های مهندسی مشاور، حوزه فناوری‌های نوین و ارتباط صنعت و دانش نیز برنامه‌هایی در درس اجراست که در نخستین فرصت جزییاتش در سایت شرکت اطلاع‌رسانی خواهد شد.

تاکنون در خصوص پروژه نهضت ملی مسکن با دولت همکاری داشته‌اید؟

خیر. بیشتر پروژه‌های ما به صورت سرمایه‌گذاری از طرف خود شرکت انجام می‌گیرد. البته گزینه‌های مربوط به طرح نهضت ملی مسکن نیز در شرکت مطرح می‌شود که تا کنون پیگیری‌های ما در مورد اخذ زمین به نتیجه مطلوبی نرسیده و توفیقی در این زمینه نداشته‌ایم. زمین‌هایی که خصوصاً در شهر جدید سهند برای ما معین شده بود دارای معارض بود که هنوز هم رفع نشده‌اند تا ما بتوانیم ورود پیدا کنیم.

عمده منابع مالی شرکت شما برای پیشبرد اهدافتان از چه منابعی تامین می‌شود؟ آیا از تسهیلات بانکی ویژه‌ای بهره‌مند هستید؟

عمده منابع مالی ما از سه بخش تامین می‌شود که یکی از آنها بخش «منابع حاصل از پیش فروش» است که مطابق با آئین‌نامه‌ها و ضوابطی که از طرف شرکت هلدینگ به ما ابلاغ می‌شود، صورت می‌گیرد. بخش دوم استفاده از «ظرفیت تسهیلات بانک مسکن» است که عمدتاً تمام پروژه‌های ما تسهیلات مشارکت مدنی از طرف بانک مسکن دریافت می‌کنند و تعامل سازنده‌ای در این مورد وجود دارد. بخش سوم هم به «اعتبارات داخلی» خود شرکت برمی‌گردد.

متراژ واحدهای در دست ساخت شرکت شما با چه معیارهایی تعیین می‌شود و چه برنامه‌هایی برای ارتقاء رفاه ساکنان این واحدها دارید؟

در مورد تمام پروژه‌هایی که وارد سبب تولید شرکت می‌شوند، مطالعات امکان‌سنجی در دوی بخش فنی و اقتصادی صورت می‌گیرد. لذا در بخش فنی و با توجه به محل احداث پروژه و محدوده جغرافیایی آن، سبب متراژ و سطح برخورد با برنامه‌ریزی کاربری پروژه تعریف می‌شود و متناسب با آن طراحی می‌گردد.

در بخش اقتصادی نیز بازدهی اقتصادی شرکت و سهامداران مد نظر قرار می‌گیرد و در کمیسیون سرمایه‌گذاری هلدینگ شرکت، مطرح و مصوب می‌شود. ما، در شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب، با توجه به تعریف



□ در زمینه استفاده از فناوری‌های نوین صنعت ساختمان در پروژه‌های شرکت چه اقداماتی صورت گرفته است؟

شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب در زمینه استفاده از ظرفیت دانش‌بنیان‌ها جهت تولید و به کارگیری مصالح ساختمانی با مشخصه‌های فنی و کیفی بالاتر، در حال انجام مطالعات مستمری است؛ بنابراین این شرکت در حوزه استفاده از مصالح روز با هدف رعایت مسائل مربوط به پایداری، کاهش مصرف انرژی و افزایش تاب‌آوری در ساختمان، پیشرو است.

باید در نظر داشت که موضوع فناوری‌های نوین ساختمانی طیف وسیعی را شامل می‌شود. ما در حوزه مجتمع‌های مسکونی و پروژه‌های با عملکرد مسکونی، از شاخصه‌های کیفی مصالح با مشخصات بالا استفاده می‌کنیم. در حوزه فناوری، شرکت در عرصه‌های مختلف از جمله پایدارسازی، سازه و تاسیسات ورود جدی داشته و از آخرین متدها و شیوه‌هایی که در کشور اجرایی شده، استفاده می‌کنیم و به دنبال ارتقای کمی و کیفی ساخته‌ها در تمامی زمینه‌ها هستیم.

□ چند وقتی است که از ورود چینی‌ها برای سرمایه‌گذاری و ساخت‌وساز در کشور صحبت می‌شود. با توجه به توان شرکت‌ها و مهندسان داخلی با این موضوع موافق هستید؟

با توجه به مطالعات و تجربیات ۱۵ سال‌های که اینجانب در این مورد دارم، ظرفیت شرکت‌های داخلی که در حوزه ساخت‌وساز مشغول فعالیت هستند قابل اتکا بوده و اگر از لحاظ مجوزها، مقررات، تسهیلات بانکی، انتقال فناوری، واردات تجهیزات و... دست شرکت‌های داخلی بازرتر شود، ظرفیت خوبی برای تولید و ساخت‌وساز در کشور فراهم می‌شود. موضوع تاب‌آوری ساختمان‌ها در برابر سوانح طبیعی جزو مسائل اساسی است

الگوی سکونتی معاصر و تعریف سبک زندگی که موثر بر طراحی و نوع پروژه است، مطالعات جامعی داریم و شرکت ما در این حوزه بسیار خوش‌نام است. به تبع آن مطالعات، امکانات رفاهی مناسب چه در داخل واحدها و چه در فضاهای رفاهی مشاعی، در پروژه‌ها برای ساکنان مد نظر قرار داده می‌شود.

نگرش شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب در طراحی مسکونی، به صورت عملکردی است؛ یعنی این موضوع به این شکل دنبال می‌شود که واحد مسکونی، پاسخگوی عملکردهای مورد نیاز و انتظار فعلی و آتی ساکنان آن باشد و بتواند افزایش کیفیت زندگی و ایجاد حس تعلق مکانی را رقم بزند. البته در بحث عملکرد، شاخصه‌های معماری ایرانی - اسلامی را نیز لحاظ می‌کنیم. چون عمده شاخصه‌های معماری ایرانی و اسلامی، ناشی از پاسخگویی درست به عملکرد مورد نیاز ساکنان «خانه» بوده، که با به روز رسانی آنها و اعمال پارامتر معاصریت، می‌توان در راستای ارائه یک الگوی سکونتی معاصر تاثیرگذار اقدام کرد.

با توجه به اینکه مدیریت شهری کلان شهرهای ما از عدم توسعه متوازن در محدوده شهرها رنج می‌برد، شرکت با تعریف پروژه‌های توسعه محور و ایجاد جایگاه برای خود به عنوان یک شرکت developer (توسعه‌گر) به معنای واقعی، در صدد تعریف پروژه‌هایی است که بتواند نسبت به توسعه محدوده آن پروژه اثرگذار باشد و در داخل آن بافت، ارتقای شاخصه‌های کیفی زندگی را رقم بزند. نظر به اینکه جای شرکت‌های developer فضای کسب و کار در حوزه ساخت‌وساز کشور بسیار خالی است، شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب می‌تواند این نقش را به خوبی در حوزه توسعه گری ایفا کند. از همین منظر است که تمام پروژه‌های ما در محدوده شهری احداث می‌شود و از بابت امکانات و دسترسی مشکلی نداریم.

برج‌های مسکونی ناویا



مجتمع تجاری - مسکونی هوگر اردبیل





تعریف الگوی سکونت یک موضوع مغفول است که در ابتدا به آن اشاره کردم؛ اما این الگوی سکونتی در محدوده جغرافیای ما می‌تواند متنوع باشد. شاید مسکن اقتصادی و ۲۵ متری که طرح آن چند ماهی است مطرح شده با توجه نوع کاربری و شرایط موجود در شهر تهران قابل توجه باشد؛ اما ممکن است همین طرح در مناطق مختلف جغرافیایی سطح کشور، با توجه به شرایط زندگی، الگوهای اقلیمی، زیست‌محیطی و اجتماعی - جغرافیایی متفاوت باشد و ما نمی‌توانیم نسخه کاملی که بتواند همه نیازهای مسکن سطح کشور را پوشش دهد تعریف کنیم. ما باید این تنوع را بپذیریم و نوع برخوردمان را با حفظ ملاحظات هر منطقه، منطبق کنیم.

یکی از مشکلات تولیدکنندگان و سازندگان مسکن در شرایط کنونی این است که به دلیل جهش نرخ مسکن در سال‌های اخیر، متقاضیان توان خرید مسکن ندارند و به همین دلیل بسیاری از این سازندگان انگیزه شروع پروژه‌های جدید و ادامه فعالیت در بخش ساخت‌وساز را ندارند. شما برای مقابله با این مسئله چه برنامه‌ای دارید؟

شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب در قالب طرح‌های مشارکتی با بانک مسکن فعالیت‌هایی در زمینه جذب تسهیلات در پروژه‌های خود دارد؛ یک بخش هرچند کوچکی از هزینه‌ها از طریق اخذ وام و انتقال آن به خریداران انجام می‌شود. شرکت گروه سرمایه‌گذاری مسکن هم در سال‌های اخیر از ابزار جدید اوراق سلف موازی مسکن رونمایی کرده است که کارهای اجرایی آن را انجام داده و در حال اجرایی شدن است. این طرح که از دیدگاه عامه، مربوط به فروش متری زمین از طریق بازار سرمایه است، اگر مراحل نهایی اجرایی شدن خود را طی و وارد فاز اجرایی شود، می‌تواند نقش بسزایی در جهت افزایش توان خرید مصرف‌کنندگان ایفا کند که به محض اجرایی شدن، اطلاع‌رسانی خواهد شد.

به وابستگی آن به موضوع جغرافیای احداث است که ما همواره در تعریف پروژه‌های خود مدنظر قرار می‌دهیم. شرکت ما از بدو فعالیت، خود را مجاب دانسته که کلیه آیین‌نامه‌ها، ضوابط و مقررات ساخت‌وساز را در قالب مقررات ملی ساختمان، اجرایی و تمامی پارامترهای آن را در پروژه‌های خود لحاظ کند.

به طور عمده در فضای کنونی در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت، افزایش عمر مفید ساختمان نیز جزو برنامه‌های شرکت سرمایه‌گذاری مسکن شمال غرب مطرح شده و طی برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، چشم‌انداز عمر مفید ۱۰۰ ساله برای واحدهای مسکونی پیش‌بینی شده است، که تقریباً چهار برابر عمر مفید ساختمان‌های موجود در ایران در مقطع کنونی است؛ بنابراین در پارامترهای طراحی، قوانین و ضوابط ضرایب اطمینانی که در مراحل طراحی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در پروژه‌های ما این هدف‌گذاری صورت گرفته است. در عین حال مراتب تضمین کیفیت و کنترل کیفی نیز طی فرآیندهایی که از قبل و پیش‌تر در شرکت تعریف و اجرایی شده، در حال پیگیری و اجراست.

اما موضوع بسیار مهم‌تر در رابطه با ورود شرکت‌های خارجی این است که با توجه به شرایط جغرافیایی و اقلیمی و اجتماعی منحصر بفرد ایران و تنوع اقلیمی کشور و همچنین شرایط لرزه خیزی مناطق مختلف، نیازمند تحقیق و انجام مطالعات بیشتر در حوزه سیستم‌ها و فناوری‌ها در فرآیند خرید خدمات و بومی‌سازی کارشناسی هستیم.

برخی از کارشناسان ادعا می‌کنند که دولت در ساخت‌وساز با بخش خصوصی کمی جبهه‌گیری می‌کند؛ دقیقاً همان اتفاقی که با ایده ساخت مسکن اقتصادی در حال رخ دادن است. شما هم چنین موضعی را احساس کرده‌اید؟

برج‌های مسکونی ناویا



ساختمان مالی (بورس زنجان)



مجتمع تجاری - مسکونی هوگر اردبیل





افزایش سرمایه ده هزار و ۷۰۰ میلیارد تومانی «ومعدان» به تصویب رسید

ارزش برجای ۷۵۰ میلیون دلاری

ناشی از اکتشافات

شرکت سرمایه‌گذاری
توسعه معدان و فلزات

مجمع عمومی فوق العاده شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معدان و فلزات (ومعدان) با حضور ۸۰.۳۳ درصد سهامداران، ساعت ۹ صبح امروز، چهارشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۲، در محل هتل لاله تهران برگزار شد. در این مجمع افزایش سرمایه شرکت از ۱۹۲۴۲۸ میلیارد ریال تا ۳۰۰۰۰۰ میلیارد ریال و به میزان ۱۰۷۵۷۲ میلیارد ریال، معادل ۵۶ درصد، از محل سود انباشته به تصویب رسید. هدف از این افزایش سرمایه جبران مخارج انجام شده (مشارکت) در افزایش سرمایه شرکت‌های سرمایه‌پذیر و اصلاح ساختار مالی عنوان شد.

مدیرعامل «ومعدان» ادامه داد: هفت پروژه از چهل‌وهشت پروژه پیش‌برنامه پیشرفت ایران، با راهبری مستقیم «ومعدان» در حال پیشروی است که میزان سرمایه‌گذاری آن ۱.۳۵ میلیارد یورو و سهم «ومعدان» ۰.۷ میلیارد یورو است. وی افزود: همچنین هفت پروژه دیگر نیز با راهبری این هلدینگ در حال اجرا یا برنامه‌ریزی است و سرمایه‌گذاری صورت گرفته در این پروژه‌ها ۱.۲۹ میلیارد یورو و سهم «ومعدان» از این میزان، ۰.۶۹ میلیارد یورو است.

سعدمحمدی گفت: احداث کارخانه تولید آهن اسفنجی ۱.۶ میلیون تنی و ذوب و فولادسازی ۱ میلیون تنی در شرکت صنایع فولاد کردستان، احداث کارخانه تولید کنسانتره سنگ آهن با ظرفیت دو میلیون تن در شرکت توسعه معدنی و صنعتی صابون، احداث کارخانه گندله‌سازی شهرک با ظرفیت ۰.۹۲ میلیون تن، بلوک دوم گازی سمنان با ظرفیت ۳۶۶ مگاوات به عنوان نخستین پروژه اجرا شده از طرح‌های پیش‌برنامه اقتصادی کشور و احداث کارخانه تولید آهن اسفنجی در شرکت‌های صنایع آهن و فولاد آرتاویل و فولاد اقلید پارس هر یک با ظرفیت ۱.۱ میلیون تن، اهم پروژه‌های «ومعدان» را تشکیل می‌دهند.

اردشیر سعیدمحمدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معدان و فلزات (ومعدان) در این مجمع بیان کرد: ترکیب سهامداران «ومعدان» تا تاریخ ۹ اسفند ۱۴۰۲ را گروه فولاد مبارکه (۵۰.۳۴ درصد)، صندوق بیمه روستائیان و عشایر (۱۹.۳۷ درصد)، شرکت سرمایه‌گذاری صدر تامین (۷.۷۵ درصد) و سایر سهامداران به میزان (۲۲.۵۴ درصد) تشکیل می‌دهد. مدیرعامل «ومعدان» اظهار داشت: سود شرکت در سال گذشته ۳۹۱ میلیون دلار بود. بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، سود ۱.۱ میلیارد دلاری در افاق ۱۴۰۶ برای «ومعدان» در نظر گرفته شده است. وی افزود: در این بین سهم شرکت گهرزمین ۲۳۱، گل‌گهر ۲۲۸، چادرمو ۱۸۲، ملی صنایع مس ایران ۱۶۸، توسعه آهن و فولاد گل‌گهر ۹۲، صابون ۸۸، فولاد اقلید پارس ۳۴، تجلی توسعه معدان و فلزات ۲۸، آرتاویل ۲۷ و سایر شرکت‌ها ۱۰۸ میلیون دلار خواهد بود. مدیرعامل «ومعدان» اذعان داشت: حق انتفاع ۵ درصدی معدان در سال گذشته تأثیر منفی بر روی ارزش سهم شرکت‌های چادرمو، گل‌گهر و گهرزمین گذاشت؛ با توجه به اینکه بخش بزرگی از پورتفولیو «ومعدان» را این سه شرکت تشکیل می‌دهند، تأثیر آن بر ارزش «ومعدان» نیز نمایان شد. اقداماتی که «ومعدان» برای جبران این تأثیر و همچنین جلوگیری از تأثیرات این چنینی انجام داده، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های متعدد و متنوع است و شرایط شرکت در چند سال آینده متفاوت از وضعیت فعلی خواهد بود. سعیدمحمدی ضمن تشریح اقدامات و عملکرد شرکت طی ماه‌های گذشته و نیز وضعیت پروژه‌های در دست اقدام آن، مطرح کرد: در حال حاضر شرکت‌های گروه «ومعدان» در ۹۹ پروژه در حال اجرا و برنامه‌ریزی به ارزش ۱۳۸۴ میلیارد یورو سرمایه‌گذاری کرده‌اند که سهم «ومعدان» از این میزان ۳۵۵ میلیارد یورو، معادل ۱۵۰ هزار میلیارد تومان، می‌باشد.

وی افزود: طبق نظر کارشناسان، برای اینکه یک مجموعه بتواند با پویایی در مسیر توسعه قدم بردارد، باید سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در آن ۵ برابر میزان سوددهی‌اش باشد. با توجه به سود ۱۴ هزار میلیارد تومانی «ومعدان»، در صورتی که سرمایه‌گذاری این شرکت حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان می‌بود، سرعت حرکت مجموعه مطلوب ارزیابی می‌شد، در حالی که سرمایه‌گذاری شرکت بالغ بر ۱۵۰ هزار میلیارد تومان، یعنی بیش از دو برابر این مقدار است.

مجموع سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در گروه

نوع پروژه	تعداد پروژه	مبلغ کل پروژه (میلیارد یورو)	سهم ومعدان (میلیارد یورو)
تولید فولاد	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید آهن اسفنجی	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید کنسانتره سنگ آهن	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد اقلید	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد آرتاویل	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مبارکه	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سمنان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد کردستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد اصفهان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد خراسان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد گلستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد مازندران	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد سیستان و بلوچستان	۷	۱۳۵	۰.۷
تولید فولاد هرمزگان</			



پیدا کرد و پس از بهره‌برداری امکان تامین بخشی از مواد اولیه برای پروژه‌های اقلید، آرتویل و همچنین فولاد مبارک را نیز دارد. ظرفیت تولید کنسانتره در «ومعدان» پس از بهره‌برداری از دو پروژه‌ای که در دست اقدام دارد، به ۶.۶ میلیون تن خواهد رسید.

سعدمحمدی با تاکید بر اهمیت بسیار بالای پروژه جانچا برای مجموعه «ومعدان»، اظهار داشت: هفته آینده پیمانکار EPC پروژه انتخاب خواهد شد.

با توجه به حفاری‌های در دست اقدام، ذخیره معدن از ۲۶۰ میلیون تن فعلی ارتقا خواهد یافت.

آب و برق‌رسانی به معدن نیز در شرایط مناسبی قرار دارد. وی ادامه داد: این معدن حاوی مواد معدنی اکسیده نیز می‌باشد. در حال مذاکره هستیم که علاوه بر کارخانه ۱۳۰ هزار تنی کنسانتره مس، احداث

کارخانه لیچینگ ۵ هزار تنی کاتد مس را نیز در این منطقه در دستور کار شرکت قرار دهیم. با توجه به تقاضای بالای مس در منطقه،

کاتد مس تولید شده می‌تواند صادر شده و بخشی از نیاز ارزی مجموعه را تامین

کند. مدیرعامل «ومعدان» در انتهای گزارش به تشریح جزئیات محل صرف افزایش سرمایه

پرداخت و در پایان نیز افزایش سرمایه شرکت از ۱۹۲۴۲۸ میلیارد ریال تا ۳۰۰۰۰۰ میلیارد

ریال و به میزان ۱۰۷۵۷۲ میلیارد ریال، معادل ۵۶ درصد، از محل سود انباشته به

تصویب رسید.



(ب.م)





تولید شکر در آستانه رکورد

خوزستان، سرزمینی که نیشکر در آن ریشه دوانده و قلب کشاورزی ایران را به تپش در آورده است؛ آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارشی است از پیش‌گامی صنعت نیشکر در مسیر کشاورزی مدرن و دستیابی به دستاوردهایی است که کشور را در دو حوزه تولید و پژوهش سرآمد کرده است.

توجه ویژه به محیط زیست، بخش جدایی‌ناپذیر فعالیت‌های کشاورزی این صنعت سبز است و این شرکت توانسته، به تولید محصولی عاری از سموم بر پایه مبارزه «بیولوژیک» در مزارع نیشکر دست یابد.

در سالیان اخیر، حرکت صنعت نیشکر به سمت استفاده از فناوری‌های نوین کشاورزی، پُرشتاب بوده و در سال مزین به «رشد تولید» این حرکت، منجر به افزایش تولید، محصولات متنوع غیرنیشکری، طراحی و ساخت قطعات و ماشین‌آلات کشاورزی شده است. در ادامه به معرفی بیشتر شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی می‌پردازیم.

معرفی سهام داران

سهامداری شرکت توسعه صنایع نیشکر و صنایع جانبی به صورت ۴۰ درصد متعلق به بانک ملی ایران، ۴۰ درصد متعلق به بانک صادرات و ۲۰ درصد متعلق به جهاد کشاورزی است. شرکت آینده پویا به عنوان بازوی مدیریت بانک ملی ایران، وظیفه مدیریت و نظارت بر عملکرد توسعه صنایع نیشکر و صنایع جانبی را بر عهده دارد.

رکورد بی‌سابقه افزایش تولید شکر

دکتر افشار فتح الهی مدیرعامل طرح و توسعه آینده پویا نیز، از رکورد بی‌سابقه افزایش تولید در شرکت توسعه نیشکر خبر داد و گفت که این شرکت موفق شده با اجرای موفق برنامه طرح و توسعه، میزان تولید شکر را به ۵۰ تا ۶۰ درصد تا پایان سال زراعی جاری افزایش دهد.

به گفته دکتر افشار فتح الهی، این اقدام با زیر کشت بردن ۹۰ هزار هکتار از اراضی شوره‌زار استان خوزستان از طریق روش‌های ماشینی، مدیریت صحیح منابع آب و آبیاری قطره‌ای زیرسطحی و کاهش نزدیک به ۴۰ درصد مصرف آب صورت گرفته است.

وی افزود، ثبت این رکورد بی‌سابقه در تولید با استفاده از توان نیروهای جوان و متخصص بومی صورت گرفته است که ارزش فراوانی برای اقتصاد کشور به دنبال دارد.

بر اساس این گزارش، دی‌ماه سال گذشته، درخواست سهام شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی در فرابورس پذیرفته شد و به‌زودی سهام این شرکت شگفتی‌ساز تاریخ بورس می‌شود و به بزرگ‌ترین عرضه اولیه، تبدیل خواهد شد. در حال حاضر ۸۰ درصد از سهام این شرکت، متعلق به بانک‌های ملی و صادرات و ۲۰ درصد آن نیز متعلق به وزارت جهاد کشاورزی به نمایندگی از دولت است.

وی با بیان اینکه در مجموعه توسعه نیشکر خوزستان که یکی از دستاوردهای مهم کشور و انقلاب در دهه‌های اخیر بوده، بالغ بر ۵۰ درصد شکر داخل کشور تامین می‌شود، اظهار کرد: شکر یکی از محصولات استراتژیک و با کیفیت مناسب این مجموعه است که در این شرکت هم بخش کشاورزی و هم بخش فرآوری و صنعتی شکر وجود دارد. در پایان سال جاری نیز رشد حدود ۵۰ تا ۶۰ درصدی را در تولید شکر پیش‌بینی می‌کنیم که رکورد بی‌سابقه‌ای در مجموعه توسعه نیشکر به شمار می‌رود.

وی با بیان اینکه شاهد اشتغال‌زایی بالایی در این مجموعه هستیم، گفت: از اتفاقات ارزشمندی که در این سال‌ها در استان خوزستان رقم خورد، این است که بالغ بر ۹۰ هزار هکتار از اراضی که عمدتاً شوره‌زار بودند، تبعات محیط‌زیستی منفی داشته و بلااستفاده رها شده بودند، امروز با برنامه‌ریزی مناسب و با روش‌های مکانیزه زیر بار کشت نیشکر رفته و سهم زیادی از شکر مورد نیاز کشور را تامین می‌کند. این کار توسط جوانان، متخصصان و نیروهای بومی منطقه انجام شده است که ارزش فراوانی برای اقتصاد کشور دارد.

فتح‌الهی ادامه داد: همکاران ما در توسعه نیشکر به این موضوع اکتفا نکرده و برنامه‌ریزی خوبی روی روش‌های نوین مدیریت منابع آب، استفاده از روش‌های مکانیزه و آبیاری قطره‌ای زیر سطحی انجام دادند که اثر بسیار خوبی دارد و نتایج اولیه هم نشان داده که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد مصرف



عبد علی ناصری از صادرات شکر دارویی این مجموعه خبر داد و گفت: ظرفیت تولیدی این بخش، ۱۲ هزار تن است. علاوه بر تولید شکر سفید، محصول شکر قهوه‌ای نیز تولید می‌شود. همچنین در راستای اجرای طرح‌های توسعه‌ای، از ۲۰ بهمن کارخانه تولید اساسان اکالیپتوس، نیتروژن، فسفات و پتاسیم آغاز شده است و دوره بازگشت سرمایه ۵ ساله برای این طرح‌ها، پیش‌بینی می‌شود. وی در خصوص حل چالش انرژی نیز اظهار کرد: مجموعه توسعه صنایع نیشکر، ۷ نیروگاه تولید برق ۱۰ مگاواتی دارد. بنابراین مشکل برق توسعه نیشکر، از سال ۱۴۰۰ رفع شده و برق اضافه را نیز به فروش می‌رساند. ناصری همچنین در خصوص عرضه شرکت در بورس نیز گفت این موضوع مربوط به سهامداران است اما طبق آخرین اطلاعات، قرار است در سال جاری انجام شود. در این عرضه ۵ درصدی، بانک ملی و بانک صادرات هر یک عرضه ۲،۵ درصدی خواهند داشت. وی به موضوع تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت اشاره کرده و گفت: به زودی عملیات افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها نیز انجام خواهد شد.

برخی از عوامل موثر در شکل‌گیری رشد چشمگیر و ارزشمند، شرکت توسعه نیشکرو صنایع جانبی در سال جاری:

- **رکورد زنی در تولید شکر با بیش از ۶۳۰ هزار تن در انتهای سال زراعی**
- پیشگام در کشاورزی مدرن؛ رشد تولید باتکیه بر دانش همچنین افزایش بهره‌وری مصرف آب در مزارع نیشکر با روش‌های نوین آبیاری (کاهش ۷۰ درصدی مصرف برق و ۵۰ درصدی آب) همچنین ضرورت تدوین برنامه جامع برای مقابله با خشکسالی پیش‌رو
- نوسازی و ارتقای دستگاه‌های فرسوده، همگام با کاهش ضایعات قندی و افزایش کیفیت شکر تولیدی
- استفاده از گردشگری در جریان توانمندی‌ها و ظرفیت‌های متنوع مزارع نیشکر گردشگری استان خوزستان
- برداشت ۷ هزار و ۵۰۰ تن نیشکر در یک شبانه‌روز در تاریخ ۶۰ ساله این واحد نیشکری در کشت صنعت هفت‌تپه
- استفاده از تجربیات و دانش فنی شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی در زمینه صنعت نیشکری برای ارتقا و توسعه صنعت نیشکر برای جوامع صنعتی دیگر کشور ما مثل کوبا
- هدف‌گذاری محصولات جانبی نیشکر در تولید (تولید ۴۰ میلیون لیتر الکل طی امسال)
- قدردانی و افزایش سطح رفاهی نیروی انسانی در مسیر خلاقیت، نوآوری و حرکت رو به رشد در مجموعه نیشکر

آب را کاهش داده است. این اتفاق بسیار مبارکی است و امید است در سال‌های آینده هم بتوانیم با استفاده موثرتر از روش‌های نوین و تکنولوژی‌های برتر شرایط کشت نیشکر را در این استان بهبود بخشیم.

□ **تیلور خودباوری صنعت نیشکر با تولید ۴۲۰ هزار تن شکر**

دکتر عبدعلی ناصری مدیرعامل هلدینگ توسعه نیشکر و صنایع جانبی با بیان میزان تولید شکر توسط این مجموعه اعلام کرد: در سال زراعی جاری تولید شکر نسبت به سال گذشته بیش از ۵۰ درصد افزایش می‌یابد و رشد تولید محقق می‌شود. جهاد کارکنان، مدیریت کارآمد و حمایت مسئولین سسه مؤلفه‌ای است که مدیرعامل توسعه نیشکر به‌عنوان عواملی برای تحقق شعار سال برشمرد و بیان کرد که تاکنون بیش از ۴۲۰ هزار تن شکر در واحدهای هشت‌گانه تولید شده و این رقم در پایان سال زراعی به بیش از ۶۳۰ هزار تن خواهد رسید.

□ **ثروتی به ارزش ۵ میلیارد دلار**

دکتر عبدعلی ناصری افزود: اکنون ارزش جایگزینی شرکت توسعه صنایع نیشکر بیش از ۵ میلیارد دلار است، در شرح وضعیت تولیدات گفت: مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی با تشریح ظرفیت‌های این شرکت گفت که در حال حاضر، هفت کشت و صنعت نیشکر را در اختیار داریم که هر یک گستره‌ای ۱۲ هزار هکتاری را در برمی‌گیرند؛ این اراضی ابتدا شوره‌زار بودند و پس از آن به اراضی کشاورزی تبدیل شدند. دکتر عبدعلی ناصری افزود که علاوه بر شکر، محصولات جانبی و کارخانه‌های دیگری نظیر کارخانه الکل‌سازی با ظرفیت ۳۰ میلیون لیتر نیز احداث شده است؛ هم‌اکنون ۳۶ میلیون لیتر الکل طبی در این کارخانه تولید می‌شود و قصد داریم این تولید را به ۴۰ میلیون لیتر افزایش دهیم.

تکمیل زنجیره تولید و ایجاد ارزش افزوده بیشتر، یکی دیگر از محورهای سخنان مدیرعامل توسعه نیشکر بود. ناصری در این رابطه گفت، الکل طبی با ظرفیت تولید ۳۶ میلیون لیتر، خمیرمایه با ظرفیت تولید ۱۲ هزار تن در سال، ام‌دی، اف با ظرفیت تولید ۱۳۲ هزار مترمکعب، خوراک دام با تولید ۴۰ هزار تن و... بخشی از ظرفیت صنعت بزرگ توسعه نیشکر است که کشور را در تولید این محصولات اساسی، در مسیر خودکفایی قرار داده است. ظرفیت تولید الکل این مجموعه ۳۰ میلیون لیتر در سال بوده که اکنون ۳۶ میلیون لیتر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. این مجموعه تولیدی در ۶ شهرستان فعالیت داشته و ۷ شرکت زیرمجموعه دارد. که علاوه بر تولید انواع شکر، ام‌دی، اف، خوراک دام، الکل و کاغذ، به تولید گاز منجمد و یخ خشک نیز در این مجموعه پرداخته می‌شود.





شرکت مهندسی توسعه آب آسیا



رفع عطش صنایع

غیرمتعارف کشور را توجیهپذیر و بلکه ضروری نموده است:

عدم وجود منابع آب در بخش‌های وسیعی از کشور بخصوص مناطق شرقی و مرکزی کشور **افزایش هزینه های تأمین آب از منابع متعارف داخل کشور** بهبود روشهای نمکزدایی آب شور دریا که منجر به کاهش هزینه شورزدایی شده است.

بهره گیری از منابع آب غیر متعارف از جمله شیرین سازی آب دریا در کشور در بندهای "الف" و "ب" ماده ۳۶ برنامه ششم توسعه در زمره تکلیف دولت در نظر گرفته شده است که این موضوع در لایحه برنامه هفتم توسعه نیز جهت استفاده در صنایع مجدداً تاکید گردیده است. بعلاوه بر اساس الزام بند "ع" تبصره هشت قانون بودجه سال ۱۴۰۲، وزارت نیرو مکلف است نسبت به بازتخصیص آب مصرفی صنایع و معادن و جایگزینی آن با منابع آب‌های نامتعارف در هماهنگی با وزارت صنعت، معدن و تجارت اقدام نماید.

با توجه به رویکرد فوق، شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر، شرکت ملی صنایع مس ایران و شرکت معدنی و صنعتی چادرملو برای تأمین آب تأسیسات موجود خود و طرحهای در دست توسعه، اجرای طرح بزرگ نمکزدایی و انتقال آب را از خلیج فارس در دستور کار قرار داده‌اند و در این راستا شرکت تأمین و انتقال آب خلیج فارس تأسیس و شرکت مهندسی توسعه آب آسیا در زیر مجموعه شرکت تأمین و انتقال آب خلیج فارس، مسئولیت مدیریت و راهبری احداث کارخانه نمک زدایی بر عهده گرفته است. پروژه آب شیرین کن بندرعباس بزرگترین کارخانه آب شیرین کن در حال احداث در ایران با هدف تولید آب شیرین به ظرفیت یک میلیون متر مکعب آب شیرین در روز به روش SWRO (اسمز معکوس تکنولوژی مدرن شیرین سازی آب دریا می باشد) از آب دریا جهت مصارف شرب و صنعتی بر مبنای سه شیفت ۸ ساعته و ۳۴۵ روز کاری در زمینی به مساحت ۱۵۵ هکتار در بندر عباس می باشد. برخی از مزایای مهم اجرای این طرح را می توان به تأمین آب شرب و صنعت از طریق شیرین سازی آب دریا و کمک به رشد صنعت در استان های کم آب کشور (استان های هرمزگان، کرمان و یزد)

کشور ایران در منطقه خشک و نیمه‌خشک جهان قرار گرفته و از منظر جغرافیای آبی با محدودیت نسبتاً شدید روبرو است. افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش تقاضا برای آب، چشمانداز نگرانکننده‌ای را در مقابل راهبردهای توسعه‌ای کشور که اغلب متکی بر دسترسی به منابع آب باکیفیت مناسب بوده ترسیم مینماید. عدم دسترسی به منابع آب نه تنها توسعه شهری و امنیت غذایی کشور را دستخوش نگرانیهای جدی نموده بلکه رشد و توسعه صنعتی و معدنی کشور را نیز با محدودیت شدید مواجه ساخته است.

ایران با دارا بودن حدود ۳۷ میلیارد تن ذخایر کشف شده در میان ۱۵ قدرت معدنی جهان جای گرفته و یکی از کشورهای غنی از حیث داراییهای معدنی به حساب می‌آید. بخش مهمی از معادن ایران نظیر معادن سنگ آهن و مس در جنوب شرق کشور به‌ویژه در استانهای هرمزگان، کرمان و یزد واقع شده‌اند. یکی از موانع بزرگ در راه اجرای طرح‌های توسعه‌ای معدنی در این مناطق کمبود منابع آب باکیفیت مناسب در فرآیندهای معدنی از استخراج تا فرآوری سنگ معدن است.

با توجه به پتانسیل خوب مناطق جنوبی و مرکزی کشور طرحهای توسعه‌ای بزرگی در زمینه صنایع معدنی همچون تولید و فرآوری سنگ آهن، کنسانتره، گندله، فولادسازی و استخراج و فرآوری مس در دستور کار این صنایع قرار داشته و یا در دست اقدام است. وجود ظرفیت بالای بالقوه و بالفعل در معادن و صنایع معدنی این منطقه را از نظر توسعه اقتصاد غیرنفتی حائز اهمیت ویژه نموده است. بدیهی است توسعه و بهره‌برداری از طرحهای فوق‌الذکر نیازمند منابع آبی قابل توجهی است که تأمین آن به لحاظ کمی از بضاعت منابع آبی محلی خارج است. یکی از منابع قابل دسترس کشور که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته منابع آبهای شور خلیج فارس و دریای عمان است. در حال حاضر نمکزدایی از این منابع شور در سطح محدودی برای مصارف آب شرب شهری به میزان کمتر از ۱۰۰ میلیون مترمکعب در سال در دست بهره‌برداری است. لیکن سیر تحولات اقتصادی - فناوری به شرح زیر استفاده از منابع آبهای





توان تولید کنندگان داخلی و افزایش سهم تولید داخل تا ۷۰ درصد در واحدهای شیرین سازی را در دستور کار خود قرار داده است و اقدامات لازم جهت حضور در عرصه بین المللی در دست انجام می باشد. شرکت مهندسی توسعه آب آسیا (مجری تأسیسات نمک زدایی آب دریا در خلیج فارس) بر آن است که نسبت به ایجاد بزرگترین واحد تأسیسات نمک زدایی در ایران از آب دریا اقدام کند. در این راستا، پروژه مذکور در چهار فاز از چند سال قبل به شرح ذیل در حال اجرا است:

فاز صفر: ساخت تجهیزات و زیر ساخت مورد نیاز جهت آبیگری از دریا جهت تأمین آب نمک زدایی شده به میزان یک میلیون مترمکعب در روز که این تأسیسات اجرا شده و متناسب با نیاز آبیگری از دریا در حال بهره برداری است.

فاز اول: احداث و راه اندازی واحدهای شیرین سازی آب به میزان ۶۰۰ هزار مترمکعب در روز (۳ واحد ۲۰۰ هزار مترمکعبی در روز که یک واحد آن به صورت BOO احداث گردیده و در دست بهره برداری است و واحد دوم در مرحله راه اندازی بوده و واحد سوم هم اکنون در دست اقدام می باشد).

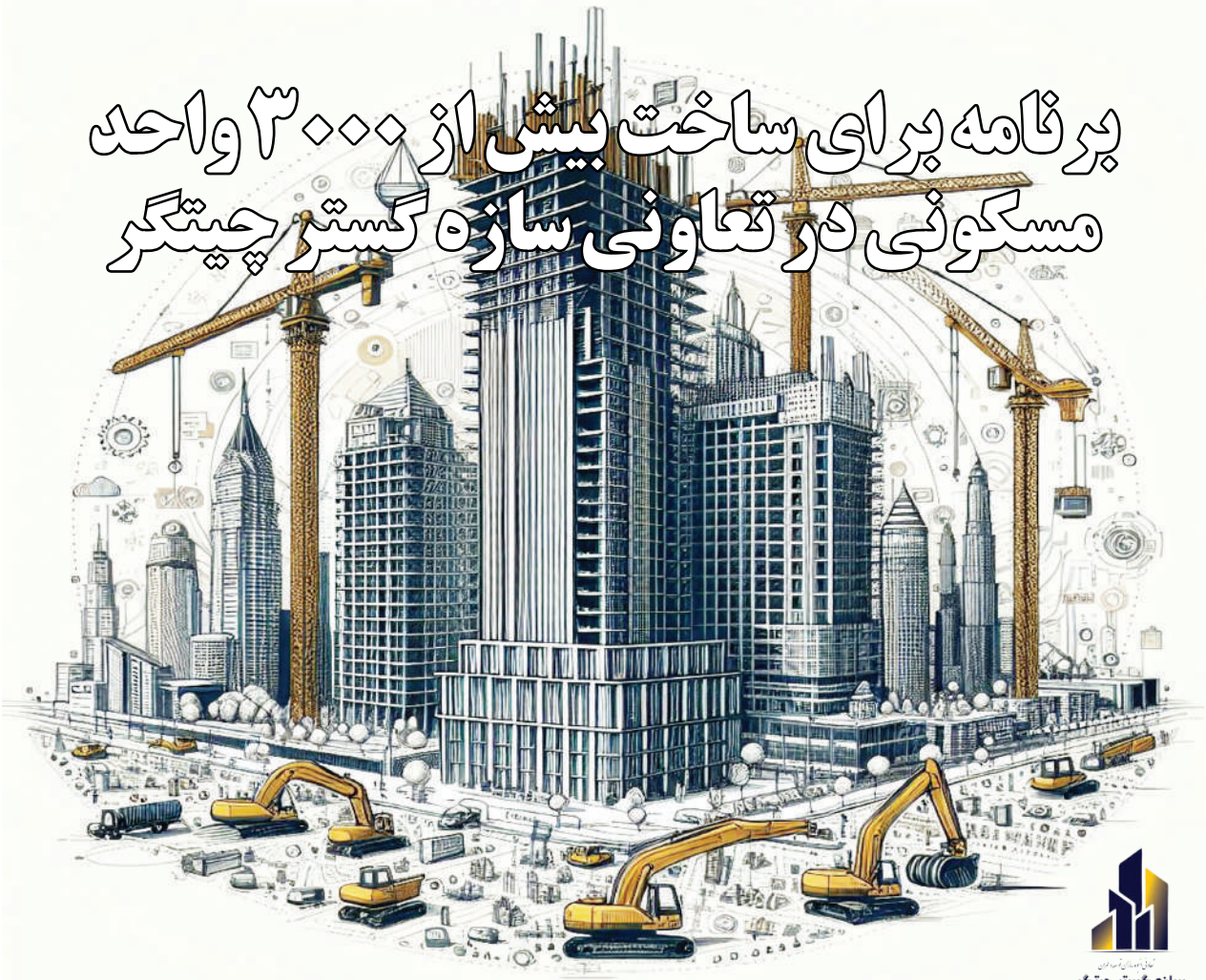
فاز دوم: افزایش ظرفیت شیرین سازی آب خلیج فارس به میزان ۲۰۰ هزار مترمکعب در روز **فاز سوم:** افزایش ظرفیت شیرین سازی آب خلیج فارس به میزان ۲۰۰ هزار مترمکعب در روز و احداث یک نیروگاه به ظرفیت ۵۰۰ مگاوات که برنامه ریزی شده است در سال های آتی اجرا خواهد شد. در مرحله اول شرکت مهندسی توسعه آب آسیا یک واحد به ظرفیت ۲۰۰ هزار متر مکعب در شبانه روز را در سال ۹۹ راه اندازی نموده و در مرحله بهره برداری می باشد و واحد دوم آب شیرین کن توسط مجموعه مهندسی توسعه آب آسیا در حال راه اندازی می باشد و تا خرداد سال ۱۴۰۳ ظرفیت شیرین سازی و تولید آب تا بیش از ۴۰۰ هزار متر مکعب در شبانه روز خواهد رسید و واحد سوم شیرین سازی به ظرفیت ۲۰۰ هزار متر مکعب در شبانه روز در دست اقدام می باشد.

به ویژه تأمین آب مورد نیاز احداث واحدهای بزرگ از جمله در بخش های صنایع نفتی و فولاد سازی در استان های هرمزگان، کرمان و یزد و افزایش رونق اقتصادی در این مناطق نام برد. همچنین سایر مزایای این طرح دسترسی به مواد اولیه (آب دریا) قابل دسترس، مطمئن و تمام ناپذیر و آشنایی کامل با فرآیند تولید آب شیرین کن و اجرای طرح های مشابه در سایر نقاط کشور می باشد.

شرکت مهندسی توسعه آب آسیا ظرفیت انجام کلیه فعالیت های بازرگانی داخلی و خارجی، انجام خدمات مختلف بازرگانی در راستای فعالیت شرکت، انجام کلیه پروژه های صنعتی عمرانی و غیره به ویژه در منابع آب و فاضلاب، ارائه خدمات در خصوص تولید و توزیع انرژی، ساخت، نصب، راه اندازی و بهره برداری آب شیرین کن، نیروگاه، خطوط انتقال انرژی، آب و ایستگاههای پمپاژ، اخذ و اعطای نمایندگی از و به شرکت های داخلی و خارجی و مشارکت با و سرمایه گذاری در خصوص موضوع شرکت با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و تأسیس شرکت های تولیدی خدماتی و بازرگانی، شرکت در مناقصات داخلی و خارجی، اخذ وام و تسهیلات ارزی و ریالی از کلیه بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری داخلی و خارجی و کلیه فعالیت های مجاز در زمینه موضوع شرکت و خدمات مشاوره در خصوص موضوع شرکت را دارا بوده و جهت دستیابی به اهداف خود ضمن تقویت و بهره برداری از پتانسیل موجود شرکت، استفاده از خدمات و مشاوره سایر شرکتهای مطرح را در دستور کار خود دارد. شرکت مهندسی توسعه آب آسیا با توجه به همکاری با شرکت های صاحب نام بین المللی در این حوزه و احداث واحد دوم شیرین سازی با به روز ترین تکنولوژی روز دنیا و دانش و تجربیات کسب نموده در این خصوص یکی از شرکت های صاحب تکنولوژی در زمینه آب شیرین کن در ایران می باشد و این شرکت با توجه به تجارب کسب شده، برنامه ریزی لازم جهت طراحی و اجرای واحدهای آبی این طرح را با تکیه بر توانایی های فنی خود و بهره گیری از دانش فنی داخلی به منظور برند سازی داخلی و عدم وابستگی به تکنولوژیست خارجی و بهره گیری از



برنامه برای ساخت بیش از ۳۰۰۰ واحد مسکونی در تعاونی سازه گستر چیتگر



سازگستر چیتگر
 شماره ثبت: ۴۳۰۳۰



با تعاملات که با بانک های مختلف داشتیم با دریافت وام های مناسب و کم بهره سعی بر سهولت در جهت خانه دار کردن اقشار مختلف جامعه قدم برداشته و برنامه های متعددی در دستور کار قرار دادیم به طور مثال مجموعه سازه گستر چیتگر با فروش اقساط مسکن سعی بر سهولت در خانه دار کردن مردم که مصداق این امر بود انجامید و با فروش اقساطی و بدون بهره به این کار ادامه دادیم.

انتظار همراهی بیشتر از شهرداری و وزارت راه در ساخت مسکن ارزان و مشکلات پیش رو

از شهرداری و وزارت راه گله مند هستیم، ما تلاش داریم قیمتی نهایی مسکن ارزان به دست مردم برسد اما متأسفانه در طول یک سال جواز مسکن ۳۰ الی ۳۵ درصد با افزایش تعرفه ساخت مواجه می شود حال در نظر بگیریم هر قدر تلاش در این راه (ارزان سازی مسکن) صورت گیرد افزایش قیمت جواز تاثیر به سزایی در قیمت نهایی دارد باید در نظر داشت هزینه های شهرداری این فرصت را از مردم جهت خانه دار کردن می گیرد. از طرف دیگر وزارت راه با در اختیار دادن زمین های بایر در جهت ساخت مسکن ارزان می تواند تاثیر بسزایی در کاهش قیمت مسکن داشته باشد، چندین بار از وزارت راه در این خصوص تقاضا کرده ایم ولی متأسفانه این امر که در نهایت باعث کاهش قیمت نهایی و در نتیجه خانه دار کردن قشر عام محسوب می شود محقق نشد و ما مجبور شدیم زمین های مورد نظر را خود تهیه و ساخت و ساز انجام دهیم باید در نظر داشت همراهی و تعامل حاکمیت (شهرداری، وزارت راه و...) با بخش خصوصی باعث کاهش قیمت ها و تاثیر قابل ملاحظه ای در هزینه ای ساخت مسکن خواهد شد، امید داریم این امر که با رسالت خانه دار کردن مردم جامعه و رونق اقتصاد برای کشور منجر خواهد شد محقق شود.

با توجه به افزایش روز افزون و دائم جمعیت در شهرهای بزرگ و افزایش تمایل به زندگی در شهرها، نیاز به داشتن مسکن به امری ضروری تبدیل شده است.

این یک حقیقت است که جمعیت تهران نسبت به سهولت در اشتغال روز به روز در حال زیاد شدن است و با همین تناسب روند شهرنشینی نیز رو به افزایش است و مردم به طور قابل توجهی به منظور خدمات رفاهی و اجتماعی تمایل دارند در شهرهای بزرگ زندگی کنند.

در حقیقت نیاز به انبوه سازی مسکن و میزان تقاضا ایجاد شده نسبت مزایای شهر نشینی، جنبه ای انبوه سازی در شهرهای بزرگ مورد توجه قرار دارد، از سوی دیگر ساخت مسکن با حجم بالای گردش مالی و با ایجاد اشتغال پایدار و ثبات امنیت اجتماعی و اقتصادی همواره جزء اولویتهای تصمیم گیری مسئولان و دلمردان بوده است. به همین دلیل است که سیاست انبوه سازی یک سیاست اصلی در ساخت و ساز در ایران است که بعد از گذشتن چهار دهه از انقلاب به طور جدی مورد توجه نهاد های مختلف بوده است خوشبختانه در سال های اخیر حاکمیت (مجموعه های مسکونی احداث شده در چیتگر) با همکاری مجموعه های متخصص در ساخت و ساز مسکن سعی بر خانه دار کردن قشر متوسط و ضعیف جامعه کرده است، یکی از مجموعه های خوش نام در این عرصه شرکت تعاونی انبوه ساز سازه گستر چیتگر می باشد به همین منظور مصاحبه ای با جناب آقای مهندس بهنام خانگشی زاده ترتیب دادیم، ایشان در سال جاری به افتخارات متعددی نائل شدند که عبارتند از مدیر برتر کشور، مدیر ارزش آفرین در صنعت ساختمان و... در ادامه در خصوص مشکلات و مزایای انبوه سازی مسکن برای رشد بیش از پیش جامعه و رفاه اجتماعی مردم، می خوانید:

از بدو تاسیس مجموعه تعاونی سازه گستر چیتگر همواره تلاش داشتیم برای خانه دار کردن قشر متوسط و مستضعف قدم برداریم در همین راستا



برنامه برای ساخت ۴۰۰۰ هزار واحد

مجموعه تعاونی سازه گستر چیتگر با تمام ظرفیت و تلاش خود در این راه قدم برداشته است ، ما به صورت شبانه روزی با دست به دست دادن در جهت پیشبرد اهداف مجموعه نسبت به تعهد پیش رو در حال حاضر ساخت ۳۰۰۰ واحد مسکونی را در برنامه داریم ، خوشبختانه با تلاش و همت روز افزون سعی می کنیم به این تعداد افزوده شود. امید است نه تنها در تهران در سراسر کشور با موقعیت های مناسب در جهت ساخت مسکن قدم برداریم یکی از فرصت های در جهت انبوه سازی مسکن بافت فرسوده می باشد ، پیشنهاد می کنم دولتمردان به صورت ویژه در زمینه بافت فرسوده متمرکز شود ، توان بالقوه ای در این امر وجود دارد و یکی از راه حل های پسندیده در زمینه حل مشکل مسکن می باشد.

سخن پایانی

تمرکز بر ساخت و انبوه سازی مسکن الویت اصلی مجموعه تعاونی سازه گستر چیتگر است ، از مزایای انبوه سازی مسکن برای کشور علاوه بر خانه دار کردن شهروندان ، اشتغال پایدار و رونق اقتصادی می باشد در نظر داشته باشید کار آفرینی گسترده ای نهفته در ساخت مسکن وجود دارد با برنامه ریزی مناسب در این زمینه علاوه بر حل مشکل مسکن برای شهروندان زمینه اشتغال برای عام مردم هم ایجاد خواهد شد و در نهایت باعث رونق چشمگیر چرخه اقتصاد کشور خواهیم شد. در پایان عرض میکنم با کمک شهرداری و وزارت راه می توان به ظرفیت بالقوه ای در حوزه ساخت و ساز مسکن دست پیدا کرد ، امیدوارم محقق شود.

اعطای نشان عالی مدیر سال ۱۴۰۲ در هشتمین اجلاس نشان عالی مدیر سال



مدیر برتر ارزش آفرین در دومین کنگره بین المللی و تخصصی صنعت ساختمان



بدهی ۶۰ هزار میلیارد تومانی خودروسازان به قطعه‌سازان

دبیر انجمن سازندگان قطعات و
مجموعه‌های خودرو و کشور در
روزهای پایانی سال ۱۴۰۲ مطرح کرد:



□ **۶۰ هزار میلیارد تومان بدهی خودروسازان به قطعه‌سازان**
دبیر انجمن سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو در پاسخ به سوالی مبنی بر این که بدهی خودروسازان به قطعه‌سازان چقدر است گفت: مجموع بدهی خودروسازان به قطعه‌سازان حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان است. حدود ۶۰ درصد این بدهی مربوط به ایران خودرو و ۴۰ درصد سایپا است. همچنین از این مبلغ چیزی نزدیک به ۲۰ هزار میلیارد تومان سررسید شده است. از لحاظ مقایسه‌ای هم نسبت به سال قبل شاهد افزایش بدهی خودروسازان به قطعه‌سازان هستیم.

□ چقدر قطعه صادر کردیم؟

بیگلر در ادامه آمار صادرات قطعه در ۱۴۰۲ را چنین اعلام کرد: عدد صادرات قطعه در سال ۱۴۰۲ به ۲۰۰ میلیون دلار هم نمی‌رسد. مشکل هم این است که قطعه‌سازان عمدتاً شرایط خود را با خودروسازان داخلی وفق دادند. این خودروسازان دیگر در دنیا زرده تولید خارج شده‌اند. این ۲۰۰ میلیون دلار کفاف تامین ارز را نمی‌دهد. واردات خودرو در قبال صادرات قطعه هم صورت نگرفت.

وی افزود: امیدوارم مونتاژ کاران عمق خود کفایی را افزایش دهند و به نظر می‌رسد فشار ارزی مونتاژ کاران کم شود. برای ادامه این مورد هم لازم است سیاست واحدی را پیگیری کنیم. تا زمانی که عمق خود کفایی مونتاژ کاران افزایش پیدا نکند ارز مصرفی زیاد خواهد بود. بیگلر در پایان شرایط قطعه‌سازان در ۱۴۰۳ را پیش‌بینی کرد و گفت: در قطعه‌سازی فرض را بر این می‌گیریم که نسبت به استفاده از شبه پول روی مثبت نشان داده شود. اگر این اتفاق بیفتد شرایط نقدینگی در ۶ ماهه دوم سال آینده بهبود خواهد داشت. در مورد قیمت‌ها هم احتمالاً حدود ۱۵ درصد افزایش روی قطعات داشته باشیم. این افزایش قیمت هم فقط اثر تورمی را خنثی می‌کند. با توجه به تمام این موارد ۶ ماهه دوم ۱۴۰۳ احتمالاً کار قطعه‌سازان تسهیل خواهد شد.

□ سخن پایانی

آنطور که مشخص شد قطعه‌سازان سال ۱۴۰۲ هم مانند سال‌های قبل چالش‌های اساسی از جمله کمبود نقدینگی را پشت سر گذاشتند. با این وجود قطعه‌سازان تمام تلاش خود را کردند تا خط تولید خودرو با مشکل مواجه نشود و به کار خود ادامه دادند. یکی از راه‌های اساسی پیش روی دولت هم در سال ۱۴۰۳ حذف قیمت‌گذاری دستوری است تا شاید بتوان شاهد شرایط بهتری برای خودروسازان و قطعه‌سازان باشیم.

قطعه‌سازان هر ساله با چالش‌های مختلفی دست و پنجه نرم می‌کنند که شاید کمتر به آن‌ها توجه شود. به نوعی تمام توجه‌ها به سمت خودروسازان و زبانی است که متحمل می‌شوند. اما در این میان به واسطه زیان خودروسازان، قطعه‌سازان هم با چالش کمبود نقدینگی مواجه شده‌اند. سال ۱۴۰۲ هم مانند سال‌های قبل قطعه‌سازان شرایط سختی را گذراندند. در کنار این مورد باید منتظر ماند و دید که شرایط برای سال ۱۴۰۳ به چه صورت خواهد بود. برای بررسی بیشتر این موضوع گفت‌وگویی با مازیار بیگلر، دبیر انجمن سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو انجام دادیم.

□ کمبود نقدینگی چالش اساسی قطعه‌سازان

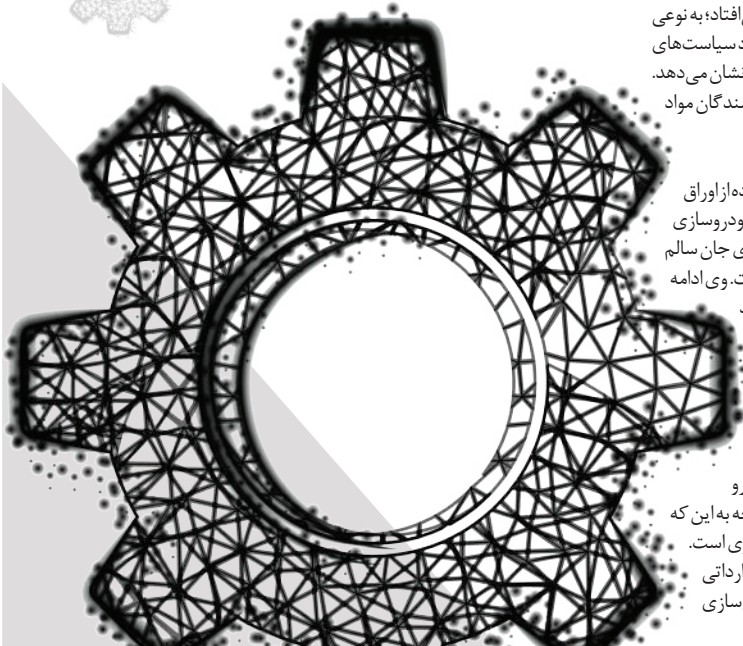
بیگلر ابتدا درباره مشکلات اساسی قطعه‌سازان در ۱۴۰۲ توضیحاتی داد و گفت: چالش اصلی که در ۱۴۰۲ برای قطعه‌سازان اتفاق افتاد و همچنان ادامه دارد بحث کمبود نقدینگی است. بعد از اعمال سیاست‌های انقباضی توسط بانک مرکزی و جلوگیری از ورود نقدینگی به سمت قطعه‌سازی و خودروسازی چالش‌هایی ایجاد شد. قطعه‌سازان شب‌عید بسیار بدی را سپری کردند و این در حالی است که خودروسازان هم توان بازپرداخت دیون را ندارند. وی ادامه داد: معمولاً در پایان سال مقداری از منابع بانکی وارد خودروسازی‌ها می‌شد و امکان پرداخت بدهی قطعه‌سازان وجود داشت اما امسال این اتفاق نیفتاد. از ابتدای سال این بحث مطرح بود که در صنایع خودروسازی و قطعه‌سازی به سمت استفاده از شبه پول و اوراق گام حرکت شود. تا دو هفته گذشته این اتفاق صورت نگرفته بود و تازه در حال عملی شدن است.

□ تغییر قیمتی در ۱۴۰۲ نداشتیم

دبیر انجمن سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو درباره قیمت قطعات و تغییرات آن در ۱۴۰۲ گفت: خودروسازان کماکان زیان‌ده هستند و قطعه‌سازی افزایش قیمت خاصی را در ۱۴۰۲ اعمال نکرد. مواد اولیه هم عمدتاً قیمت ثابتی در طول سال داشت. با وجود این که قطعه‌سازان افزایش قیمت نداشتند اما کمبود نقدینگی گریبان همه را گرفته است. وی افزود: با مصوبه هیات دولت و وزارت اقتصاد شرکت‌های فروشنده مواد اولیه مجاب شدند از اوراق گام استفاده کنند که اتفاق خوبی است. اما این اتفاق باید در ابتدای سال ۱۴۰۲ می‌افتاد؛ به نوعی قطعه‌سازان یک سال را با مشکل کمبود نقدینگی گذراندند. پیش‌بینی می‌شود سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی در ۱۴۰۳ ادامه داشته باشد و شرایط کشور هم همین را نشان می‌دهد. بر همین اساس استفاده از شبه پول به ویژه اوراق گام و دریافت آن توسط فروشندگان مواد می‌تواند اتفاق مثبتی باشد.

□ پاشنه آشیل قطعه‌سازی و خودروسازی

بیگلر در ادامه به بحث اصلی قیمت‌گذاری دستور خودرو اشاره کرد و گفت: استفاده از اوراق گام کمک بزرگی خواهد بود اما حقیقت امر این است که پاشنه آشیل صنعت خودروسازی قیمت‌گذاری دستوری است. اگر خودروسازان بتوانند از تله قیمت‌گذاری دستوری جان سالم به در ببرند و به روند سودسازی برگردند قطعه‌سازان مشکلات دیگر وجود نخواهد داشت. وی ادامه داد: تا زمانی که بازار آزاد را قبول نکنیم مسئله قیمت‌گذاری دستوری وجود خواهد داشت و به همه ضربه می‌زند. زبان این ماجرا هم فقط متحمل خودروسازان نخواهد بود و به قطعه‌سازان هم سرایت می‌کند. در کنار آن شاهد دلالی و رانت‌بازی در بازار آزاد می‌شویم و مصرف‌کننده نهایی هم متضرر می‌شود. به نظر می‌رسد که شرایط مساعد است تا دولت تصمیم شجاعانه بگیرد و قیمت‌گذاری دستوری را منتهی کند. خودروسازان مونتاژی در سال ۱۴۰۳ افزایش تولید را خواهند داشت و کمبود بازار را جبران می‌کنند. گره واردات خودرو هم باز شده و انتظار می‌رود سال آینده واردات خودرو سر و سامان بگیرد. با توجه به این که عرضه در بازار به حد کافی است بهترین فرصت برای حذف قیمت‌گذاری دستوری است. ایران خودرو و سایپا هم باید وارد بازار رقابتی شوند و رقابت با خودروسازان وارداتی و مونتاژی باعث ارتقای کیفیت خواهد شد. دو خودروساز باید بتوانند پول‌سازی کنند و سرمایه‌گذاری روی کیفیت و توسعه داشته باشند.





اروند قطب صنعت، تجارت و سرمایه گذاری

مناطق آزاد کشور



منطقه آزاد اروند با دارا بودن فرودگاه بین‌المللی، پایانه‌های مسافری حمل و نقل جاده‌ای،

ایستگاه راه آهن متصل به شمال کشور و بنادر دریانوردی و کشتیرانی، یکی از استراتژیک‌ترین

راه‌های دسترسی به اقصی نقاط کشور و سایر کشورهای خاورمیانه را در اختیار دارد و مجاورت

آن با کشور عراق با دارا بودن مرز مشترک مسافری و تجاری، عمده سرمایه‌گذاران را بر

تصاحب بازار این کشور برای فعالیت در این منطقه ترغیب کرده است.

این منطقه از گستردگی ۳۷ هزار ۴۰۰ هکتاری برخوردار است و دارای پیشینه صنعتی و

بازرگانی غنی در تاریخ تجارت کشور است.

نفت در محدوده منطقه، فعالیت پتروشیمی در شهر آبادان، وجود هتل‌های مجهز، بالا بودن ظرفیت جمعیت پذیرنده در منطقه، نزدیکی به بندر امام خمینی (ره) و منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی و بندر ماهشهر و امکان استفاده از تسهیلات آن مناطق از دیگر شاخص‌های این منطقه در حوزه انرژی است.

زارعی بیان کرد: وجود دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با سابقه طولانی در منطقه، فعالیت بیش از ۱۵۰ شرکت و کارخانه تولیدی همچون پتروشیمی، تأسیسات نفتی، صنایع فلزی، چوب، پلاستیک پلیاتیلن کربن، PVC، کشتی سازی، صنایع چوب، غذایی، بهداشتی، برق و قطعات خودرویی در منطقه، اروند را به یکی از شاخص‌ترین مناطق آزاد کشور بدل کرده است. وی به برخورداری از شرایط اقلیمی مناسب آب و هوایی در هشت ماه از سال و اشتراک زبان و فرهنگ و نسبت‌های خوشایندی مردم منطقه با کشورهای همجوار، به عنوان دیگر جذابیت‌های این منطقه یاد کرد و گفت: منطقه آزاد اروند، میان دو قطب نفتی خاورمیانه یعنی مناطق نفت‌خیز جنوب ایران و مناطق نفت‌خیز جنوب عراق واقع شده و با شرکت‌های بزرگ کشت و توسعه نیشکر و صنایع جانبی آن، همجوار است و ارتباط نزدیک آن به هور و تالاب زیبای شادگان، از دیگر برجستگی‌های سرزمین اروند به شمار می‌رود.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد اروند، خاطرنشان کرد: اروند خواستگاه شرکت‌های بزرگ کشتی‌سازی و تعمیرات شناورهای دریایی است و

نزدیکی آن به صنایع نورد لوله و فولاد در مرکز استان خوزستان از دیگر مشوقه‌هایی است که می‌تواند

برای سرمایه‌گذاران دارای جذابیت باشد. همچنین اروند چند پروژه بزرگ فولادسازی را در دست

احداث و اجرا دارد و همین موضوع می‌تواند با افزایش قابلیت اشتغال، تأمین مواد اولیه بخش تولید و صادرات غیر نفتی در منطقه و کشور کمک شایانی کند.

علی زارعی، رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه اروند، در تشریح شاخصه‌های این منطقه، بیان کرد: اروند ترکیبی از نیروی انسانی مجرب، جوان و تحصیل کرده خصوصاً در زمینه‌های صنعتی و بازرگانی است که با دارا بودن مرز آبی و خشکی با کشور عراق و امکان دسترسی آسان به بازار کشورهای حوزه خلیج فارس مؤلفه و مشوق‌های فراوانی را برای ایجاد مشاغل خرد و کلان ایجاد کرده است.

وی با اشاره به دسترسی به بازار وسیع و جمعیت داخلی شهرهای آبادان و خرمشهر (با جمعیتی بالغ بر ۵۰۰ هزار نفر) و جمعیت استان خوزستان (با جمعیتی بالغ بر ۴ میلیون نفر) و جمعیت ۲۸ میلیونی کشور عراق و قربت به مرکز عمده جمعیتی، صنعتی، کشاورزی و معادن کشور، گفت: وجود رودخانه‌های آب شیرین اروند، کارون و بهمنشیر با قابلیت کشتیرانی و برخورداری از چهار نوع حمل و نقل جاده‌ای، ریلی، هوایی و دریایی در منطقه، با دارا بودن نیروگاه گازی نقش عمده‌ای را نیز در تولید برق کشور ایفا میکند.

وی افزود: این منطقه ضمن بهره‌مندی از علم و امکانات تهیه مواد اولیه بخش تولید و نیروی کار ارزان مخصوصاً برای سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه، فرصتی مغتنم برای یک سرمایه‌گذاری امن و سودآور است. همچنین منطقه آزاد اروند با دارا بودن دومین بندر کانتینری کشور (خرمشهر) و بندر آبادان با امکان ترانزیت کالا به کشورهای منطقه و کشورهای آسیای میانه به عنوان نزدیکترین بندر، باصرفه‌ترین و کوتاه‌ترین راه ترانزیتی شمال به جنوب کشور به شمار می‌رود.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد اروند، ادامه داد: منطقه آزاد اروند ضمن برخورداری از امکانات و تأسیسات زیربنایی صنعتی، بازرگانی و شهری، از حاصل خیزی خاک حاشیه رودخانه‌های منطقه جهت گسترش تولیدات کشاورزی نیز بهره می‌برد.

زارعی تصریح کرد: پایانه مرزی شلمچه، یکی از استراتژیک‌ترین و پرتددترین منافذ بین‌المللی کشور است که سالانه بالغ بر ۸۰۰ میلیون دلار از تولیدات منطقه و سرزمین اصلی را به کشور عراق صادر می‌کند. این پایانه در منطقه آزاد اروند واقع شده و از دو بخش مسافری و تجاری برخوردار است.

وی با بیان اینکه پایانه شلمچه سالانه قریب به ۲ میلیون تردد را در فرآیند برگزاری مراسم اربعین حسینی به ثبت می‌رساند و در طول سال نیز، روزانه بالغ بر ۱۰ هزار مسافر میان دو کشور ایران و عراق از این طریق تردد دارند، اشاره کرد: وجود فرودگاه بین‌المللی آبادان در محدوده منطقه آزاد اروند، یکی دیگر از مؤلفه‌های این سرزمین پر رونق در حیطه تجارت است که ارتباط با مرکز کشور و دیگر کشورهای منطقه را تسهیل بخشیده است.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد اروند، یادآور شد: وجود بزرگ‌ترین پایانه مسافری دریایی کشور در بندر خرمشهر و برقراری خطوط کشتیرانی منظم به کشورهای همسایه از دیگر شاخص‌های منطقه آزاد اروند است که در کنار این مؤلفه، می‌توان به وجود پالایشگاه عظیم، قدیمی و شاخص آبادان با تولید روزانه ۶۰۰ هزار بشکه نفت و تأمین بخش عمده‌ای از بنزین کشور در محدوده این منطقه اشاره کرد. وجود تأسیسات عظیم سکوسازی وزارت



ملی مس با نماد فملی این روزها تحولات بنیادی قوی را به همراه دارد تحولاتی که هم باعث شده تا چشم انداز کوتاه مدت و هم بلند مدت شرکت بسیار روشن باشد ملی مس در گام اول در گزارش ۱۱ ماهه خود توانسته به فروش بیش از ۱۱۱ همتی دست یابد چنین فروشی این شرکت را جز شرکت های برتر بازار سرمایه و کشور قرار داده است از این حجم فروش بالا ۱۰ همت آن مربوط به بهمن ماه بوده که نشان می دهد در هر فصلی تولید و فروش سنگین شرکت تداوم دارد همچنین شاهد رشد جهشی نزدیک ۵۰ درصدی فروش ۱۱ ماهه امسال این شرکت به نسبت دوره مشابه سال قبل هستیم نکته بسیار مهم این که طی عملکرد ۱۱ ماهه امسال از فروش ۱۱۱ همتی بیش از ۲۳ همت آن به امر صادرات اختصاص یافته است ملی مس را می توان جز بزرگترین شرکت از نظر طرح های توسعه ای هم دانست به طوری که قرار است طی بازه چند ساله ظرفیت تولید کنسانتره و کاتد شرکت با رشد بسیار بالایی همراه شود بدین ترتیب شرکت قصد دارد افزایش سرمایه هایی را به منظور تامین مالی بخشی از این طرح های توسعه ای اجرایی که به زودی استارت گام اول این افزایش سرمایه زده می شود اما در قالب این افزایش سرمایه شرکت بودجه بسیار جذابی را پیشبینی کرده است که عمدتاً به واسطه اثر گذاری طرح های توسعه ای و تحولات این حوزه ناشی می شود

- برای سال ۱۴۰۲ سود نزدیک ۶۰ همت
- برای سال ۱۴۰۳ سود نزدیک ۹۲ همت
- برای سال ۱۴۰۴ سود ۱۳۰ همت
- برای سال ۱۴۰۵ سود ۲۱۵ همت
- برای سال ۱۴۰۶ سود ۳۸۰ همتی

این سود سازی زمانی بیشتر مورد نظر قرار خواهد گرفت که هم اکنون مارکت شرکت ملی مس تنها ۴۳۵ همت بوده که طی ۵ سال ۸۷۷ همت یعنی حدود ۲ برابر کل مارکت فعلی سود حاصل که بخشی از این سود تقسیم و بخش دیگری نیز از طریق افزایش سرمایه به جیب سهامداران سرازیر می شود پیشبینی شده است امری که نشان می دهد طی بازه زمانی ۴ ساله سود شرکت جهش ۵۳۰ درصدی را خواهد داشت و یکی از بالاترین نرخ های رشد سود را در ملی مس شاهد خواهیم بود بدین ترتیب این شرکت به یکی از برترین و کم ریسک ترین گزینه ها با دید بلند مدت برای سرمایه گذاری تبدیل می شود

۳ اهرم مهم: رشد قیمت دلار
رشد قیمت های جهانی مس

طرح های توسعه ای افزایش ظرفیت دست در دست هم داده تا طی چند سال آتی فروش و سود سازی در فملی رکورد های تازه ای را به ثبت برساند همچنین خبر اکتشاف جدید که منجر به افزایش ذخایر شرکت و تامین کنسانتره جدید و فروش ۱ میلیارد دلاری از تنها همین محل از دیگر تحولات اساسی در ملی مس محسوب می شود



۲-۳- پیش بینی صورت سود و زیان با فرض انجام افزایش سرمایه

شرح (رقم به میلیون ریال)	۱۴۰۲/۱۲/۲۹	۱۴۰۳/۱۲/۲۹	۱۴۰۴/۱۲/۲۹	۱۴۰۵/۱۲/۲۹	۱۴۰۶/۱۲/۲۹
درآمدهای عملیاتی	۱,۱۵۵,۶۳۸,۲۰۱	۱,۶۸۰,۱۱۸,۸۲۲	۲,۳۹۱,۵۲۱,۹۱۱	۳,۱۳۷,۰۰۰,۶۶۶	۶,۷۱۶,۱۱۱,۳۶۶
بهای تمام شده درآمدهای عملیاتی	(۳۶۶,۳۴۴,۳۲۳)	(۶۴۹,۱۶۶,۸۸۰)	(۹۲۶,۷۹۱,۰۷۲)	(۱,۵۲۰,۳۵۰,۳۰۵)	(۲,۸۶۶,۶۹۸,۱۲۰)
سود ناخالص	۷۸۹,۲۹۳,۸۷۸	۱,۰۳۰,۹۵۱,۹۴۲	۱,۴۶۴,۷۳۰,۸۳۹	۱,۶۱۶,۶۵۰,۳۶۱	۳,۸۴۹,۴۱۳,۲۴۶
هزینه های فروش، اداری و عمومی	(۶۵۰,۳۸۸,۲۲۲)	(۱,۰۷۵,۵۶۶)	(۱,۳۲۶,۲۰۰,۰۶۶)	(۱,۷۸۲,۵۶۸)	(۳,۸۶۱,۲۳۸,۸۷۸)
منابع درآمد	۱۳۸,۹۰۷,۶۵۰	۲۳۸,۰۱۶,۳۷۵	۳۳۸,۰۱۶,۳۷۵	۳۳۸,۰۱۶,۳۷۵	۳۳۸,۰۱۶,۳۷۵
منابع هزینه ها	(۱۳۵,۲۸۸,۸۱۱)	(۱۳۵,۲۸۸,۸۱۱)	(۱۳۵,۲۸۸,۸۱۱)	(۱۳۵,۲۸۸,۸۱۱)	(۱۳۵,۲۸۸,۸۱۱)
سود عملیاتی	۶۰۳,۶۱۸,۷۲۳	۱,۲۳۳,۶۶۳,۸۸۲	۱,۴۶۸,۵۴۶,۱۴۹	۱,۷۸۲,۵۴۶,۱۴۹	۳,۸۴۹,۴۱۳,۲۴۶
منابع درآمد و منتهای غیر مالیاتی	۲۲,۳۲۸,۳۹۰	۱۱۲,۳۲۸,۳۹۰	۲۲۸,۳۲۸,۳۹۰	۳۲۸,۳۲۸,۳۹۰	۳۲۸,۳۲۸,۳۹۰
سود عملیاتی قبل از مالیات	۵۸۱,۲۸۸,۳۳۳	۱,۱۲۱,۳۳۵,۴۹۲	۱,۲۴۰,۲۱۷,۷۵۹	۱,۴۵۴,۲۱۷,۷۵۹	۳,۵۲۱,۰۸۴,۸۵۶
مالیات بر درآمد	(۲۸,۶۶۹,۶۱۱)	(۲۸,۶۶۹,۶۱۱)	(۲۸,۶۶۹,۶۱۱)	(۲۸,۶۶۹,۶۱۱)	(۲۸,۶۶۹,۶۱۱)
سود خالص	۵۵۲,۶۱۸,۷۲۳	۸۹۲,۶۶۵,۸۸۱	۹۱۱,۵۴۸,۱۴۸	۱,۱۲۵,۵۴۸,۱۴۸	۳,۲۹۲,۴۱۳,۲۴۶

۱- مقادیر منابع کشف شده: ذخیره زمین شناسی اکتشاف شده تاکنون ۳,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تن

عدد مذکور ذخیره زمین شناسی اکتشاف شده تاکنون است و با تکمیل عملیات اکتشافی کمیت و رده ذخیره قابل ارتقاء می باشد.

۲- شرح موضوع شامل محل کشف و برنامه های آتی شرکت

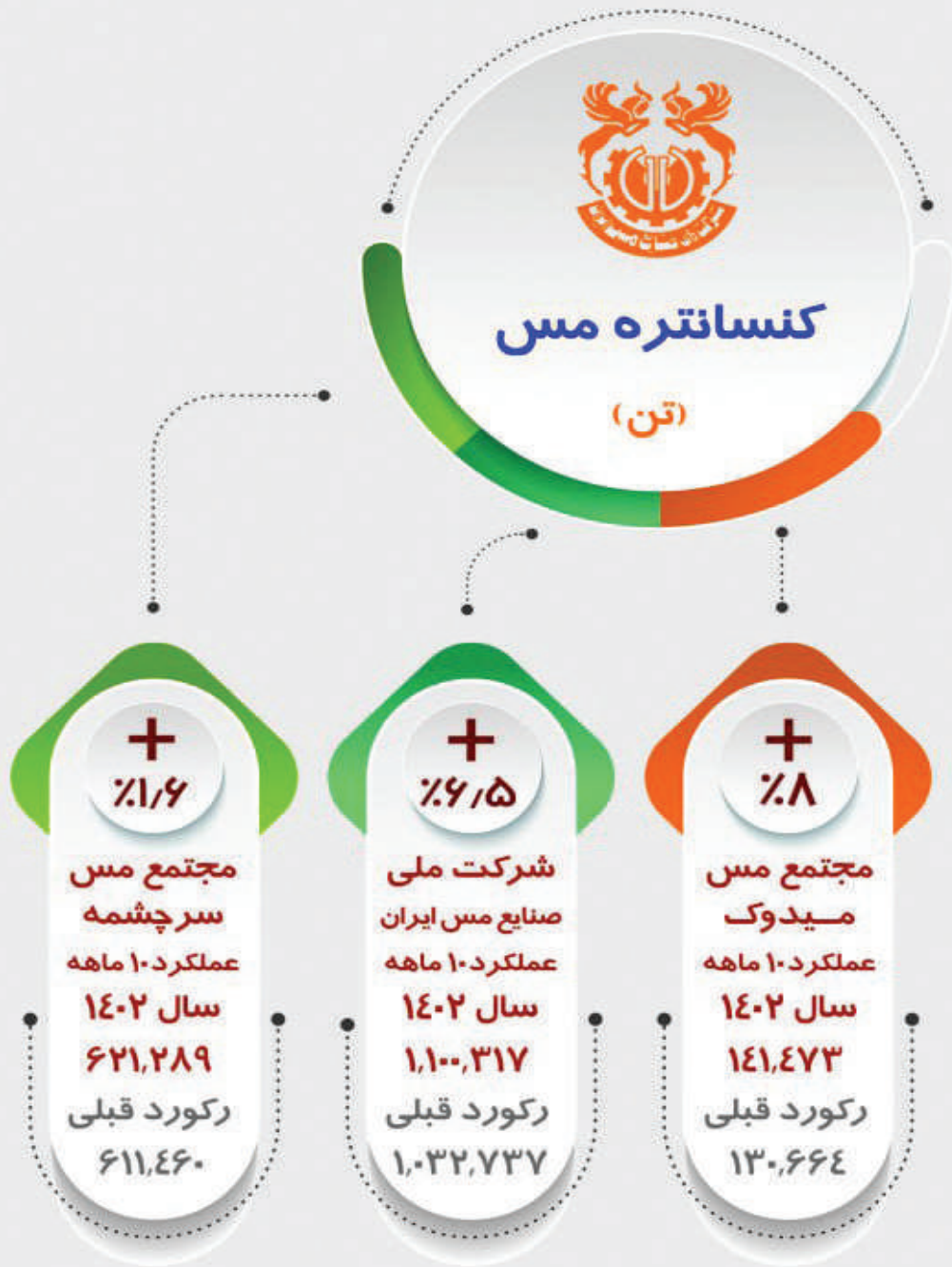
ذخیره زمین شناسی اکتشاف شده تاکنون ۳,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تن با عیار ۰.۴۳ و ذخیره قابل برداشت (معدنکاری) ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تن با عیار ۰.۳۷ می باشد.

بازگشایی معدن و عملیات پیش باطله برداری از تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۹ شروع و سه سال به طول خواهد انجامید. میزان باطله برداری اولیه ۱۳۰ میلیون تن می باشد. برداشت سالانه ماده معدنی به میزان ۴۲ میلیون تن و ظرفیت کنسانتره تولیدی ۵۵۰ هزار تن با ارزش تقریبی فروش یک میلیارد دلار در سال از سال ۱۴۰۶ و برای یک دوره ۲۵ ساله خواهد بود. قابل ذکر است که نسبت باطله برداری ۱.۷۵ و کل گمانه حفاری شده به میزان ۱۷۶ گمانه می باشد که به طول ۱۵۲ هزار متر انجام شده است.

عملکرد تولید

شرکت ملی صنایع مس ایران
رکورد تولیدات ده ماهه سال ۱۴۰۲

رکوردهای شرکت ملی صنایع مس ایران در یک نگاه



سزآمد در تولید
پیشرو در توسعه



یک دهه با تحولات صنعت لوازم خانگی

تحولات صنعت لوازم خانگی در یک دهه گذشته در حوزه صنایع ساخت محور با فرازهایی مانند افزایش ۴,۵ برابری تولید و ۲ برای سهم زنان از اشتغال در این صنعت و با فرودهایی همچون تشدید تحریمها و فشار هزینه‌های تولید روبرو بود که در نهایت برآیند آن را می‌توان در تغییر ساختار این صنعت از وضعیت مونتاژی به داخلی‌سازی مشاهده کرد.

بنگاه‌های تولیدی لوازم خانگی، جهش تولید به صورت مداوم و بدون وقفه را اثبات می‌کند.



هرچند آمار گویای شتاب تولید لوازم خانگی از سال ۹۸ تا امروز است اما در همین سال‌ها هم بخش تولید با جهش نرخ ارز و محدودیت واردات مواد اولیه و قطعات مورد نیاز تولید روبرو بود و همین مسئله هزینه تولید در صنعت لوازم خانگی را افزایش داده بود، بنابراین صنعت از یک طرف با تقاضای ۸۰ درصدی ناشی از خروج برندهای خارجی مواجه بود و از طرفی هم هزینه مبادلاتی برای تامین قطعات و تجهیزات وارداتی، روند تولید را با دشواری‌های دوچندان روبرو کرده بود. فاکتورهای موثر بر روند تولید راهی جز داخلی‌سازی قطعات که همان عمق ساخت داخل است، باقی نگذاشته بود و براساس آمار موجود در گزارشات کدال، عمق ساخت داخل از ۵۲ درصد در سال ۹۷ به ۷۲,۱ درصد در سال ۱۴۰۲ افزایش پیدا کرد.

سهم زنان شاغل در صنعت لوازم خانگی ۲ برابر شد سهم اشتغال زنان در صنعت لوازم خانگی از ۸ درصد به ۱۵ درصد در پایان دهه ۹۰ افزایش پیدا کرده است که حاکی از قابلیت صنعت لوازم خانگی در تامین اهداف فراگیری است به این معنا که دستاوردهای این صنعت توانسته مشمول گروه‌های مختلف اجتماعی شود.

خروج ارز در صنعت لوازم خانگی در یک دهه نصف شد ظرفیتی که در بخش تولیدی ایجاد شده بود، در حوزه

فاز نخست تحول در صنایع لوازم خانگی با راه‌اندازی کارخانه‌هایی همچون ارج شکل گرفت و در ادامه مسیر منجر به استقرار صنایع گرمایشی و سرمایشی که فناوری تولید یا مونتاژ آن به سهولت در ایران امکان‌پذیر بود، شد.

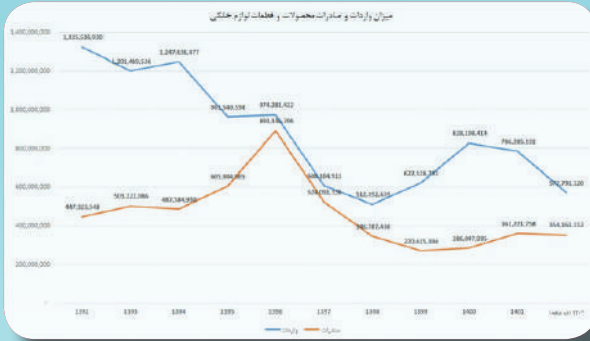
موج دوم تحول در صنایع لوازم خانگی ایران که با خیزش دوباره و تحول در این صنایع همراه بود از دهه ۸۰ آغاز و تاکنون هم با فازهای مختلف ادامه دارد؛ تحولات از این برهه زمانی به بعد به گونه‌ای بود که در فازهای مختلف ساختار صنعت لوازم خانگی دچار تحولات متعدد شد به گونه‌ای که این صنعت از وضعیت مونتاژی توانست به داخلی‌سازی دست پیدا کند.

در تحولاتی که از دهه ۸۰ به بعد رقم خورد، در سال‌های ۹۲ به بعد تحول ساختار و توسعه صنایع لوازم خانگی اجرایی شد که عمده‌ترین محرک را می‌توان تشدید تحریم‌های امریکا و خروج برندهای خارجی از ایران دانست، فشار خارجی ناشی از تحریم و کمبود منابع ارزی در داخل سبب شد تا ممنوعیت واردات کالاهای مختلف اجرایی شود که یکی از آنها لوازم خانگی بود. با خلایی که برندهای خارجی با خروج ناگهانی خود در بازار ایران ایجاد کردند، تولیدکنندگان ایرانی با افزایش ظرفیت توانستند نیاز بیش از ۸۰ درصدی بازار لوازم خانگی را مرتفع کنند، تا پیش از این به گفته موسسه GFK بیش از ۸۰ درصد سهم بازار لوازم خانگی ایران به برندهای خارجی تعلق داشت.

یک دهه و افزایش ۴,۵ برابری تولید لوازم خانگی در سال ۹۲ برخلاف سال ۹۷ به بعد همچنان فاصله میان نرخ ارز اسمی و واقعی، روزه‌های قاچاق برای ورود لوازم خانگی خارجی به ایران را بازتر کرد و طی این سال‌ها صنعت لوازم خانگی توانست در بستر سالم و ارگانیک به توسعه صنعتی دست پیدا کند و تنها چند واحد تولیدی آن هم به صورت محدود، همچنان چرخ تولید را به حرکت درمی‌آوردند اما بین سال‌های ۹۲ تا ۹۷ که هنوز تسلط و انحصار برندهای خارجی در بازار حاکم بود، سیاست‌گذاری مدون با رویکرد حمایتی از صنعت وجود نداشت.

همانطور که روند تولید از سال‌های ۹۷ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد، سیاست حمایتی و همزمانی آن با افزایش ظرفیت





صادرات محصول هم تاثیرات خود را داشت و با وجود اینکه کشور از سال ۹۷ به بعد تحت تحریم‌های ثانویه ترامپ قرار گرفت و کمتر کشوری به خاطر ترس از جریمه‌های امریکا حاضر به مبادله با ایران بود، صنعت لوازم خانگی توانست از سال ۱۴۰۰ به بعد روند صعودی صادرات را در پیش بگیرد.

طی سال‌های ۹۲ تا ۹۶ هم به علت روندهایی که هنوز در حوزه تجارت خارجی وجود داشت این روند صعودی بود و در این یک دهه در سال ۹۶ با دو برابر شدن صادرات لوازم خانگی نسبت به سال ۹۲ شاخص صادرات به اوج خود رسید. در سال ۹۲ که هنوز ساختار صنعت لوازم خانگی به سمت افزایش داخلی‌سازی به جای مونتاژ تغییر نکرده بود، واردات لوازم خانگی و قطعات این صنعت به ۱,۳ میلیارد دلار رسید؛ این شرایط ناشی از دو عامل بود یکی آنکه در این دوره به دلیل پایین بودن شاخص عمق ساخت داخل، صنعت برای تولید نیاز به تامین قطعات مورد نیاز از طریق واردات داشت، دوم آنکه انحصار بیش از ۸۰ درصدی بازار از سوی برندهای خارجی سبب شده بود تا بیشتر نیاز بازار از کانال واردات تامین شود که طبیعی است که میزان خروج ارز از کشور در این دوره به ۱,۳ میلیارد دلار رسیده بود و امروز میزان نیاز به واردات به نصف سال ۹۲ کاهش پیدا کرده است.

اکنون سهم صنعت لوازم خانگی به گواه آمار وزارت صمت، ۵,۶ درصد از صنایع ساخت محور ایران است اما رسیدن به این سهم هم با فشارهای هزینه‌ای همراه بوده است که از سرعت تحقق ارزش افزوده این صنعت هم کاسته است اما رشد تولیدات که به نیاز بازار پاسخ می‌دهد، سرعت بالایی داشته است که در مقایسه آمار تولید یک دهه گذشته قابل درک است. برای تحقق عمق صنعتی کشور، پیکان سیاست‌گذار باید کاهش فشارهای هزینه‌ای از دوش صنایع ساخت محور را هدف قرار دهد زیرا با نابودی یا تضعیف صنایع ساخت محور، سرمایه‌گذاری توسعه‌ای در صنعت هم رقم نخواهد خورد و کشور با استهلاک سرمایه‌های انسانی و مادی و در نهایت هم هدایت سرمایه‌ها به بخش‌های سفته‌بازانه اقتصاد روبرو خواهد شد.



تحقیق و توسعه در صنعت لوازم خانگی

۱. راهاندازی دفتر تحقیق و توسعه در کشورهای خارجی مانند کره جنوبی، ایتالیا و ترکیه

۲. راهاندازی دپارتمان زیرساخت
خرجه عمر محصول (PLM) برای جهانی شدن

۳. تولید محصول طبق سیستم APQP برای حفاظت از محیط زیست و استفاده بهینه از مواد اولیه

۴. استقرار Reliability Lab
برای تست عمر مفید محصول

۵. راهاندازی مراکز طراحی
Design Center

۶. راهاندازی دپارتمان برق و الکترونیک

۷. صدور مجوز ۶ مرکز پژوهش‌های صنعتی و معدنی

۸. صدور مجوز ۲۳ مرکز تحقیق و توسعه در واحدهای تولیدی

۹. راهاندازی مراکز نوآوری لوازم خانگی در دانشگاه‌های تراز اول کشور



دستاوردهای فناوریانه صنعت لوازم خانگی

به‌کارگیری هوش مصنوعی و اینترنت اشیا در محصولات

امرسان

ساید بای ساید، ماشین لباسشویی و ظرفشویی، تلویزیون و جاروبرقی

هیمالیا

یخچال فریزر دو قلو



یخچال و فریزر، اجاق گاز
ماشین لباسشویی و ظرفشویی

دیپویت

یخچال با ۲ مدل دیسکاور و کپچر



ماشین لباسشویی

۵ سالانه صنعت لوازم خانگی

۱۳۹۸ - ۱۴۰۲ (۱۰ ماهه)

صرفه جویی ارزی

۴.۵ میلیارد دلار

نیاز ارزی

۱.۵ میلیارد دلار

ارزش تولید در صنعت لوازم خانگی

۷ میلیارد دلار

ارزش واردات
محصول کامل

سال ۱۴۰۲
۲۱۵ میلیون دلار

سال ۱۳۹۸
۹۱ میلیون دلار

میزان اشتغال
مستقیم

سال ۱۴۰۲
۳۰۰,۰۰۰ نفر

سال ۱۳۹۸
۹۰,۰۰۰ نفر

ارزش واردات
قطعات

سال ۱۴۰۲
۳۸۰ میلیون دلار

سال ۱۳۹۸
۴۲۱ میلیون دلار

عمق ساخت داخل

سال ۱۴۰۲
۷۲.۱ درصد

سال ۱۳۹۸
۵۳ درصد

میزان تولید

سال ۱۴۰۲
۱۷,۰۰۰,۰۰۰ دستگاه

سال ۱۳۹۸
۷,۷۰۰,۰۰۰ دستگاه

ارزش صادرات
محصول کامل

سال ۱۴۰۲
۱۲۲ میلیون دلار

سال ۱۳۹۸
۱۱۳ میلیون دلار

ارزش صادرات
قطعات

سال ۱۴۰۲
۲۰ میلیون دلار

سال ۱۳۹۸
۱۴ میلیون دلار



نماد توسعه و تعالی صنعت کشور



فرا رسیدن نوروز باستانی بر هموطنان عزیز مبارک باد.



تهران - تلفن: ۰۲۱-۸۸۱۰۳۶۴۸

مشهد - تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۶۲۵۴۶

کارخانه - تلفن: ۰۵۱-۵۴۲۳۱۹۲۷

نمابر: ۰۲۱-۸۸۷۱۱۰۹۵

نمابر: ۰۵۱۰-۳۷۶۶۴۴۰۲

نمابر: ۰۵۱-۵۴۲۳۱۹۲۸

www.sanganco.ir

admin@sanganco.ir

[@sangamfoolad](https://www.instagram.com/sangamfoolad)

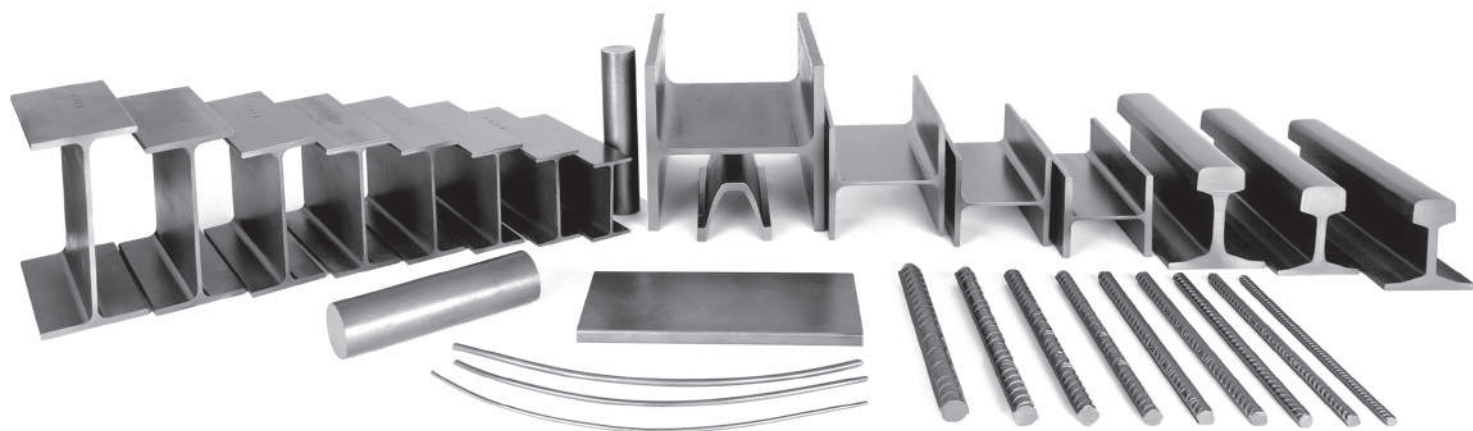
[@fooladsangan_smic](https://www.instagram.com/fooladsangan_smic)

روابط عمومی شرکت صنایع معدنی فولادسنگان



شرکت ذوب آهن اصفهان (سهامی عام)

ESFAHAN STEEL COMPANY



محصولات ذوب آهن اصفهان
در بالاترین سطح کیفیت و
مطابق با استانداردهای
مللی و بین المللی

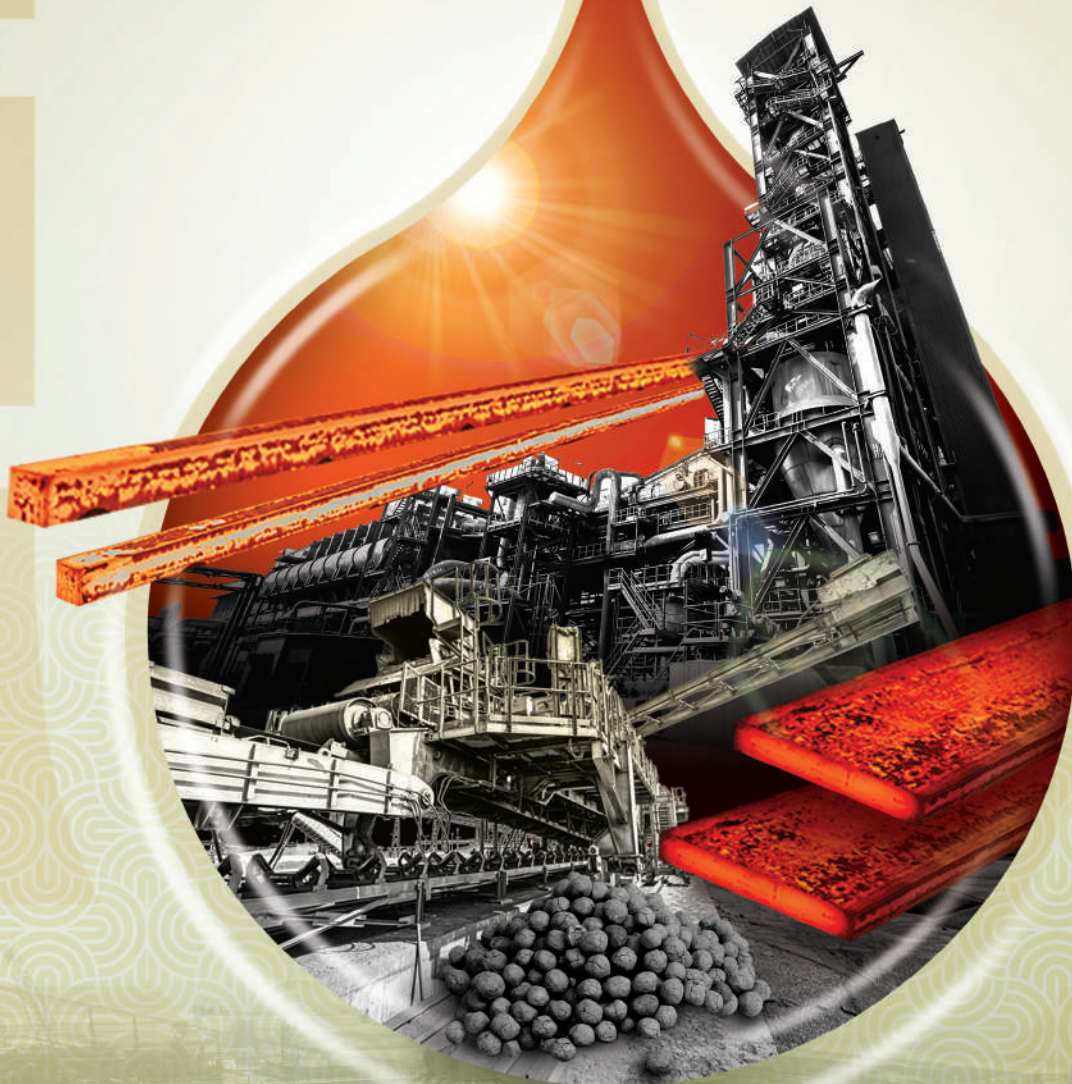
با اطمینان بسازید

ریل ملی، افتخار ملی

www.esfahansteel.ir

**فولاد شادگان
مسیر توسعه**

**شرکت صنعت
پیشگام در**



**راه اندازی واحد فولادسازی و تولید محصول
تا پایان ۱۴۰۲**



KSC
شرکت فولاد خوزستان



SSIC
شرکت صنعت فولاد شادگان

استان خوزستان، کیلومتر ۱۰، اتوبان سریندر به آبادان، شرکت صنعت فولاد شادگان

www.ssico.ir

صبا فولاد خلیج فارس در سال ۱۴۰۲

نخستین تولید کننده بریکت گرم آهن اسفنجی (HBI) در ایران

ثبت بزرگترین تأمین مالی تاریخ بازار سرمایه با پذیره نویسی ۴۴۵۰ میلیارد تومانی سهام صبا فولاد خلیج فارس در فرابورس ایران و مشارکت جمعا بیش از ۹ میلیارد سهم در پذیره نویسی «**فصاح**»



ثبت رکورد تولید سالانه بیش از یک میلیون تن در سال رشد تولید با تولید یک میلیون و ۶۲ هزار و ۸۶۸ تن بریکت گرم آهن اسفنجی در سال مالی (یک دی ۱۴۰۱ تا ۳۰ آذر ۱۴۰۲)



آغاز طرح توسعه کارخانه صبا فولاد خلیج فارس با شروع عملیات اجرایی احداث واحد دوم احیاء مستقیم تولید بریکت گرم (HBI) به ظرفیت **یک میلیون و ۷۶۰ هزار تن تولید سالانه** بریکت



اخذ چهار گواهینامه استانداردهای سیستم های مدیریتی (ISO) و تدوین و پیاده سازی سند استراتژی



کسب عنوان شرکت برتر از نظر رشد سریع در بیست و پنجمین همایش رتبه بندی شرکت های برتر ایران



انتخاب به عنوان واحد نمونه صنعتی در آیین بزرگداشت روز صنعت و معدن و تجلیل از صنعتگران و معدنکاران نمونه استان هرمزگان



چشم انداز صبا فولاد خلیج فارس در افق سال ۱۴۱۰ **تولید ۳ میلیون تن** محصولات فولادی با ارزش افزوده بالا و افزایش سهم شرکت در تأمین حقوق بازنشستگان کشوری **به ۸ درصد**



کتابخانه
مبارک



شرکت آهن و فولاد ارفع



دفتر مرکزی: بلوار نلسون ماندلا، خیابان سلطانی (سایه)

پلاک ۶۹ کد پستی: ۱۹۶۷۷۴۳۷۸۰

تلفن: ۰۲۱-۷۲۰۶۳۰۰۰ فکس: ۰۲۱-۷۲۰۶۳۰۰۱

WWW.ARFASTEEL.COM

پرداخت تسهیلات تا سقف ۶ میلیارد تومان

ویژه پذیرندگان دستگاه‌های کارتخوان متصل به حساب‌های

بانک توسعه تعاون

طرح پایانه طلایی



برای کسب اطلاعات بیشتر به شعب بانک توسعه تعاون مراجعه نمایید.

www.ttbank.ir

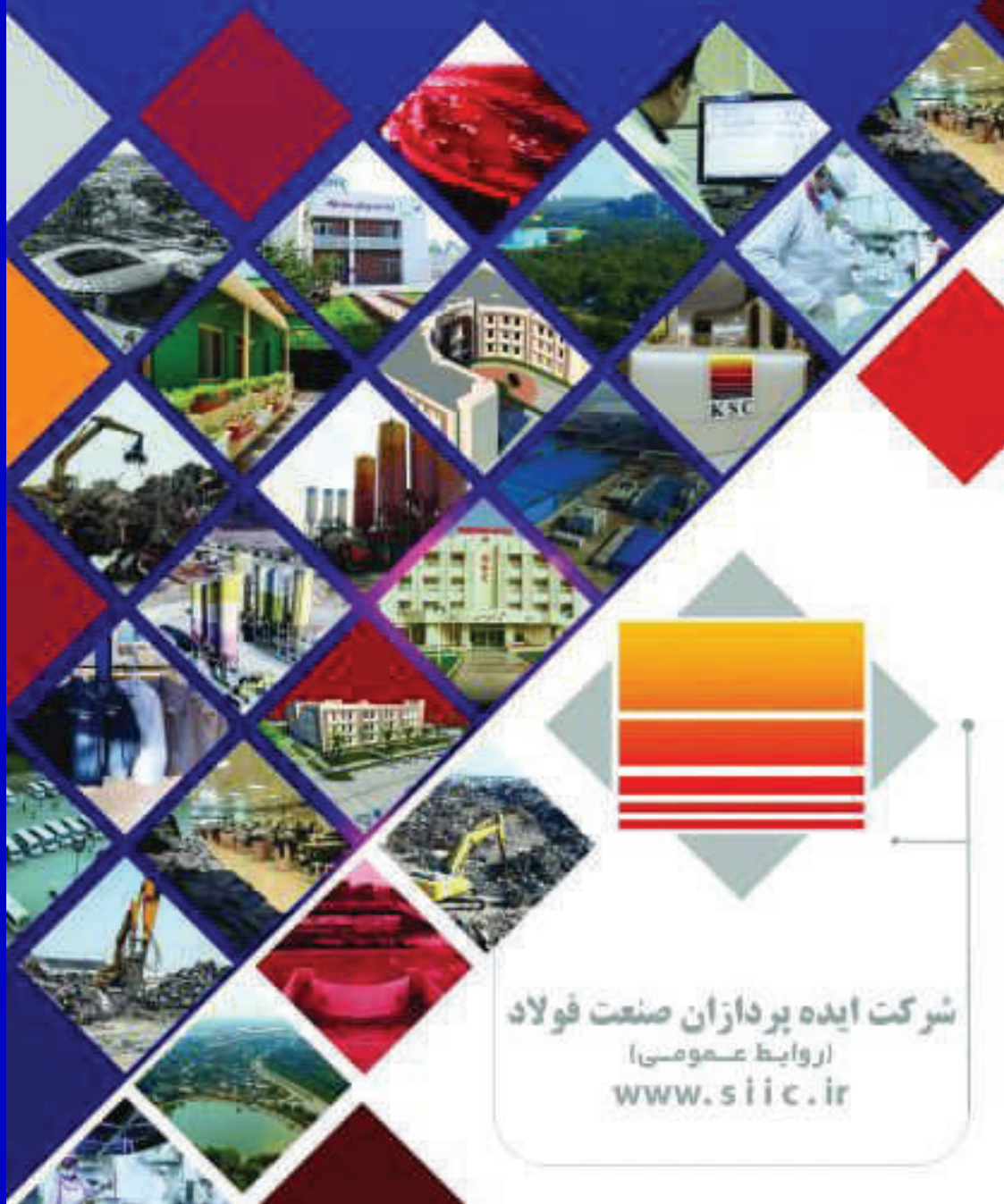
مرکز تماس مشتریان: ۰۲۱-۶۴۳۸۰۰۰۰



بانک توسعه تعاون
TOSE'E TA'AVON BANK



● کیفیت برتر در اجرای پروژه های EPC و ارائه خدمات پشتیبانی صنعتی



شرکت ایده پردازان صنعت فولاد

(روابط عمومی)

www.siiic.ir

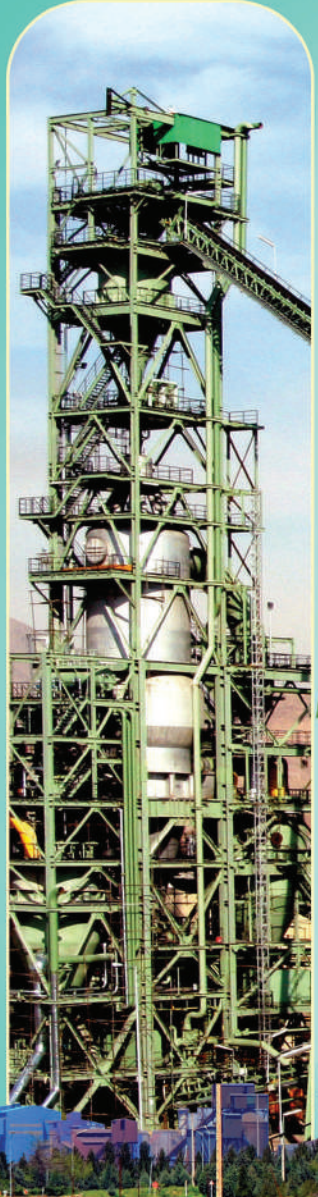


حکومت اسلامی ایران
جمهوری اسلامی ایران
مفتاب العلوم والادب

شرکت مجتمع فولاد خراسان

استحکام آید؛ آرایش ماندگار

تقارن خجسته‌ی نوروز باستانی و بهار قرآن شاد و فرخنده باد



سایت: www.KSCCO.ir



دورنگار: ۳ و ۴۵۳۳۳۱ و ۵۱۴۲۴۵



تلفن: ۰۵۱ ۴۱ ۵۲ ۰۰۰۰



ایمیل: Info@KSCCO.ir



صندوق پستی: ۴۸۸



کیلومتر ۱۵ جاده نیشابور به شهر فیروزه



روابط عمومی



جوایز داغ قرعه‌کشی «وین کارت» ۳ برابر شد!





پاستا
تولیدکننده ۷۰ نوع از محصولات پاستا، لازانیا،
پودر کیک و سس پاستا



فروکتوز، گلوکز، مالتودکسترین، نشاسته ذرت
تولیدکننده انواع محصولات بر پایه نشاسته ذرت



کانفکشنری
تولیدکننده انواع شکلات، کیک، ویفر و بیسکویت



آرد
تولیدکننده انواع آرد گندم



روغن
تولیدکننده انواع روغن سالاد و پخت و پز



فروکتوز، گلوکز، مالتودکسترین، نشاسته ذرت دارویی
تولیدکننده انواع مواد اولیه دارویی بر پایه نشاسته ذرت



کود
تولیدکننده انواع کود طبیعی مایع



NEW

Royal Sausage

1 90% Burger





ICD GROUP

A FAMILY FOR SAVING FAMILIES

www.icdgroup.org





دارنده جایزه ملی کیفیت ایران از سازمان ملی استاندارد کشور

سوله های پیش ساخته بتنی پارس لانه

○ فناوری روز دنیا

○ قدرت و استحکام

○ ایمن و ماندگار

۰۲۶-۳۳۱۱۱

پارس لانه بزرگترین تولید کننده بتن آماده و قطعات بتنی استاندارد در کشور

www.ParsLaneh.com

کرج ، جاده قزل حصار روبروی پمپ بنزین خیابان پارس لانه



سال نو مبارک

Happy Nowruz \ Persian New Year

1403/2024

فقط در ۳ دقیقه

www.elitefood.ir

گل کجھڑ

رویش باور ہا در دل کویر

GOLGOHAR MINING & INDUSTRIAL COMPANY



شرکت معدنی و صنعتی گل کجھڑ
GOLGOHAR MINING & INDUSTRIAL COMPANY

روابط عمومی و امور بین الملل

www.geg.ir



WAVE LINE STUDIO

بازاریابی محتوا
ویدئوگرافی و عکاسی
طراحی هویت بصری
برندینگ
کیپی رایتینگ



09122041215
09124876910



wavelinestudio@gmail.com



wavelinestudio



برخی از افتخارات مهندسی فکور صنعت تهران

- افزون بر سه دهه حضور مقتدر و حرفه ای با اجرای بیش از ۵۰ پروژه بزرگ مقیاس در صنعت و معدن و فولاد سازی
- کسب رتبه ۶۳ در میان ۵۰۰ شرکت برتر ایران (سازمان مدیریت صنعتی، سال مالی ۱۴۰۱)
- کسب رتبه اول شرکت های گروه پیمانکاری کشور از نظر شاخص فروش (سازمان مدیریت صنعتی، سال مالی ۱۴۰۱)
- دارای نظام مدیریت HSE در راستای حفظ کرامت انسانی، ایمنی و محیط زیست

شرکت

جهان فولاد سیرجان

Sirjan Jahan Steel Company (SJSCO)

بزرگترین تولید کننده شمش فولادی
و میلگرد سایز (۸ الی ۳۲) در جنوب شرق کشور

• آهن اسفنجی

• بریکت

• شمش فولادی

• میلگرد



شرکت جهان فولاد سیرجان
(سهامی عام)



تولید ایمن و پاک از معدن تا شمش فولادی



شرکت فولاد سیرجان ایرایمن
روابط عمومی و امور بین الملل

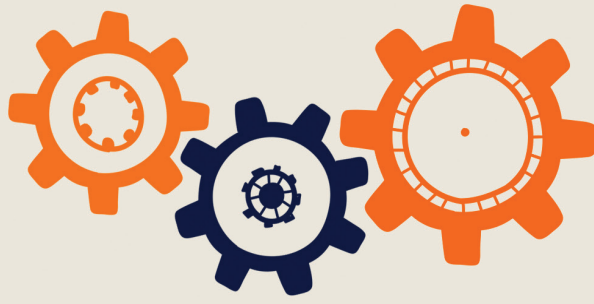


www.Sisco.Midhco.com



[sisco.ir](https://www.instagram.com/sisco.ir)

MIDHCO



تعمیرات تخصصی برندهای مطرح پوز



شرکت تندر نور

+98(21) - 77444464

WWW.THUNDER-LIGHT.COM



Shirin Asal
شیرین عسل

سال نو مبارک

